

به نام خدا

فصلنامه پژوهش حسابداری و حسابرسی "نشریه علمی"

سال دهم، شماره ۳ (پیاپی ۳۸)، پاییز ۱۳۹۹

فصلنامه

پژوهش حسابداری

صاحب امتیاز: دانشگاه الزهراء (س)

مدیر مسئول: علی رحمانی، استاد دانشگاه الزهراء (س)

سرمدیر: شهناز مشایخ، دانشیار دانشگاه الزهراء (س)

مدیر داخلی: پریسا سادات بهبهانی نیا، استادیار دانشگاه الزهراء (س)
هیأت تحریریه:

حمید پورجلالی، استاد دانشگاه هاوایی

رضوان حجازی، استاد دانشگاه الزهراء (س)

علی رحمانی، استاد دانشگاه الزهراء (س)

ذبیح اله رضایی، استاد دانشگاه ممفیس

شهناز مشایخ، دانشیار دانشگاه الزهراء (س)

مهناز ملانظری، دانشیار دانشگاه الزهراء (س)

سعید همایون، دانشیار دانشگاه گاول

حسن یزدی فر، استاد دانشگاه سالفورد

ویراستار علمی: پریسا سادات بهبهانی نیا

ویراستار ادبی: ماندانا طاهری

ویراستار انگلیسی: پرستو مصطفایی

طراح جلد: مریم صمدیان

صفحه آرا: خدیجه اسفندی

امور هماهنگی و اجرا: اعظم پاک خصال و خدیجه اسفندی

نشانی: تهران، میدان شیخ بهایی شمالی، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده

علوم اجتماعی و اقتصادی کد پستی: ۱۹۹۳۸۹۳۹۷۳

تلفن: ۸۵۶۹۲۴۲۱ و ۸۵۶۹۲۷۴۵ شماره: ۸۸۲۵۲۱۷۸

رایانامه: jar@alzahra.ac.ir

وبگاه: <http://ijar.alzahra.ac.ir>

این فصلنامه طبق مجوز شماره ۸۹/۲۲۵۱۶ مورخ ۱۳۸۹/۹/۲۸ از وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی به چاپ می‌رسد.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

پژوهش‌های ارسال شده پس از داوری تخصصی و در صورت تأیید هیأت تحریریه، به چاپ می‌رسد. از تمامی استادان و پژوهشگران گرامی که پژوهش‌های خود را برای چاپ به این فصلنامه ارسال می‌کنند، تقاضا می‌شود، در تنظیم پژوهش به موارد زیر توجه کنند.

۱. شکل پژوهش

پژوهش در محیط نرم‌افزاری Word 2007، در اندازه صفحه A4 (حاشیه‌ها از بالا ۴، پایین ۶/۵، چپ ۴/۵ و راست ۵ سانتی‌متر)، قلم فارسی متن B Nazanin با اندازه قلم: برای عنوان پژوهش ۱۶ و برای نام نویسندگان ۱۲ به صورت پرننگ (Bold) و وسط چین؛ قلم فارسی متن B Zar با اندازه قلم: برای قسمت چکیده ۱۱، متن اصلی پژوهش ۱۲، پی‌نوشت ۱۱، منابع ۱۱، واژه‌های کلیدی ۱۰ و محتوای فارسی نگاره‌ها ۱۰؛ فاصله بین خطوط یک سانتی‌متر و تورفتگی ابتدای هر پاراگراف معادل ۰/۳ سانتی‌متر و ردیف شده (Justify)؛ قلم انگلیسی متن Times New Roman با اندازه قلم: برای عنوان انگلیسی (پرننگ) ۱۴، چکیده انگلیسی ۱۲، فرمول‌ها ۱۱ (چپ چین)، پی‌نوشت ۱۱، منابع ۱۱، محتوای انگلیسی نگاره‌ها ۹، طبقه‌بندی موضوعی ۸؛ عناوین نگاره‌ها و شکلها ایتالیک و پرننگ (Bold)، دارای فاصله ۶ نقطه (pt) قبل و بعد از نگاره و شکل و به صورت وسط چین؛ حداکثر در ۱۸ صفحه (شامل منابع و ماخذ) و بدون شماره گذاری صفحات، حروف چینی و فایل اصلی پژوهش و فایل بدون نام نویسنده از طریق سامانه‌ی دریافت پژوهش‌ها www.jera.ir ارسال شود. تا جایی که ممکن است، در متن پژوهش از عکس استفاده نشود و در صورت استفاده، عکس با کیفیت بالا و سیاه و سفید باشد.

۲. ساختار پژوهش

۲-۱. صفحه جلد پژوهش: این صفحه باید شامل موارد زیر باشد:

- عنوان کامل پژوهش؛
- نام نویسنده یا نویسندگان (نام نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، با علامت ستاره مشخص شود)؛
- رتبه علمی و نام مؤسسه یا دانشگاه یا محل اشتغال (به صورت فارسی و انگلیسی)، نشانی کامل نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، شامل: نشانی پستی، شماره تلفن، نمابر و نشانی پست الکترونیک (برای تمام نویسندگان)؛
- در ذکر نام نویسنده‌ها از القاب و عناوین استفاده نشود و فقط رتبه علمی و محل خدمت درج شود.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

۲-۲. **صفحه اول پژوهش:** عنوان و چکیده پژوهش به زبان فارسی. چکیده در چهار پاراگراف شامل موضوع و هدف پژوهش، روش پژوهش، یافته‌های پژوهش، و نتیجه‌گیری و اصالت و افزوده آن به دانش (در مجموع حداکثر ۱۶۵ کلمه) و واژه‌های کلیدی (حداکثر پنج واژه) و کد طبقه‌بندی JEL باشد. این کدگذاری برای طبقه‌بندی موضوعی در ادبیات اقتصادی طراحی شده است و جزئیات نحوه استفاده از آن در پایگاه اینترنتی: www.aeaweb.org/journal/jel_class_system.html قابل دسترسی است.

۲-۳. **صفحه دوم تا انتهای پژوهش:** این بخش باید در بردارنده موارد زیر باشد:

- مقدمه (چند پاراگراف شامل بیان مسئله، مبانی نظری، هدف، اهمیت و ضرورت آن)؛
- مروری بر پیشینه (صرفاً پژوهش‌های مرتبط و به ترتیب زمانی یا موضوعی بررسی شود و نتیجه آن در پایان این بخش استخراج ماتریس نظریه و یا مدل مفهومی یا تحلیلی باشد که متغیرهای پژوهش را مستند می‌سازد و تدوین فرضیه‌های پژوهش؛
- روش پژوهش (شامل: روش پژوهش، ابزار گردآوری اطلاعات، فنون تجزیه و تحلیل و مدل آزمون فرضیه‌ها، تعریف متغیرهای مورد مطالعه و تعریف عملیاتی آن‌ها (می‌تواند در همان بخش مدل‌های آزمون فرضیه ارائه شود و در این صورت نیازی به تکرار ندارد)، جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری)؛
- یافته‌های پژوهش (شامل: ارائه یافته‌ها، مقایسه آن با یافته‌های پژوهش‌های مذکور در پیشینه و تفسیر انطباق یا ناسازگاری یافته‌ها با پژوهش‌ها و نظریه‌ها)؛
- نتیجه‌گیری (شامل: خلاصه مسئله، ارائه خلاصه نتایج و نتیجه‌گیری کلی و ارائه پیشنهادها بر مبنای نتایج (توصیه‌های سیاستی صرفاً در پژوهشات کاربردی ضرورت دارد)، و در صورت لزوم پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی با توجه به محدودیت‌های پژوهش یا چگونگی توسعه پژوهش حاضر)؛
- فهرست منابع.
- چکیده انگلیسی (که باید ترجمه مفهوم و روانی از چکیده فارسی باشد).

۳. ارجاع‌های درون‌متنی

به منظور ارجاع‌های فارسی در متن پژوهش از روش APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که:

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

نام خانوادگی نویسنده همراه با سال انتشار آن در متن به صورت فارسی ارائه می‌شود و نیازی به ذکر معادل انگلیسی اسامی در پی نوشت نمی‌باشد. چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود از ویرگول (،) و چنانچه تعداد منابع مورد استناد بیش از یک عدد بود از نقطه ویرگول (؛) به منظور جدا سازی استفاده شود. هر منبعی که در متن پژوهش به آن اشاره می‌شود، باید اطلاعات کامل آن در فهرست منابع درج شود و به غیر از این منابع، منبع دیگری در فهرست منابع و ماخذ درج نشود. در صورت نیازه توضیحات لازم درباره اصطلاح‌ها و یا ذکر معادل‌های انگلیسی واژه‌های درون متنی (به غیر از اسامی نویسندگان)، از پی‌نوشت استفاده شود. در متن به هیچ عنوان نباید عبارات و اصطلاحات انگلیسی ارائه شود، مگر در مورد فرمول‌ها و معادله‌ها.

۴. فهرست منابع

برای تنظیم فهرست منابع، از روش ارجاع APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که ابتدا منابع فارسی و پس از آن منابع انگلیسی، به ترتیب حروف الفبا و بر اساس نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر ذکر و شماره گذاری می‌شود:

۴-۱. **کتاب:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (سال انتشار). (نقطه و یک فاصله) نام کتاب با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) نام مترجم، (ویرگول و یک فاصله) محل انتشار (دو نقطه و یک فاصله) نام انتشارات. (نقطه)

۴-۲. **پژوهش:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان پژوهش. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان پژوهش. (نقطه)

۴-۳. **مقالات برخط:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان پژوهش. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان پژوهش. (نقطه و یک فاصله) دریافت شده از (دو نقطه و یک فاصله) آدرس سایت

۴-۳. **گزارش‌ها و سایر منابع:** در این باره نیز اطلاعات کافی و کامل ارائه شود.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

- فهرست منابع چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود، اسامی آن‌ها با استفاده از نقطه ویرگول (؛) جدا شود.

- فهرست منابع نیازمند شماره گذاری نمی‌باشد. چنانچه بیش از یک عنوان از یک یا چند نویسنده مورد استناد قرار گرفته باشد، علاوه بر رعایت ترتیب حروف الفبا، ترتیب سال انتشار نیز رعایت شود؛ به این صورت که کتاب یا پژوهش‌ای که زودتر (قدیمی‌تر) انتشار یافته است، در فهرست زودتر درج می‌شود. به منظور جلوگیری از بروز اشتباه بین منابع مختلف درج شده در فهرست، شروع هر منبع بدون تورفتگی یا بیرون زدگی خواهد بود و چنانچه عبارت طولانی شد، ادامه با تورفتگی (با استفاده از تکنیک Hanging) ۰/۵ سانتی متر می‌باشد.

۵. شکلها، نگاره‌ها و فرمول‌ها

عنوان شکلها در زیر و عنوان نگاره‌ها در بالای آن‌ها درج شود. بهتر است شکلها و نگاره‌ها، در داخل متن و پس از جایی که به آن‌ها اشاره شده، درج شوند. برای شماره گذاری از شماره ۱ (عددی و داخل پرانتز، مانند نگاره ۱) تا... استفاده شود. داخل نگاره‌ها باید به فارسی نوشته شود و در شرایط استفاده ممیز، از به کار بردن نقطه به جای ممیز خودداری گردد؛ در صورت ضرورت ضمن درج عنوان فارسی متغیرها، یک ستون می‌تواند به نمادهای مورد استفاده برای متغیر به زبان انگلیسی به گونه‌ای که در معادله‌ها و مدل‌ها استفاده شده اختصاص یابد. عناوین ستون‌ها در نگاره‌ها، به صورت وسط چین بوده و سطر اول هر نگاره که شامل عناوین ستون‌ها است با رنگ طوسی و درجه روشنی ۲ نمایش داده شود. برای اشاره به محتوای نگاره‌ها و شکلها در متن، می‌بایست با استفاده از شماره آن‌ها، ارجاع مناسب صورت گیرد. فرمول‌ها نیز در جداا دو ستونی به صورت خطوط نامرئی (No Border) ارائه و به صورت مدل (۱) (عددی و داخل پرانتز) تا... شماره گذاری شوند.

۶. پی نوشت‌ها

اصطلاحات انگلیسی و برخی توضیحات لازم در پی نوشت (نه زیر نویس) و به صورت نگاره چهار ستونی (شامل شماره پی نوشت و محتوای پی نوشت) با خطوط نامرئی (No Border) ارائه شود. شماره گذاری پی نوشت‌ها به صورت متنی و بدون استفاده از تکنیک EndNote در ورد درج شود.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

۷. سایر نکات

- قبل از نقطه، ویرگول، نقطه ویرگول، دو نقطه، علامت سؤال، علامت تعجب و... نیازی به فاصله نیست، اما بعد از این علائم باید یک فاصله گذاشته شود.

- هنگام استفاده از پرانتز قبل از باز شدن پرانتز و بعد از بسته شدن پرانتز از فاصله استفاده کنید.

- معادل‌های انگلیسی عناوین علمی نویسندگان به شرح نگاره زیر می‌باشد:

عناوین	معادل انگلیسی
کارشناس	BSc.
دانشجوی کارشناسی ارشد	MSc. Student
کارشناسی ارشد	MSc.
دانشجوی دکترا	Ph. D. Student
دکترا	Ph. D.
استادیار	Assistant Prof.
دانشیار	Associate Prof.
استاد	Prof.

* پژوهش‌های فرستاده شده نباید به صورت هم‌زمان به مجله‌های فارسی‌زبان دیگری در داخل و یا خارج از کشور ارسال شده باشد.

* فصلنامه از پذیرش پژوهش‌هایی که موارد شکلی و ساختاری یاد شده در راهنما در آن‌ها رعایت نشده باشد، معذور است.

* فصلنامه در ویرایش پژوهش‌ها و حذف برخی بخش‌ها، بدون تغییر در محتوای آن، آزاد است و پژوهش‌هایی را که دریافت می‌کند، باز نمی‌گرداند.

* مسئولیت صحت و سقم مطالب پژوهش به عهده نویسنده است.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

* فایل ورد را به زبان انگلیسی نام‌گذاری کنید. این نام باید شامل: نام خانوادگی نویسنده اول و تاریخ ارسال پژوهش باشد. ۱۳۹۱ پژوهش‌ها صرفاً از طریق وبگاه مجله دریافت می‌شود.

* به منظور تسریع در فرایند داوری و چاپ پژوهش، از استادان و پژوهشگران محترم تقاضا می‌شود قبل از ارسال پژوهش از ویرایش فنی و ادبی پژوهش و رعایت نکته‌هایی که در این راهنما درج شده است، اطمینان حاصل نمایند.

* پژوهش‌های پژوهشی به پژوهش‌هایی گفته می‌شود که از پروژه پژوهشاتی، رساله دکتری یا پایان‌نامه کارشناسی ارشد استخراج شده باشد.

فهرست مطالب

- اصول اخلاق اسلامی: چارچوبی برای تدوین آیین رفتار حرفه‌ای حسابداری ۱
شکراله خواجوی ، سارا اعتمادی عیدگاهی، محمد حسین قدیریان آرائی
- ارتباط بین روابط سیاسی و پدیده مدیریت مصنوعی و واقعی سود ۳۱
قادر داداش‌زاده
- بررسی تأثیر اندازه شرکت بر رابطه بین منابع نامشهود و عملکرد در شرکت‌های
پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ۵۷
زهره عارف‌منش ، طیبه زارع زردینی
- تبیین و توصیف رویکرد مداخله‌ای در پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی ۷۵
عبدالرضا محسنی ، لیدا صیادی
- تأثیر خانوادگی بودن شرکت‌ها بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود ۹۳
جاوید یار احمدی، عبدالله محمدی
- کاربرد تئوری استنباط متناظر (تئوری اسنادی) در رفتار سرمایه‌گذاران با رویکرد شبه
تجربی ۱۱۷
فرزانه نصیرزاده، مصطفی زنگی‌آبادی، وحید ملایمنی
- بررسی مقایسه‌ای بهای تمام شده فرآیند درمان بیماران گوارش اطفال با استفاده از
مدل‌های بهایابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا و سنتی (مورد مطالعه: بیمارستان شهید
صدوقی یزد) ۱۳۵
محمد رضا حاجی قاسمی، مهدیه اژدری
- کیفیت گزارش مالی، مالکیت خانوادگی و کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های
پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ۱۵۷
محمد محمدی



اصول اخلاق اسلامی: چارچوبی برای تدوین آیین رفتار حرفه‌ای حسابداری

شکراله خواجه‌جوی^۱، سارا اعتمادی عیدگاهی^۲، محمد حسین قدیریان آرانی^۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۰۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۲۵

مقاله ترویجی

چکیده

ارزش‌های اخلاقی، زیربنایی را فراهم می‌کند که یک جامعه بر آن بنا می‌شود. اخلاق سامان‌دهنده رفتار ارتباطی در مقیاس فرد، سازمان، جامعه و روابط جهانی است و غفلت از آن صدمات جبران‌ناپذیر زیادی را به دنبال دارد. ضوابط رفتاری و اخلاقی هر حرفه، مهمترین خط‌مشی‌های آن را مشخص می‌کند. این خط‌مشی‌ها، مواردی چون ویژگی‌های اصلی حرفه، روابط اعضای حرفه با جامعه، روابط اعضای حرفه با یکدیگر و در نهایت روابط هر عضو با جامعه حرفه‌ای را دربر می‌گیرد. با افزایش رسوایی‌های مالی مشخص شد که حسابداران باید علاوه بر رعایت استانداردها و ضوابط فنی به رعایت اخلاق حرفه‌ای نیز متعهد باشند. با توجه به اهمیت ارزش‌های اخلاقی در دین مبین اسلام، هدف مطالعه حاضر تبیین نقش اسلام و اصول اخلاقی آن در رفع مشکلات حرفه حسابداری و آیین اخلاق حرفه‌ای حسابداری مبتنی بر مفهوم عقل‌گرایی صرف در عصر حاضر است. در این پژوهش ضرورت و نیاز به مفاهیم ارزشی و اخلاقی اسلام جهت حراست و حفاظت از منافع عمومی تبیین و اصول اخلاقی اسلامی معرفی می‌گردند که می‌توان آنها را به‌عنوان مبنا و چارچوبی برای تدوین آیین رفتار اخلاق حرفه‌ای حسابداری مورد استفاده قرار داد. احترام و تکریم دیگران، آزادی، عدالت، امانت‌ورزی، صداقت، مسئولیت‌پذیری، مدارا و سعه صدر، نقادی و انتقادپذیری، اعتدال، فروتنی و مهربانی و رازداری مهمترین اصول اخلاقی هستند که از نهج البلاغه به‌عنوان یکی از بهترین منابع اسلامی قابل استخراج است و می‌توان از آنها برای تقویت آیین رفتار حرفه‌ای حسابداری موجود استفاده نمود.

واژه‌های کلیدی: آیین رفتار حرفه‌ای حسابداری، اصول اخلاق اسلامی، نهج البلاغه.

طبقه‌بندی موضوعی: M41

DOI: 10.22051/ijar.2020.26313.1509

^۱ استاد حسابداری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول) (shkhajavi@rose.shirazu.ac.ir)

^۲ دکتری حسابداری، دانشگاه تهران، پردیس کیش، ایران (sara.20666@yahoo.com)

^۳ دکتری حسابداری، دانشگاه شیراز شیراز، ایران (ghadirian.a.88@gmail.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

مقدمه

هنگامی که شخصیت افراد جامعه متزلزل شود، جامعه به طور فاجعه آمیزی آسیب پذیر می گردد. دوام و بقای یک ملت و یا یک فرهنگ منوط به این است که آن ملت مجهز به ارزش های اخلاقی باشد. همچنین، وظیفه و هدف اصلی هر حرفه و اعضای آن، خدمت به جامعه می باشد و منافع شخصی تنها می بایست در چارچوب ارائه این خدمات تفسیر و دنبال شود. حرفه حسابداری و حسابرسی نیز یکی از مشکل ترین و منضبط ترین حرفه های دنیا است و به دلیل نوع و ماهیت خدماتی که ارائه می کند، باید دارای اعتبار و اعتماد خاصی باشد. تداوم این اعتبار و اعتماد و تقویت آن بستگی به پایداری فکری و عملی اعضای حرفه به ضوابط رفتاری و اخلاقی آن دارد (آرمسترانگ، ۱۹۹۰). به عبارتی، همان طور که اخلاق اکسیر نجات بخش جامعه برای تداوم حیات آن است، حسابداری نیز از این امر مستثنی نیست و می توان اخلاق را به عنوان داروی شفابخش اقتصادهای بیمار قلمداد کرد.

با افزایش رسوایی های مالی مشخص شد که رعایت استانداردها و ضوابط فنی در انجام مسئولیت های حرفه ای کافی نیست، بلکه حسابداران باید علاوه بر رعایت استانداردها و ضوابط فنی به رعایت اخلاق حرفه ای نیز متعهد باشند. به این ترتیب می توان گفت که اخلاق حرفه ای حلقه مفقوده ای است که موجب عدم اتصال دیگر حلقه های حرفه حسابداری و در نتیجه کاهش اثربخشی این حرفه در رسوایی های مالی شده است. در نتیجه، پایداری به اخلاق می تواند با اتصال به حلقه های زنجیره حرفه حسابداری، موجب ارائه خدمات با ارزش و اثربخش در حرفه شود و علاوه بر کسب رضایت استفاده کنندگان از خدمات حسابداری، رضایت مندی جامعه حسابداران را نیز به دنبال داشته باشد (ناداراجا و مصطفی، ۲۰۱۷). لازم به ذکر است که نقش اساتید حسابداری در نهادینه شدن اخلاق حرفه ای غیر قابل انکار است. به منظور نهادینه کردن اخلاق، باید به نقش اساتیدی توجه نمود که الگوی دانشجویان هستند. در صورتی که آنها از اخلاق صحیح برخوردار باشند، بسیاری از دانشجویان نیز به این امر اعتقاد پیدا می کنند (بومکر و کیسی، ۲۰۱۲).

از سوی دیگر، اخلاق یکی از مباحث مهم دین مبین اسلام است و آیات و روایات بسیاری درباره آن ارائه شده است تا جایی که کامل کردن مکارم اخلاقی یکی از اهداف بعثت پیامبر گرامی اسلام معرفی شده است. مشکلات اخلاقی در حرفه حسابداری از دو بعد قابل بررسی

است؛ نخست در ارائه خدمات حرفه‌ای به صاحبکار و دوم در روابط موجود بین شاغلان هر مؤسسه. اگر چه آیین رفتار حرفه‌ای رهنمودهای زیادی برای انجام خدمات حرفه‌ای حسابداری دارد، اما در آن روابط موجود بین کارکنان مؤسسات (روابط درونی در هر مؤسسه) کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بر خلاف آیین رفتار حرفه‌ای حسابداری، در منابع اسلامی علاوه بر این که رهنمودهایی برای نحوه انجام خدمات حرفه‌ای ارائه شده است، توصیه‌هایی برای نحوه روابط درون سازمانی نیز وجود دارد. بنابراین، کمک گرفتن از منابع اسلامی برای تدوین آیین رفتار حرفه‌ای حسابداری می‌تواند ضعف آیین رفتار حرفه‌ای موجود را برطرف کند. همچنین، اگر چه تاکنون آیین‌های رفتار حرفه‌ای توسط مجامع حرفه‌ای حسابداری ارائه شده است، اما هنوز مشکلات اخلاقی در حرفه وجود دارد.

در جامعه اسلامی انتظار می‌رود پیوند آیین رفتار حرفه‌ای با دین و استخراج اصول آن از اعتقادات مردم، عمل و پایبندی به آن را بهبود بخشد و مشکلات اخلاقی موجود در این حرفه را کاهش دهد. با توجه به اهمیت موضوع اخلاق در اسلام، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که آیا می‌توان برای حل مشکلات اخلاقی موجود در حرفه حسابداری (مشکلات موجود در انجام خدمات حرفه‌ای و تنظیم روابط درونی موجود در مؤسسات حسابداری) از اصول اخلاقی مستخرج از منابع اسلامی استفاده کرد؟ در این ارتباط، در این پژوهش پس از تبیین اهمیت اخلاق، اصول اخلاق حرفه‌ای قابل استخراج از نهج البلاغه به‌عنوان یکی از مهمترین منابع اسلامی، مرور می‌شوند و کاربرد هر یک از آنها در چگونگی برطرف ساختن مشکلات اخلاقی موجود در حرفه حسابداری (مشکلات موجود در انجام خدمات حرفه‌ای و تنظیم روابط درونی موجود در مؤسسات حسابداری) تشریح می‌شود. به عبارتی، هدف پژوهش حاضر این است که با تأکید بر نقش اسلام در حل مسائل پیش‌رو، مسیری برای نجات حرفه حسابداری از مشکلات اخلاقی اخیر و در نتیجه کاهش فسادهای مالی ارائه نماید.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

امروزه، اخلاقی بودن کسب‌وکار به یکی از دغدغه‌های مهم شرکت‌های بزرگ تبدیل شده است، زیرا شرکت‌های تجاری همواره از صدمه‌ای که رسوایی‌های اخلاقی ممکن است به اعتبار شرکت بزند و تأثیر آن بر سودآوری شرکت، واهمه دارند. کیفیت ارائه خدمات و اعتبار و

اعتماد ایجاد شده در مشتری موجب تداوم حیات حرفه‌ها و اشتغال اعضای آن در طول تاریخ بوده است. به عبارتی، مقبولیت جامعه، سرمایه اصلی هر حرفه‌ای است که حیات حرفه را تضمین می‌کند (زارعی، ۲۰۱۶). رسوایی هواپیمایی آمریکا، رسوایی مالی سال ۲۰۰۸، زمینس، بانک برینگز، لمن برادرز، بانک انگلو آیریش، صندوق سرمایه‌گذاری مداف، نورتل، گلوبال کراسینگ، بیمه آ. آی. گک، فردی مک و رسوایی شرکت انرون نمونه‌های افشا شده زیر پا گذاشتن اخلاق توسط حرفه است (دوسکا، ۲۰۰۳). این سناریو بارها و بارها طی سال‌های اخیر در ایران و جهان تکرار شده است. رسوایی‌های عمده در شرکت‌هایی چون انرون و ورلد کام «اخلاق» را محور کار دست‌اندرکاران حسابرسی قرار داد، زیرا مدیران با همکاری حسابداران سال‌ها حساب‌سازی می‌کردند، عایدات را به اصطلاح مدیریت می‌کردند، در مورد هزینه‌ها اطلاعات نادرست می‌دادند، در مورد درآمدها گزافه‌گویی می‌کردند و سوء استفاده از وجوه کسب و کارها را مورد غفلت قرار می‌دادند، صورت‌های مالی گمراه‌کننده ارائه می‌کردند و با دریافت رشوه و اختصاص پاداش‌های کلان، انجام معامله به اتکای معاملات نهانی را ممکن می‌نمودند (هارتوگ و وینستلی، ۲۰۰۷). رسوایی‌های ناشی از تقلب‌های مالی و فروپاشی شرکت‌های بزرگی همچون انرون و ورلد کام نشان داد که رعایت استانداردها و ضوابط فنی در انجام مسئولیت‌های حرفه‌ای کافی نیست. حسابداران حرفه‌ای باید علاوه بر رعایت استانداردها و ضوابط فنی به رعایت اخلاق حرفه‌ای نیز متعهد باشند (راکنس، ۲۰۰۵). با این حال باید توجه داشت که جامعه متمدن بر ارزش‌های اخلاقی استوار است؛ بدون اخلاق، تمدن سقوط می‌کند. رعایت موازین اخلاقی توسط کسب و کارها باعث ارتقای اعتماد عمومی به کالاها و خدمات آنها می‌شود. اخلاق باید آموزش داده شود. مردم با میل به اخلاقی بودن و رعایت حقوق دیگران و رفاه جامعه به دنیا نمی‌آیند. چنین است که جوامع حسابداری نیز ضوابط اخلاقی را آموزش می‌دهند و رعایت آن را نیز از اعضای خود می‌طلبند (هلیس، ۱۹۹۴).

تمرکز واحدهای تجاری برای به حداکثر رساندن سود، مقابله با چالش‌های رقابتی، تأکید بر نتایج کوتاه‌مدت و ارائه خدمات متنوع حسابداری، حسابداران را در محیطی مملو از تضاد و فشار قرار داده که منجر به پیامدهای غیراخلاقی برای آنها گردیده است (والنتین و همکاران، ۲۰۱۰). حرفه حسابداری به اطلاعات اشخاص و کسب و کارها دسترسی دارد، زیرا حسابدار با این اطلاعات کار می‌کند؛ مسئولیت اخلاقی دارد که با استقلال عمل، رازداری، تسلط حرفه‌ای،

صداقت و درستی و بسیاری صفات دیگر در حد‌اعلای حرفه‌ای به فعالیت پردازد. حسابداری سازوکاری است که اطلاعات موقعیت مالی سازمان‌ها و کسب‌وکارها را عمدتاً به عامه مردم و سرمایه‌گذاران ارائه می‌کند (کارول، ۱۹۹۸). حسابداری حرفه‌ای، تصویر مالی روشنی از کسب‌وکارها ارائه می‌کند و به مدیران اجازه می‌دهد تصمیمات مطمئن اتخاذ نموده و سرمایه‌گذاران را از وضع شرکت‌ها مطلع می‌نمایند. بنابراین، در راستای توسعه و خلق ارزش در جامعه، حرفه حسابداری نیازمند صحت عمل و اخلاق است. به‌ویژه اینکه خدمات حسابداران بیشتر به عامه مردم ارائه می‌شود. بنابراین، حسابداران بایستی مجموعه‌ای از موازین اخلاقی را رعایت کنند. اخلاق در حسابداری، داشتن دانش و مهارت‌های حرفه‌ای را برای حسابداران و برای سطح کاری که می‌خواهند انجام دهند، ضروری می‌سازد تا آنها بتوانند به کارفرمایان و مشتریان خود خدمات حرفه‌ای مؤثر و کارآمدی ارائه نمایند.

حسابداران حرفه‌ای، به‌صورتی مستمر بر سر معضلات یا دوراهی‌های اخلاقی قرار می‌گیرند. تصمیم‌سازی و چگونگی رفتار آنها، می‌تواند عواقب متفاوتی برای ذینفعان، استفاده‌کنندگان از اطلاعات و صورت‌های مالی به همراه داشته باشد (اسمیت، ۲۰۰۳). بنابراین، در شرایط کنونی رعایت نشدن برخی معیارهای اخلاقی، نگرانی‌های زیادی را در بخش‌های دولتی و غیردولتی به وجود آورده است. باید به این نکته اساسی توجه شود که رفتار حساب‌برسان شاغل در یک مؤسسه حسابرسی یکی از معیارهای کیفیت حسابرسی است. همچنین، رفتار آنها تحت تأثیر فرهنگ سازمانی آن مؤسسه قرار دارد و فرهنگ سازمانی نیز از شیوه مدیریت یک مؤسسه تأثیر می‌پذیرد. در نتیجه، پژوهشگران به بررسی جنبه‌های متفاوت آن پرداخته‌اند. این ادبیات، در واقع ادبیاتی جدید و در حال توسعه در حرفه می‌باشد و پژوهشگران زیادی سعی داشته تا نقشی در این توسعه و تکامل داشته باشند.

دیوید سون و همکاران (۲۰۰۰) با پژوهشی در مورد نمونه‌ای متشکل از ۳۸۸ نفر از حسابداران حرفه‌ای عضو دو مؤسسه بزرگ بین‌المللی حسابداری به این نتیجه رسیدند که حسابداران رسمی زن نسبت به حسابداران رسمی مرد، اخلاقی‌تر تصمیم می‌گیرند. به نظر می‌رسد کارمندان مبتدی (زن و مرد)، نسبت به مدیران (زن و مرد) تصمیم‌های اخلاقی‌تری اتخاذ می‌کنند. این یافته، اگرچه از نظر آماری معنادار نبود، اما نشان می‌داد که تفاوت‌های تصمیم‌های اخلاقی زنان و مردان با افزایش تجربه کاهش می‌یابد. کلر و همکاران (۲۰۰۷) به بررسی تأثیر عوامل جنسیت،

سطح تحصیلات، تعصب مذهبی و تجربه کاری بر فرایند تصمیم‌گیری اخلاقی افراد پرداختند و نشان دادند که تمامی این چهار عامل موجب بروز تفاوت‌هایی در استانداردهای اخلاقی افراد می‌شود. سولیوان (۲۰۰۷) تأثیر گرایش‌های اخلاقی و گرایش تحصیلی دانشجویان سال اول حسابداری بر تمایل آنها به استفاده از اخلاق در تصمیم‌گیری‌هایشان را بررسی نمود و به این نتیجه رسید که بین گرایش تحصیلی و تمایل به کاربرد اخلاق، رابطه‌ای وجود ندارد، اما بین گرایش اخلاقی و تمایل به استفاده از قضاوت حرفه‌ای، رابطه‌ای معنی‌دار برقرار است. پژوهش‌های گذشته در سایر کشورها نشان دادند که عواملی نظیر جنسیت، سطح تحصیلات، مذهب و تجربه کاری ممکن است با استانداردهای اخلاقی هر فرد مرتبط باشند (بالانتین و مکورت، ۲۰۱۱). نتایج پژوهش کلر (۲۰۰۷) نشان داد که متغیرهای جنسیت، سطح تحصیلات و تجربه کاری بر گرایش افراد به رویکردهای اخلاقی تأثیرگذار است.

حجازی و مصری‌پور (۱۳۹۱) به بررسی رابطه میان آموزش‌های موجود و رعایت ضوابط اخلاق حرفه‌ای توسط دانشجویان حسابداری دوره کارشناسی در دانشگاه‌های تهران پرداختند و این نتیجه حاصل شد که آموزش‌های ضمنی آیین اخلاق حرفه‌ای در دوره کارشناسی اثری بر بهبود رعایت ضوابط اخلاق حرفه‌ای توسط دانشجویان حسابداری ندارد. ودیعی و متحدین (۱۳۹۱) نیز بیان کردند که در ایران بحث جنسیت و مذهب می‌تواند در گرایش به رویکردهای اخلاقی مختلف تأثیرگذار باشند. جفایی (۱۳۸۷) با بررسی تأثیر جهت‌گیری (گرایش اخلاقی) و تعهد حرفه‌ای بر رفتار مدیریت سود نشان دادند که رابطه‌ای چشمگیر بین گرایش اخلاقی فرد و تصمیم‌گیری او وجود دارد.

راهکارهای مقابله با مشکلات اخلاقی

پیچیده‌تر شدن روزافزون سازمان‌ها و افزایش میزان کارهای غیراخلاقی، غیرقانونی و غیرمسئولانه در محیط‌های کاری توجه مدیران و صاحب‌نظران را به بحث اخلاق کار و مدیریت اخلاق معطوف ساخته است (جاکلینگ و همکاران، ۲۰۰۷). مدیریت اخلاق، شناسایی و اولویت‌بندی ارزش‌ها برای هدایت رفتارها در سازمان است. سازمان‌ها با ایجاد یک برنامه مدیریت اخلاق می‌توانند اخلاقیات را در محیط کار مدیریت کنند. برنامه‌های اخلاق به سازمان‌ها کمک می‌کنند تا بتوانند در شرایط آشفته عملکرد اخلاقی خود را حفظ کنند.

امروزه، مدیریت اخلاق یکی از زمینه‌های علمی مدیریت به‌شمار می‌رود که دارای رویکردی برنامه‌ای و چندین ابزار عملی است. این ابزارها عبارت‌اند از: کدهای اخلاقی، کدهای رفتاری، خط‌مشی‌ها و رویه‌ها، روش‌های حل معضلات اخلاقی و آموزش (کارول، ۱۹۹۸). مدیریت اخلاق در محیط کار منافع بسیار زیادی برای رهبران و مدیران دارد؛ اعم از منافع عملکردی و منافع اخلاقی. این مطلب به‌ویژه در عصر حاضر که مدیران با ارزش‌های بسیار متنوعی در محیط کار سروکار دارند صادق است، اما تاکنون کسانی که به مباحث اخلاق کار پرداخته‌اند فلاسفه، دانشگاهیان و منتقدان اجتماعی و نه مدیران، بوده‌اند. در نتیجه بسیاری از مطالبی که تا به امروز درباره اخلاق کار نوشته شده است مطابق با نیازهای عملی مدیران و رهبران سازمان‌ها نیست. اخلاق، به‌طور ساده و خلاصه، شامل شناخت صحیح از ناصحیح و آنگاه انجام صحیح و ترک ناصحیح است. تشخیص درست از غلط همیشه ساده نیست. بسیاری از دانشمندان علم اخلاق ادعا می‌کنند که با توجه به اصول اخلاقی در مقام عمل همیشه یک راهکار درست وجود دارد و برخی دیگر معتقدند که راهکار درست بستگی به موقعیت و شرایط دارد و تشخیص اینکه کدام راهکار درست است در نهایت به عهده خود فرد است (هوکر، ۲۰۰۱).

مشکلات اخلاقی حسابداری در اقتصاد امروز

- بازار رقابتی خدمات حسابداری: بازار رقابتی دنیای اقتصادی امروز علاوه بر فواید و مزایایی که برای مشتریان در جهت استفاده از محصولات باکیفیت بهتر و قیمت پایین‌تر داشته، پیامدهای غیراخلاقی زیادی نیز برای رقابت عرضه‌کنندگان کالا و خدمات در پی داشته است. حرفه حسابداری نیز در بازار رقابتی برای عرضه خدمات حسابداری کم و بیش با چنین معضلاتی مواجه است. دو اصل استقلال و بی‌طرفی و درستکاری که باید در ارائه خدمات حسابداری رعایت شوند، در بازار کنونی دچار خدشه شده است (فاسین، ۲۰۰۵). اکنون در شرایط بازار رقابتی، فرایند جذب مشتریان جدید و حفظ مشتریان فعلی هزینه‌بر و وقت‌گیر شده و چنین استنباط می‌شود که با یافتن مشتری جدید، موسسه ارائه‌دهنده خدمات حسابداری مایل است او را برای سال‌ها حفظ کند تا از منافع ارائه خدمات به مشتری، هزینه‌های سنگین بازاریابی شرکت را جبران نماید. به‌طور کلی، دو نوع انحراف در بازار امروز رایج شده است:

(۱) قیمت گذاری کمتر از واقع خدمات حسابداری و

(۲) تخفیف نسبت به تعرفه حسابداری

لازم به ذکر است که تخفیفات قابل توجهی که نسبت به سطح استاندارد دستمزدها داده می شود، بر مبنای منطق حرفه ای قابل توجیه نیست و صداقت حرفه ای را زیر سؤال می برد (رؤیایی و محمدی، ۱۳۹۴).

- تمرکز واحدهای تجاری در به حداکثر رساندن سود: حرفه حسابداری یک حرفه مفید و شرافتمند است که در سالهای اخیر تحت تأثیر فشارهای محیطی خاص قرار گرفته است. شرکت های بزرگ برای گزارش سود بیشتر و فریب سرمایه گذاران متوسل به تقلب های حسابداری شده اند. چنین تقلب هایی تضعیف کسب و کار را در پی داشته است (آقائی و حصارزاده، ۱۳۹۱).

- تنوع خدمات حسابداری: در حالی که نقش اصلی حسابداران تهیه تصویری از وضعیت و عملکرد مالی یک واحد تجاری است، آنها نقش های دیگری مانند حسابرسی، حسابداری مدیریت، حسابداری مالیاتی، برنامه ریزی مالی و مشاوره مالی را ایفا می کنند. ایفای همه این نقش ها موجب گردید تا حرفه حسابداری از یک حرفه سنتی که بیشتر نقش گزارشگری را بر عهده داشت، به حرفه ای گسترده تبدیل شود. این دگرگونی منجر به ایجاد بحران برای حسابداران شده است و خلأهای اخلاقی را هم به دنبال داشته است (کاظمی، ۱۳۹۵).

اهمیت در نظر گرفتن دین برای تدوین اصول اخلاق حرفه ای

کمیسیون مک براید توصیه اکید دارد که نظام نامه اصول اخلاقی، در سطح ملی و در برخی موارد در سطح منطقه ای، امری مطلوب است؛ مشروط بر آن که از سوی خود حرفه، تهیه و تصویب شود، زیرا اصولاً اخلاق متأثر از عقاید، باورها و ارزش های حاکم بر جوامع است. لاجرم اخلاق حرفه ای در هر فرهنگ، ویژگی های خاص خود را دارد (تقی زاده، ۱۳۸۸: ۲۱). به عبارتی، یکی از ویژگی های اخلاق حرفه ای، بومی بودن آن است. مسائل عینی و حرفه ای اخلاق به فرهنگ وابسته است. این مسائل در زمینه های معین فرهنگی و اجتماعی به وجود می آیند و شکل می یابند و از این رو در حل و رفع آنها، توجه به زمینه های مذکور اهمیت فراوانی دارد؛ برای مثال هنجارهای قومی و ملی و زمینه های اعتقادی مسائل خاصی را برمی انگیزند و

راه‌های معینی را می‌طلبند. بنابراین، اخلاق حرفه‌ای اگرچه یک دانش است، این دانش فارغ از زمینه‌های فرهنگی نیست و از داشتن اخلاق حرفه‌ای بومی‌گریزی وجود ندارد (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۸: ۲۰۵). دین به‌طور کلی و اسلام به‌طور خاص از جمع سه عنصر اصلی عقیده، اخلاق و احکام تشکیل شده است که بعد اخلاقی فراگیرترین و کارسازترین بخش آن است، زیرا بخش عقیدتی، خود با فلسفه اخلاق ارتباط دارد و برای تربیت انسان‌های اخلاقی، ارزش والایی قائل است. البته پیوند مستحکم عقاید دینی و اخلاق در متن فلسفه دین می‌باشد و طبق مطالعات حوزه فوق، دغدغه‌های عقیده به خداوند و قیامت نیز پیوند اخلاقی دارد (آتر و اولاه، ۲۰۱۰). بدیهی است در صورتی که امور اخلاقی پشتوانه عقیدتی و دینی داشته باشند، نوعی مرکز انرژی‌زا برای کارآمد ساختن آنها حاصل خواهد شد. پیامبر اسلام (ص) تصریح می‌فرماید که بیشترین درجه اسلامی بودن مربوط به کسی است که بیشترین اخلاق پسندیده را دارا باشد. التزام به یک عقیده خاص، نوعی وظیفه و تعهد ایجاد می‌کند. بنابراین، همراهی دین با اخلاق یک پتانسیل جدید به کارآمدی می‌افزاید و انتظار می‌رود که پیوند میان مبانی اسلامی و آیین اخلاق حرفه‌ای به ابزار مقابله با نواقص موجود در آیین اخلاق حرفه‌ای جاری که تنها مبتنی بر مفهوم عقل‌گرایی است، تبدیل شود. در نتیجه، در صورتی که توسعه آیین اخلاق حرفه‌ای مطابق با متن دین صورت پذیرد، آنگاه حسابداری، هدفی جز تأمین عقاید اصلی افراد که برآمده از ایمان دینی آنها است، در بر نخواهد داشت (خرمین و همکاران، ۱۳۹۳). به‌طور خلاصه می‌توان گفت از آنجا که کشور ایران یک جامعه اسلامی است، تهیه اصول اخلاق حرفه‌ای با در نظر گرفتن دین اسلام می‌تواند حل و رفع مسائل اخلاقی را تسهیل نماید.

مفاهیم ارزشی و اصول اخلاق حرفه‌ای از منظر اسلام

اخلاق حرفه‌ای نیازمند یک نظام اخلاقی است. در جهان، نظام‌های اخلاقی مختلفی وجود دارد. برخی از نظام‌های اخلاقی، فارغ از دین و کاملاً سکولاریستی و لائیک هستند و برخی دیگر مبتنی بر وحی و تعالیم دینی هستند. فرهنگ وابسته‌بودن اخلاق حرفه‌ای اقتضا می‌کند که نظام اخلاقی در فرهنگ اسلامی، صبغه اسلامی داشته باشد. اسلام، دینی است که یکی از رسالت‌های مهم آن، اخلاق است. اخلاق حرفه‌ای، به‌دلیل هویت اسلامی، ملاک نهایی اخلاق و اصول راهبردی را از قرآن و روایات کسب می‌کند و جدول فضایل و رذایل را نیز از آن استنباط می‌کند (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۸: ۲۰۶). بنابراین، طراحی و انتشار آیین اخلاق حرفه‌ای

که در آن ارزش‌های اسلامی نهادینه شده است، در مقایسه با آیین‌نامه‌های فاقد اصول و ارزش‌های اسلامی، از سطح عملیاتی بالاتری برخوردار خواهد بود. چنین آیین‌نامه‌ای نه تنها شامل اصول اخلاق حرفه‌ای حسابداری بوده، بلکه بنیان‌های اخلاقی شریعت اسلام را در بر خواهد داشت. نهادینه کردن ارزش‌های الهی اسلام و مفهوم مصلحت (منفعت عمومی) در سیستم آموزش حسابداری می‌تواند نقش قابل توجهی را در تربیت حسابداران حرفه‌ای و تصمیم‌گیری اخلاقی آنها ایفا نمایند (کمالی، ۲۰۰۷).

یکی از موضوعاتی که در سال‌های اخیر به‌ویژه در کشورهای مسلمان مورد توجه قرار گرفته است، ارائه نظامی متناسب با مبانی دینی و جایگزین کردن آن به جای سیستم حسابداری سنتی است. وقتی که اقتصاددانان به این باور رسیدند که نظام حسابداری سنتی در حل مشکلات فقر و از بین بردن بسیاری از ناهماهنگی‌ها شکست خورده است، دریافتند که تنها اندیشه و نظریه‌ها در قالب آموزه‌ها و شریعت اسلامی است که می‌تواند انسان و جامعه را از گرفتاری نجات دهد. پس نیاز به مفاهیم ارزشی و اخلاقی در حسابداری احساس شد (باکار و همکاران، ۲۰۰۳).

در اسلام انسان به عنوان امانت‌دار خداوند بر روی زمین معرفی می‌شود. بنابراین، هر انسان مسلمانی باید فعالیت‌هایش را در چارچوب قوانین تعریف شده، یعنی مطابق با شریعت اسلامی قرار دهد (گمبلینگ و کریم، ۱۹۹۱). خداوند، ناظر بر اعمال و رفتار ما است و حسابداران تمام فعالیت‌های انسان را در زندگی ثبت می‌نمایند. بنابراین، در حسابداری کاربرد مفاهیم ارزشی و اخلاقی می‌تواند اطلاعات مناسبی را برای ذینفعان یک واحد اقتصادی فراهم آورد، به گونه‌ای که به آنها اطمینان دهد تمام فعالیت‌های واحد اقتصادی به‌طور مداوم در حدود چارچوب شریعت اسلامی و اهداف اقتصادی و اجتماعی اجرا می‌گردد. البته، باید به این نکته توجه شود که تمام فعالیت‌های تجاری در جهان‌بینی اسلامی با این مفاهیم ارزشی تطبیق داشته باشد. قرآن کریم دنیا را مرکز تجارت می‌داند و هدایت فطری، قدرت فهم، نیروی کار و عمر آدمی را سرمایه این تجارت قلمداد می‌کند که اگر در راه تحصیل عقاید و معارف الهی و اعمال صالح صرف شود، تجارتي بی‌خسارت و سودآور است و اگر در غیر این راه صرف شود، زیان‌بار است. در نتیجه، اگر کسی با سرمایه‌های علمی و عملی خود به تجارت با خدا نپرداخت و سود نبرد و چیزی نیندوخت و نیاموخت، او به حقیقت، اهل خسارت است (طالب‌نیا و خرمین، ۱۳۹۳).

به‌طور کلی، مفاهیم ارزشی و اخلاقی به‌عنوان یک رهنمود اساسی، مزیت‌های زیر را به دنبال دارد (سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی، ۱۹۹۸):

(۱) مبتنی بودن اساس آزادی و اختیار فرد در محدوده شریعت اسلامی

(۲) نقش تعیین‌کننده در جهت رشد اقتصاد

(۳) زیربنایی بودن این مفاهیم در اقتصاد و ارتباط آن با ایمان و عقیده به خداوند متعال

(۴) رشد معنوی انسان

(۵) ایجاد عدالت در جامعه

(۶) جلوگیری از فساد، اسراف و تبعیض طبقاتی

(۷) به انجام رساندن پاسخگویی نهایی به خداوند

(۸) سازگاری و تغییرات مثبت در اجتماع

(۹) ارتقای کارایی

(۱۰) پیروی از شریعت (اصول اسلامی)

(۱۱) تعهد قضاوت

به اعتقاد بکان و بدایوی (۲۰۰۵) عدالت، اعتماد عمومی و خیرخواهی می‌توانند جزء معیارها و شاخص‌های اخلاق اسلامی قرار گیرند. بنابراین، کسب بینش نسبت به مفهوم توحید، مسئولیت پاسخگویی و خیرخواهی منجر به هدایت فطری افراد برای تحقق فعالیت‌های اخلاقی خواهد شد. صاحب‌نظران اسلامی متعددی نقش بی‌بدیل اخلاق اسلامی را در کاهش سرقت اطلاعات، سوء استفاده از اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت، دریافت هدایای نامناسب و رشوه مورد توجه خود قرار داده‌اند. به عقیده یوناندا و همکاران (۲۰۱۱) علت اصلی بیشتر فعالیت‌های غیراخلاقی حسابداری فاصله گرفتن از ارزش‌های الهی و توجه به مسائل مادی است، اما بر اساس مبانی اسلامی، افراد نمی‌توانند نسبت به دارایی‌های خود رفتار غیرمسئولانه داشته باشند، زیرا در نهایت نسبت به استفاده از آنها در مقابل خداوند پاسخگو خواهند بود (لوییس، ۲۰۰۱). به اعتقاد گرینفیلد و همکاران (۲۰۰۱) سطح تعهد یک فرد حرفه‌ای، متأثر از ایدئولوژی اخلاقی او است.

رئیس سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی ضمن بیانیه‌ای اظهار داشت که در آیین اخلاقی حرفه‌ای این سازمان، به جای تمرکز بر رفاه فردی، تأکید ویژه‌ای بر تأمین رفاه اجتماعی شده است (جمالی، ۲۰۰۸).

الگوهای اخلاقی نقش مؤثری در کارایی و اثربخشی آموزه‌های اخلاقی دارند (حسن، ۱۹۹۶) به طوری که در ادبیات دینی بر اسوه و الگوی اخلاق تأکید شده است. اصول اخلاقی مبتنی بر اخلاق اسلامی بر ارتباط انسان با خالق تأکید دارد، زیرا خدا کامل و واقف بر همه چیز می‌باشد و مسلمانان اصولی دارند که نه تنها محدوده زمانی ندارد، بلکه توسط هوس‌های انسانی دچار انحراف نمی‌شود. اصول اخلاقی اسلامی در همه زمان‌ها قابل اجرا می‌باشد، زیرا خداوند علم کامل و جاودانی دارد (بیکون، ۱۹۹۷). برای تعیین مؤلفه‌های کاربردی اخلاق حرفه‌ای می‌توان از اصول راهبردی اخلاق حرفه‌ای مطرح شده در منابع اسلامی استفاده کرد. نهج البلاغه یکی از منابع مهم اسلامی است که از آن اصول اخلاق حرفه‌ای قابل استخراج است. این اصول شامل احترام و تکریم دیگران، آزادی، عدالت، امانت‌ورزی (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۱؛ ایران‌نژاد پاریزی و همکاران، ۱۳۹۳؛ فرمehنی فراهانی و اشرفی، ۱۳۹۳)، صداقت، مسئولیت‌پذیری، مدارا و سعه صدر، نقادی و انتقادپذیری، اعتدال، فروتنی و مهربانی و در نهایت رازداری (فرمehنی فراهانی و اشرفی، ۱۳۹۳) است. لازم به ذکر است امام علی (ع) در خطبه ۱۶۰ نهج البلاغه در مقام توصیه به ساده زیستی چندین اسوه را نشان می‌دهد که در عین اشتغال به امر مقدس مدیریت و رهبری جامعه، خود را به زیور ساده زیستی آراستند.

اصل احترام و تکریم دیگران (حرمت)

حرمت آدمی مهمترین اصل اخلاقی و هدف عمده اخلاق‌ورزی است. انسان، صرف‌نظر از شغل، زبان و ویژگی‌های قومی و فرهنگی، موجود محترمی است. هرگونه تصمیم و اقدامی که به نحوی با ارزش ذاتی انسان منافات دارد، غیراخلاقی است. استخفاف، توهین، استهزا، به مسخره گرفتن افراد، آرا و باورهای آنها از این جمله هستند. منابع انسانی را نمی‌توان صرفاً به ابزار کار فرو کاست. اخلاق حرفه‌ای چیزی جز رعایت حقوق مردم در کسب و کار نیست و مهمترین حق مردم، احترام اصیل و نامشروط آنها است (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۳: ۳۷۱ و ۳۷۲). بنابراین، حفظ حرمت انسانی و شخصیت انسان‌ها باید محور روابط با آنها باشد و حسابداران همواره این اصل را در ارتباطات خود مد نظر قرار دهند. این اصل

را در مؤسسات حسابداری نیز می‌توان به کار گرفت. بر این اساس، روابط بین مدیران، سرپرستان و حساب‌برسان باید بر احترام متقابل استوار باشد.

اصل آزادی

آزادی فردی، از مهمترین اصول اخلاقی و از اساسی‌ترین رازها و نیازهای وجودی است. آدمیت با آزادی حاصل می‌شود و با ازدست‌دادن آزادی، انسانیت نیز از دست می‌رود. از نظر اسلام نیز آزادی یکی از اصیل‌ترین ارزش‌های نوع بشری به‌شمار می‌آید (فرمهنی‌فراهانی و اشرفی، ۱۳۹۳). در هر صورت، اسلام برای مردم، انواع آزادی چون آزادی طبیعی، فکری، سیاسی، مدنی و مذهبی را می‌خواهد. اگرچه جمله «ولاتکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً»، شاید همان‌گونه که اغلب شارحان نهج‌البلاغه تصریح کرده‌اند، به این معنی باشد که از هیچ‌کس در حد امکان احسانی را نپذیر که موجب سلب آزادی شود و مجبور به شکرگزاری شوی، زیرا انسان عبد احسان است، اما کلام امام علی (ع) عام است و ظرفیت معنی بیشتری دارد و در این معنی نیز مخصص نیست. بنابراین، می‌تواند شامل انواع بردگی و آزادی باشد (قربانی لاهیجی، ۱۳۸۴: ۳۲۵). این اصل اخلاقی را می‌توان از جنبه‌های درونی و بیرونی برای حسابداری نیز به کار برد. از سویی حسابداران باید در انجام وظایف خود از انفعالات نفسانی آزاد باشند و از سوی دیگر، روابطشان با ذینفعان باید به‌نحوی تنظیم شود که آزادی آنها را سلب نکند. این اصل در مؤسسات حسابداری نیز قابلیت کاربرد دارد. بر این اساس این، عضویت در مؤسسه نباید باعث سلب آزادی فرد شود تا هر عضو مؤسسه بتواند از حقوقی همچون حفظ حریم شخصی، حق انتخاب، حق اظهارنظر، حق نقد و حق دفاع از منافع برخوردار باشد.

اصل عدالت و انصاف

عدالت یکی از مهمترین اصول اخلاقی اسلام است. امام علی (ع) بارها به رعایت انصاف و عدالت توصیه می‌فرمایند و همان‌گونه که همه می‌دانیم، انصاف و عدالت‌خواهی ازجمله بارزترین ویژگی‌های آن حضرت بود؛ به این دلیل که رشته پیوستگی حقیقی مردم در دادورزی است. عدالت است که باعث جلب اعتماد مردم می‌شود و فرد می‌تواند وظیفه خود را به‌درستی انجام دهد، اما عدالتی که امام علی (ع) از کارگزاران و کارکنان خود می‌خواهد درباره مردم رعایت کنند، تا آن‌جا است که به آنان فرمان می‌دهد حتی در نگاه کردن آن را پاس

بدارند و چنان منصفانه رفتار کنند که هیچ بهره‌کش و ستمگری در آنان طمع نبندد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۱۸۲-۱۸۱). عدالت و انصاف قوانینی انکارناپذیر دارند، اما به نظر می‌رسد عدالت نتیجه‌ای است که با رفتار منصفانه به دست می‌آید (علیدوستی شهرکی، ۱۳۸۹). انصاف به عنوان یکی از عوامل مؤثر در ایجاد عدالت سازمانی، در نظام حسابداری و نظام پاسخ‌گویی مالی نقش مهمی را ایفا می‌کند. در آیین رفتار حرفه‌ای حسابداری بر انصاف (البته در ذیل اصل درستکاری) به عنوان یکی از معیارهای مهم قضاوت در گزارشگری تأکید شده است، زیرا این پدیده تضمینی مبنی بر صحت و رعایت دقت در تهیه و تأیید صورت‌های مالی توسط حسابداران، است. اگر بپذیریم که نظام حسابداری، یک جریان مبادله اطلاعات میان پاسخ‌گو و پاسخ‌خواه است، می‌توان گفت حسابدار عاملی است که به عنوان طرف سوم این مبادله وارد عمل می‌شود تا دو طرف را از ایجاد جریان روان اطلاعات مطمئن سازد و فایده‌مندی این نقش سوم به عنوان نقش بیمه‌ای در جریان اطلاعات فقط با رعایت انصاف تحقق می‌یابد (خواجوی و منصور، ۱۳۹۰). بنابراین، در تدوین کدهای ملی اخلاق حسابداری این اصل اساسی نیز باید مد نظر قرار گیرد.

اصل وفای به عهد

عهد و پیمان در نزد همه ملل (مسلمان و غیرمسلمان) محترم و مقدس است. در دین مقدس اسلام نیز وفای به عهد و پیمان بسیار توجه شده است، زیرا اگر به آن توجه نشود، در اثر هرج و مرج و بی‌نظمی، اعتماد انسان‌ها به یکدیگر، سلب و زیربنای روابط اجتماعی سست و زندگی مردم متلاشی می‌شود (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۰: ۲۴۹). این اصل اخلاقی نیز برای حسابداری همچون تمامی حرفه‌ها، کاربرد دارد. حسابداران از سویی باید به پیمان‌هایی که خود با سازمان دارند عمل کنند و از سوی دیگر، در انجام وظایف خود بایستی به پیمان‌ها و قراردادهای سازمان با ذی‌نفعان پایبند باشند.

اصل امانتداری

امانتداری فضیلتی است که همه انسان‌ها فراتر از علایق مذهبی بر آن تأکید دارند و خیانت در امانت را رذیلت و مذموم می‌انگارند. یکی از اصول و ارکان اخلاق اسلامی نیز امانتداری است که در دین مبین اسلام بر آن تأکید فراوانی شده است. آن حضرت (ع) امانتدار نبودن را

به زیان انسان می‌داند (فرمهبینی‌فراهانی و اشرفی، ۱۳۹۳). اگرچه امانت دامنۀ گسترده‌ای دارد، تنها مواردی چون اموال، منابع انسانی، امکانات معنوی، اسرار دیگران، عفت انسان‌ها، محیط زیست و مهم‌تر از همه، خود کار و حرفه به کسب و کار و حرفه مربوط می‌شود (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۶: ب: ۲۲۵-۲۲۰). تلقی امانت‌دارانه از کار و مسئولیت و انجام دادن امور با رویکرد امانت‌داری، اصلی اساسی در اخلاق است. اگر انسان کار و مسئولیت را امانت بدانند، بی‌گمان حرمت آن را پاس می‌دارد و تلاش می‌کند به‌خوبی آن را پیش ببرد و بالنده سازد (مطهری، ۱۳۷۴). حسابداران و حسابرسان نیز باید وظایف و ارائه خدمات مورد انتظار از خود را امانت‌دارانه به انجام برسانند. از آنجا که محصول حسابداری، اطلاعات مورد نیاز ذینفعان است، اصل امانت‌داری در این حرفه اهمیت بیشتری می‌یابد. به‌عبارتی، هر گزارش حسابداری و حسابرسی مورد استفاده طیف وسیعی از ذینفعان قرار می‌گیرد و در حقیقت هر کار ویژه‌ای از سوی افراد زیادی به امانت و به عهده حسابدار و حسابرس گذارده می‌شود و اهمیت رعایت این اصل را برای حرفه حسابداری دوچندان می‌سازد.

اصل صداقت

یکی از فضایل اخلاقی که در قوام و پایداری یک حرفه نقش مهمی دارد، صداقت در گفتار و عمل است. صداقت یکی از ارزش‌های اساسی و محوری در رفتار و اخلاق حرفه‌ای است و باعث ایجاد اعتماد می‌شود. اهمیت آن به‌حدی است که امام علی (ع) آن را نشانه‌ی ایمان می‌داند (فرمهبینی‌فراهانی و اشرفی، ۱۳۹۳). بر این اساس، حسابداران باید در ارائه اطلاعات به ذینفعان (درون سازمانی و برون سازمانی) صادق باشند. حسابرسان نیز باید یافته‌های خود درباره گزارش‌های مالی را صادقانه در گزارش‌های حسابرسی بگنجانند و در اختیار سهامداران قرار دهند.

اصل مسئولیت‌پذیری

کمال آدمی، به کمال مسئولیت‌پذیری او است. انسان هرچه در مسئولیت‌پذیری سستی ورزد، تباهی در کارش بیشتر خواهد بود و هرچه مسئولیت‌پذیری بیشتری داشته باشد، به کمال بیشتری دست می‌یابد. امام علی (ع) حیطة مسئولیت‌پذیری را بسیار گسترده تعیین فرموده و از کارگزاران و کارکنان خود خواسته است که نسبت به کلیه کارها و اقدامات و نیز روابط و

مناسبات خود مسئولیت‌پذیر باشند. اصل مسئولیت‌پذیری، می‌آموزد که هر کس در هر مرتبه‌ای که باشد، در قبال تمامی امور و کارهای خود و مربوط به خود، مسئول و پاسخگو است (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۱۸۶-۱۸۷). بر این اساس، حسابداران باید در انجام وظایف خود (تهیه و ارائه گزارش‌های مالی) مسئولیت‌پذیر باشند. حساب‌برسان نیز باید در اجرای استانداردهای حسابرسی و اظهار نظر نسبت به گزارش‌های مالی مسئولیت‌پذیر باشند.

اصل نقادی و انتقادپذیری

حضرت علی (ع) در تأکید بر سازمان‌های کارآمد و حکومت مردم‌سالار و برای این‌که اجحاف حقی واقع نشود، اقدامات بی‌نظیری انجام دادند؛ از جمله این‌که از مردم خواستند که درباره ایشان انتقاد کنند و در سایه این انتقادپذیری، یکی از ابتکارات امام، تأسیس خانه عدالت‌خواهی بود (فرمهبینی فراهانی، ۲۶۱: ۱۳۹۰). البته در جامعه متکثر کنونی، نه تنها فرد باید انتقادپذیر باشد، بلکه لازم است نقاد و انتقادگر نیز باشد. امام علی (ع) در بخش عمده‌ای از سخنان و نامه‌هایشان نگاه انتقادی به جامعه و رفتار انسان دارد؛ از جمله نامه ۹ و ۱۰ به معاویه و انتقاد به آنچه که در جامعه رایج است و یا نامه ۷۸ به ابوموسی اشعری درباره داوری ساده‌لوحانه که از او انتقاد می‌کند (فرمهبینی فراهانی و اشرفی، ۱۳۹۳). بر این اساس، حسابداران باید در صورتی که رویه‌های نامناسبی را مشاهده کردند، آن را به مدیریت گوشزد نمایند. حساب‌برسان نیز باید نقاط ضعف موجود در سیستم‌های گزارشگری و کنترل داخلی را به مدیریت سازمان گزارش کنند. همچنین، روابط موجود بین مدیران، سرپرستان و حساب‌برسان در مؤسسات حسابرسی، باید به نحوی تنظیم شود که این اصل قابل اجرا باشد.

اصل مدارا و سعه صدر

با توجه به این ویژگی انسان، یکی از اصول اخلاقی در رفتار ارتباطی بین شخصی، ملایمت و نرمی در برابر دیگران است. سختی کار در محیط شغلی، وضعیت بحرانی، ناکامی‌ها و دشواری‌های معیشتی، افراد را به خشونت، سخت‌گیری، تندخویی و تنگ‌نظری می‌کشاند. امام علی (ع) بر اساس این اصل که سرسیاست به کاربردن رفق و مدارا است، به کارگزار حکومتی خود توصیه می‌کند: «و در حکومت مدارا کن تا آینده خوبی داشته باشی» (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۸: ۲۱۲). بنابراین، در روابط حرفه‌ای و کاری، اصل بر مدارا است. با این وجود بر اساس

توصیه آن حضرت به کارگزار خود، مدارا یک اصل مشروط است و تا جایی که لازم است باید مدارا کرد و در جایی که جز با تندی و درشتی کار انجام نشود، باید چنین کرد (فرمehنی‌فراهانی و اشرفی، ۱۳۹۳). سعه صدر یکی از ارزش‌های اصیل اسلامی است و به معنی تحمل و بردباری می‌باشد. با توجه به اهمیت بردباری در امور حرفه‌ای، حضرت (ع) یکی از شروط گزینش کارگزاران خود را بردباربودن آنان قرار داده است. در هر حرفه‌ای، فرد باید بردباری را پیشه خود سازد تا بتواند امور را به‌خوبی پیش ببرد (فرمehنی‌فراهانی و اشرفی، ۱۳۹۳). با توجه به حجم بالای کار حرفه حسابداری، پیروی از اصل مدارا و سعه صدر بسیار اهمیت دارد. همچنین، این اصل در مؤسسات حسابرسی برای تنظیم روابط بین مدیران، سرپرستان و حسابرسان کاربرد دارد.

اصل فروتنی و مهربانی

اصل فروتنی و مهربانی نیز یکی دیگر از اصولی است که افراد حرفه‌ای در هر مقام و موقعیتی باید به آن توجه کنند. طرفین رابطه، در هر مقام و موقعیتی که باشند، اساس ارتباطشان باید مبتنی بر تساوی و نگاهی بدون کبر و غرور و پرهیز از تفاخر و برتری‌جویی باشد. بر اساس توصیه‌های امام علی، در روابط نه تنها نباید برتری‌ها را به رخ کشید، بلکه باید فروتن و مهربان بود. آن حضرت در نامه‌ای به محمدبن ابی‌بکر، ضمن توصیف مؤمنان و پرهیزکاران به فروتنی و مهربانی، به پرهیز از تندخویی و بی‌اعتنایی به مردم زبردست و فروتنی و نرمی با آنها امر می‌کند (ماهینی، ۱۳۸۶: ۲۰۴-۲۰۵). پیروی از این اصل می‌تواند الگویی برای ارتباط حسابداران با ذینفعان مختلف فراهم کند. به‌علاوه، پیروی مدیران و سرپرستان مؤسسات حسابرسی از این اصل می‌تواند زمینه ایجاد روابط مطلوب بین سطوح مختلف مؤسسه را فراهم کند.

اصل رازداری

اغلب، رازداری با حفظ حریم خصوصی و با امانتداری اشتباه می‌شود. مراد از رازداری، این است که اگر به هر دلیلی به اسرار دست یافتیم، نباید آن را برای دیگران افشا کنیم. دستیابی به اسرار لزوماً از طریق ورود به حریم خصوصی نیست، بلکه افراد به طرق مختلف به اسرار دیگران وقوف می‌یابند. امروزه اطلاعات منشأ قدرت است و حفظ اطلاعات محرمانه و اسرار افراد یک اصل اخلاقی است. رازداری دارای دو مرتبه است: حفظ اسرار افراد به‌عنوان

اشخاص حقیقی و حفظ اسرار سازمان به عنوان اشخاص حقوقی. البته این اصل اخلاقی نامشروط نیست، بلکه در شرایطی که رازداری موجب خسارت جبران‌ناپذیر شود، افشای اسرار، یک وظیفه اخلاقی خواهد بود، اما این وظیفه را نیز باید با دغدغه اخلاقی انجام داد. دغدغه اخلاقی سبب می‌شود فرد در وهله اول از مخاطره آمیز بودن اسرار افراد یا سازمان مطمئن باشد و صرفاً به گمان و ظن اکتفا نکند و دوم آنکه در شیوه افشای راز هم از اخلاقی بودن آن مطمئن باشد (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۸ الف: ۲۱۰). با توجه به این که حرفه حسابداری ارتباطی تنگاتنگ با اطلاعات سازمان دارد، این اصل در این حرفه بسیار حائز اهمیت است و در آیین رفتار حرفه‌ای تمامی کشورها جای داده شده است. به عنوان مثال، طبق آیین رفتار حرفه‌ای ایران اصل رازداری، همه حسابداران حرفه‌ای را به پرهیز از موارد زیر ملزم می‌کند:

الف (افشای اطلاعات محرمانه بدست آمده در نتیجه روابط حرفه‌ای و تجاری، بدون مجوز صریح یا وجود حق یا تکلیف قانونی یا حرفه‌ای برای افشای آن، در خارج از مؤسسه یا سازمان کارفرما؛ و

ب (استفاده از اطلاعات محرمانه بدست آمده در نتیجه روابط حرفه‌ای و تجاری در جهت منافع شخصی یا منافع اشخاص ثالث).

پیشنهادات

ضرورت آموزش اخلاق پیش از ورود به حرفه

آموزش سنتی حسابداری به طرح تکنیک‌ها و روش‌های حسابداری محدود می‌شود. با این وجود، یک حسابدار برتر در وهله اول، شخصی است که اخلاق حرفه‌ای داشته باشد. بسیاری از اندیشمندان بر این باورند که رشد و تعالی جوامع بشری تنها به علم و تکنیک و پیشرفت‌های مادی نیست، بلکه از عوامل مهم ترقی یا انحطاط ملت‌ها رعایت موازین اخلاقی و روحی است (حساس یگانه و مقصودی، ۱۳۸۷). بنابراین، آموزش اخلاق در کنار فراگیری روش‌های حسابداری لازم است، اما آموزش حسابداری در ایران در سطح آموزش سنتی باقی مانده و به آموزش اخلاق حرفه‌ای در حد معرفی آیین رفتار حرفه‌ای در درس حسابداری کفایت شده است و آموزش نظام‌مندی در این زمینه وجود ندارد. سیستم آموزش دانشگاهی فعلی به گونه‌ای است که موجب پرورش حسابداران دارای مهارت استدلال قاعده محور می‌شود. دانش‌آموختگان

حاضر، از مهارت تفکر انتقادی و استدلال تحلیلی برخوردار نیستند و در مواجهه با رویدادهایی که در پوشش قوانین، استانداردها و آیین رفتار حرفه‌ای قرار ندارند، با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شوند. رسوایی‌های مالی سال‌های اخیر نشان می‌دهد که توجه به تقویت مهارت استدلال اخلاقی در کنار مهارت‌های حرفه‌ای نقش مهمی در محیط تجاری کنونی بر عهده دارد. بنابراین، شایسته است دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به منظور ایفای رسالت خود جهت تربیت نیروی انسانی متخصص متناسب با نیازهای بازار کار، تدابیر مناسبی را اتخاذ نمایند (مجتهدزاده و همکاران، ۱۳۹۳).

آموزش رفتار حرفه‌ای به دانشجویان حسابداری می‌تواند در مرحله پیش از ورود به حرفه یا پس از آن انجام گیرد. موکول کردن این امر به دوران پس از فراغت از تحصیل، با توجه به اجباری نبودن آموزش‌های مستمر در اکثر زمینه‌های کاری این رشته، می‌تواند به معنی آموزش ندیدن تلقی شود. بنابراین، در شرایط کنونی نمی‌توان به آموزش مؤثر پس از ورود به حرفه امید چندانی داشت. از سوی دیگر آموزش اخلاق به دانشجویان حسابداری موجب می‌شود که آنها پیش از ورود به حرفه با مشکلات اخلاقی حسابداری مواجه شوند و خود را برای برخورد مناسب با شرایط دنیای واقعی آماده سازند و مهارت‌های تصمیم‌گیری و رفتار حرفه‌ای خود را تقویت نمایند (محمدی، ۱۳۹۰). تنها در سایه اخلاق است که می‌توان به هدف اصلی حسابداری دست یافت. قبل از هر چیز لازم است، کسانی که وارد رشته حسابداری می‌شوند را با اخلاق آشنا نمود. حال، هرچند بهترین فرمول‌های حسابداری و بهترین کتاب‌های حسابداری به افراد آموزش داده شود، اما چنانچه دانشگاه‌ها یک فرد اخلاق‌مدار را تحویل جامعه ندهند، هیچ فایده‌ای ندارد. اساتید حسابداری باید به دانشجویان بیاموزند که شخصیت واقعی هر فرد در گرو اخلاق اوست و حسابداری برتر در وهله‌ی اول شخصی است که اخلاق حرفه‌ای داشته باشد. پس با این اوصاف اگر در یک حرفه، اخلاق حرفه‌ای باشد آن حرفه پیشرفت می‌کند و در غیر این صورت، باید منتظر نابودی آن رشته بود (سرلک، ۱۳۸۷). بنابراین، می‌توان گفت عدم ارائه درس اخلاق حرفه‌ای در مقطع کارشناسی حسابداری در دانشگاه‌های ایران کمبودی جبران‌ناپذیر است و فارغ‌التحصیلان حسابداری بدون آگاهی از اصول و مفاهیم اخلاق حرفه‌ای نمی‌توانند نقش مؤثری در جامعه ایفا نمایند. در نتیجه، اخلاق در رشته حسابداری، لازم است به‌عنوان یک درس مهم و اساسی در تمامی دوره‌ها تدریس شود.

توسعه سیستم آموزش حسابداری با رویکرد اسلامی

همان‌طور که ضرورت دارد حرفه حسابداری خود را با محیط اقتصادی در حال تحول و پیچیده سازگار کند، ضروری است مؤسسات آموزشی و برنامه‌های آموزشی آنها نیز با این تحولات سازگار شوند و تعامل بیشتری بین حرفه و مؤسسات آموزشی ایجاد شود. حفظ اعتماد عمومی به حرفه حسابداری تا زمانی میسر است که حسابداران حرفه‌ای، خدمات خود را در سطحی ارائه کنند که شایسته اعتماد جامعه باشد. بنابراین، خدمات حرفه حسابداری باید در بالاترین سطح ممکن و با رعایت ضوابطی ارائه شود که تداوم این خدمات با کیفیت و مناسب را تضمین کند. از سویی استفاده‌کنندگان از خدمات حسابداری، به‌ویژه تصمیم‌گیرندگانی که از صورت‌های مالی استفاده می‌کنند، انتظار دارند که اطلاعات ارائه‌شده به‌طور قابل‌توجهی کارآمد، قابل‌اتکا، واقعی و بی‌غرضانه باشند. بنابراین، فعالان در حرفه حسابداری، نه تنها باید واجد شرایط و دارای صلاحیت حرفه‌ای باشند، بلکه باید از درجه بالایی از صداقت و درستکاری حرفه‌ای نیز برخوردار باشند و آبرو و حیثیت حرفه‌ای از مهمترین دارایی‌های آنها باشد (رؤیایی و محمدی، ۱۳۹۴). در نتیجه، حسابداران حرفه‌ای به‌عنوان نمایندگان اخلاقی جامعه جهت ایفای نقش خود مستلزم فراگیری و رعایت آیین اخلاق حرفه‌ای خواهند بود.

نهادینه کردن اخلاق در سیستم آموزش حسابداری بایستی به یک اصل و نه یک انتظار تبدیل شود. در واقع حسابداران حرفه‌ای جهت تأمین رفاه عمومی، نیازمند کسب مهارت نسبت به قضاوت‌های اخلاقی می‌باشند (رحیمیان، ۱۳۸۴). تحقق و افزایش رفتار اخلاقی حسابداران حرفه‌ای مستلزم چیزی فراتر از اصول آیین اخلاق حرفه‌ای فعلی می‌باشد و تأمین این مهم تنها در سایه نهادینه کردن ارزش‌های اخلاقی اسلامی در سیستم آموزش حسابداری و آیین اخلاق حرفه‌ای آن میسر می‌گردد (خرامین، ۲۰۱۲). حیات مادی هر شخصی بر اساس اعتقادات، شاخصه‌های اخلاقی و کمال شخصیتی او شکل گرفته و بر همین مبنا نیز مورد سنجش واقع خواهد شد. از این‌رو تفکر راجع به چرایی خلقت، درستکاری و مسئولیت پاسخگویی انسان همواره مورد تأکید شریعت اسلام بوده است. بنابراین، اعتقاد عمیق اسلامی و ایمان به مسئولیت پاسخگویی منجر به تأمین رفتار و عملکرد اخلاقی - اسلامی حسابداران حرفه‌ای خواهد شد و می‌توان اظهار داشت که طراحی و اجرای آیین اخلاق حرفه‌ای اسلامی و نهادینه کردن آن در سیستم آموزش حسابداری، الزامات خبرگان این حرفه را در تربیت و پرورش حسابداران

حرفه‌ای اسلامی تأمین خواهد نمود. امروز تربیت حسابداران حرفه‌ای اخلاق‌مدار، ارائه اطلاعات صحیح و دقیق برای تصمیمات آتی را در پی خواهد داشت (خرامین و حسینی، ۲۰۱۴). لازم است به این واقعیت توجه شود که توسعه جوامع بشری بدون نهادینه شدن ارزش‌ها و اصول اخلاقی شریعت اسلام در فعالیتهای تجاری میسر نخواهد شد. در نتیجه، انتظار می‌رود که آموزش اخلاق حرفه‌ای اسلامی به دانشجویان منجر به کاهش تدریجی چالش‌های اخلاقی حسابداری شود. بنابراین، می‌توان بیان نمود تا وقتی که حسابداران حرفه‌ای جهت فراگیری اصول اخلاقی وابسته به آموزش دانشگاهی باشند، آنگاه اغنای اخلاق اسلامی در سیستم آموزش حسابداری و بهبود رفتار اخلاقی حسابداران به‌عنوان مناسب‌ترین راهکار برای تجدید حیات حرفه حسابداری قلمداد می‌گردد. حداقل انتظار جامعه از سیستم آموزش حسابداری تربیت حسابدارانی است که قادر به شناسایی و حل معضلات اخلاقی حسابداری باشند (عبدالرحمان، ۲۰۰۳).

در سال‌های اخیر، جامعه بشری به این نتیجه رسیده است که تربیت و پرورش شهروندان اخلاق‌مدار در گرو توسعه و گسترش صفات اخلاقی متعالی خواهد بود. جوامع مختلف برای تربیت نسل‌های اخلاقی خود، راهکارهایی متفاوتی را دنبال نموده‌اند که مهمترین آن نهادینه کردن اصول اخلاق اسلامی در دانشجویان است. در چنین جوامعی، اخلاق در حال تبدیل شدن به مهمترین عنصر سیستم آموزش حسابداری خواهد بود. در واقع تربیت اخلاقی دانشجویان به توسعه و تقویت دیدگاه اخلاقی آنها کمک خواهد کرد. ژاک لینگ و همکاران (۱۹۹۸) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که تأثیر مثبت آموزش اخلاق در توسعه استدلال اخلاقی دانشجویان، فراتر از حد تصور بوده است. گفته می‌شود که یک راهکار جهت نهادینه کردن تعهد اخلاقی در دانشجویان حسابداری، آموزش اخلاق تجاری به آنها است. همچنین، تعلیم اصول تعاون و تشریک مساعی به دانشجویان حسابداری ممکن است تأثیر متفاوتی بر استدلال اخلاقی آنها داشته باشد (توماس، ۲۰۱۲). باید توجه داشت که تقویت ظرفیتهای اخلاقی شناختی دانشجویان بیش از هر قانون یا آیین‌نامه اخلاقی می‌تواند در نهادینه کردن اخلاق تجاری در آنها، نقش داشته باشد (یانگ و آنیست، ۲۰۰۹). مکفیل و همکاران (۲۰۰۴) به این نتیجه دست یافتند که سیستم آموزش حسابداری به‌منظور تقویت حس تعاون در میان سیستم‌های آموزشی و تعهد اخلاقی به «دیگری»، بایستی شامل عنصر اخلاق باشد. سیستم آموزش اخلاق

اسلامی به دلیل توجه خاص به تضادهای اخلاقی، چارچوب قدرتمندی را برای القای حسی فراتر از تعهد اخلاقی در اختیار دارد، زیرا اسلام تنها یک ایدئولوژی نیست، بلکه یک مسیر زندگی می‌باشد. آموزش اخلاق اسلامی نیازمند شمول ایدئولوژی اخلاقی برای پرورش افراد حرفه‌ای اخلاقی است.

به‌طور خلاصه با توجه به اهمیت آموزش اخلاق حرفه‌ای، جهت پاسخگویی کامل به نیازهای جامعه توصیه می‌شود که آموزش اخلاق حرفه‌ای اسلامی جزء سرفصل‌های دروس حسابداری قرار گیرد. البته، رفتار اخلاقی حسابداران و رعایت آیین اخلاق حرفه‌ای در گرو آن است که حسابداران از استدلال اخلاقی برخوردار باشند. در واقع وجود استدلال اخلاقی در حسابداران باعث خواهد شد که آنها حتی فراتر از آیین اخلاق حرفه‌ای حرکت نمایند.

نتیجه‌گیری

حسابداران به‌عنوان یک عامل انسانی نقش کلیدی در زنجیره حسابداری ایفا می‌کند. بسیاری از رفتارها، تصمیم‌ها و گزارش‌های مالی حسابداران با وجود استفاده از سیستم‌های فن‌آوری، نتیجه اعمال قضاوت حرفه‌ای حسابداران است. نیروی انسانی، همچنان مهمترین عامل تصمیم‌گیری و گزارشگری در سیستم‌های مالی محسوب می‌شود (خواجوی و منصوری، ۱۳۹۰)؛ از سوی دیگر، مشکلات اخلاقی در حرفه حسابداری ممکن است در ارائه خدمات حرفه‌ای به ذی‌نفعان و همچنین در روابط درونی موجود بین شاغلان هر مؤسسه حرفه‌ای، رخ دهد. طبیعتاً اخلاقی و سالم نبودن روابط درونی در هر مؤسسه حسابداری ممکن است مشکلات اخلاقی را در خدمات ارائه شده به صاحب‌کاران در پی داشته باشد یا آنها را تشدید نماید. بنابراین، رهنمودهای اخلاقی در زمینه روابط درونی بین حسابداران و حساب‌برسان (روابط درونی کارکنان هر مؤسسه)، اهمیت بسیار زیادی دارد و می‌تواند زمینه‌ساز رعایت اصول اخلاقی در ارائه خدمات حرفه‌ای به صاحب‌کار باشد. آیین‌های رفتار حرفه‌ای موجود، رهنمودهای زیادی برای انجام خدمات حرفه‌ای حسابداری و ارائه آنها به ذینفعان دارند، اما روابط درونی هر مؤسسه کمتر در آنها مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین، افراد برای ورود به این حرفه، علاوه بر دانش و مهارت، نیازمند شایستگی‌های اخلاقی هستند. به‌عبارتی، تأثیر رعایت اصول اخلاقی بر عملکرد آنها و عملکرد سازمان و در نتیجه اعتبار و موفقیت حرفه به شدت اثرگذار است. بر این

اساس، در مطالعه حاضر سعی شد نقش اسلام و اصول اخلاقی آن در رفع مشکلات حرفه حسابداری عصر حاضر و آیین اخلاق حرفه‌ای حسابداری مبتنی بر مفهوم عقل‌گرایی صرف تبیین شود. در این پژوهش ضرورت و نیاز به مفاهیم ارزشی و اخلاقی اسلامی حسابداری جهت حراست و حفاظت محیط اقتصادی و اجتماعی تبیین و اصول اخلاقی اسلامی معرفی شدند که می‌توان آنها را برای تدوین آیین رفتار اخلاق حرفه‌ای حسابداری مورد استفاده قرار داد و بدین ترتیب مشکلات اخلاقی موجود را کاهش داد.

مسائل عینی و حرفه‌ای اخلاق به فرهنگ وابسته است و از آنجا که مسائل اخلاقی مربوط به حرفه در زمینه‌های معین فرهنگی و اجتماعی به وجود می‌آیند، برای رفع آنها، توجه به زمینه‌های مذکور اهمیت فراوانی دارد. بنابراین، اخلاق حرفه‌ای اگرچه یک دانش است، اما فارغ از زمینه‌های فرهنگی نیست. به عبارتی، یکی از ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای، بومی بودن آن است. بنابراین، از آنجا که ایران یک جامعه اسلامی است، تهیه اصول اخلاق حرفه‌ای با در نظر گرفتن دین اسلام می‌تواند حل و رفع مسائل اخلاقی را تسهیل نماید. برای تعیین مؤلفه‌های کاربردی اخلاق حرفه‌ای می‌توان از اصول راهبردی اخلاق حرفه‌ای مطرح شده در منابع اسلامی استفاده کرد. نهج‌البلاغه، یکی از منابع مهم اسلامی است که از آن اصول اخلاق حرفه‌ای قابل استخراج است. احترام و تکریم دیگران (حرمت)، آزادی، عدالت، امانت‌ورزی، صداقت، مسئولیت‌پذیری، مدارا و سعه صدر، نقادی و انتقادپذیری، اعتدال، فروتنی و مهربانی و رازداری، اصول اخلاقی هستند که از این منبع اسلامی قابل استخراج است و می‌توان آنها را برای تدوین آیین رفتار اخلاق حرفه‌ای حسابداری مورد استفاده قرار داد.

حفظ حرمت انسانی و شخصیت انسان‌ها باید محور روابط با آنها باشد و حسابداران همواره اصل احترام و تکریم دیگران را در ارتباطات خود مد نظر قرار می‌دهند. این اصل در مؤسسات حسابداری نیز قابلیت کاربرد دارد. بر این اساس، روابط بین مدیران، سرپرستان و حساب‌برسان باید بر احترام متقابل استوار باشد. اصل آزادی را می‌توان از جنبه‌های درونی و بیرونی برای حرفه حسابداری مورد استفاده قرار داد. حسابداران از سویی باید در انجام وظایف خود از انفعالات نفسانی آزاد باشند و از سوی دیگر، روابطشان با ذی‌نفعان باید به شکلی تنظیم شود که آزادی آنها سلب نشود. این اصل در مؤسسات حسابداری نیز قابلیت کاربرد دارد. بر اساس این اصل، عضویت در مؤسسه نباید باعث سلب آزادی فرد شود تا هر عضو مؤسسه بتواند از حقوقی

همچون حفظ حریم شخصی، حق انتخاب، حق اظهار نظر، حق نقد و حق دفاع از منافع برخوردار باشد. انصاف به عنوان یکی از عوامل مؤثر در ایجاد عدالت سازمانی، در نظام حسابداری و نظام پاسخ‌گویی مالی نقش مهمی ایفا می‌کند. در اصول اخلاقی حرفه‌ای حسابداری بر انصاف به عنوان یکی از معیارهای مهم قضاوت در گزارشگری تأکید می‌گردد. حسابدار عاملی است که به عنوان طرف سوم مبادله اطلاعات بین پاسخ‌گو و پاسخ‌خواه وارد عمل می‌شود تا دو طرف را از ایجاد جریان روان اطلاعات مطمئن سازد. سودمندی نقش حسابدار در جریان اطلاعات تنها با رعایت انصاف تحقق می‌یابد. بنابراین، اصل عدالت و انصاف یکی از مهمترین اصول اخلاق حرفه‌ای حسابداری به شمار می‌رود. اصل وفای به عهد نیز در حسابداری همچون تمامی حرفه‌ها کاربرد دارد. حسابداران از سویی باید به پیمان‌هایی که خود با سازمان دارند عمل کنند و از سوی دیگر، در انجام وظایف خود بایستی به پیمان‌ها و قراردادهای سازمان با ذینفعان نیز پایبند باشند. در حقیقت حسابداری و حسابرسی از سوی افراد زیادی به امانت به عهده حسابدار و حسابرس گذارده شده است و هر گزارش حسابداری و حسابرسی مورد استفاده طیف وسیعی از ذی‌نفعان قرار می‌گیرد. بنابراین، اصل امانت‌داری در این حرفه اهمیت زیادی دارد و رعایت آن می‌تواند تضمین‌کننده انجام صحیح امور محوله بر عهده حسابداران و حسابرسان باشد.

بر اساس اصل صداقت، حسابداران باید در ارائه اطلاعات به ذینفعان (درون سازمانی و برون سازمانی) صادق باشند. حسابرسان نیز باید یافته‌های خود درباره گزارش‌های مالی را صادقانه در گزارش‌های حسابرسی بگنجانند و در اختیار سهامداران قرار دهند. رعایت این اصل ضمن جلوگیری از ارائه اطلاعات نادرست به ذینفعان، اعتماد استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی را نیز افزایش می‌دهد. بر اساس اصل مسئولیت‌پذیری، حسابداران باید در انجام وظایف خود (تهیه و ارائه گزارش‌های مالی) مسئولیت‌پذیر باشند. حسابرسان نیز باید در اجرای استانداردهای حسابرسی و اظهار نظر نسبت به گزارش‌های مالی مسئولیت‌پذیر باشند. طبیعتاً رعایت این اصل از طریق کاهش خطاها و کوتاهی‌ها، کیفیت کار حسابداران و حسابرسان (گزارش‌های مالی) را افزایش خواهد داد. بر اساس اصل نقادی و انتقادپذیری، حسابداران باید در صورت مشاهده رویه‌های نامناسب، آنها را به مدیریت گوشزد کنند. حسابرسان نیز باید نقاط ضعف موجود در سیستم‌های گزارشگری و کنترل داخلی را به مدیریت سازمان گزارش دهند. از سویی، به کارگیری این اصل در تنظیم روابط موجود بین مدیران، سرپرستان و حسابرسان در مؤسسات

حسابرسی، می‌تواند ضامن سالم بودن روابط درون مؤسسات حسابرسی باشد. با توجه به حجم بالای کار حرفه حسابداری پیروی از اصل مدارا و سعه صدر بسیار اهمیت دارد. همچنین، این اصل در مؤسسات حسابرسی برای تنظیم روابط بین مدیران، سرپرستان و حسابرسان کاربرد دارد. پیروی از اصل فروتنی و مهربانی می‌تواند ارتباط حسابداران و حسابداران با ذی‌نفعان مختلف را بهبود بخشد. به‌علاوه، پیروی مدیران و سرپرستان مؤسسات حسابرسی از این اصل می‌تواند زمینه ایجاد روابط مطلوب بین سطوح مختلف مؤسسه را فراهم کند. با توجه به این که حرفه حسابداری ارتباطی تنگاتنگ با اطلاعات سازمان دارد، اصل رازداری در این حرفه بسیار حائز اهمیت است و در آیین رفتار حرفه‌ای تمامی کشورها جای داده شده است. طبیعتاً رازداری حسابداران و حسابرسان شرط لازم جریان منصفانه اطلاعات خواهد بود.

بر اساس مطالب بیان شده، بر خلاف آیین رفتار حرفه‌ای حسابداری، در منابع اسلامی علاوه بر این که رهنمودهایی برای نحوه انجام خدمات حرفه‌ای ارائه شده است، توصیه‌هایی برای نحوه روابط درون سازمانی نیز وجود دارد. اصول اخلاقی معرفی شده در این مطالعه (احترام و تکریم دیگران، آزادی، عدالت، امانت‌ورزی، صداقت، مسئولیت‌پذیری، سعه صدر، نقادی و انتقادپذیری، اعتدال، فروتنی و رازداری) علاوه بر اینکه در انجام خدمات حرفه‌ای برای صاحبکاران و ذی‌نفعان کاربرد دارند، برای تنظیم اخلاقی روابط درونی موجود در مؤسسات حسابداری نیز سودمند هستند و مشکل آیین رفتار حرفه‌ای موجود در این زمینه (ناکافی بودن توجه به این روابط) را بر طرف می‌سازند. بنابراین، کمک گرفتن از منابع اسلامی برای تدوین آیین رفتار حرفه‌ای حسابداری می‌تواند ضمن برطرف کردن ضعف‌های آیین رفتار حرفه‌ای موجود، زمینه‌های لازم برای رعایت اصول اخلاقی را تقویت کند. از آنجا که عقل انسان با محدودیت‌هایی مواجه است، تدوین آیین رفتار حرفه‌ای مبتنی بر اصول اخلاقی اسلامی، می‌تواند سودمندتر از آیین‌های اخلاق حرفه‌ای حسابداری مبتنی بر مفهوم عقل‌گرایی صرف باشد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود با در نظر گرفتن اصول اخلاق اسلامی معرفی شده در این مطالعه، آیین رفتار حرفه‌ای اسلامی تدوین گردد. از سوی دیگر، اگرچه دانش و مهارت از الزامات و پیش‌نیازهای یک حسابدار خوب هستند، اما برای ورود به حرفه کافی نیستند. مهم‌تر از مهارت و تخصص، اخلاق و شایستگی‌های روحی و معنوی است. بنابراین، خصوصیات اخلاقی و معنوی، در کنار عوامل علمی و مهارتی می‌تواند موجبات استحکام یا ویرانی یک حرفه را فراهم

آورد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود جهت پاسخگویی کامل به نیازهای جامعه، آموزش اخلاق حرفه‌ای اسلامی جزء سرفصل‌های دروس حسابداری قرار گیرد تا دانشجویان علاوه بر کسب دانش و مهارت‌های حرفه‌ای، شایستگی‌های اخلاقی نیز برای ورود به حرفه حسابداری به دست آورند.

منابع

- Aghaie, A. , & Hesarzade, R. (2012). Conceptual modeling of accounting ethics and survey of accountants' viewpoints. *Ethics in science and Technology*. 7 (3) , 53-64. (In Persian)
- Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions (AAOIFI) (1998). *Accounting and auditing standards for Islamic financial institutions*, Manama, Bahrain: AAOIFI.
- Alidoosti-Shahraki, N. (2011). Fairness in settlement foreign investment disputes, *Journal of Private Law Studies*, 40 (3) , 261-276. (In Persian)
- Armstrong, M. B. (1990). Professional ethics and accounting education: a critique of the 8-step method. *Business & Professional Ethics Journal*, 9 (1) , 181-191.
- Ather, S. M. , & Ullah, M. H. (2010). Islamic accounting and traditional accounting some conflicts and their resolutions. *Bangladesh Accountant*, 66 (37) , 20-24.
- Bakar, M. A. , Mohamed Saat, M. , & Abdul Majid, A. (2003). Ethics and the accounting profession in Malaysia. *National Accounting Research Journal*, 1 (1) , 105-122.
- Bakre, O. M. (2007, September). The unethical practices of accountants and auditors and the compromising stance of professional bodies in the corporate world: Evidence from corporate Nigeria. In *Accounting Forum* 31 (3) , 277-303.
- Ballantine, J. , & Mccourt, P. (2011). The impact of ethical orientation and gender on final year undergraduate auditing students' ethical judgments. *Accounting Education: an international journal*, 20 (2) , 187-201.
- Beekun, R. I. , & Badawi, J. A. (2005). Balancing ethical responsibility among multiple organizational stakeholders: The Islamic perspective. *Journal of business ethics*, 60 (2) , 131-145.
- Beekun, R. I. (2010). *Islamic Business Ethics*, Islamic Azad University Science and Research Branch, Nikoomaram, H. , & Madanch, M. (In Persian)
- Bunker, R. B. , & Casey, K. M. (2012). Facilitating payments versus bribes: Are we sending conflicting ethical signals in accounting education?. *International Journal of Business and Social Science*, 3 (8) , 47-50.
- Carroll, R. (1998). A model for ethical education in accounting. *Ethical Issues in Accounting*, 153-169.
- Davidson, R. A. , Douglas, P. C. , & Schwartz, B. N. (2000). Differences in ethical judgments between male and female accountants. Unpublished article.
- Duska R. F. , & Duska, B. S. (2003). *Accounting Ethics: Foundation of Business Ethics*, Blackwell Publishing, India.

- Faramarz-Gharamaleki, A. (2002). Professional ethics in Alavi management, Islamic Social Research, 32&33. (In Persian)
- Faramarz-Gharamaleki, A. (2004). Professional Ethics, Majnoon Publishing, Qom. (In Persian)
- Faramarz-Gharamaleki, A. (2009a). Organizational Ethics, Sarmad Publishing, Tehran. (In Persian)
- Faramarz-Gharamaleki, A. (2009b). Introduction to Professional Ethics, Sarmad Publishing, Tehran. (In Persian)
- Farmahin-Farahani, M. (2011). Upbringing in Nahj al-Balagha, Abij Publication. (In Persian)
- Farmahini Farahani, M. & Ashrafi, F. (2014). Principles of professional ethics in Nahj al-Balagah, Alavi Bulletin, 5 (1) , 67-86. (In Persian)
- Fassin, Y. (2005). The reasons behind non-ethical behaviour in business and entrepreneurship. Journal of Business Ethics, 60 (3) , 265-279.
- Gambling, T. , & Karim, R. A. A. (1993). Business and accounting ethics in Islam. Mansell.
- Ghorbani Laigi, Z. (2005). The First Treatise on Islamic Ethics and Education from Imam Ali, Ansarian Publication. (In Persian)
- Greenfield, A. C. , Norman, C. S. , & Wier, B. (2008). The effect of ethical orientation and professional commitment on earnings management behavior. Journal of Business Ethics, 83 (3) , 419-434.
- Hartog, M. , & Winstanley, D. (2002). Ethics and human resource management: Professional development and practice. Business & Professional Ethics Journal, 21 (2) , 3-9.
- Hassan, M. K. (1996). Towards Actualizing Islamic Ethical and Educational Principles in Malaysian Society: Some Critical Observations.
- Hassas Yeganeh, Y. , Maghsoodi, O. (2011). Ethics in professional auditor judgments. Ethics in Science and Technology, 6 (1) , 63-74. (In Persian)
- Hejazi, R. , & Mesripor, M. (2012). The relationship between accounting ethics and university education, 10th National Accounting Conference of Iran. (In Persian)
- Helps, L. (1994). Should we teach ethics in accounting education?. Management Accounting: Magazine for Chartered Management Accountants, 72 (6) , 46-46.
- Hooker, B. R. A. D. (2001). Self-interest, ethics, and the profit motive. Business Ethics, Cowton and Crisp, Oxford University Press.
- Jackling, B. , Cooper, B. J. , Leung, P. , & Dellaportas, S. (2007). Professional accounting bodies' perceptions of ethical issues, causes of ethical failure and ethics education. Managerial Auditing Journal, 22 (9) , 928-944.
- Jamali, D. (2008). A stakeholder approach to corporate social responsibility: A fresh perspective into theory and practice. Journal of business ethics, 82 (1) , 213-231.
- Kamali, M. H. (1991). Principles of Islamic jurisprudence (pp. 283-296). Cambridge: Islamic Texts Society.
- Kazemi, M. (2016). The impact of accountant professional behavior on firm performance, Fourth National Conference on Management, Economics and Accounting. (In Persian)

- Jafaie, M. (2009). Investigating the effect of ethical orientation and professional commitment on earnings management behavior, M. A. Thesis, Ferdowsi University of Mashhad. (In Persian)
- Keller, A. C. , Smith, K. T. , & Smith, L. M. (2007). Do gender, educational level, religiosity, and work experience affect the ethical decision-making of US accountants?. *Critical Perspectives on Accounting*, 18 (3) , 299-314.
- Khajavi, S. , & Mansuri, S. (2012). Justice and its position in financial accountability system, *Accounting & Auditing Studies*, 1 (2) , 22-29. (In Persian)
- Khoramin, M. , Vakilifard, H. R. , Hosseini, A. , & Qasemi, A. (2014). Organizational culture as a key component of intellectual capital. *Kuwait Chapter of the Arabian Journal of Business and Management Review*, 3 (12A) , 175. (In Persian)
- Khormin, M. , Talebania, G, and Khormin, M. (2014). Islamic accounting with emphasis on ethical measurement mriteria, *First International Conference on Accounting, Management and Social Sciences*, Rasht. (In Persian)
- Khoramin, M. , & Hosseini, A. (2014) Islamic accounting with focus on Zakat pivotal role Academic. *Journal of Research in Business & Accounting*, 2 (3) , 10-16.
- Lewis, M. K. (2001). Islam and accounting. *Accounting Forum*, 25 (2) , 103-127.
- Mahini, S. (2007). Principles and models of professional ethics in Nahj al-Balaghah, professional ethics in Iranian and Islamic civilization, *Research Institute for Cultural and Social Studies*. Tehran. (In Persian)
- McPhail, K. , Gorringer, T. , & Gray, R. (2004). Accounting and theology, an introduction: Initiating a dialogue between immediacy and eternity. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 17 (3) , 320-326.
- Mohammadi, A. (2011). The place of ethical systems in financial reporting, PhD Dissertation, Islamic Azad University Science and Research Branch. (In Persian)
- Mojtahedzade, V. , Asna Ashari, H. , & Robotmili, M. (2014). The role of ethics in accounting and accounting education challenges, *Research in Accounting and Auditing*, 4 (2) , 157-179.
- Motahhari, M (1995). An explore in Nahj al-Balaghah, Sadra Publication. (In Persian)
- Nadaraja, S. R. , & Mustapha, M. (2017). Ethical sensitivity of accounting students: Evidence from Malaysia. *International Review of Management and Marketing*, 7 (1).
- Rahimian, N. (2005). Judgment and decision making in auditing, *Journal of Certified Public Accountant*, 103-120. (In Persian)
- Rahman, A. R. A. (2003). Ethics in accounting education: contribution of the Islamic principle of Maslahah. *International Journal of Economics, Management and Accounting*, 11 (1) , 31-49.
- Roaie, R. , Talebnia, G. , Hassas Yegane, Y. , & Jalili, S. (2012). The impact of auditors perception of authentic leadership and ethical organizational culture on reduced audit quality practices, *Iranian Journal of Management Sciences*, 7 (25) , 1-20. (In Persian)

- Rockness, H. , & Rockness, J. (2005). Legislated ethics: From Enron to Sarbanes-Oxley, the impact on corporate America. *Journal of Business Ethics*, 57 (1) , 31-54.
- Sarlak, N. (2008). Ethics in accounting, *Journal of Ethics in Science and Technology*, 3 (1) , 71-82. (In Persian)
- Smith, L. M. (2003). A fresh look at accounting ethics (or Dr. Smith goes to Washington). *Accounting Horizons*, 17 (1) , 47-49.
- Sullivan, A. C. (2007). The effects of ethical orientation and academic discipline on accounting students' use of professional judgment. Walden University.
- Taghizade, S. (2009). Principles of professional ethics, *Monthly Industry and Entrepreneurship*, 42. (In Persian).
- Talebani, G. , & Khormin, M. (2014). Application of Islamic value and ethical concepts in accounting, *Journal of Management and Accounting Research*, 1 (4) , 1-15. (In Persian).
- Thomas, S. (2012). Ethics and accounting education. *Issues in Accounting Education*, 27 (2) , 399-418.
- Wadi'i, M. H. , Allies, A. , & Hosseini, M. (2012). The impact of factors affecting ethical decision making of accountants in Iran, 10th National Accounting Conference of Iran. (In Persian).
- Valentine, S. , Godkin, L. , & Varca, P. E. (2010). Role conflict, mindfulness, and organizational ethics in an education-based healthcare institution. *Journal of Business Ethics*, 94 (3) , 455-469.
- Young, J. J. , & Annisette, M. (2009). Cultivating imagination: Ethics, education and literature. *Critical Perspectives on Accounting*, 20 (1) , 93-109.
- Yunanda, R. A. (2011). The contribution of Islamic ethics towards ethical accounting practices. *Issues in Social and Environmental Accounting*, 5 (2) , 124-137.
- Zarei, R. Esmaeeli. A. Zarei. S. (2016). Studying the influential factors on ethic in accounting and auditing in regarding personal dimensions. *International Business Management*, 10 (7) , 1141-1150.

ارتباط بین روابط سیاسی و پدیده مدیریت مصنوعی و

واقعی سود

قادر داداشزاده^۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۰۷

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۲/۲۵

مقاله پژوهشی

چکیده

صورت‌های مالی تهیه شده توسط یک واحد اقتصادی علاوه بر استانداردهای حسابداری، تحت تأثیر عوامل متنوعی قرار دارد. یکی از عوامل بااهمیت و قابل توجه، نفوذ سیاسی مدیران و مالکان بنگاه‌های اقتصادی در محافل سیاسی و روابط آنها با کانون‌های قدرت سیاسی است. روابط و نفوذ سیاسی نه تنها بر وضعیت مالی بنگاه‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد، بلکه انگیزه‌های مدیران را نیز در ارتباط با گزارشگری مالی و تهیه صورت‌های مالی تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین هدف از این مطالعه، بررسی ارتباط بین روابط سیاسی با پدیده مدیریت مصنوعی و واقعی سود تعدیل شده می‌باشد. برای این منظور، این پژوهش با استناد از پژوهش برام و همکاران (۲۰۱۵)، برای اندازه‌گیری روابط سیاسی از پنج شاخص (ارزش بازار سهام، ارزش دفتری دارایی، تعداد کارکنان، فروش صادراتی و بیمه پرداختی) بر اساس مدل فاسیو (۲۰۰۶)، استفاده نموده و برای سنجش مدیریت مصنوعی سود، از میانگین دو معیار ارقام تعهدی اختیاری بر اساس مدل تعدیل شده جونز که توسط دیجو و همکاران (۱۹۹۵) ارائه شده است و ارقام تعهدی جاری تعدیل شده بر حسب عملکرد (REDCA) بر اساس مدل آشپوک و همکاران (۲۰۰۳)، استفاده نموده است. به منظور دستیابی به هدف پژوهش، تعداد ۱۳۰ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ انتخاب گردید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که از میان شاخص‌های روابط سیاسی، بین تعداد کارکنان و مدیریت سود مصنوعی ارتباط منفی و معنی‌دار وجود دارد و بین تعداد کارکنان و مدیریت سود واقعی ارتباط مثبت و معنی‌دار وجود دارد و بین سایر معیارهای روابط سیاسی با مدیریت واقعی و مصنوعی سود هیچ رابطه‌ای مشاهده نگردید. بنابراین، این موضوع بیانگر آن است که روابط سیاسی در رابطه با مدیریت واقعی و مصنوعی سود در بازار سرمایه ایران نقشی را ایفا نمی‌کند و به‌عنوان یک سازوکار کاملاً بی‌اثر تلقی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ارقام تعهدی جاری تعدیل شده، روابط سیاسی، مدیریت مصنوعی و واقعی سود.

طبقه‌بندی موضوعی: M42, G34

DOI: 10.22051/ijar.2020.23279.1457

^۱ دکتری حسابداری، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران
(Ghaderdashzadeh@gmail.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

مقدمه

اقتصاد سیاسی حوزه مهمی در مطالعه علمی پدیده‌های اجتماعی است. این روش، شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی را ناشی از مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی می‌داند. بر اساس نظریه اقتصاد سیاسی، در اکثر جوامع اقتصادی بازار محور، واحدهای تجاری کانون کنش‌های متقابل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی میان گروه‌های مختلف هستند. بنابراین شناخت روابط بین گروه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به منظور درک ویژگی‌های در حال تغییر واحدهای تجاری لازم و ضروری است. بر پایه نظریه مزبور، اطلاعات حسابداری تنها برای حمایت از گروه‌های صاحب نفوذ در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تهیه می‌شود. اطلاعاتی که به کمک آن، صاحبان قدرت می‌توانند به نفع شخصی خود از آن اطلاعات استفاده و عمل نمایند (آبیسکرا، ۲۰۰۳). مطالعات تجربی حسابداری نشان داده است که در کنار فشارهای بازار سرمایه، ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نظیر نظام‌های حقوقی-قضایی، قوانین تجاری و مالیاتی، ماهیت و نوع روابط تعریف شده در اقتصاد، عرف، فرهنگ و نظام سیاسی، رفتار مدیران، حساب‌رسان، سرمایه‌گذاران، تدوین‌کنندگان قوانین و مقررات و دیگر افراد مشارکت‌کننده در بازار را نسبت به گزارشگری مالی تحت تأثیر قرار می‌دهد (بوшمن و پیوتروسکی، ۲۰۰۶).

مدیریت سود در کشورهایی که بازار سرمایه آنها دارای سابقه فعالیت طولانی‌تری می‌باشد، ادبیات غنی و رو به توسعه‌ای دارد. مدیریت سود می‌تواند به سه طبقه حسابداری متقلبانه، مدیریت اقلام تعهدی اختیاری و مدیریت واقعی سود (دستکاری فعالیت‌های واقعی) تقسیم شود. حسابداری متقلبانه مربوط به انتخاب رویه‌های حسابداری مغایر با اصول پذیرفته شده حسابداری است. در مدیریت اقلام تعهدی، رویه‌های حسابداری مبتنی بر اصول پذیرفته شده حسابداری می‌باشد، اما تلاش می‌شود که عملکرد اقتصادی واقعی مبهم نشان داده شود (دیچو و اسکینر، ۲۰۰۸). دستکاری فعالیت‌های واقعی شرکت زمانی روی می‌دهد که مدیران فعالیت‌هایی انجام دهند که آنها را از بهترین عملکرد منحرف کند تا بتوانند سودهای بالاتری گزارش نمایند (گانی، ۲۰۰۵).

لو (۲۰۰۷) از سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، قانون‌گذاران، مشتریان و رقبا به‌عنوان قربانیان مدیریت سود یاد می‌کند، زیرا زمانی که آنها بر پایه اطلاعات دستکاری شده توسط مدیران اقدام به تصمیم‌گیری می‌نمایند، ممکن است تصمیمات نادرستی اتخاذ نمایند (لو، ۲۰۰۷). مدیریت سود زمانی رخ می‌دهد که مدیر برای گزارشگری مالی از قضاوت شخصی خود استفاده می‌کند و این کار را با هدف گمراه کردن برخی از سهامداران درباره عملکرد واقعی اقتصادی یا برای تأثیر در نتایج قراردادهایی انجام می‌دهند که به ارقام حسابداری گزارش شده بستگی دارد (توماس و ژانگ، ۲۰۰۲). در نظام‌های اقتصادی مبتنی بر روابط، ارتباط سیاسی، منبع مهم ارزش برای شرکت‌های دارای این روابط است. شرکت‌های دارای روابط سیاسی راحت‌تر به منابع سرمایه و مزایای دیگر از طریق ارتباطات‌شان دست می‌یابند که باعث می‌شود کمتر به گزارشگری مالی با کیفیت بالا متکی باشند (چنی و همکاران، ۲۰۱۲؛ آنینگ سجاتی، ۲۰۰۹). در ایران نیز روابط سیاسی دارای ابعاد پُررنگی است؛ سیاسی بودن مدیران و مالکان عمده شرکت‌ها به دلیل دولتی بودن شرکت‌ها و صنایع بزرگ تأثیرگذار بر اقتصاد و نیز نظام اقتصادی حاکم بر کشور یعنی اقتصاد دولتی می‌باشد. روابط سیاسی یک بُعد جدید به عایدات شرکت اضافه می‌کند که فرآیند ایجاد آن را پیچیده‌تر می‌کند. این پیچیدگی می‌تواند اشتباه در برآورد اقلام تعهدی را افزایش دهد که پیامد آن منجر به کاهش کیفیت اقلام تعهدی می‌گردد (چن و همکاران، ۲۰۱۱؛ نیکومرام و همکاران، ۱۳۹۲).

در این پژوهش با توجه به اهمیت بالای روابط سیاسی و به دلیل احساس نیاز برای غنی‌تر شدن ادبیات حسابداری در این زمینه، به بررسی ارتباط بین روابط سیاسی با پدیده مدیریت مصنوعی و واقعی سود تعدیل شده با مدل متغیرهای اقتصاد کلان پرداخته شده است. این مطالعه می‌تواند به تحقیقات حسابداری از جنبه درک ارتباط بین روابط سیاسی و مدیریت سود کمک کند و همچنین به‌طور تجربی شواهد مفیدی برای درک چگونگی ارتباط بین روابط سیاسی و مدیریت سود به دست آورد. انتظار می‌رود نتایج این پژوهش دارای سه دستاورد و ارزش افزوده علمی باشد که عبارتند از (۱) اینکه نتایج این پژوهش می‌تواند موجب گسترش مبانی نظری پژوهش‌های گذشته در رابطه با روابط سیاسی و مدیریت سود شود؛ (۲) موضوع روابط سیاسی و مدیریت سود به‌عنوان یک دستاورد علمی می‌تواند اطلاعات سودمندی را در اختیار قانون‌گذاران حوزه

تدوین استانداردهای حسابداری و بازار سرمایه قرار دهد؛ ۳) نتایج این پژوهش می‌تواند ایده‌های جدیدی برای انجام پژوهش‌های جدید در این حوزه پیشنهاد نماید.

مطابق با مبانی نظری و مرور پیشینه پژوهش‌ها، این مطالعه به دنبال پاسخی به این سؤال است که آیا بین روابط سیاسی و مدیریت سود ارتباط وجود دارد؟ پاسخگویی به این مسأله، کمک شایانی به سرمایه‌گذاران، سهامداران و مدیران شرکت‌های بورسی در زمینه تحلیل بازار و بهینه‌سازی پرتفوی سرمایه‌گذاری می‌نماید.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش روابط سیاسی

یکی از عوامل مهم و شایان توجه که مدیریت سود و هزینه سرمایه شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد، روابط سیاسی بنگاه‌های اقتصادی است. روابط و نفوذ سیاسی نه تنها بر وضعیت مالی بنگاه‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد، بلکه انگیزه‌های مدیران را نیز در ارتباط با گزارشگری مالی تحت تأثیر قرار می‌دهد. انتظار می‌رود این وضعیت در نهایت سبب ایجاد تفاوت‌های چشم‌گیر در کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌هایی شود که در مقایسه با سایر شرکت‌ها روابط سیاسی گسترده‌ای دارند. استدلال این است که شرکت‌های دارای روابط گسترده سیاسی با دولت، به دلیل برخورداری از شرایط خاص (اتصال سیاسی با دولت)، هزینه‌های کمتری را از سوی دولت تحمّل می‌شوند (چانی و همکاران، ۲۰۱۱).

شرکت‌هایی روابط سیاسی دارند که سهامداران کنترلی یا مدیران ارشدشان، ارتباطاتی با اعضای پارلمان‌های ملی یا دولت یا سیاست‌مدار یا حزب مهم داشته باشند (فاسیو، ۲۰۰۶). این شرکت‌ها فرصتهایی برای کسب چیزهای زیادی از ارتباطات سیاسی‌شان دارند (فاسیو، ۲۰۱۰؛ پاستور و ورونسی؛ ۲۰۱۳)، اگرچه آنها نیز تحت نظارت دولتی بالاتر و در معرض کنترل‌های گسترده‌ای از شرکت‌های غیرسیاسی قرار دارند (چانی و همکاران، ۲۰۱۱). بنابراین، مزایای حاصل از ارتباطات‌شان ممکن است به پنهان شدن آن نیاز داشته باشند، به ویژه اگر آنها بزرگ باشند و نسبت به قانونی بودن آنها شبهه وجود داشته باشد (فیسمن، ۲۰۰۱). به عبارتی، هنگامی که رسانه‌ها و احزاب سیاسی پی می‌برند که شرکتی سودش را برای پنهان ساختن مزایای خصوصی مدیریت می‌کند، آن شرکت با هزینه‌هایی مواجه می‌شود که، مزایای حاصل از ارتباطات‌شان از

بین می‌رود (فاسیو، ۲۰۰۶). کشف این موضوع ممکن است به تمامیت شهرت شرکت به‌عنوان شهرت ارتباطات سیاسی آن صدمه زده و هزینه‌های سیاسی و درست‌نمایی دخالت برون‌سازمانی را افزایش دهد (فاسیو، ۲۰۰۶؛ کوتاری و همکاران، ۲۰۱۲؛ رامانا و روی‌چادوری، ۲۰۱۰؛ واتز و زیمرمن، ۱۹۹۰). شرکت‌هایی که دارای روابط سیاسی هستند نسبت به شرکت‌های غیرسیاسی، بعد از کنترل سایر محرک‌های دیگر برای مدیریت سود، بیشتر در دستکاری فعالیت‌های واقعی درگیر می‌شوند.

در کشورهای در حال توسعه که سیستم‌های اقتصادی آنها غالباً مبتنی بر روابط است، یکی از عوامل اساسی که نسبت به عوامل دیگر، بر انگیزه‌های مدیریت در گزارشگری مالی تأثیر می‌گذارد، عامل سیاسی بودن مدیران و مالکان شرکت‌ها به دلیل دولتی بودن شرکت‌ها و صنایع بزرگ تأثیرگذار بر اقتصاد و نیز نظام اقتصادی حاکم بر کشور، یعنی اقتصاد دولتی می‌باشد. فاسیو (۲۰۰۶) معتقد است شرکت‌هایی دارای روابط سیاسی هستند که حداقل یکی از سهامداران عمده‌شان (کنترل حداقل ۱۰ درصد از سهام حق رأی) یا یکی از مدیران ارشدشان (مدیرعامل، رئیس هیأت‌مدیره و نائب رئیس هیأت‌مدیره) عضو یک پارلمان است و یا نزدیک به یک سیاست‌مدار بالا و یا حزب مربوط باشد.

مدیریت سود

اسکیپر (۱۹۸۹)، مدیریت سود را به‌عنوان مداخله هدفمند در فرآیند گزارشگری مالی با قصد تحصیل برخی منافع شخصی، تعریف می‌کند. این تعریف بر جنبه فرصت‌طلبانه مدیریت تمرکز دارد. یعنی، مدیر با انگیزه‌های سودجویانه اقدام به مدیریت سود می‌کند و این اقدام موجب کاهش محتوای اطلاعاتی اعداد حسابداری می‌شود. از سوی دیگر، برخی محققان نگاهی آگاهی‌دهنده به مدیریت سود دارند و آن را به‌عنوان دستکاری اعداد سود توسط مدیران تعریف می‌کنند که به واسطه آن اطلاعات خصوصی و محرمانه مدیریت در مورد عملکرد آتی شرکت به سرمایه‌گذاران منتقل می‌شود. بر این اساس، مدیریت سود نه تنها موجب کاهش محتوای اطلاعاتی سود نخواهد شد، بلکه سرمایه‌گذاران را در تفسیر بهتر ارقام گزارش شده سود یاری می‌کند. در ادبیات پژوهشی، فرصت‌طلبانه بودن مدیریت سود از مقبولیت بیشتری برخوردار است (جیراپورن و همکاران، ۲۰۰۸).

مدیریت سود زمانی اتفاق می‌افتد که مدیریت در تلاش است تا تصویر مناسب‌تری از شرکت برای ذینفعان ارائه دهد، زیرا این تصویر بر منافع مدیران تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم دارد (استروبل، ۲۰۰۹). بنابراین، همواره این نگرانی وجود دارد که سود به‌عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های عملکرد مالی شرکت‌ها، توسط مدیران که در تضاد منافع بالقوه با سهامداران عادی هستند، با اهداف خاصی مدیریت شده باشد. اگرچه دلایل متفاوتی برای انگیزه‌های مدیریت سود توسط مدیران در سایر کشورهای ارائه شده است (تأمین مالی، هزینه نمایندگی، جذب سهامدار جدید، فرآیندهای سیاسی و...) (بوکیت و اسکندر، ۲۰۰۹)، اما طرح پاداش مبتنی بر سود از دلایل دستکاری سود در شرکت‌های ایرانی است. چن (۲۰۰۹) بیان می‌کند که، مدیریت سود واقعی به زمان‌بندی و ساختاربندی فرصت‌طلبانه معاملات عملیاتی، تأمین مالی و سرمایه‌گذاری توسط مدیریت واحد تجاری به منظور تأثیر گذاشتن بر سود گزارش شده در جهت خاصی اطلاق می‌شود که شرکت را متحمل هزینه‌ها و پیامدهای اقتصادی آتی می‌نماید.

روابط سیاسی و مدیریت سود

مدیران در عربستان سعودی و در آنها نسبت تعداد کارکنان خارجی نسبت به تعداد کارکنان داخلی بالاتر است، برای اجتناب از فشارهای سیاسی دولت علیه شرکت و برای نشان دادن اهداف شرکت در راستای برنامه‌های توسعه اقتصادی دولت مبنی بر جذب نیروی انسانی ماهر خارجی، سود را مدیریت می‌نمایند (المقیلی و همکاران، ۲۰۱۰). سونگ و همکاران (۲۰۱۱)، مدیریت سود را در شرکت‌های دارای روابط سیاسی مورد بررسی قرار دادند. آنها نشان دادند که در شرکت‌های دارای روابط سیاسی، مدیریت سود کمتر از سایر شرکت‌ها است. همچنین، شکل مدیریت سود در شرکت‌های دارای روابط سیاسی، بیشتر از نوع حداقل‌سازی سود می‌باشد. این موضوع باعث افزایش ضریب واکنش سود در بازار سرمایه گردیده است. کورریا (۲۰۱۲)، در پژوهشی در شرکت‌های آمریکایی نشان داد شرکت‌هایی که دارای روابط سیاسی هستند، کمتر از سوی کمیسیون بورس و اوراق بهادار جریمه می‌شوند. این شرکت‌ها به واسطه ارتباط با نمایندگان کنگره و پرداخت وجوه به آنها بر کمیسیون بورس و اوراق بهادار فشار وارد می‌کنند و بر آن نفوذ دارند و این موضوع باعث می‌شود تا از سوی این کمیسیون کمتر جریمه شوند. همچنین، شرکت‌هایی که کیفیت اطلاعات حسابداری آن پایین‌تر از سایر شرکت‌ها است، برای جلوگیری از جریمه کمیسیون بورس و اوراق بهادار، از روابط سیاسی استفاده

می‌کنند. بوبکری و همکاران (۲۰۱۲) بیان می‌کنند که، شرکت‌ها بعد از برقراری روابط سیاسی، دسترسی آسان‌تری نسبت به سایر شرکت‌ها، به منابع اعتباری دارند. این شرکت‌ها از طریق استقراض سعی دارند تا سودآوری خود را بهبود ببخشند. از این‌رو، روابط سیاسی همبستگی قوی با تغییر در اهرم و عملکرد عملیاتی دارد.

زو و همکاران (۲۰۱۲)، دریافتند شرکت‌های دارای روابط غیرسیاسی که وابسته به دولت نیستند، کیفیت سود بالاتری دارند. همچنین، هرچه مالکیت سهامدار خارجی در ترکیب سهامداران افزایش یابد، کیفیت سود نیز افزایش می‌یابد. آنها با مقایسه شرکت‌های با مالکیت دولتی، مالکیت کارکنان شرکت و مالکیت سایر نهادها نشان دادند که در این سه دسته از شرکت‌ها، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. چن و همکاران (۲۰۱۲)، دریافتند که شرکت‌ها در دوران تحوّل اقتصادی با فشارهای سیاسی از سوی دولت مواجه بوده‌اند. این شرکت‌ها برای کاهش این فشارهای سیاسی به مدیریت سود روی آوردند. همچنین، مدیریت سود در شرکت‌های غیردولتی، بیشتر از سایر شرکت‌ها بوده است. نتایج پژوهش نرایاناسوامی (۲۰۱۳)، نشان می‌دهد شرکت‌هایی که از ارتباطات سیاسی برخوردارند، نسبت به شرکت‌های غیرسیاسی، کیفیت سود پایین‌تری را تجربه می‌کنند. برام و همکاران (۲۰۱۵)، نشان دادند که روابط سیاسی می‌تواند نقش معنی‌داری در انتخاب استراتژی‌های مدیریت مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت مبتنی بر فعالیت‌های واقعی ایفا کند.

پورحیدری و همّتی (۱۳۸۳) در ایران نشان دادند که شرکت‌هایی که از تعداد بیشتری کارمند برخوردار می‌باشند، فشارهای سیاسی وارده بر آنها نیز بیشتر است. در نتیجه مدیریت این‌گونه واحدها جهت کاهش فشار وارده اقدام به کاهش سود می‌نمایند. نتایج پژوهش نیکومرام و همکاران (۱۳۹۲) نیز نشان می‌دهد که بین مدیریت سیاسی و مدیریت سود رابطه مستقیم وجود دارد. تغییر حسابرس، نوع حسابرس، شاخص سودآوری و نسبت بدهی با مدیریت سود رابطه معنی‌داری دارند و همچنین تغییر مدیریت، رشد فروش و اندازه شرکت با مدیریت سود رابطه معنی‌داری ندارند. رضایی و ویسی حصار (۱۳۹۳) بررسی کردند که در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، کیفیت سود پایین است. در شرکت‌هایی که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، هزینه سهام عادی پایین است، اما در شرکت‌هایی که دارای روابط سیاسی گسترده با دولت هستند و ساختار مالکیت متمرکزی دارند،

هزینه سهام عادی بالا است. داودی نصر و حبیبی (۱۳۹۴) نشان دادند که ارتباطات سیاسی شرکت‌ها بر مؤلفه‌های مدیریت سود تأثیرگذار است و در نهایت نتایج پژوهش صالحی (۱۳۹۷)، نشان می‌دهد که بین روابط سیاسی و مدیریت سود واقعی ارتباط معنی‌داری وجود ندارد.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: بین روابط سیاسی و مدیریت مصنوعی سود ارتباط وجود دارد.

فرضیه دوم: بین روابط سیاسی و مدیریت واقعی سود ارتباط وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به صورت تجربی به بررسی ارتباط بین روابط سیاسی با پدیده مدیریت سود واقعی و مصنوعی تعدیل شده با مدل متغیرهای اقتصاد کلان در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در برخی از صنایع پرداخته است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی است که مبتنی بر تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده است. از سوی دیگر، این پژوهش از نوع پژوهش‌های توصیفی همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ می‌باشد. از آنجا که دقت یافته‌های پژوهش تحت تأثیر تجانس جامعه آماری منتخب قرار دارد، جامعه آماری بر اساس معیارهای (۱) سال مالی شرکت‌ها مختوم به پایان اسفندماه باشد، (۲) جزء سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و واسطه‌گری مالی، هلدینگ‌ها، لیزینگ‌ها و بیمه‌ها به سبب ماهیت خاص فعالیت آنها نباشد، (۳) ارزش دفتری سهام منفی نباشد، (۴) تغییر سال مالی نداشته باشد، (۵) توقف معاملاتی بیش از شش ماه نداشته باشد و (۶) اطلاعات شرکت‌ها در دسترس داشته باشد، محدود شده است.

با توجه به اعمال محدودیت‌های فوق، تعداد شرکت‌های باقیمانده به ۱۳۰ شرکت با ترکیب ۲۱ شرکت از صنعت خودرو و قطعات، ۲۲ شرکت از صنعت مواد دارویی، ۱۲ شرکت از صنعت شیمیایی، ۱۸ شرکت از صنعت سیمان، ۶ شرکت از صنعت ماشین‌آلات و تجهیزات، ۸ شرکت از صنعت کانی غیرفلزی، ۱۱ شرکت از صنعت فلزات اساسی، ۱۴ شرکت از صنعت مواد غذایی، ۴ شرکت از صنعت لاستیک و پلاستیک، ۷ شرکت از صنعت کاشی و سرامیک و ۷ شرکت از

صنعت کانه‌های فلزی رسید. داده‌های مربوط به شرکت‌های نمونه از پایگاه اطلاعاتی بورس اوراق بهادار تهران و تارنمای مدیریت پژوهش توسعه و مطالعات اسلامی دریافت شده است. برای انجام محاسبات و تجزیه و تحلیل داده‌های مورد نیاز، از صفحه گسترده اکسل و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از نرم‌افزار Eviews استفاده شده است.

مدل و متغیرهای پژوهش

این پژوهش ارتباط بین روابط سیاسی با پدیده مدیریت مصنوعی و واقعی سود تعدیل شده با مدل متغیرهای اقتصاد کلان در شرکت‌های بورسی در قالب مدل‌های رگرسیونی با استناد از مدل برام و همکاران (۲۰۱۵) به صورت ذیل بررسی می‌کند:

$$AEM_{it} = \alpha_{it} + \beta_1 \sum POLC_{it} + \beta_2 \sum Control_{it} + \epsilon_{it} \quad \text{مدل (۱)}$$

$$REM_{it} = \alpha_{it} + \beta_1 \sum POLC_{it} + \beta_2 \sum Control_{it} + \epsilon_{it} \quad \text{مدل (۲)}$$

متغیر مستقل در این پژوهش روابط سیاسی (POLC) می‌باشد که برای اندازه‌گیری آن از پنج شاخص هزینه‌های سیاسی به صورت زیر استفاده شده است (فاسیو، ۲۰۰۶):

POLC_MVE ارزش بازار سهام: این متغیر از طریق لگاریتم طبیعی حاصل ضرب قیمت سهام در تعداد سهام محاسبه می‌شود. شیوه تمیز ارزش بازار سهام در حوزه روابط سیاسی بدین صورت است که هرچه ارزش بازار سهام بیشتر باشد، ارتباط شرکت با سازمان بورس اوراق بهادار که زیرمجموعه وزارت امور اقتصادی و دارایی است، بیشتر خواهد بود.

POLC_BVA ارزش دفتری دارایی: از طریق لگاریتم طبیعی دارایی‌ها محاسبه می‌شود. شیوه تمیز ارزش دفتری دارایی در حوزه روابط سیاسی بدین صورت است که هرچه ارزش دفتری دارایی بیشتر باشد، ارتباط شرکت با وزارت امور اقتصادی و دارایی بیشتر خواهد بود.

POLC_EMPL تعداد کارکنان: از طریق لگاریتم طبیعی تعداد کارکنان شرکت محاسبه می‌شود. شیوه تمیز تعداد کارکنان در حوزه روابط سیاسی بدین صورت است که هرچه تعداد کارکنان شرکت بیشتر باشد، ارتباط شرکت با وزارت کار و امور اجتماعی بیشتر خواهد بود.

POLC_EXSALES فروش صادراتی: از طریق کل فروش صادراتی شرکت محاسبه می‌شود. شیوه تمیز فروش صادراتی در حوزه روابط سیاسی بدین صورت است که هرچه فروش صادراتی شرکت بیشتر باشد، ارتباط شرکت با وزارت بازرگانی بیشتر خواهد بود.

POLC_INSUR بیمه پرداختی: از طریق لگاریتم طبیعی بیمه پرداختی سهم کارفرما و بیکاری شرکت محاسبه می‌شود. شیوه تمیز بیمه پرداختی در حوزه روابط سیاسی بدین صورت است که هرچه بیمه پرداختی سهم کارفرما و بیکاری شرکت بیشتر باشد، ارتباط شرکت با وزارت کار و رفاه بیشتر خواهد بود.

شاخص اول مدیریت مصنوعی سود (AEM)، ارقام تعهدی اختیاری (DA) با استفاده از مدل تعدیل شده جونز است که توسط دیچو و همکاران (۱۹۹۵) ارائه شده است که از طریق مدل (۳) اندازه‌گیری شده است (دیچو و همکاران، ۱۹۹۵؛ کوهن و همکاران، ۲۰۰۸؛ کوهن و زاروین، ۲۰۱۰).

$$TA_{i,t}/A_{i,t-1} = K_1 * (I/A_{i,t-1}) + K_2 * (\Delta SALES_{i,t}/A_{i,t-1}) + K_3 * (PPE_{i,t}/A_{i,t-1}) + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۳)}$$

$TA_{i,t}$: کل ارقام تعهدی شرکت i در سال t ، تفاضل سود عملیاتی و جریان نقد عملیاتی،

$A_{i,t-1}$: دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$ ،

$\Delta SALES_{i,t}$: تغییرات فروش شرکت i در سال t ،

$PPE_{i,t}$: ارزش املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت i در سال t .

با استناد از پژوهش کوکس (۱۹۷۷)، از قدرمطلق مقادیر پسماند مدل فوق به‌عنوان نماینده اول مدیریت مصنوعی سود استفاده شده است (دیچو و همکاران، ۱۹۹۵؛ کوهن و همکاران، ۲۰۰۸؛ کوهن و زاروین، ۲۰۱۰).

شاخص دوم مدیریت مصنوعی سود، ارقام تعهدی جاری تعدیل شده بر حسب عملکرد (REDCA) و بر اساس مدل‌های آشپوک و همکاران (۲۰۰۳) و چانی و همکاران (۲۰۱۱) می‌باشد که با استفاده از مدل تعدیل شده متغیرهای اقتصاد کلان در مدل (۴) ارزیابی شده است:

$$REDCA_{i,t} = TCA_{i,t} - EPTCA_{i,t} \quad \text{مدل (۴)}$$

$TCA_{i,t}$: کل ارقام تعهدی جاری شرکت i در سال t ، که از طریق مدل (۵) به دست می‌آید.

$$TCA_{i,t} = \Delta CA_{i,t} - \Delta CL_{i,t} - \Delta CASH_{i,t} + (\Delta STD_{i,t} + \Delta LTD_{i,t}) \quad \text{مدل (۵)}$$

$\Delta CA_{i,t}$: تغییرات دارایی‌های جاری شرکت i بین سال $t-1$ و t ،

$\Delta CL_{i,t}$: تغییرات بدهی‌های جاری شرکت i بین سال $t-1$ و t ،

$\Delta CASH_{i,t}$: تغییرات وجه نقد شرکت i بین سال $t-1$ و t ،

$(\Delta STD_{i,t} + \Delta LTD_{i,t})$: تغییرات بدهی شرکت i بین سال $t-1$ و t .

برای برآورد کل ارقام تعهدی جاری تعدیل شده بر حسب عملکرد پیش‌بینی (EPTCA) ابتدا مدل (۶) اجرا می‌شود (آشپوق و همکاران، ۲۰۰۳؛ چانی و همکاران، ۲۰۱۱):

$$TCA_{i,t} = K_1 * (1/A_{i,t-1}) + K_2 * (\Delta NETSALES_{i,t}/A_{i,t-1}) + K_3 * ROA_{i,t-1} + K_4 * Inflation_{i,t-1} + K_5 * GDPgrowth_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۶)}$$

$\Delta SALES_{i,t}$: تغییرات فروش خالص شرکت i بین سال $t-1$ و t ،

$ROA_{i,t-1}$ بازده دارایی‌ها: سود خالص به کل دارایی‌های شرکت i بین سال $t-1$ و t ،

$Inflation_{i,t-1}$ تورم: شاخص اعلامی از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران،

$GDPgrowth_{i,t-1}$ رشد شاخص GDP: نسبت تغییرات تولید ناخالص داخلی بین سال $t-1$ و t

1 به تولید ناخالص سال $t-1$.

با استفاده از پارامترهای برگرفته از مدل (۶)، کل ارقام تعهدی جاری تعدیل شده بر حسب عملکرد پیش‌بینی (EPTCA) با استفاده از مدل (۷) به دست می‌آید (آشپوق و همکاران، ۲۰۰۳؛ چانی و همکاران، ۲۰۱۱):

$$EPTCA_{i,t} = K_1 * (1/A_{i,t-1}) + K_2 * (\Delta NETSALES_{i,t} - \Delta AR_{i,t}/A_{i,t-1}) + K_3 * ROA_{i,t-1} + K_4 * Inflation_{i,t-1} + K_5 * GDPgrowth_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۷)}$$

$\Delta AR_{i,t}$: تغییرات حسابها و اسناد دریافتی شرکت i بین سال t و $t-1$ ؛

با پیروی از مدل دیچو و همکاران (۱۹۹۵)، کوهن و همکاران (۲۰۰۸) و کوهن و زاروین (۲۰۱۰) و به استناد از پژوهش برام و همکاران (۲۰۱۵)، از یک مدل جامع برای مدیریت مصنوعی سود (AEM) مطابق مدل (۸) استفاده شده است (دیچو و همکاران، ۱۹۹۵؛ آشپوک و همکاران، ۲۰۰۳؛ کوهن و همکاران، ۲۰۰۸؛ کوهن و زاروین، ۲۰۱۰؛ چانی و همکاران، ۲۰۱۱):

$$AEM_{i,t} = (DA_{i,t} + REDCA_{i,t}) / 2 \quad \text{مدل (۸)}$$

مدیریت واقعی سود (REM)، با معیارهای جریان نقد عملیاتی غیرعادی (ABCFO)، هزینه‌های تولید غیرعادی (ABPROD) و مخارج اختیاری غیرعادی (ABDISX) اندازه‌گیری شده است. با پیروی از مدل دیچو (۱۹۹۸)، روی‌چادوری (۲۰۰۶)، یو (۲۰۰۸) و ژانگ (۲۰۰۸) از الگوی (۹) برای تخمین شاخص اول مدیریت واقعی سود (REM) که جریان نقد عملیاتی غیرعادی (ABCFO) می‌باشد، استفاده می‌شود؛ به گونه‌ای که باقیمانده این مدل به‌عنوان معیار جریان نقد عملیاتی غیرعادی (ABCFO) در نظر گرفته می‌شود (کوهن و همکاران، ۲۰۰۸؛ کوهن و زاروین، ۲۰۱۰؛ ژانگ، ۲۰۱۲؛ برام و همکاران، ۲۰۱۵):

$$CFO_{i,t}/A_{i,t-1} = K_1 * (1/A_{i,t-1}) + K_2 * (SALES_{i,t}/A_{i,t-1}) + K_3 * (\Delta SALES_{i,t}/A_{i,t-1}) + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۹)}$$

$CFO_{i,t}$: جریان نقد عملیاتی شرکت i در سال t .

$\Delta SALES_{i,t}$: تغییرات فروش خالص شرکت i بین سال t و $t-1$.

با پیروی از مدل‌های روی‌چادوری (۲۰۰۶)، یو (۲۰۰۸) و ژانگ (۲۰۰۸) از مدل (۱۰) برای تخمین شاخص دوم مدیریت واقعی سود (REM) که هزینه‌های تولید غیرعادی (ABPROD) می‌باشد، استفاده شد، به گونه‌ای که باقیمانده این مدل به‌عنوان معیار هزینه‌های تولید غیرعادی (ABPROD) در نظر گرفته می‌شود (کوهن و همکاران، ۲۰۰۸؛ کوهن و زاروین، ۲۰۱۰؛ ژانگ، ۲۰۱۲؛ برام و همکاران، ۲۰۱۵):

$$\text{مدل (۱۰)} \quad \text{PROD}_{i,t}/A_{i,t-1} = K_0 + K_1 * (1/A_{i,t-1}) + K_2 * (\text{SALES}_{i,t}/A_{i,t-1}) + K_3 * (\Delta \text{SALES}_{i,t}/A_{i,t-1}) + K_4 * (\Delta \text{SALES}_{i,t-1}/A_{i,t-1}) + \varepsilon_{i,t}$$

$\text{PROD}_{i,t}$: (بهای تمام شده کالای فروش رفته + تغییرات موجودی کالا) شرکت i در سال t .
با پیروی از مدل‌های روی چادوری (۲۰۰۶)، یو (۲۰۰۸) و ژانگ (۲۰۰۸) از مدل (۱۱) برای تخمین شاخص سوّم مدیریت واقعی سود (REM) که مخارج اختیاری غیرعادی (ABDISX) می‌باشد، استفاده شد، به گونه‌ای که باقیمانده این مدل به عنوان معیار مخارج اختیاری غیرعادی (ABDISX) در نظر گرفته می‌شود. به منظور اندازه‌گیری مخارج اختیاری توسط مدیریت بر روی هزینه‌های فروش، عمومی و اداری تمرکز شده است، زیرا دربرگیرنده بسیاری از مخارج اختیاری همچون هزینه‌های تبلیغات، تحقیق و توسعه، بازاریابی، اجاره و مهندسی است (کوهن و همکاران، ۲۰۰۸؛ کوهن و زاروین، ۲۰۱۰؛ ژانگ، ۲۰۱۲؛ برام و همکاران، ۲۰۱۵):

$$\text{مدل (۱۱)} \quad \text{DISX}_{i,t}/A_{i,t-1} = K_1 * (1/A_{i,t-1}) + K_2 * (\text{SALES}_{i,t-1}/A_{i,t-1}) + \varepsilon_{i,t}$$

$\text{DISX}_{i,t}$: هزینه‌های فروش، عمومی و اداری شرکت i در سال t .

با پیروی از مدل کوهن و همکاران (۲۰۰۸) و برام و همکاران (۲۰۱۵)، از یک مدل جامع نیز برای تبیین معیارهای مدیریت واقعی سود (REM) که بر اساس باقیمانده‌های مدل (۹)، (۱۰) و (۱۱) محاسبه شده است، مطابق مدل (۱۲) استفاده شده است.

$$\text{مدل (۱۲)} \quad \text{REM}_{i,t} = (\text{ABCFO}_{i,t} + \text{ABPROD}_{i,t} + \text{ABDISX}_{i,t}) * (-1)$$

اهرم مالی (LEV): درجه اهرم مالی بالا به طور بالقوه میزان مدیریت سود را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، افزایش اهرم مالی با کاهش میزان رفتارهای فرصت طلبانه مدیران باعث کاهش مدیریت سود می‌گردد و از تقسیم بدهیها بر دارایی‌های شرکت محاسبه می‌شود (جلنیک، ۲۰۰۷؛ برام و همکاران، ۲۰۱۵).

فرصتهای سرمایه‌گذاری (MTB): از طریق تقسیم ارزش بازار به ارزش دفتری سهام محاسبه می‌شود. در شرکت‌های با فرصتهای سرمایه‌گذاری بالا، مدیریت سود قوی‌تر به نظر می‌رسد (چن و همکاران، ۲۰۱۰؛ برام و همکاران، ۲۰۱۵).

بازده دارایی‌ها (ROA): از طریق تقسیم سود خالص به کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود (چن و همکاران، ۲۰۱۰؛ برام و همکاران، ۲۰۱۵).

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی متغیرها. نگاره (۱)، آمار توصیفی متغیرهای را نشان می‌دهد.

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

انحراف معیار	میانگین	بیشینه	کمینه	تعداد مشاهدات	متغیرها	نماد متغیرها
۱/۶۱۳	۱۳/۳۵۱	۱۹/۱۸۴	۹/۹۴۳	۶۵۰	ارزش بازار سهام	POLC_MVE
۱/۴۷۱	۱۳/۷۵۶	۱۸/۸۱	۹/۹۴۹	۶۵۰	ارزش دفتری دارایی	POLC_BVA
۱/۱۴۷	۶/۰۷۳	۱۰/۰۱	۲/۳۹۷	۶۵۰	تعداد کارکنان	POLC_EMPL
۰/۱۵۸	۰/۰۸۷	۱/۰۹۶	۰/۰۰۰	۶۵۰	فروش صادراتی	POLC_EXSALES
۱/۲۰۷	۷/۴۰۳	۱۳/۰۷	۲/۸۳۳	۶۵۰	بیمه پرداختی	POLC_INSUR
۰/۱۶۱	۰/۰۰۰۹	۱/۱۲۷	-۰/۷۴۲	۶۵۰	مدیریت واقعی سود	REM
۰/۱۲۲	۰/۱۲۷	۱/۱۳۴	۰/۰۰۱	۶۵۰	مدیریت مصنوعی سود	AEM
۰/۱۸۹	۰/۵۷۹	۰/۹۹۶	۰/۰۱۷	۶۵۰	اهرم مالی	LEV
۳/۹۱۴	۲/۴۳۱	۸۷/۷۸	۰/۳۰۳	۶۵۰	فرصتهای سرمایه‌گذاری	MTB
۰/۱۲۶	۰/۱۳۸	۰/۶۲۶	-۰/۲۴۷	۶۵۰	بازده دارایی‌ها	ROA
۰/۰۴۴	۰/۰۱۴	۰/۰۶۶	-۰/۰۶۶	۶۵۰	نرخ تولید ناخالص داخلی	GDP
۰/۰۷۵	۰/۲۰۱	۰/۳۰۵	۰/۱۰۸	۶۵۰	نرخ تورم	Inflation

مقادیر میانگین برای مدیریت مصنوعی و واقعی سود (AEM & REM) به ترتیب (۰/۱۲۷) و (۰/۰۰۰۹) می‌باشد که نشان می‌دهد شرکت‌های ایرانی در طی بازه زمانی پژوهش به‌طور متوسط از مدیریت سود بالایی برخوردار نبوده‌اند. مقدار میانگین برای اهرم مالی (LEV) برابر با (۰/۵۷۹) می‌باشد که بیانگر آن است که به‌طور متوسط شرکت‌ها حدوداً (۵۸ درصد) ایفای نقش بدهی را به خودشان اختصاص داده‌اند. با این اوصاف می‌توان بیان کرد که تا حدودی

شرکت‌های مورد بررسی در نمونه از دسته شرکت‌های اهرمی و نه سرمایه‌ای بوده‌اند. مقدار میانگین برای بازده دارایی شرکت (ROA) برابر با (۰/۱۳۸) می‌باشد و این مطلب بیانگر آن است که به‌طور متوسط شرکت‌ها از سودآوری خوشایندی در سال‌های متمادی برخوردار نبوده و این امر می‌تواند موجب تشدید نگرانی‌های سهامداران و سرمایه‌گذاران شرکت‌ها از این مسأله باشد. مقدار میانگین برای نرخ تولید ناخالص داخلی (GDP) برابر با (۰/۰۱۴) است که نرخ تولید ناخالص داخلی در بازه زمانی پژوهش در سطح پایین می‌باشد. مقدار میانگین برای نرخ تورم (Inflation) برابر با (۰/۲۰۱) است که نرخ تورم در بازه زمانی پژوهش در سطح بالا بوده است. به‌طور کلی، میانگین متغیرهای روابط سیاسی نشان می‌دهد که شرکت‌های قرارگرفته در نمونه پژوهش از روابط سیاسی بالایی برخوردارند.

آزمون نرمال بودن متغیرها

برای آزمون نرمال بودن متغیر وابسته، از آماره جارک برا استفاده شده است. نتایج آزمون در نگاره (۲)، گویای آن است که اعتبار آزمون برای متغیر وابسته، بیشتر از ۵ درصد بوده و توزیع نرمال است و اعمال رگرسیون بر روی آنها بلامانع است.

نگاره (۲): آزمون نرمال بودن متغیرهای پژوهش

متغیرهای وابسته	آماره آزمون	اعتبار آزمون
AEM	۲/۲۲۸	۰/۳۲۸۱
REM	۱/۱۲۶	۰/۵۶۹۳

آزمون ناهمسانی واریانس

برای کسب اطمینان از عدم ناهمسانی واریانس، از آزمون‌های بروش پاکان‌گادفری، هاروی و گلجسر استفاده شده است. احتمال آزمون مدل‌های پژوهش برای متغیر مستقل مدیریت مصنوعی سود (AEM) بیشتر از ۵ درصد است. بنابراین، فرض ناهمسانی واریانس جملات اخلاص رد می‌شود. احتمال آزمون مدل‌های پژوهش برای متغیر مستقل مدیریت واقعی سود (REM) کمتر از ۵ درصد است. بنابراین، فرض ناهمسانی واریانس جملات اخلاص پذیرفته می‌شود و برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس از روش EGLS استفاده شده است.

نگاره (۳): خلاصه نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

مدل‌ها	احتمال آزمون پرورش-پاگان-گادفری		احتمال آزمون گلجسر	
	AEM	REM	AEM	REM
POLC_MVE	۰/۵۷۶۲	۰/۰۰۷۹	۰/۵۵۶۲	۰/۰۰۱۰
POLC_BVA	۰/۷۰۷۷	۰/۰۰۵۳	۰/۵۶۱۷	۰/۰۰۰۶
POLC_EMPL	۰/۹۶۹۷	۰/۰۰۳۰	۰/۶۱۳۸	۰/۰۰۰۰
POLC_EXSALES	۰/۹۴۸۶	۰/۰۰۰۹	۰/۵۶۳۵	۰/۰۰۳۷
POLC_INSUR	۰/۸۴۲۶	۰/۰۰۵۶	۰/۶۳۹۱	۰/۰۰۰۷
مشکل ناهمسانی واریانس	ندارد	دارد	ندارد	دارد

آزمون چاو (F لیمر) و آزمون هاسمن

به منظور تعیین روش تخمین مدل‌ها (روش تلفیقی یا تابلویی) از آزمون F لیمر و در صورت انتخاب روش تابلویی، از آزمون هاسمن برای انتخاب یکی از روش‌های اثرات ثابت یا اثرات تصادفی استفاده گردیده است. با توجه به نتایج نگاره (۴) برای متغیر مستقل مدیریت مصنوعی سود (AEM)، احتمال آزمون F لیمر کمتر از ۵ درصد است (روش تخمین تابلویی) و احتمال آزمون هاسمن بیشتر از ۵ درصد است. بنابراین، روش اثرات تصادفی انتخاب می‌گردد. برای متغیر مستقل مدیریت واقعی سود (REM)، احتمال آزمون F لیمر بیشتر از ۵ درصد است (روش تخمین تلفیقی). بنابراین، انجام آزمون هاسمن جهت انتخاب روش‌های اثرات ثابت یا اثرات تصادفی لازم نیست.

نگاره (۴): خلاصه نتایج آزمون F لیمر

مدل‌ها	احتمال آزمون F لیمر		احتمال آزمون هاسمن	
	AEM	REM	AEM	REM
POLC_MVE	۰/۰۰۰۲	۰/۴۳۹۲	۰/۳۰۰۷	لازم نیست
POLC_BVA	۰/۰۰۰۱	۰/۴۳۵۷	۰/۸۱۳۳	لازم نیست
POLC_EMPL	۰/۰۰۰۵	۰/۳۴۳۴	۰/۶۰۶۶	لازم نیست
POLC_EXSALES	۰/۰۰۱۰	۰/۴۹۱۴	۰/۲۹۸۶	لازم نیست
POLC_INSUR	۰/۰۰۱۰	۰/۵۴۳۶	۰/۶۲۷۹	لازم نیست

آزمون فرضیه اول پژوهش

نتایج آزمون فرضیه اول در نگاره (۵) ارائه شده است.

نگاره (۵): خلاصه نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

مدل‌ها	متغیرها	POLC Index	LEV	MTB	ROA
اول	ضریب رگرسیون	۰/۰۰۹	۰/۳۵۰	۰/۰۱۴	۰/۲۴۰
	آماره t	۰/۷۷۷	۱/۸۲۲	۱/۵۷۷	۱/۲۴۴
	احتمال t	۰/۴۳۷۲	/۰۰۵۰	۰/۱۱۵۴	۰/۲۱۳۹
	VIF	۱/۲۸۳	۱/۸۲۳	۱/۰۴۹	۲/۰۸۷
	ضریب تعیین	۰/۳۱۷۷			
	اعتبار مدل	۰/۰۰۰			
	دوربین - واتسون	۲/۴۸۸۰			
دوم	ضریب رگرسیون	۰/۰۰۵	۰/۳۴۳	۰/۰۲۸	۰/۲۳۷
	آماره t	۰/۳۹۸	۲/۸۱۰	۲/۹۱۲	۱/۲۶۷
	احتمال t	۰/۶۹۰۷	۰/۰۰۵۱	۰/۰۰۳۷	۰/۲۰۵۴
	VIF	۱/۰۴۴	۱/۸۶۰	۱/۰۶۶	۱/۸۷۰
	ضریب تعیین	۰/۳۳۰۴			
	اعتبار مدل	۰/۰۰۰۰			
	دوربین - واتسون	۲/۴۷۵۰			
سوم	ضریب رگرسیون	-۰/۰۳۵	۰/۴۱۱	۰/۰۱۲	۰/۳۱۱
	آماره t	-۲/۰۲۸	۳/۱۲۴	۱/۳۳۵	۱/۶۲۹
	احتمال t	۰/۰۴۳۰	۰/۰۰۱۹	۰/۱۸۲۲	۰/۱۰۳۹
	VIF	۱/۱۶۶	۲/۰۵۷	۱/۰۷۸	۱/۸۳۰
	ضریب تعیین	۰/۳۲۱۷			
	اعتبار مدل	۰/۰۰۰			
	دوربین - واتسون	۲/۴۶۸۵			
چهارم	ضریب رگرسیون	-۰/۱۶۱	۰/۳۷۷	۰/۰۱۴	۰/۳۸۱
	آماره t	-۱/۶۰۴	۳/۰۱۸	۲/۵۱۰	۱/۹۰۸
	احتمال t	۰/۱۰۹۳	۰/۰۰۲۷	۰/۱۳۱۴	۰/۰۵۷۰
	VIF	۱/۱۵۸	۱/۸۲۳	۱/۰۵۰	۱/۹۶۵
	ضریب تعیین	۰/۳۱۵۱			
	اعتبار مدل	۰/۰۰۰			
	دوربین - واتسون	۲/۴۹۲۲			

مدل‌ها	متغیرها	POLC Index	LEV	MTB	ROA
پنجم	ضریب رگرسیون	-۰/۰۰۹	۰/۳۴۷۹	۰/۰۱۷۱	۰/۲۸۸۴
	آماره t	-۰/۵۹۹	۲/۷۴۷	۱/۷۹۰	۱/۴۹۰
	احتمال t	۰/۵۴۸۸	۰/۰۰۶۲	۰/۰۷۴۰	۰/۱۳۶۸
	VIF	۱/۰۴۳	۱/۸۵۷	۱/۰۶۲	۱/۷۸۸
	ضریب تعیین	۰/۳۱۷۷			
	اعتبار مدل	۰/۰۰۰			
	دوربین - واتسون	۲/۴۹۱۵			

در مدل‌های مورد بررسی، تمام مقادیر مربوط به عامل تورم واریانس (VIF) کمتر از عدد ۱۰ است و این به معنی قابل اغماض بودن همخطی میان متغیرها می‌باشد. مقادیر ضریب تعیین به ترتیب برای مدل‌های اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم نشان می‌دهد که حدوداً (۰/۳۲، ۰/۳۳، ۰/۳۲، ۰/۳۲ و ۰/۳۲) از تغییرات متغیر وابسته در مدل‌های فوق، توسط متغیرهای مستقل قابل توجیه است. مقادیر آزمون دوربین - واتسون برای مدل‌ها وجود نشان از مشکل خودهمبستگی بین باقیمانده‌ها را رد می‌کند. احتمال F فیشر (اعتبار مدل) نیز کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین، کل مدل‌های برآورد شده از لحاظ آماری معنی‌دار هستند. در رابطه بین شاخص‌های روابط سیاسی و مدیریت مصنوعی سود، فقط سطح معنی‌داری متغیر تعداد کارکنان (۰/۰۴۳۰) کمتر از سطح خطای پذیرش (۵٪) می‌باشد و ضریب رگرسیون آن (-۰/۰۳۵) منفی است. بنابراین، بین تعداد کارکنان و مدیریت مصنوعی سود ارتباط منفی و معنی‌دار وجود دارد و هیچ رابطه‌ای معنی‌داری بین سایر معیارهای ارتباطات سیاسی و مدیریت مصنوعی سود مشاهده نمی‌شود. همچنین در بین متغیرهای کنترلی نیز فقط اهرم مالی در تمامی مدل‌های مورد بررسی با مدیریت مصنوعی سود ارتباط مثبت و معنی‌داری دارد.

تمام مقادیر مربوط به عامل تورم واریانس (VIF) کمتر از عدد ۱۰ است و این به معنی قابل اغماض بودن همخطی میان متغیرها می‌باشد. مقادیر ضریب تعیین به ترتیب برای مدل‌های ششم، هفتم، هشتم، نهم و دهم نشان می‌دهد که حدوداً (۰/۳۶، ۰/۳۶، ۰/۳۹، ۰/۳۶ و ۰/۳۶) از تغییرات متغیر وابسته در مدل‌های فوق، توسط متغیرهای مستقل قابل توجیه است. مقادیر آزمون دوربین - واتسون نشان از رد خودهمبستگی بین باقیمانده‌ها دارد. احتمال F فیشر (اعتبار مدل) نیز کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین، کل مدل‌های برآورد شده از لحاظ آماری معنی‌دار هستند. در رابطه بین شاخص‌های روابط سیاسی و مدیریت واقعی سود، فقط سطح معنی‌داری متغیر تعداد کارکنان

(۰.۰۰۰۰) کمتر از سطح خطای پذیرش (۵٪) می‌باشد و ضریب رگرسیون آن (۰.۰۲۸) مثبت است. به عبارتی، بین تعداد کارکنان و مدیریت واقعی سود ارتباط مثبت و معنی‌دار وجود دارد و هیچ رابطه‌ای بین سایر معیارهای روابط سیاسی و مدیریت واقعی سود مشاهده نمی‌شود. در بین متغیرهای کنترلی نیز فقط اهرم مالی در تمامی مدل‌ها با مدیریت واقعی سود ارتباط منفی و معنی‌داری دارد.

آزمون فرضیه دوم پژوهش. نتایج آزمون فرضیه دوم در نگاره (۶) ارائه شده است.

نگاره (۶): خلاصه نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

مدل‌ها	متغیرهای پژوهش				
	ROA	MTB	LEV	POLC Index	
ششم	ضریب رگرسیون	-۰/۱۴۷	-۰/۰۰۲	-۰/۰۸۸	۰/۰۰۲۳
	آماره t	-۲/۰۶۶	-۱/۲۰۶	-۲/۳۹۴	۰/۵۱۹
	احتمال t	۰/۰۳۹۳	۰/۲۲۸۲	۰/۰۱۷	۰/۶۰۳۵
	VIF	۲/۰۸۷	۱/۰۴۹	۱/۸۲۳	۱/۲۸۳
	ضریب تعیین	۰/۳۶۰۲			
	اعتبار مدل	۰/۰۰۰۰			
	دوربین - واتسون	۲/۳۹۹۱			
هفتم	ضریب رگرسیون	-۰/۱۴۵	-۰/۰۰۱	-۰/۰۹۱	۰/۰۰۴۵
	آماره t	-۲/۱۴۷	-۱/۱۰۵	-۲/۴۹۳	۰/۹۹۷
	احتمال t	۰/۰۳۲۲	۰/۲۶۹۶	۰/۰۱۳۰	۰/۳۱۹۲
	VIF	۱/۸۷۰	۱/۰۶۶	۱/۸۶۰	۱/۰۴۴
	ضریب تعیین	۰/۳۶۰۵			
	اعتبار مدل	۰/۰۰۰۰			
	دوربین - واتسون	۲/۴۰۰			
هشتم	ضریب رگرسیون	-۰/۱۹۳	-۰/۰۰۰۷	-۰/۱۷۵	۰/۰۲۸
	آماره t	-۲/۸۶۲	-۳۹۸.۰	-۵۱۰.۴	۰/۷۷.۵
	احتمال t	۰/۰۰۴۴	۰/۶۹۰۳	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
	VIF	۱/۸۳۰	۱/۰۷۸	۲/۰۵۷	۱/۱۶۶
	ضریب تعیین	۰/۳۸۷۲			
	اعتبار مدل	۰/۰۰۰۰			
	دوربین - واتسون	۲/۴۳۳۸			
نهم	ضریب رگرسیون	-۰/۱۴۵	-۰/۰۰۲	۰/۰۹۳۵	۰/۲۰۴
	آماره t	-۲/۰۹۲	-۱/۱۷۰	-۲/۵۳۳	۰/۵۶۲
	احتمال t	۰/۰۳۶۹	۰/۲۴۲۲	۰/۰۱۱۶	۰/۵۷۳۹

مدل‌ها	متغیرهای پژوهش	POLC Index	LEV	MTB	ROA
دهم	VIF	۱/۱۵۸	۱/۸۲۳	۱/۰۵۰	۱/۹۶۵
	ضریب تعیین	۰/۳۶۰۸			
	اعتبار مدل	۰/۰۰۰۰			
	دوربین- واتسون	۲/۴۰۲۴			
	ضریب رگرسیون	-۰/۰۰۱	-۰/۰۸۱	-۰/۰۰۱	-۰/۱۲۳
	آماره t	-۰/۲۵۹	-۲/۲۱۱	-۱/۰۸۰	-۱/۸۴۱
	احتمال t	۰/۷۹۵۰	۰/۰۲۷۵	۰/۲۸۰۴	۰/۰۶۶۱
	VIF	۱/۰۴۳	۱/۸۵۷	۱/۰۶۲	۱/۷۸۸
	ضریب تعیین	۰/۳۶۲۴			
	اعتبار مدل	۰/۰۰۰۰			
دوربین- واتسون	۲/۴۱۷۱				

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پژوهش

در این پژوهش به بررسی ارتباط بین روابط سیاسی با پدیده مدیریت واقعی و مصنوعی سود تعدیل شده در شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران در بین سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ پرداخته شد. نمونه مورد بررسی متشکل از ۱۳۰ شرکت در ۱۱ صنعت مختلف بود. به‌طور کلی، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد از میان شاخص‌های روابط سیاسی، بین تعداد کارکنان و مدیریت مصنوعی سود ارتباط منفی و معنی‌دار وجود دارد و بین تعداد کارکنان و مدیریت واقعی سود ارتباط مثبت و معنی‌دار وجود دارد و بین سایر معیارهای روابط سیاسی با مدیریت مصنوعی و واقعی سود، هیچ رابطه معنی‌داری مشاهده نگردید. با نگاهی گذرا به مبانی نظری پژوهش و با استناد از نتایج پژوهش‌های برام و همکاران (۲۰۱۵) و نرایاناسوامی (۲۰۱۳)، می‌توان چنین استنباط نمود که روابط سیاسی نقش با اهمیتی در استراتژی مدیریت مصنوعی سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت واقعی سود مبتنی بر فعالیت‌های واقعی ایفا می‌کند. بنابراین، روابط سیاسی را می‌توان به‌عنوان یک عامل محرک برای مدیریت سود دانست، اما مطالب مذکور با نتایج این پژوهش تناقض دارد.

با توجه به نتایج پژوهش، در بازار سرمایه ایران، مدیریت سود تحت تأثیر روابط سیاسی قرار نمی‌گیرد. بنابراین، روابط سیاسی در بازار سرمایه ایران نمی‌تواند نقش پُررنگی در تبیین و توصیف مدیریت سود شرکت ایفا نماید و در نتیجه نمی‌تواند اهمیت و تأثیرگذاری خود را بر

مدیریت سود نشان دهند. دلیل این امر نشان دهنده عدم عکس العمل بازار و سرمایه گذاران نسبت به روابط سیاسی می باشد و این موضوع نشان دهنده عدم شناخت کافی سرمایه گذاران و فعالین بازار سرمایه ایران از این مفهوم می باشد. نتایج پژوهش های خارجی، متفاوت و مجزا از نتایج پژوهش حاضر در داخل کشور می باشد؛ دلیل این امر را می توان در شرایط محیطی ایران جستجو نمود. به عبارتی، روابط سیاسی در دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ نتوانسته است تأثیری بر مدیریت سود این شرکت ها بگذارد که البته این خود ممکن است از شرایط حاکم بر بازار سرمایه ایران ایجاد گردد. بنابراین، ممکن است تکرار این پژوهش در بازه های زمانی دیگر نتایج متفاوتی را در خصوص تأثیر گذاری روابط سیاسی بر مدیریت سود شرکت فراهم نماید. نتایج این پژوهش با یافته های برام و همکاران (۲۰۱۵) و نرایاناسوامی (۲۰۱۳) همخوانی ندارد و با توجه به اینکه در داخل کشور هیچ گونه پژوهشی در مورد ارتباط بین متغیرها انجام نشده است، بنابراین، مقایسه نتایج این پژوهش در داخل کشور امکان پذیر نمی باشد.

نتایج پژوهش نشان داد که اهرم مالی با مدیریت مصنوعی سود ارتباط مثبت و معنی داری دارد، با افزایش اهرم مالی، انگیزه مدیران برای مدیریت مصنوعی سود افزایش می یابد. با توجه به اینکه مدیران شرکت ها در طی دوره زمانی پژوهش، هیچ گونه فشارهایی را از جانب سهامداران در جهت فزونی اهرم مالی شرکت احساس نکرده اند، بنابراین این موضوع دست مدیران را برای احتمال هرگونه سوءاستفاده آنها از این امر باز گذاشته است و در نتیجه ازدیاد اهرم مالی، موجب تشدید مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی گردیده است. اهرم مالی با مدیریت واقعی سود ارتباط منفی و معنی داری داشت و نشان دادند که، با افزایش اهرم مالی، انگیزه مدیران برای مدیریت واقعی سود، کاهش می یابد. افزایش اهرم مالی و به دنبال آن فشار ناشی از قراردادهای بدهی، می تواند باعث کاهش فرصت انجام رفتارهای فرصت طلبانه از طرف مدیران گردد و به عبارتی آنها را محتاط تر می نماید. از طرفی مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیت های واقعی می تواند هزینه هایی به همراه داشته باشد؛ از جمله صرف وقت و هزینه ای که می توانست صرف فعالیت های مولد شود. بنابراین، دستکاری فعالیت های واقعی می تواند منجر به کاهش عملکرد آتی شرکت شود. این موضوع سبب می شود که در شرکت های دارای اهرم مالی بالا که نتایج عملکرد شرکت موضوع قابل توجهی برای اعتباردهندگان است، انگیزه

مدیران برای مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیت‌های واقعی کاهش یابد که این با نتایج پژوهش زاگرز (۲۰۰۹) مطابقت دارد و با نتایج پژوهش جی و کیم (۲۰۱۰) سازگاری ندارد.

نتایج حاصل از بررسی فرضیه‌های پژوهش منجر به کشف ارتباط بین روابط سیاسی و مدیریت سود نشد و این با نتایج پژوهش‌های خارجی که نشانگر حمایت همه جانبه‌ای از نقش با اهمیت روابط سیاسی در تبیین مدیریت سود است، مغایرت دارد، اما با الهام گرفتن از نتایج پژوهش‌های خارجی و مدنظر قراردادن پشتوانه مبانی نظری پژوهش، به اعتباردهندگان، سرمایه‌گذاران، تحلیل‌گران و سایر ذینفعان پیشنهاد می‌گردد، به روابط سیاسی توجه بیشتری داشته باشند و آن را در مدل‌های تصمیم‌گیری خود لحاظ نمایند. همچنین، اهرم مالی موجب کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران از طریق فعالیت‌های واقعی می‌گردد؛ به سرمایه‌گذاران شرکت‌ها پیشنهاد می‌گردد در ارزیابی شرکت‌ها و اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری به میزان اهرم مالی و قراردادهای بدهی نیز توجه نمایند. یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر، اندازه‌گیری معیار روابط سیاسی بود که در این پژوهش از مدل فاسیو (۲۰۰۶) استفاده شد. در صورت استفاده از سایر معیارها ممکن بود نتایج متفاوتی به دست آید. به منظور پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌گردد اثر تعدیلی مسأله نمایندگی بر ارتباط بین روابط سیاسی و مدیریت سود در بازار سرمایه ایران انجام بررسی شود. همچنین، توانایی پیش‌بینی مدیریت سود با استفاده از الگوریتم بهینه نیز بررسی شود.

منابع

- Abeyssekera, I. (2003). Political economy of accounting in intellectual capital reporting. *The European Journal of Management and Public Policy*, 2 (1).
- Al-Moghawli, M. (2010). The Management of reported earnings to avoid political costs: a study of Saudi Arabian firms. *International Journal of Management*, 27 (2) , 254.
- Ashbaugh, H. , LaFond, R. , & Mayhew, B. W. (2003). Do nonaudit services compromise auditor independence? Further evidence. *The accounting review*, 78 (3) , 611-639.
- Beatty, A. , & Weber, J. (2003). The effects of debt contracting on voluntary accounting method changes. *The Accounting Review*, 78 (1) , 119-142.

- Boubakri, N. , Guedhami, O. , Mishra, D. , & Saffar, W. (2012). Political connections and the cost of equity capital. *Journal of corporate finance*, 18 (3) , 541-559.
- Braam, G. , Nandy, M. , Weitzel, U. , & Lodh, S. (2015). Accrual-based and real earnings management and political connections. *The International Journal of Accounting*, 50 (2) , 111-141.
- Bukit, R. B. , & Iskandar, T. M. (2009). Surplus free cash flow, earnings management and audit committee. *International Journal of Economics and Management*, 3 (1) , 204-223.
- Bushman, R. M. , & Piotroski, J. D. (2006). Financial reporting incentives for conservative accounting: The influence of legal and political institutions. *Journal of accounting and economics*, 42 (1-2) , 107-148.
- Chaney, P. K. , Faccio, M. , & Parsley, D. (2011). The quality of accounting information in politically connected firms. *Journal of accounting and Economics*, 51 (1-2) , 58-76.
- Chaney, P. K. , & Jeter, D. C. (1997). Income smoothing and firm characteristics. *Accounting Enquiries*, 7 (1) , 1.
- Chaney, P. K. , Faccio, M. , & Parsley, D. (2011). The quality of accounting information in politically connected firms. *Journal of accounting and Economics*, 51 (1-2) , 58-76.
- Chen, D. , Li, J. , Liang, S. , & Wang, G. (2011). Macroeconomic control, political costs and earnings management: Evidence from Chinese listed real estate companies. *China Journal of Accounting Research*, 4 (3) , 91-106.
- Chen, K. Y. , Elder, R. J. , & Hung, S. (2010). The investment opportunity set and earnings management: Evidence from the role of controlling shareholders. *Corporate Governance: An International Review*, 18 (3) , 193-211.
- Christie, A. A. , & Zimmerman, J. L. (1994). Efficient and opportunistic choices of accounting procedures: Corporate control contests. *Accounting review*, 539-566.
- Cohen, D. A. , Dey, A. , & Lys, T. Z. (2008). Real and accrual- based earnings management in the pre-and post-Sarbanes-Oxley periods. *The accounting review*, 83 (3) , 757-787.
- Cohen, D. A. , & Zarowin, P. (2010). Accrual-based and real earnings management activities around seasoned equity offerings. *Journal of accounting and Economics*, 50 (1) , 2-19.
- Cook, R. D. (2000). Detection of influential observation in linear regression. *Technometrics*, 42 (1) , 65-68.
- Correia, M. M. (2009). Political connections, SEC enforcement and accounting quality. Stanford University.
- Davoodi Nasr, M. Habibi, F. (2015). The effect of Political Communication on Real Profit Management and Profit Management

- Based on Obligatory Items, International Conference on Management and Social Sciences, Dubai, Institute of Idea Managers. (In Persian).
- Dechow, P. M. , & Skinner, D. J. (2000). Earnings management: Reconciling the views of accounting academics, practitioners, and regulators. *Accounting horizons*, 14 (2) , 235-250.
- Faccio, M. (2006). Politically connected firms. *American economic review*, 96 (1) , 369-386.
- Fisman, R. (2001). Estimating the value of political connections. *American economic review*, 91 (4) , 1095-1102.
- Gunny, K. A. (2005). What are the consequences of real earnings management?.
- Hribar, P. , & Collins, D. W. (2002). Errors in estimating accruals: Implications for empirical research. *Journal of Accounting research*, 40 (1) , 105-134.
- Jensen, M. C. (1986). Agency costs of free cash flow, corporate finance, and takeovers. *The American economic review*, 76 (2) , 323-329.
- Jiraporn, P. , Miller, G. A. , Yoon, S. S. , & Kim, Y. S. (2008). Is earnings management opportunistic or beneficial? An agency theory perspective. *International Review of Financial Analysis*, 17 (3) , 622-634.
- Kim, B. H. , Lisic, L. L. , & Pevzner, M. (2010). Debt covenant slack and real earnings management. *Kertas kerja yang dipublikasikan melalui SSRN*.
- Kim, J. B. , & Sohn, B. C. (2011). Real versus accrual-based earnings management and implied cost of equity capital. Available at SSRN 1297938.
- Kothari, S. P. , Mizik, N. , & Roychowdhury, S. (2016). Managing for the moment: The role of earnings management via real activities versus accruals in SEO valuation. *The Accounting Review*, 91 (2) , 559-586.
- Linck, J. S. , Netter, J. , & Shu, T. (2013). Can managers use discretionary accruals to ease financial constraints? Evidence from discretionary accruals prior to investment. *The Accounting Review*, 88 (6) , 2117-2143.
- Lo, K. (2008). Earnings management and earnings quality. *Journal of accounting and economics*, 45 (2-3) , 350-357.
- Mojtahedzadeh, V. Saadat Saadatabadi, R. (2012). The Relationship between Profit Management and Investment Opportunities with Emphasis on Property Focus, *Quarterly Journal of Investment Knowledge*, 1 (3). (In Persian).
- Narayanaswamy, R. (2013). Political connections and earnings quality: Evidence from India. *IIM Bangalore Research Paper*, (433).
- Nicomaram, H. Bani Mahd, B. RahnemayRudpashti, F. & Kiai, A. (2013). Perspective of Political Economy and Profit Management, *Management Accounting Quarterly*, 6 (18). (In Persian).

- Odabashian, K. (2005). The effect of large leverage increases on opportunistic behavior and earnings management. University of Connecticut.
- Pástor, L. , & Veronesi, P. (2013). Political uncertainty and risk premia. *Journal of financial Economics*, 110 (3) , 520-545.
- Pourheidari, O. Hemmati, D. (2004). The Effect of Debt Agreements, Political Costs, Rewards and Ownership Property Management Plans, *Journal of Accounting and Auditing Reviews*, 11 (36) , pp 47-63. (In Persian).
- Ramanna, K. , & Roychowdhury, S. (2010). Elections and discretionary accruals: Evidence from 2004. *Journal of Accounting Research*, 48 (2) , 445-475.
- Rezaei, F. Weiss Hesar, S. (2014). The Effect of Political Relations with the Government on the Relationship between Ownership Focus on Financial Reporting Quality and Ordinary Stock Costs, *Quarterly Journal of Accounting and Auditing Reviews*, 20 (4) , pp 449-470. (In Persian).
- Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of accounting and economics*, 42 (3) , 335-370.
- Saghafi, A. Bahar Moghadam, M. (2008). Effects on Profit Management, *Quarterly Journal of Development and Capital*, 2. (In Persian).
- Salehi, M. (2018). The Relationship between Retention and Cash, Financial Leverage, Political Relations and Real Profit Management, Bachelor's Thesis. (In Persian).
- Schipper, K. (1989). Earnings management. *Accounting horizons*, 3 (4) , 91.
- Song, Y. , Wang, L. , & Yan, Z. (2011, August). Impacts of Political Connections on Earnings Quality of Chinese Private Listed Companies. In *International Conference on Advances in Education and Management* (pp. 85-92). Springer, Berlin, Heidelberg.
- Strobl, G. (2013). Earnings manipulation and the cost of capital. *Journal of Accounting Research*, 51 (2) , 449-473.
- Sweeney, A. P. (1994). Debt-covenant violations and managers' accounting responses. *Journal of accounting and Economics*, 17 (3) , 281-308.
- Thomas, J. , & Zhang, H. (2002). Value-relevant properties of smoothed earnings. Chicago: Columbia University and University of Illinois Available: http://www.researchgate.net/publication/228491328_Valuerelevant_properties_of_smoothed_earnings [Accessed 15/07/2012].
- Tseng, L. J. , & Lai, C. W. (2007). The relationship between income smoothing and company profitability: An empirical study. *International Journal of Management*, 24 (4) , 727.

- Watts, R. L. , & Zimmerman, J. L. (1990). Positive accounting theory: a ten year perspective. *Accounting review*, 131-156.
- Xu, W. , Wang, K. , & Anandarajan, A. (2012). Quality of reported earnings by Chinese firms: The influence of ownership structure. *Advances in Accounting*, 28 (1) , 193-199.
- Yu, W. (2008). Accounting-based earnings management and real activities manipulation. Georgia institute of technology.
- Zagers-Mamedova, I. (2009). The effect of leverage increases on real earnings management.
- Zayene, R. , & Jilani, F. (2010). The Impact Of Investment Opportunities On The Value Relevance Of Short Term And Long Term Discretionary Accrual. *International Research Journal of Finance and Economics*, <http://www.eurojournals.com/finance.htm>.
- Zang, A. Y. (2012). Evidence on the trade-off between real activities manipulation and accrual-based earnings management. *The accounting review*, 87 (2) , 675-703.
- Zhang, W. (2008). Real activities manipulation to meet analysts' cash flow forecasts. Available at SSRN 1013228.
- Zhu, X. (2011). Changes in Value of Investment Opportunity Set and Goodwill Impairment (Doctoral dissertation, Auckland University of Technology).



بررسی تأثیر اندازه شرکت بر رابطه بین منابع نامشهود و عملکرد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

زهرا عارف‌منش^۱، طیبه زارع زردینی^۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۰۷

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۲۷

مقاله پژوهشی

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر اندازه شرکت بر رابطه بین دارایی‌های نامشهود و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. دارایی‌های نامشهود مورد بررسی در این پژوهش شامل منابع انسانی، منابع مدیریتی، قابلیت نوآوری و دارایی‌های نامشهود مبتنی بر بازار می‌باشد. همچنین، متغیر عملکرد بر مبنای معیارهای بازده دارایی، بازده فروش و نسبت کیوتوین سنجیده می‌شود. برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه و مدل رگرسیون چند متغیره در قالب داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان‌دهنده آن است که بین منابع انسانی، منابع مدیریتی در شرکت‌های کوچک و متوسط و شرکت‌های بزرگ تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین، نتایج حاکی از آن است که منابع انسانی بر عملکرد بر مبنای بازده فروش و بازده دارایی و منابع مدیریتی بر عملکرد بر مبنای بازده فروش، تأثیر معنی‌داری دارد. علاوه بر آن، اندازه شرکت بر رابطه بین قابلیت نوآوری و عملکرد بر مبنای کیوتوین تأثیر معنی‌داری دارد.

واژه‌های کلیدی: دارایی‌های نامشهود، اندازه شرکت، عملکرد شرکت.

طبقه‌بندی موضوعی: L11, L25, M40

DOI: 10.22051/ijar.2020.25955.1514

^۱ استادیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه یزد، ایران، نویسنده مسئول، (zohreharefmanesh@gmail.com)

^۲ کارشناس ارشد، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران (zare_tayebbeh86@yahoo.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

مقدمه

در اقتصاد دانش محور، دانش و دارایی‌های نامشهود به‌عنوان عامل اصلی تولید ثروت در مقایسه با سایر دارایی‌های مشهود مطرح می‌شود. در بازارهای رقابتی فعلی که هدف سازمان‌ها کسب سهم بیشتر بازار از طریق ایجاد مزیت‌های رقابتی است، موفقیت سازمان در گروهی بکارگیری و مدیریت دارایی نامشهود در تمامی ابعاد سازمانی است (عارف‌منش و رحمانی؛ ۱۳۹۴). بلکویی (۲۰۰۳) معتقد است دارایی‌های نامشهود، دارایی استراتژیکی است که قابلیت ایجاد مزیت رقابتی و عملکرد مالی برتر را دارد. دارایی‌های نامشهود، فرصت‌های رشد و سودآوری آتی را نشان می‌دهد که می‌تواند ارزش بازار شرکت را افزایش دهد و معیاری از قابلیت‌ها و شایستگی‌های اصلی و مزیت رقابتی است که شکاف بین ارزش بازار و ارزش دفتری شرکت را توضیح می‌دهد (هان و هان، ۲۰۰۴).

بکارگیری منابع و تبدیل آن به عملکرد شرکت از طریق عوامل مختلفی تعیین می‌شود (مالودچیک و همکاران ۲۰۱۵). یکی از عواملی که به‌طور گسترده در ادبیات به رسمیت شناخته شده است، اندازه شرکت است که بر استراتژی‌های، فرآیندها، بکارگیری منابع و در نتیجه عملکرد شرکت تأثیر می‌گذارد (اسپانوس و همکاران ۲، ۲۰۰۱). اندازه شرکت، متغیری کلیدی در اداره و کنترل شرکت و همچنین، بیان‌کننده ساختار چگونگی اعمال تصمیمات مدیریتی و روش‌های تامین مالی و ریسک‌پذیری شرکت‌ها است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۳). شرکت‌ها از نظر اندازه به دو گروه شرکت‌های بزرگ و شرکت‌های کوچک و متوسط (SME) تقسیم می‌شوند. شرکت‌های بزرگ از مزایای اقتصادی بهره می‌برند و قادر به توزیع هزینه‌های ثابت در کل رویدادهای بزرگتر شرکت می‌باشند. در مقایسه با شرکت‌های کوچک و متوسط (SME)، آنها منابع مالی کافی برای سرمایه‌گذاری در خصوص دارایی‌های نامشهود دارند، اما به ایجاد بروکراسی و تشریفات اداری گرایش داشته و نسبت به SMEها در این زمینه انعطاف کمتری دارند. شرکت‌های کوچک و متوسط به نظر می‌رسد واکنش‌پذیرتر هستند و دارای استراتژی‌های غیر رسمی می‌باشند. در نتیجه، تأثیر دارایی‌های نامشهود بر عملکرد شرکت با توجه به اندازه شرکت متفاوت است (مالودچیک، ۲۰۱۵).

با توجه به ضرورت درک تفاوت‌های موجود بین شرکت‌ها به لحاظ اندازه و همچنین، اقتضای عصر اقتصادی کنونی که بر بهبود عملکرد شرکت‌ها تمرکز دارند و اهمیت روز افزون

دارایی‌های نامشهود و نقش آنها بر بهبود عملکرد، باید گفت این دسته از پژوهش‌ها توجه ویژه‌ای بخود جلب کرده‌اند. پژوهش پیش‌رو نیز با توجه به این مهم پایه‌ریزی شده است. در خصوص تأثیر دارایی نامشهود بر عملکرد، پژوهش‌هایی صورت گرفته است، اما تا کنون نقش تعدیل‌کننده اندازه شرکت بر رابطه بین دارایی نامشهود و عملکرد بررسی نشده است. همچنین، در این پژوهش از مدل جدیدی برای اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود استفاده می‌شود. در نتیجه سوال اصلی این پژوهش این است که آیا اندازه شرکت بر رابطه بین منابع نامشهود و عملکرد شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر می‌گذارد یا خیر؟

پیشینه پژوهش

پارک (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر استاندارد بین‌المللی شماره ۱۴۲ (SFAS142) بر دارایی‌های نامشهود پرداخت و دریافت که نسبت ارزش بازار به دفتری پس از انتشار این استاندارد کمتر است، به ویژه در شرکت‌هایی که دارای کاهش ارزش باشند، اما این نسبت در شرکت‌های فاقد دارایی نامشهود قوتی‌تر است.

لی و همکاران (۲۰۲۰) طی پژوهشی از طریق بررسی ۲۹ بخش در ۳۰ منطقه برای سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۵ در چین، به بررسی این مساله پرداختند که چگونه دارایی نامشهود بر رشد بخش‌های وابسته به فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) تأثیر می‌گذارد. یافته‌های آنان نشان داد که ارزش افزوده بخش‌های وابسته به فناوری اطلاعات و ارتباطات در مناطقی که دارایی‌های نامشهود از توسعه سریع‌تری برخوردار بوده است، با رشد بیشتری همراه بوده است. این اثر با لحاظ نمودن سایر عوامل تعیین‌کننده سطح رشد در بخش‌ها مانند سرمایه انسانی، سرمایه فیزیکی غیر ICT و توسعه بازارهای مالی، برای معیارهای جایگزین دارایی‌های نامشهود و شاخص‌های وابسته به فناوری اطلاعات و ارتباطات، نیز برقرار بود. بررسی آنها نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران چینی باید نه تنها روی سرمایه‌گذاری فناوری اطلاعات و ارتباطات بیشتر تمرکز کنند، بلکه توسعه دارایی نامشهود را نیز باید هدف قرار دهند.

فردوس و همکاران (۲۰۱۹) با استفاده از دیدگاه منابع محور و دانش محور به‌عنوان پیشینه نظری، در پژوهشی رابطه بین دارایی‌های نامشهود و عملکرد شرکت را بررسی نمودند. در این مطالعه گزارش‌های سالانه حسابرسی شده ۴۹ شرکت تولیدی بنگلادشی طی سال‌های ۲۰۰۷ تا

۲۰۱۷، بررسی شد. نتایج این بررسی حاکی از آن بود که پس از کنترل برخی از متغیرهای خاص، اثرات رفتاری مختلفی از دارایی‌های نامشهود بر عملکرد شرکت، تأیید می‌شود و حتی اگر دارایی‌های نامشهود باعث افزایش چشمگیر سود هر سهم (EPS) شرکت‌ها (معیار عملکرد مالی) شود، شرکت به دلیل عملکرد ضعیف در بازار سهام بنگلادش، نمی‌تواند ثروت سهامداران را به حداکثر برساند.

آندونوا و همکاران (۲۰۱۶) نقش عوامل مرتبط با صنعت را بر عملکرد شرکت‌های کلمبیایی بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. آنها با استفاده از مدل‌های خطی سلسله‌مراتبی برای تجزیه واریانس، دریافته‌اند که نقش عوامل مرتبط با صنعت، زمانی که معیارهای مختلف عملکرد شرکت مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، به‌طور قابل توجهی متفاوت است. به عبارتی، نتایج آنها نشان داد که این معیارها کوچکتر از سهم واریانس کل هستند و توسط عوامل خاص شرکت توضیح داده نمی‌شوند. برآوردها همچنین، امکان بررسی نقش دارایی‌های نامشهود در سودآوری را نشان می‌دهد و نقش دارایی‌های نامشهود را در بین محرک‌های عملکرد شرکت، برجسته می‌کند. این شواهد وجود دارایی‌های نامشهود را به‌عنوان محرک‌های مزیت رقابتی در یک محیط نوظهور تأیید می‌کنند.

آدیکا (۲۰۱۵) در پژوهشی بیان می‌کند که روند دارایی‌های نامشهود باعث افزایش بهره‌وری سهام این شرکت در بورس اوراق بهادار می‌شود و بر روند تقارن اطلاعاتی نیز اثرگذار است. همچنین، شواهد مطالعه آنها عدم قطعیت و استثنائات موجود در رفتار سرمایه‌گذاران را نشان می‌دهد.

ابوبکار (۲۰۱۵) ارتباط ارزشی دارایی‌های نامشهود شرکت‌های تکنولوژی‌محور پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار نیجریه را مورد بررسی قرار دادند و نشان دادند که اطلاعات دارایی‌های نامشهود، مربوط و قابل‌اتکا است و شناسایی دارایی‌های نامشهود در صورت‌های مالی، کیفیت اطلاعات حسابداری را بهبود می‌بخشد.

مالودچیک و همکاران در سال ۲۰۱۵ طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ با استفاده از ۱۴۰۰ شرکت اروپایی، نقش اندازه شرکت بر تأثیر دارایی‌های نامشهود بر عملکرد شرکت‌ها را مورد بررسی

قرار دادند. نتایج آنها نشان داد که اندازه شرکت بر رابطه بین دارایی‌های نامشهود و عملکرد مبتنی بر دارایی‌های نامشهود، تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

مارک راسل (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های شرکت‌های استرالیایی طی سال‌های ۱۹۸۷ تا ۲۰۱۲، رابطه بین شناسایی دارایی‌های نامشهود و ارزش آنها را آزمون نمود. علاوه بر این، او ارتباط ارزشی دارایی نامشهود و شناسایی سرقفلی، هزینه‌های تحقیق و توسعه، اکتشاف و ارزیابی و دارایی‌های نامشهود قابل شناسایی با عملکرد شرکت را مورد بررسی قرار داد. نتایج این بررسی نشان داد که اکتشاف و ارزیابی و سرقفلی در مقایسه با دارایی‌های نامشهود قابل شناسایی و هزینه‌های تحقیق و توسعه، رابطه بسیار قویتری با عملکرد دارند.

نمازی و همکاران (۱۳۹۵) با انجام پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که بین دارایی‌های نامشهود و عملکرد شرکت‌های مورد مطالعه آنها رابطه معنی‌داری وجود دارد که در برخی از موارد رابطه مثبت و معنی‌دار و در برخی دیگر رابطه منفی و معنی‌دار، برقرار بوده است. همچنین، این رابطه در برخی از دارایی‌های نامشهود از دارایی‌های نامشهود دیگر، قوی‌تر بود.

عارف‌منش و همکاران (۱۳۹۴) تأثیر دارایی نامشهود بر عملکرد ۱۴۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه دست یافتند که دارایی‌های نامشهود تأثیر مثبت و معنی‌داری بر معیارهای مختلف عملکرد دارد.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه ۱: بین میزان دارایی‌های نامشهود در شرکت‌های کوچک و متوسط و شرکت‌های بزرگ تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه ۲: دارایی‌های نامشهود تأثیر معنی‌داری بر عملکرد شرکت دارد.

فرضیه ۳: اندازه شرکت بر رابطه بین دارایی‌های نامشهود و عملکرد تأثیر معنی‌داری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی است و از نظر روش تحقیق، پژوهش حاضر را می‌توان در گروه تحقیقات توصیفی قرار داد. جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ می‌باشد. برای

انتخاب نمونه از روش حذف سیستماتیک استفاده شد. در این پژوهش شرکت‌هایی با چنین ویژگی‌هایی در نمونه مورد بررسی انتخاب شدند: از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ در بورس حضور داشته باشند؛ شرکت‌های مورد نظر جزء بانک‌ها و واسطه‌گری مالی، لیزینگ و سایر شرکت‌های سرمایه‌گذاری نباشد؛ به‌منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، سال مالی شرکت‌ها منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد؛ وقفه معاملاتی بیش از ۶ ماه نداشته باشند؛ داده‌ها در طول دوره تحقیق در دسترس باشد. با در نظر گرفتن شرایط فوق، در نهایت ۱۴۶ شرکت به‌عنوان نمونه نهایی جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش، انتخاب شدند. در این پژوهش، جهت آزمون فرضیه اول از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه استفاده شد. برای تقسیم شرکت‌ها بر حسب اندازه، لگاریتم طبیعی فروش شرکت‌ها را به ترتیب نزولی مرتب می‌کنیم و شرکت‌ها را به دو گروه تقسیم می‌کنیم: (۱) شرکت‌هایی که لگاریتم فروش آنها در یک دوم بالایی قرار دارد، شرکت بزرگ تلقی شده و (۲) شرکت‌هایی که لگاریتم فروش آنها در یک دوم پایینی قرار دارد، شرکت کوچک و متوسط (SME) در نظر گرفته شد.

جهت آزمون فرضیه دوم از تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیره در قالب داده‌های ترکیبی استفاده شد. متغیر مستقل این پژوهش دارایی نامشود است که طبق مدل ۱ اندازه‌گیری شده است. عملکرد شرکت متغیر وابسته است که بر مبنای نسبت کیوتوین، سنجش عملکرد بازده فروش و بازده دارایی اندازه‌گیری می‌شود.

$$performanc = \beta_0 + \beta_1 HumanRit + \beta_2 ManagRit + \beta_3 Innovit + \beta_4 MarketIntit + \beta_5 Lev + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

$$Qtobin = \frac{debt + MV}{assets}$$

که در آن: بازده فروش (ROS) = سود خالص به فروش، بازده دارایی (ROA) = سود خالص به کل دارایی‌ها، $lev_{i,t}$: نسبت بدهی به کل دارایی‌ها، $debt$: ارزش دفتری بدهی‌ها، MV : ارزش بازار حقوق صاحبان سهام و در نهایت $Assets$: ارزش دفتری دارایی‌ها است.

جهت آزمون فرضیه سوم از تجزیه و تحلیل مدل رگرسیون به شرح مدل ۲ استفاده شد.

$$Performance_{it} = \beta_0 + \beta_1 HumanRit + \beta_2 ManagRit + \beta_3 Innovit + \beta_4 MarketIntit + \beta_5 Lev_{it} + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

که در آن size: اندازه شرکت که برای شرکت‌های بزرگ مقدار یک و برای SMEها مقدار صفر لحاظ شده است. β : اثر شرکت‌های کوچک و متوسط، δ : اثر تفاوت، $(\beta + \delta)$: اثر شرکت‌های بزرگ است. در این مدل اگر $\beta + \delta > \beta$ باشد، در این صورت $\delta > 0$ است و اندازه شرکت تأثیر مثبت و معنی‌داری بر عملکرد شرکت دارد و بالعکس.

طبقات مختلفی از دارایی‌های نامشهود و روش‌های مختلفی برای اندازه‌گیری آنها در ادبیات پیشنهاد شده است که نگاره ۱ طبقات مختلف دارایی‌های نامشهود و معیار اندازه‌گیری آنها را نشان داده است.

نگاره (۱): معیارهای اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود

منبع	نحوه اندازه‌گیری	دارایی‌های نامشهود
سویبای (۱۹۹۷)، رومپو و سینگت (۲۰۱۲)، میاگاوا و هیسا (۲۰۱۳)، میشر و ژان ژان والا (۲۰۰۹)، بالوت و همکاران (۲۰۰۱)، کرادو و همکاران (۲۰۰۵)، وایت و فریک (۲۰۱۰)، لین ^۴ (۲۰۰۷)، لاجیلی و زگال (۲۰۰۵)، بالستر و همکاران (۲۰۰۲)، گارسیا آیسو و همکاران (۲۰۰۰)، واکلین (۱۹۹۸)، لو و اسکوراتز (۱۹۷۱)، مهر آذین و همکاران (۱۳۹۱)	حقوق کارکنان به فروش	منابع انسانی
یوگیرو و اوینگ (۲۰۰۰)، تسنگ و گو (۲۰۰۵)، ملودچیک و همکاران (۲۰۱۵)، میاگاوا و هیسا (۲۰۱۳)، کرادو و همکاران (۲۰۰۴)، هاو (۲۰۰۷)	اگر یک سوم اعضای هیئت مدیره تحصیلات کاشناسی ارشد و دکترا داشته باشند و همچنین، سابقه کاری بالای ۵ سال داشته باشند عدد یک در غیر این صورت عدد صفر لحاظ می‌شود.	منابع مدیریتی
اسویبی (۱۹۹۷)، میشر و ژان ژان والا (۲۰۰۹)	مخارج تحقیق و توسعه به فروش	قابلیت‌های نوآورانه
ملودچیک و همکاران (۲۰۱۵)، سیمون و سولیران (۱۹۹۳)، چنگ و چن (۱۹۹۷)، آندرسون و همکاران (۲۰۰۴)، راثو و همکاران (۲۰۰۴)، کرادو و همکاران (۲۰۰۵)، فرنل و همکاران (۲۰۰۶)، فرناندز (۲۰۰۱)، ساهای و پیلا (۲۰۰۹)، یوکیو (۲۰۰۹)، مورگان و رگو (۲۰۰۹)، میاگاوا و هیسا (۲۰۱۳)، البانان (۲۰۱۳)، مهر آذین و همکاران (۱۳۹۱)	هزینه تبلیغات به فروش	دارایی‌های نامشهود مبتنی بر بازار

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

با توجه به اینکه متغیرهای منابع انسانی، قابلیت‌های نوآورانه و دارایی‌های نامشهود بازار از نوع پیوسته هستند، به منظور مقایسه مقادیر این دارایی‌ها آزمون تی انجام شد و برای متغیرهای منابع مدیریتی از آزمون خی دو پیرسون به منظور مقایسه نسبت‌ها استفاده شد.

نگاره (۲): آزمون مقایسه میانگین دو جامعه جهت تحلیل فرضیه اول پژوهش

متغیر	میانگین ارزش دارایی نامشهود به تفکیک		آزمون برابری واریانس‌ها (سطح معنی داری)	نتایج	آماره t	سطح معنی داری	نتایج
	شرکت‌های کوچک و متوسط	شرکت‌های بزرگ					
منابع انسانی	۰/۱۳۲۵	۰/۱۹۹۵	۰/۰۰۲	رد می‌شود	-۶/۳۰۶	۰/۰۰۰	فرض صفر رد می‌شود
قابلیت‌های نوآوری	۰/۰۰۷۹	۰/۰۰۶۴	۰/۸۴۲	رد نمی‌شود	۰/۱۷۴	۰/۸۶۲	فرض صفر رد نمی‌شود
دارایی نامشهود مبتنی بر بازار	۰/۰۰۲۴	۰/۰۰۱۵	۰/۰۰۰	رد می‌شود	۰/۱۵۹۹	۰/۱۱۱	فرض صفر رد نمی‌شود

با توجه به نگاره (۲) از آنجایی که برای متغیر منابع انسانی سطح معنی داری از ۵ درصد کمتر است، میانگین ارزش منابع انسانی (حقوق و دستمزد کارکنان تقسیم به فروش) بین شرکت‌های بزرگ و SMEها تفاوت معنی داری دارد و در شرکت‌های بزرگتر به طور متوسط حقوق بیشتری به پرسنل پرداخت می‌شود و احتمالاً حقوق پرداختی بیشتر ناشی از تخصص بیشتر نیروی انسانی آنها است. بین میانگین ارزش قابلیت‌های نوآوری بین شرکت‌های بزرگ و SMEها تفاوت معنی داری وجود ندارد. به دلیل اینکه با توجه به نگاره (۲) مقدار سطح معنی داری از ۵ درصد بیشتر است. همچنین، با توجه به نگاره مزبور مقدار سطح معنی داری برای متغیر دارایی نامشهود مبتنی بر بازار نیز بزرگتر از ۵ درصد است و به این معنی است که بین میانگین ارزش دارایی‌های نامشهود مبتنی بر بازار شرکت‌های بزرگ و SMEها تفاوت معنی داری وجود ندارد.

نگاره (۳): نتایج آزمون خی دو پیرسون جهت آزمون فرضیه اول پژوهش

نتیجه آماری	p-value	آماره t آزمون مقایسه میانگین	با توجه به p-value فرض برابری واریانس ها	p-value آزمون برابری واریانس ها	میانگین ارزش دارایی نامشهود به تفکیک		متغیر
					کوچک و متوسط	بزرگ	
فرض رد می شود	۰/۰۰۰	-۶/۳۰۶	رد می شود	۰/۰۰۲	۰/۱۹۹۵	۰/۱۳۲۵	منابع انسانی
فرض رد نمی شود	۰/۸۶۲	۰/۱۷۴	رد نمی شود	۰/۸۴۲	۰/۰۰۶۴	۰/۰۰۷۹	قابلیت های نوآوری
فرض رد نمی شود	۰/۱۱۱	۰/۱۵۹۹	رد می شود	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱۵	۰/۰۰۲۴	دارایی نامشهود مبتنی بر بازار

همچنین بر اساس نتایج مندرج در نگاره (۳)، به دلیل اینکه مقدار سطح معنی داری برای متغیر منابع مدیریتی کمتر از ۵ درصد است میانگین ارزش منابع مدیریتی بین شرکت های بزرگ و SMEها تفاوت معنی داری دارند و شرکت های بزرگ منابع مدیریتی بالاتری نسبت به SMEها دارند.

نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

برای انتخاب بین داده های تابلویی و داده های ادغامی از آزمون F لیمر استفاده شده است. پس از آنکه مدل مناسب برای تخمین داده های تابلویی تشخیص داده شد، لازم است تا از میان روش های اثرات ثابت و اثرات تصادفی، روش مناسب برای آزمون فرضیه ها مشخص شود. برای این منظور از آزمون هاسمن استفاده شد که نتایج آن در نگاره (۴) نمایش داده شده است.

$$\begin{aligned}
 & ((ROA/ROS) / Qtobin) \text{ performance} \\
 & = \beta_0 + \beta_1 \text{HumanRit} + \beta_2 \text{ManagRit} + \beta_3 \text{Innovit} \\
 & + \beta_4 \text{MarketIntit} + \beta_5 \text{Levit} + \epsilon_{it} \quad (2)
 \end{aligned}$$

نگاره (۴): نتایج آزمون فرضیه

آزمون هاسمن						آزمون F لیمر						
ROA		ROS		کیوتوبین		ROA		ROS		کیوتوبین		سطح معنی داری
۰/۷۱		۰/۸۴		۰/۴۷		۰/۰۰		۰/۰۰		۰/۰۰		
-		-		-		۷/۸۳		۹/۴۲		۱۱/۵۱		اماره F
۲/۸۷		۲		۳/۴۹		-		-		-		آماره کای دو
سطح معنی داری		آماره		سطح معنی داری		آماره		ضریب		متغیر توضیحی		
۰/۰۰	۶/۳۰	۰/۰۰	۵/۹۳	۰/۰۰	۴/۹	۰/۲۹	۰/۳۹	۱/۳۹	عرض از مبدا			
*۰/۰۰	-۴/۲	*۰/۰۰۱۲	-۳/۲	۰/۰۶	-۱/۸۳	-۰/۷۴	-۰/۹۸	-۰/۸۵	منابع انسانی			
۰/۵۶	۰/۵۷	*۰/۰۱۳	۲/۴۸	۰/۹۹	۰/۰۰۸	۰/۰۰۹۳	۰/۰۳۲	۰/۰۰۰۹	منابع مدیریتی			
۰/۲۴	۱/۱۷	۰/۲۶	-۱/۱۱	۰/۸	۰/۲۵	۰/۰۴۳	۰/۰۳۴	۰/۱۲	قابلیت نوآوری			
۰/۵۲	۰/۶۳	۰/۶۵	-۰/۴۵	۰/۸۷	-۰/۱۶۳	۱/۴۶	-۰/۷۰	-۱/۰۰۶	دارایی نامشهود مبتنی بر بازار			
*۰/۰۰۱	-۳/۱۳	*۰/۰۰۵۴	-۲/۸	۰/۰۰۰*	۱۰/۴۷	-۰/۱۰	-۰/۱۶	۰/۸۸	اهرم مالی			
۱/۸۲		۱/۸۸		۱/۷۳		دوربین واتسون		۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۱۸۵	R ² تعدیل شده	
۱۸/۶۳		۱۸/۸		۱۲/۰۳		آماره F		۰/۲۸	۰/۲۸	۰/۲۰	R ²	
								۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	معنی داری F	

با توجه به اینکه مقدار احتمال آماره F لیمر کمتر از ۵ درصد می باشد، از این رو می توان نتیجه گرفت داده ها از نوع داده های تابلویی هستند. با توجه به نتایج آزمون هاسمن، مقدار معنی داری آماره بیشتر از ۵ درصد است و فرضیه وجود اثرات تصادفی رد نمی شود و مدل رگرسیون داده های تابلویی تصادفی برای مدل برازش می شود.

با توجه به نگاره ۴ طبقات مختلف دارایی نامشهود بر عملکرد تأثیر مثبت و معنی داری دارد. بر این اساس، تأثیر منفی منابع انسانی بر معیار بازده فروش و بازده دارایی می‌تواند به دلیل بهره‌وری پایین کارکنان و وجود کارکنان غیر ماهر و بعضاً غیر ضروری باشد. براساس معنی داری آماره F، مدل کلی رگرسیون معنی دار است. همچنین، به دلیل اینکه مقدار آماره دورین واتسون بین اعداد ۱/۵ و ۲/۵ است، بنابراین بین اجزای اخلاص همبستگی وجود ندارد. با توجه به ضریب R^2 نیز ۱۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود.

نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش

با توجه به اینکه مقدار احتمال آماره F لیمز کمتر از ۵ درصد می‌باشد، از این رو داده‌ها از نوع داده‌های تابلویی هستند. با توجه به نتایج آزمون هاسمن، مقدار معنی داری آماره برای کیوتوبین بیشتر از ۵ درصد است و فرضیه وجود اثرات تصادفی رد نمی‌شود و مدل رگرسیون داده‌های تابلویی تصادفی برای بررسی فرضیه سوم پژوهش برآزش می‌شود.

با توجه به نگاره ۵ طبقات مختلف دارایی نامشهود بر عملکرد تأثیر مثبت و معنی داری دارد. در شرکت‌های بزرگ قابلیت نوآوری تأثیر مثبت و معنی داری بر عملکرد دارد و نشان می‌دهد در شرکت‌های بزرگ انگیزه کارکنان بیشتر است و باعث می‌شود خلاقیت و نوآوری نیز افزایش یابد. براساس معنی داری آماره F مدل کلی رگرسیون معنی دار است. همچنین، به دلیل اینکه مقدار آماره دورین واتسون بین اعداد ۱/۵ و ۲/۵ است، بنابراین بین اجزای اخلاص همبستگی وجود ندارد. با توجه به ضریب R^2 ، ۱۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل کیوتوبین، و ۲۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل بازده فروش و بازده دارایی تبیین می‌شود.

نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج پژوهش و با تأکید بر اثر اندازه، شرکت‌های بزرگ قادر هستند میزان بیشتری از دارایی‌های نامشهود را به کار ببرند و با تنوع بیشتر از ابزارهای مدیریت دانش و سرمایه فکری بهره گیرند. البته در شرکت‌های کوچک و متوسط اهمیت منابع انسانی بیشتر از شرکت‌های بزرگ است و بهره‌وری بیشتری دارند. به عبارتی، SMEها در جهت بهبود عملکرد و تشویق کارمندان و در نظر گرفتن برنامه‌های آموزشی برای ارتقای دانش و مهارت کارمندان تلاش بیشتری می‌کنند. همچنین، نتایج این پژوهش نشان داد که شرکت‌های بزرگ در مقایسه با SMEها از منابع مدیریتی قوی‌تری برخوردارند و پتانسیل بیشتری در جذب مدیران با تحصیلات کارشناسی ارشد و دکترا و یا مدیران با سابقه بیشتر از ۵ سال دارند. علاوه بر آن، دارایی‌های نامشهود تأثیر معنی‌داری بر عملکرد شرکت دارند، اما قابلیت نوآوری و دارایی نامشهود مبتنی بر بازار رابطه مثبت و معنی‌داری بر عملکرد ندارند و منابع انسانی بر معیار بازده فروش و بازده دارایی تأثیر منفی و معنی‌داری دارد. این تأثیر منفی می‌تواند به دلیل بهره‌وری پایین کارکنان و وجود کارکنان غیرماهر و بعضاً غیرضروری باشد. دارایی‌های نامشهود منبع کلیدی مزیت رقابتی سازمان‌ها محسوب می‌شوند.

شرکت‌ها با اتخاذ دارایی‌های نامشهود همراه با فرآیند نوآوری، می‌توانند عملکرد سازمانی را بهبود بخشیده و مزیت رقابتی در صنعت خود کسب نمایند. بر اساس نقش تعدیل‌کننده اندازه شرکت بر رابطه بین دارایی‌های نامشهود و عملکرد شرکت، نتایج پژوهش نشان داد در شرکت‌های بزرگ قابلیت نوآوری (مخارج تحقیق و توسعه به فروش)، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر عملکرد بر مبنای نسبت کیوتوین دارد. به عبارت دیگر، در شرکت‌های بزرگ نوآوری و انجام مخارج تحقیق و توسعه، نقش بیشتری در بهبود عملکرد از دیدگاه بازار (نسبت کیوتوین) دارد و نیز بر اساس نتایج پژوهش اندازه شرکت بر رابطه بین سایر دارایی‌های نامشهود و عملکرد مبتنی بر بازار (نسبت کیوتوین) تأثیر معنی‌داری ندارد.

با توجه به پژوهش انجام شده پیشنهادها زیر ارائه می‌گردد. با توجه به اینکه شرکت‌های بزرگتر بیشتر مورد توجه سرمایه‌گذاران هستند، به مدیران شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران توصیه می‌شود، از منابع نامشهود در جهت بهبود عملکرد، بهره بیشتری ببرند. همچنین، با توجه به اینکه دارایی نامشهود شرکت‌ها به‌عنوان یک منبع مهم و تأثیرگذار بر

تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران محسوب می‌شود، شرکت‌ها در ارزشیابی و رعایت الزامات گزارشگری در خصوص دارایی نامشهود توجه بیشتری داشته باشند، زیرا بر اساس نتایج این پژوهش، علیرغم وجود استاندارد، شرکت‌ها وحدت رویه در افشای دارایی‌های نامشهود ندارند. برخی شرکت‌ها دارایی‌های نامشهود خود را در قسمت سایر دارایی‌ها افشا می‌کنند و یا تنها مجموع دارایی‌های نامشهود خود را گزارش می‌کنند و ریز این اقلام را افشا نمی‌نمایند. همچنین، با توجه به عدم افشای مناسب در خصوص منابع نامشهود توسط شرکت‌ها به سازمان حسابرسی پیشنهاد می‌شود در استاندارد حسابداری شماره ۱۷ تجدید نظر نماید تا امکان ثبت دارایی‌های نامشهود ایجاد شده در واحد تجاری که ثبت نشده هستند و یا اینکه به حساب هزینه می‌روند، فراهم شود. با توجه به اینکه منابع مدیریتی تأثیر مثبتی بر عملکرد شرکت دارد به شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود سرمایه‌گذاری بیشتری در این دو حوزه از دارایی نامشهود مبذول نمایند. با توجه به اینکه اندازه شرکت بر رابطه بین دارایی نامشهود (قابلیت نوآوری) و عملکرد موثر است، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود در تصمیمات سرمایه‌گذاری خود اثر اندازه شرکت را نیز لحاظ نمایند. همچنین، به شرکت‌ها پیشنهاد می‌گردد اطلاعات مربوط به سرمایه‌گذاری‌های نامشهود خود را به‌طور جداگانه افشا نمایند، زیرا افشای اختیاری اطلاعات برای شرکت‌ها نیز بسیار سودمند است و باعث کاهش هزینه سرمایه آنها، افزایش ارزش بازار شرکت و سایر مزایا خواهد شد.

به پژوهشگران علاقه‌مند در پژوهش در این حوزه پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی، از مدل‌های دیگری جهت اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود استفاده نمایند. همچنین، می‌توان از سایر معیارهای عملکرد از قبیل نسبت‌های نقدینگی، ارزش افزوده اقتصادی و... نیز در پژوهش‌های آتی استفاده نمود.

پی‌نوشت

۱	Molodchik & el .	۲	Spanous&el
۳	Abubakar	۴	Lin

منابع

Abbasi,M. , Ahmadi,M. (2013). The Relationship between Institutional Governance Ownership and Firm Value. process Development & management, 26 (1) , 191-213. (In Persian)

- Abubakar, S. , & ABUBAKAR, M. (2015). Intangible assets and value relevance of accounting information of listed High-Tech firms in Nigeria. *Research Journal of Finance and Accounting*, 6 (11) , 60-79.
- Adika, C. O. (2015). The effect of intangible assets intensity on volatility of stock prices for firms listed at the Nairobi Securities Exchange (Doctoral dissertation, University of Nairobi).
- Anderson, E. W. , Fornell, C. , & Mazvancheryl, S. K. (2004). Customer satisfaction and shareholder value. *Journal of marketing*, 68 (4) , 172-185.
- Andonova, V. , & Ruíz-Pava, G. (2016). The role of industry factors and intangible assets in company performance in Colombia. *Journal of Business Research*, 69 (10) , 4377-4384.
- Arefmanesh, Z. , Rahmani, A. (2015). Modeling of intangible assets in Tehran Stock Exchange Firms. *Management Accounting*, 8 (26) , 81-112.. (In Persian).
- Ballester, M. , Livnat, J. , & Sinha, N. (2002). Tracks. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 17 (4) , 351-373.
- Ballot, G. , Fakhfakh, F. , & Taymaz, E. (2001). Firms' human capital, R&D and performance: a study on French and Swedish firms. *Labour economics*, 8 (4) , 443-462.
- Riahi- Belkaoui, A. (2003). Intellectual capital and firm performance of US multinational firms. *Journal of Intellectual capital*.
- Cheng, C. A. , & Chen, C. J. (1997). Firm valuation of advertising expense: an investigation of scaler effects. *Managerial Finance*.
- Corrado, C. , Hulten, C. , & Sichel, D. (2005). Measuring capital and technology: an expanded framework. In *measuring capital in the new economy* (pp. 11-46). University of Chicago Press.
- Elbannan, M. A. (2013). Do analysts follow emerging economy firms with higher intangible assets? Empirical evidence from Egypt. *Advances in accounting*, 29 (1) , 50-59.
- Ferdaous, J. , & Rahman, M. M. (2019). The effects of intangible assets on firm performance. *American Journal of Business*.
- Fernández, P. (2001). Valuation of brands and intellectual capital. *IESE Business School*, 9.
- Fornell, C. , Mithas, S. , Morgeson III, F. V. , & Krishnan, M. S. (2006). Customer satisfaction and stock prices: High returns, low risk. *Journal of marketing*, 70 (1) , 3-14.
- GARCÍA- AYUSO, M. A. N. U. E. L. , MORENO- CAMPOS, I. N. E. S. , & SIERRA- MOLINA, G. U. I. L. L. E. R. M. O. (2000). Fundamental analysis and human capital: empirical evidence on the relationship between the quality of human resources and fundamental accounting variables. *Journal of Human Resource Costing & Accounting*.

- Greco, M. , Cricelli, L. , & Grimaldi, M. (2013). A strategic management framework of tangible and intangible assets. *European Management Journal*, 31 (1) , 55-66.
- Han, D. , & Han, I. (2004). Prioritization and selection of intellectual capital measurement indicators using analytic hierarchy process for the mobile telecommunications industry. *Expert Systems with applications*, 26 (4) , 519-527.
- Hua, N. (2007). Valuation of Intangible Assets for Publicly Traded Hotel Firms in the US.
- Lajili, K. , & Zéghal, D. (2005). Labor cost voluntary disclosures and firm equity values: Is human capital information value-relevant?. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 14 (2) , 121-138.
- Lev, B. , & Schwartz, A. (1971). On the use of the economic concept of human capital in financial statements. *The accounting review*, 46 (1) , 103-112.
- Li, Q. , & Wu, Y. (2020). Intangible capital, ICT and sector growth in China. *Telecommunications Policy*, 44 (1) , 101854.
- Lin, B. W. (2007). Information technology capability and value creation: Evidence from the US banking industry. *Technology in Society*, 29 (1) , 93-106.
- Mehrazin, A. , Froot, O. , Taghipoor, M. & Ghobdiyan, B. (2012). Establishing the relationship between trademark valuation and firm Performance. *Journal of Financial Accounting Knowledge*, 02 (4) , 125-139. (In Person)
- Mishra R. K. & Jhunjhunwala, S. (2009). Valuation of intangibles. Study sponsored by ICAI, Accounting Research Foundation.
- Miyagawa, T. , & Hisa, S. (2013). Measurement of intangible investment by industry and economic growth in Japan. *Public Policy Review*, 9 (2) , 405-432.
- Molodchik, M. , Fernández-Jardón, C. M. , & Barajas, A. (2013). The firm size effect on performance due to intangible resources. *Higher School of Economics Research Paper No. WP BRP*, 35.
- Morgan, N. A. , & Rego, L. L. (2009). Brand portfolio strategy and firm performance. *Journal of Marketing*, 73 (1) , 59-74.
- Namazi, M. , Mousavinejad, S. R. (2017). Investigating the relationship between intangible assets and financial performance of listed companies in Tehran Stock Exchange, 5 (20) , 243-262. (In Person)
- Park, H. (2019). Intangible assets and the book- to- market effect. *European Financial Management*, 25 (1) , 207-236.
- Rao, V. R. , Agarwal, M. K. , & Dahloff, D. (2004). How is manifest branding strategy related to the intangible value of a corporation?. *Journal of marketing*, 68 (4) , 126-141.

- Rompho, B. , & Siengthai, S. (2012). Integrated performance measurement system for firm's human capital building. *Journal of Intellectual Capital*.
- Russell, M. (2016). The valuation of pharmaceutical intangibles. *Journal of Intellectual Capital*.
- Sahay, A. , & Pillai, A. (2009). Differential impact of advertising and distribution expenditure on Tobin's Q. *Journal of Indian Business Research*.
- Simon, C. J. , & Sullivan, M. W. (1993). The measurement and determinants of brand equity: A financial approach. *Marketing science*, 12 (1) , 28-52.
- Spanos, Y. , Prastacos, G. , & Papadakis, V. (2001). Greek Firms and EMU: Contrasting SMEs and Large-Sized Enterprises. *European Management Journal*, 19 (6) , 638-648.
- Sveiby, K. E. (1997). The intangible assets monitor. *Journal of Human Resource Costing & Accounting*.
- Sydler, R. , Haefliger, S. , & Pruksa, R. (2014). Measuring intellectual capital with financial figures: Can we predict firm profitability?. *European Management Journal*, 32 (2) , 244-259.
- Tseng, C. Y. , & James Goo, Y. J. (2005). Intellectual capital and corporate value in an emerging economy: empirical study of Taiwanese manufacturers. *R&D Management*, 35 (2) , 187-201.
- Ugboro, I. O. , & Obeng, K. (2000). Top management leadership, employee empowerment, job satisfaction, and customer satisfaction in TQM organizations: an empirical study. *Journal of quality management*, 5 (2) , 247-272.
- Ukiwe, A. O. (2009). The joint impact of brand value and advertising on corporate financial performance and on stock return: A case study of the computer industry.
- Wakelin, K. (1998). Innovation and export behaviour at the firm level. *Research policy*, 26 (7-8) , 829-841.
- Wyatt, A. , & Frick, H. (2010). Accounting for investments in human capital: A review. *Australian Accounting Review*, 20 (3) , 199-220.



تبیین و توصیف رویکرد مداخله‌ای در پژوهش‌های

حسابداری و حسابرسی

عبدالرضا محسنی^۱، لیدا صیادی^۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۳۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۱۲

مقاله ترویجی

چکیده

در انجام یک پژوهش علمی، از رویکردهای گوناگونی استفاده می‌شود. رویکرد مداخله‌ای یکی از نوظهورترین و درعین حال پرطرفدارترین روش‌های پژوهشی است که اخیراً مورد توجه پژوهشگران حوزه حسابداری قرار گرفته است. با این حال پژوهشگران حسابداری از دانش و شناخت کافی در خصوص این نوع رویکرد پژوهشی برخوردار نیستند. بر این اساس، در پژوهش حاضر سعی شده است تا ضمن مفهوم‌سازی "پژوهش مداخله‌ای" به این سؤالات پاسخ داده شود: (۱) پژوهشگر مداخله‌ای دقیقاً در این حوزه چه کاری انجام می‌دهد؟ (۲) نقش رویکرد مداخله‌ای در پژوهش‌های حسابداری چیست؟ (۳) منظور از حوزه امیک و اتیک در این رویکرد چیست؟ و در نهایت آینده پژوهش‌های مداخله‌ای در حوزه حسابداری چگونه است؟ نتایج بررسی‌ها نشان داد که پژوهش مداخله‌ای یکی از دانش‌های کاربردی نوین را رقم زده است و هدف آن تولید دانش جدید است که از طریق ارتباط و همکاری بین پژوهشگران حسابداری و حسابداران (اعضای حرفه) به وجود می‌آید. به عبارت دیگر، در پژوهش مداخله‌ای، پژوهشگر باید مرز بین دیدگاه‌های بیرونی و درونی را شکسته و بین حوزه‌های امیک و اتیک در رفت‌وآمد باشد. از این رو انتظار می‌رود تا پژوهشگران حسابداری جهت به کارگیری رویکرد مداخله‌ای در پژوهش‌های خود از مهارت‌های علمی و درعین حال حرفه‌ای برخوردار باشند.

واژه‌های کلیدی: پژوهش مداخله‌ای، پژوهش غیر مداخله‌ای، رویکرد امیک و اتیک، دانش کاربردی

طبقه‌بندی موضوعی: M410 , M420

10.22051/ijar.2020.26250.1507:DOI

^۱ استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، بوشهر، ایران (mohseni.abdoreza@yahoo.com)

^۲ دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد واحد بوشهر، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول) (Isayadi67@gmail.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

مقدمه

یکی از سؤالات اساسی در حوزه حسابداری این است که چرا در عصر جدید برخی انتقادات و دغدغه‌ها در خصوص ابعاد نوظهور حسابداری مطرح شده است؟ (ثقفی، ۱۳۹۱). در دهه ۱۹۸۰، برخی از نویسندگان مشهور و در رأس آنها جانسون و کیپلن (۱۹۸۷) بر این اعتقاد بودند که بین تئوری و عمل، به‌ویژه در حسابداری مدیریت، شکاف وجود دارد. بر این اساس پیشنهاد شد تا جهت کاهش این شکاف، پژوهشگران حسابداری پژوهش‌های خود را به‌صورت کاربردی انجام دهند.

علاوه بر این، بسیاری از دانشگاه‌ها و محیط‌های علمی در آموزش دارای نگرش تکنیکال هستند؛ مسیر پژوهش‌های حسابداری نیز به‌گونه‌ای است که عمدتاً به دنبال روش‌های استاندارد شده و استفاده از داده‌های کمی است. این در حالی است که آموزش به سبک تفکر انتقادی در حسابداری، با رویکرد درک و شناخت محیط پیرامون در ارتباط است و سعی دارد تا به انتظارات تغییرات ساختار محیطی پاسخ دهد و بدین‌صورت به چالش‌ها و پیچیدگی‌های موجود در آن نظارت کند (ثقفی، ۱۳۹۱).

بنابراین، استفاده از روش‌های پژوهشی مبتنی بر تفکر انتقادی در حسابداری از اهمیت دوچندانی برخوردار شده است؛ یکی از روش‌های نوین در این زمینه، انجام پژوهش با رویکرد مداخله‌ای است.

هدف این مقاله معرفی پژوهش‌های مداخله‌ای (پژوهش‌های مداخله‌ای^۱) و برخی از ویژگی‌های آن به پژوهشگران حسابداری است که ممکن است با این روش پژوهش آشنایی اندکی داشته باشند. بدین منظور به تشریح مثال‌هایی از پروژه‌های حسابداری پرداخته می‌شود. به دلیل اینکه پژوهش‌های مداخله‌ای در محیط‌های واقعی سازمان انجام می‌شود و سایر شغل‌های سازمانی مانند مدیریت مهندسی^۲، مدیریت کیفیت^۳ و مدیریت، به‌صورت کلی با حسابداری در تعامل هستند (سومالا و همکاران، ۲۰۱۴). بنابراین، در این پژوهش اطلاعاتی در زمینه پژوهش‌های کیفی و مطالعات موردی و اقدام پژوهی ارائه شده است.

درعین حال نگرانی‌های علمی پیرامون ارزش علمی پژوهش‌های مداخله‌ای باعث شده تا پژوهش‌های مداخله‌ای به‌عنوان روش‌شناسی پژوهشی جدید مورد توجه پژوهشگران حسابداری

و مدیریت قرار گیرد (بارد، ۲۰۱۰) و از این طریق ارتباط عملی با پژوهش‌های حسابداری و مدیریتی صورت گیرد (جانسون و لوکا، ۲۰۰۷). پژوهش مداخله‌ای فرصت درگیر شدن با زندگی روزانه فعالان، حرفه‌ای‌ها و سایر اعضای سازمانی را به وجود می‌آورد و این امکان را فراهم می‌کند تا در جنبه‌های متعدد مرتبط و اثرگذاری روی آنان، به روشی منطقی جستجو گردد (کولن و همکاران، ۲۰۱۳). علاوه بر این، این روش باعث به وجود آمدن راه‌حل‌های مدیریتی مرتبط یا مداخلاتی می‌شود که منجر به تغییرات اساسی می‌شود و عملکرد سازمان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند، به گونه‌ای که با رویکردهای پژوهشی غیرمداخله‌ای نمی‌توان این مهم را انجام داد (کامپانال و همکاران، ۲۰۱۴). در واقع پژوهش‌های مداخله‌ای فرصت‌های فعلی را برای درگیر شدن در سازمان ارائه می‌کنند، به این صورت که بجای تصدی سمتی (اشغال موقعیت) که صرفاً نقش تماشاچی خنثی (بی‌طرف) را دارد (یعنی دیدگاه اتیک^۴)، از طریق کاوش، مشارکتی شدید در مشکلاتی که در جزر و مد زندگی سازمانی با آن رودررو هستند، انجام شود (یعنی دیدگاه امیک^۵).

در این راستا، پژوهشگران درمی‌یابند که چگونه کارها و شیوه‌های سازمانی و مدیریت و حسابداری می‌توانند در حل این مشکلات کمک کنند، بدون اینکه نیاز به سازش بین ارتباط و درگیری باشد (جانسون و لوکا، ۲۰۰۷: ۳۸۹). در نهایت، پژوهش مداخله‌ای، تولید دانش نظری را از طریق استفاده از تخصص واقعی حسابداران، مدیران و دیگر اعضای سازمانی امکان‌پذیر می‌سازد و به این ترتیب سهمی قابل توجه در ادبیات و نظریه ایجاد می‌کند. دانش مداخله‌ای (نظریه و عملی) باعث ایجاد یک بدنه نوآورانه از دانش می‌شود که از دل آن، نسل‌های آتی، در هر دو گروه از بازیگران دانشگاهی و امیکی، می‌توانند بیرون بیایند (هوگو و همکاران، ۲۰۱۷: ۲۶۷).

هدف از این پژوهش، توسعه بیشتر پایگاه معرفت‌شناسی پژوهش‌های مداخله‌ای به عنوان یک روش پژوهش معتبر حسابداری و مدیریت است. بدین منظور در ادامه، پژوهش‌های مداخله‌ای تعریف شده و پس از آن به تشریح روش و چگونگی انجام آن و همچنین نقش آن در آینده حسابداری پرداخته می‌شود.

تعریف پژوهش مداخله‌ای

ابتدا به تعریف واژه مداخله و سپس به پژوهش مداخله پرداخته می‌شود:

آرگریس (۱۹۷۰) واژه "مداخله" را به معنای وارد شدن به یک سیستم از روابط، افراد و گروه‌های در حال پیشرفت به منظور کمک به آنها تعریف نموده است. همچنین، مداخله "عملی است در درون یک سیستم که پژوهشگر جزئی از آن نیست. مداخله رفتارهایی را شکل می‌دهد که به فرایندهای اجتماعی در حال پیشرفت یک سیستم، تبدیل می‌شوند و رویکردهای نوینی برای پرداختن به مشکلات در محیط‌های پیچیده پزشکی، سیاسی، فرهنگی و یا فنی است (کوپ، ۲۰۰۰؛ بکهارد، ۱۹۷۹؛ لیندنبرگ و همکاران، ۲۰۰۱ به نقل از باراد، ۲۰۱۰: ۱۶).

نهایتاً کارخاف (۱۹۸۳: ۱۶۳) یک توسعه از تعاریف و حالت‌های قبلی را ارائه می‌دهد: یک مداخله هم پاسخ و هم خلاقیت و ابتکار است. پاسخ به شرایطی که یک نیاز را تعریف می‌کند، می‌باشد؛ پاسخ به کسری بودجه و آن چیزی که وجود ندارد. در همین زمان، این ابتکاری است تا بر این وضعیت برای تکمیل آنچه وجود ندارد و یا برای تبدیل کسری به دارایی‌ها، تأثیر بگذارد. به‌طور خلاصه، مداخله یک تلاش برای ایجاد یک تغییر است.

مولن (۱۹۹۴: ۱۶۷) هدف پژوهش مداخله‌ای را توسعه تکنولوژی اجتماعی برای بهبود یک مشکل اجتماعی، بیانیه‌ای از تغییر مطلوب در مشکل اجتماعی و یا در برخی شرایط مرتبط با آن تعریف نمود. پژوهش‌های مداخله‌ای از زمینه‌هایی مانند پژوهش ارزیابی، ارزیابی رفتاری، ارزیابی تکنولوژی و انتقال تکنولوژی (کامپیوتر)، شبیه‌سازی و مدل‌سازی، متا‌آنالیز، به‌کارگیری دانش، تکنولوژی عمل (قانون)، مهندسی سیستم مشتق می‌شوند؛ این پیکربندی اصول روش‌شناختی سیستم مرحله‌ای از اقدام و عمل است که پتانسیل بالقوه‌ای، آنها را به‌عنوان تغییر مداخله‌گرانه کاربردی متداول، تحت کنترل درمی‌آورد (توماس و راتمن، ۱۹۹۴).

توماس و راتمن (۱۹۹۴) همچنین، بیان می‌کنند پژوهش‌های مداخله‌ای دو برونداد به‌طور مثال تولید دانش برای هم‌پژوهشگران و هم‌شاغلان و همچنین نتیجه عملی و مداخله توسعه یافته برای حل مشکل دارند. هدف از این نوع پژوهش، بهبود زندگی جامعه و رفاه (از جمله زمینه‌سازمانی) از طریق توسعه مداخلاتی است که در زمینه‌های مختلف واقعی مؤثر هستند و شامل تلاش

هماهنگ تمام شاغلانی است که در واقع مشکل را تجربه می‌کنند، می‌باشد که منجر به تولید دانش برای محققان و متخصصان می‌شود (باراد، ۲۰۱۰: ۱۶).

برای رسیدن به یک تعریف از پژوهش مداخله‌ای در حسابداری، لازم است که بین پژوهش مداخله‌ای و غیرمداخله‌ای تمایز قائل شد (جانسون و لوکا، ۲۰۰۷). هرچند که در هر دو روش به یک پرسش تحقیقاتی در چارچوب نظری نیاز است، اما پژوهشگر مداخله‌ای تأثیر مستقیمی بر رفع مشکلات اجتماعی در سازمان می‌گذارد.

قبل از تعریف روش مداخله‌ای، باید این مورد را در نظر گرفت که اغلب روش مداخله‌ای در حسابداری با روش‌های پژوهشی دیگر با اهداف مشابه اشتباه گرفته می‌شود. این اشتباه به این دلیل رخ می‌دهد که پژوهشگران، روش مداخله‌ای را به عنوان "مفهوم چتر"^۶ در نظر می‌گیرند. جانسون و لوکا (۲۰۰۷) معرفی پژوهش‌های مداخله‌ای را در شکل خود که در شکل‌های جایگزینی مثل اقدام پژوهی (مثل واترز و ویلدروم، ۲۰۰۸، واترز و رویجمانز، ۲۰۱۱)، علم عملی^۷ (مثل آرگریس و همکاران، ۱۹۸۵)، علم طراحی^۸ (مثل وان آکن، ۲۰۰۴)، پژوهش‌های بالینی^۹ و پژوهش‌های ساختاری^{۱۰} (مثل کاسانن و همکاران، ۱۹۹۳؛ لابرو و توملا، ۲۰۰۳؛ مالمی و همکاران، ۲۰۰۴؛ سومالا و همکاران، ۲۰۱۴) نمود می‌یابد، معرفی کرده‌اند. علاوه بر این بارد (۲۰۱۰) با مطالعه انتقادی پژوهش‌های مداخله‌ای، به بیان اشکال جایگزین روش مداخله‌ای و شباهت‌ها و تفاوت‌ها بین انواع آنها پرداخته است. به عنوان مثال، روش مداخله‌ای در علوم پزشکی و مهندسی به ترتیب تحت عنوان پژوهش‌های بالینی و علم طراحی قرار می‌گیرد (جانسون و لوکا، ۲۰۰۶؛ ۱۲-۹).

به همین ترتیب، روش مداخله‌ای یک کار علمی است که به مدیران و حسابداران برای حل مشکلات کمک می‌کند. بارد (۲۰۱۰) از طریق به کارگیری مشاوران برای تسهیل طراحی مداخله و حضور محققان اندک در فرایند، به تفاوت بین روش مداخله‌ای و علم طراحی پی برد. اگرچه رویکرد پژوهش ساختاری (CR) نزدیک‌ترین شباهت با روش مداخله‌ای دارد، اما بارد (۲۰۱۰) اظهار می‌دارد که از قالب تئوری منحصر به فردی برخوردار نیست و این درحالی است که پژوهش مداخله‌ای این مزیت را دارد. بنابراین، روش مداخله‌ای اغلب مترادف روش‌های تحقیق مختلف است (هوگو و همکاران، ۲۰۱۷). با توجه به تعاریف فوق تصور می‌شود پژوهش‌های مداخله‌ای به روش شناختی مرحله‌ای از اقدام و عمل در جهت حل مشکل و ایجاد تغییر اشاره

دارد. در بخش‌های بعدی جهت روشن شدن معنی و مفهوم پژوهش‌های مداخله‌ای سعی می‌شود با روش‌های پژوهشی دیگر از جمله مطالعه موردی و اقدام پژوهشی مقایسه شود.

پژوهش مداخله‌ای و مطالعه موردی

یکی دیگر از جنبه‌های روش مداخله‌ای که نادیده گرفته شده است، ارتباط این روش با مطالعه موردی است (بین، ۲۰۱۴: ۲۰). استدلال بر این است که اکثر پروژه‌های روش مداخله‌ای ویژگی‌های مطالعات موردی را دارا است. دلیل آن چنین است که پژوهشگران برای حل مشکلات فردی نیاز به همکاری در محیط کار (سازمانی) فردی دارند. طبق تعریف بین در مورد مطالعات موردی: "مطالعات موردی، پدیده‌های (مورد) هم‌زمان را در دنیای واقعی بررسی می‌کند. علاوه بر این، روش مداخله‌ای شامل یک سری مطالعات موردی است که می‌تواند در یافتن نظریه کلی و اعتبار بخشیدن به یافته‌ها کمک کند (بین، ۲۰۱۴).

تفاوت اصلی بین روش سنتی و روش مداخله‌ای بر اساس مطالعات موردی بر این است که محقق در روش مداخله‌ای کمک به حل مشکلات واقعی می‌کند تا اینکه ناظر بر کار مدیران برای چگونگی حل مشکلات باشد؛ مشکلاتی که ممکن است با این روش توسط مدیران حل نشود (جانسون و لوکا، ۲۰۰۶: ۸). مثال‌هایی از مشکلات واقعی که روش مداخله‌ای به دنبال آنها است عبارتند از: کاهش هزینه‌های بالای مرجوعی‌های محصولات آنلاین «بدون خطا» (مثال: کولن و همکاران، ۲۰۱۳)، برداشتن موانع پیشرفت‌های پایش در محیط‌های شرکتی (مثال: کیلیان و همکاران، ۲۰۰۵)، حذف استفاده از سیستم هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا برای حمایت از شفافیت و تخصیص منابع در بیمارستان‌های عمومی (به‌عنوان مثال کامپانال و همکاران، ۲۰۱۴). بنابراین، هنگام تعریف روش مداخله‌ای بیان ارتباط آن با تحقیقات موردی ضروری است، به دلیل اینکه این روش، رایج‌ترین روش برای اجرای روش مداخله‌ای است.

بنابراین، می‌توان روش مداخله‌ای را به‌عنوان یک روش پژوهش مبتنی بر مطالعه موردی تعریف کرد که به‌موجب آن پژوهشگر خود را درگیر کار مستقیم با مدیران سازمان برای حل مشکلات واقعی می‌کند و نیز این کار به‌وسیله گسترش نظریه در جهت طراحی و اجرای راه‌حل از طریق مداخله‌ها و تجزیه و تحلیل نتیجه‌ها هم از جنبه عملی و هم از جنبه نظریه انجام می‌شود (هوگو، ۲۰۱۷: ۲۶۷).

مداخله در واکنش به چالش‌های عملی در جهت حل مشکل، ایجاد می‌شود. در شرایط نظری باعث ایجاد نتیجه دوگانه از روش مداخله می‌شود. این نتیجه یک پیامد عملی را شکل می‌دهد و دانش نظری به صورت ایده‌آل در یک روند واقعی به ترتیب با روابط عملی و نظری ایجاد می‌شود (باراد، ۲۰۱۰، لوکا و سومالا، ۲۰۱۴). این دوگانگی نتیجه یک وجه تمایزی بین پژوهش‌های مداخله‌ای، غیر مداخله‌ای و دیگر روش‌های جایگزین شکل می‌دهد.

پژوهش‌های مداخله‌ای و اقدام پژوهی

پژوهش اقدامی (اقدام پژوهی) یکی از روش‌های تحقیق کیفی است که با تشریک مساعی محقق و مشارکت کنندگان در پژوهش و اتخاذ یک فرآیند سیکلی مناسب سعی در پیوند تئوری با عمل دارد با این هدف که نه تنها مشکلات موجود عملی در مطالعه مورد نظر را حل کند، بلکه باعث تغییر در رویه موجود در عمل و در جهت اثربخشی بیشتر و حتی تغییر در تفکر افراد ذینفع مربوط به مطالعه گردد (نمازی، ۱۳۹۵).

جانسون و لوکا (۲۰۰۷) تمایزهای بین انواع نقش‌هایی را که ممکن است پژوهشگر در این همکاری (کارشناس، عضو گروه یا همراه) در سراسر پژوهش مداخله‌ای بازی کند، را مشخص کرده‌اند. این نقش‌ها و مباحث درباره آنها در پیشینه پژوهش عملی که یکی از انواع مهم پژوهش مداخله‌ای است، یافت می‌شود. یکی از استدلال‌های اصلی برای اجرای پژوهش مداخله‌ای، توسط کورت لوین، پدر پژوهش عملی، بیان شده است: "بهترین راهبری یادگیری درباره‌ی دنیا، قرار دادن آن در معرض تغییر است" (مقایسه شود با آرگریس و دیگران، ۱۹۸۵). منطق زیربنای این تعریف چنین است که فرآیندهای تغییر، موجب پدیدار شدن مسائل می‌شوند؛ در چنین زمینه‌هایی، افراد درگیر نیاز دارند که علایق و برنامه‌های خود را توضیح دهند و همچنین منابع خود را بسیج کنند. علاوه بر این، تغییر موقعیت‌ها، نه تنها باعث ایجاد نیاز به سخن، بلکه موجب ایجاد نیاز به عمل نیز می‌شود (برونسن، ۱۹۸۵، ۱۹۸۹ به نقل از سومالا و همکاران، ۲۰۱۴: ۳۰۵).

کورت لوین (۱۹۴۶) کار اقدام پژوهی^{۱۱} را شروع کرد و با هدف حل مشکلات واقعی، مفهوم اجرای آزمایش را بجای محدود کردن به آزمایشگاه، به موقعیت‌های میدانی آورد. اگرچه جانسون و لوکا (۲۰۰۷) معتقدند که اقدام پژوهی را باید به عنوان منشأ پژوهش‌های مداخله‌ای

مدنظر قرار داد (ص، ۳۷۶) و نباید بین اقدام پژوهی و پژوهش‌های مداخله‌ای از نظر تئوری تمایزی قائل شد. بنابراین، پژوهش‌های مداخله‌ای با اقدام پژوهی که ارتباطی با کاربرد یا توسعه تئوری حسابداری ندارد، اشتباه گرفته می‌شود. باورد نتیجه‌گیری می‌کند که نه تنها اقدام پژوهی، بلکه تمام روش‌های جایگزین پژوهش‌های مداخله‌ای یک "مفهومی پراکنده"^{۱۲} از این روش ارائه می‌دهند که باعث ایجاد سردرگمی در مورد روند و نتیجه پژوهش‌های مداخله‌ای می‌شود و نیز شروطی در مورد ارزش علمی آن ارائه می‌دهد. بنابراین، پژوهشگران باید پژوهش‌های مداخله‌ای را به‌عنوان یک روش‌شناسی مستقل در نظر بگیرند. جانسون و لوکا (۲۰۰۷) معتقدند که اقدام پژوهی نسبت به روش مداخله‌ای از اصول نوآورانه‌ای برخوردار نیستند.

استدلال بر این است که ویژگی‌های متمایز روش مداخله‌ای باعث به‌کارگیری نظریه و ماهیت مداخله می‌شود. همان‌طور که جانسون و لوکا (۲۰۰۶: ۷) بیان می‌کنند روش مداخله‌ای نیازمند یک نظریه برای توجیه نتایجش است، بنابراین هم کار عملی و هم کار علمی می‌تواند این یافته‌ها را به دست آورد. علاوه بر این همان‌طور که دامی (۲۰۱۰: ۶۰-۵۹) بیان می‌کند در روند رویکرد مداخله‌ای، نظریه لازم و ضروری است. دلیل این امر این است که کار علمی نیازمند مطرح کردن نظریه‌های مختلف برای توسعه و آزمایش مداخله‌ها است. بنابراین، روش مداخله‌ای نیازمند رویکرد نظری امیک و اتیک است و تعریف این روش نیازمند هم نظریه حسابداری و هم اجتماعی است (هوگو و همکاران، ۲۰۱۷: ۲۶۶) که به تفصیل در ادامه توضیح داده شده است.

حوزه امیک و اتیک

پژوهش مداخله‌ای یک رویکرد مورد کاوی طولی است که در آن مشاهده‌ی فعالانه‌ی مشارکت‌کنندگان، عمدتاً به‌عنوان یکی از دارایی‌های پژوهش، به کار می‌رود. این رویکرد، جسورانه است، زیرا پژوهشگر عمداً به دنبال آن هستند که برای دستیابی به دانش، بر دنیا تأثیر بگذارند (برای نمونه: لوین، ۱۹۴۶/۱۹۴۸؛ آرگریس و دیگران، ۱۹۸۵؛ شین، ۱۹۸۷؛ لوکا، ۲۰۰۳؛ ون آکن، ۲۰۰۴؛ جانسون و لوکا، ۲۰۰۷). در پژوهش مداخله‌ای، تمایز بین امیک و اتیک (پایک، ۱۹۵۴، ۱۹۶۷) مهم است. امیک به مطالعه‌ی رفتار انسان از درون سیستم اشاره دارد، درحالی‌که دیدگاه اتیک به معنای بررسی آن از بیرون است. از آنجا که پژوهشگر مداخله‌ای،

درزمینه‌ی پژوهش، مشارکت‌کننده‌ای فعال در زمان واقعی است، مجبور است که بر مبنای موضوعات جاری، دیدگاه امیک را برگزیند. یعنی جامعه‌ای که پژوهشگر در آن کار میدانی خود را انجام می‌دهد؛ او را به‌عنوان عضوی قابل‌اعتماد، یا خودی، می‌پذیرد. این پذیرش نه تنها برای درک معانی و کارهای بازیگران این میدان، ضروری است، بلکه پژوهشگر را برای ارتباط و همکاری با آنها توانمند می‌سازد (جانسون و لوکا، ۲۰۰۷).

در عمل، این فرآیند ممکن است بر برنامه‌ریزی پژوهشگر میدانی تا حد زیادی اثر گذارد، زیرا گاهی نیازمند صرف زمان برای انجام کارهایی است که نسبت به اهداف علمی پژوهش، اولویت کمتری دارند؛ هر چند، چنین کارهایی فرعی به نظر برسند می‌تواند موجب تسهیل تداوم پروژه و ایجاد اعتماد بین پژوهشگر و اعضای سازمان شود و بنابراین به نفع اهداف نظری نیز است. در نتیجه پژوهشگران مداخله‌ای تشویق می‌شوند تا با پذیرش توافقی‌های موقت در مورد نقش پژوهشگر و همچنین هشیار بودن در این مورد که این توافقی‌ها تبدیل به منافع یک‌سویه برای سازمان هدف نشود، برای ایجاد شرایط موفقیت در مشارکت تلاش کنند (سومالا و همکاران، ۲۰۱۴: ۳۱۰).

گزینش دیدگاه امیک، یکی از ویژگی‌های اصلی پژوهش مداخله‌ای است، اما تنها یکی از جنبه‌های مطالعه‌ی پژوهش مداخله‌ای است. پژوهشگر باید افزون بر آن، دیدگاه اتیک را نیز در نظر گیرد. این ویژگی‌ها تنها مختص پژوهش مداخله‌ای نیست که منجر به ایجاد راه‌های جایگزین در جهت توسعه نظریه کاربردی در کارهای تجربی مورد کاوی می‌شود؛ اساساً در پژوهش‌های غیرمداخله‌ای، می‌توان از دانش و قضاوت علمی برای انتخاب مناسب‌ترین راه برای شکل‌دهی حوزه و تمرکز کار تجربی استفاده کرد. این روش عموماً در پژوهش مداخله‌ای نیز به کار می‌رود، اما فرآیند شناسایی اهداف نظری در پژوهش مداخله‌ای اساساً مهم و حیاتی است، زیرا انتظارات سازمان هدف نیز درگرو آن است. بدین معنی که هر آنچه از دیدگاه نظری انتخاب شود، بر امکان پاسخگویی به انتظارات عملی سازمان هدف اثر می‌گذارد (سومالا و همکاران، ۲۰۱۴: ۷). به‌عبارتی، یافته‌های خود را با چارچوب نظری مرتبط می‌سازد و بر آن اثر می‌گذارد. اگرچه، منطقاً دیدگاه اتیک در همه‌ی انواع مطالعات دانشگاهی موردنیاز است، اما گاهی در پروژه‌های پژوهش مداخله‌ای کمتر به کار می‌رود و همه‌ی تلاش‌ها، تنها بر تفسیر یافته‌ها در سطح امیک متمرکز می‌شود. ما چنین استدلال می‌کنیم که به‌کارگیری متعادل دو

دیدگاه امیک و اتیک برای توجیه استفاده از این رویکرد پژوهشی ضروری است (مقایسه شود با جانسون و لوکا، ۲۰۰۷؛ به نقل از سومالا و همکاران، ۲۰۱۴: ۳۰۵).

فعالیت‌های متعادل‌کننده بین حوزه‌های امیک و اتیک

بعضی از فعالیت‌های متعادل‌کننده بین حوزه‌های امیک و اتیک با محرک‌هایی خارج از فرآیند واقعی پژوهش میدانی، آغاز شدند. به‌ویژه، ایده و پیشنهادها پژوهشگران همکار که برای تطبیق و هماهنگی، در مراحل مختلف پروژه پیش می‌آمد، نیازمند فعالیت‌های هوشیارانه بود. محرک‌های خارجی ممکن است گاهی در وسط فرآیند انجام یک پژوهش پرشتاب پیش‌آیند و آزردهنده به نظر برسند، اما درواقع، به همان اندازه نیز زمینه‌ی آزمون ارزشمندی را برای پژوهشگر میدانی فراهم می‌کنند و به توسعه و تفسیر بحث‌ها، نه تنها در آخرین مراحل گزارش، بلکه خیلی زودتر از آن، کمک می‌کنند. بر این اساس، جداً پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران، فعالانه به دنبال فرصت‌هایی برای آشکارسازی هرچه زودتر یافته‌ها و فرضیه‌های خود باشند، نه اینکه با گرایش‌های کوتاه‌فکرانه و درون‌بین، مطرح کردن یافته‌های خود را به خاطر ترس از اینکه هنوز به‌خوبی بسط نیافته‌اند، به تعویق بیندازند. از دیدگاه جانسون و لوکا (۲۰۰۷) پژوهش مداخله‌ای اساساً به معنای پیش‌رفتن و دوباره بازگشتن است؛ همچنین بر حرکت تکرارشونده بین امیک و اتیک تأکید می‌شود (سومالا و همکاران، ۲۰۱۴: ۳۱۱).

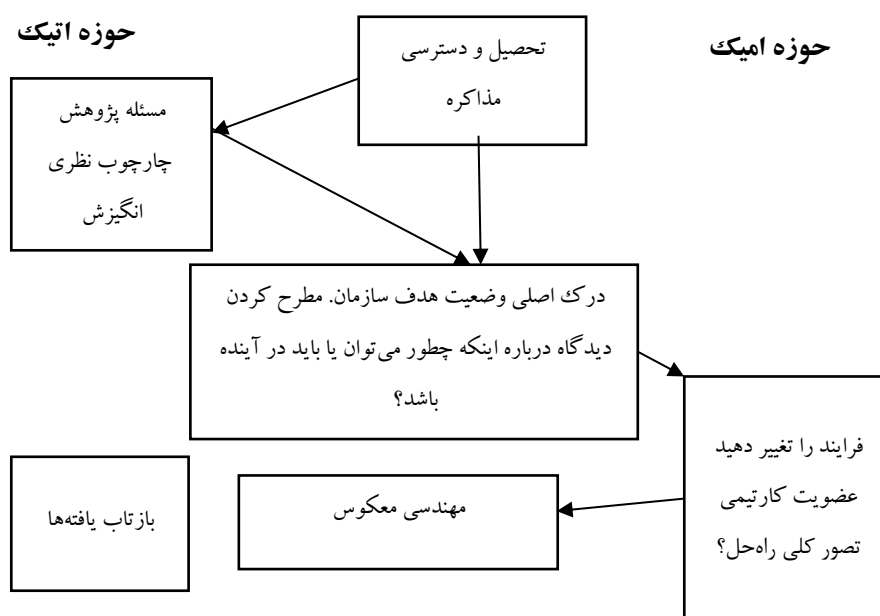
فرآیند اجرای یک پروژه مداخله‌ای

با توجه به اینکه پژوهش مداخله‌ای، جزء پژوهش‌های کیفی است و در جریان پژوهش پژوهشگر خود نیز با اشخاص ذینفع در محل پژوهش (سازمان) مشارکت فعال داشته و رهبری پژوهش را به عهده دارد، فرآیند اجرای یک پروژه مداخله‌ای می‌تواند به روش‌های مختلفی به تصویر کشیده شود (باراد، ۲۰۰۷). یکی از آنها در نگاره ۱ ارائه شده است (جانسون و لوکا، ۲۰۰۶؛ سومالا، ۲۰۱۴). دسترسی به یک سازمان به‌طور طبیعی پیش‌نیازی برای پژوهش مداخله‌ای است.

این امر ممکن است قبل و یا بلافاصله پس از فرموله کردن سوالات تحقیق نظری انجام شود (اگرچه در برخی موارد، مداخله ممکن است مقدم و تنظیم دستور کار پژوهش باشد).

مرحله بعدی شامل اقدام نمودن در حالت‌های تئوری و عملی به‌طور همزمان است. به ترتیب، پژوهشگر وضعیت اصلی هدف سازمان را مشخص کرده و با توجه به اینکه آینده سازمان یا یک فرآیند فرعی چگونه می‌تواند باشد، می‌بایست شرحی از دیدگاه‌ها ارائه نماید. نکته آخر مستلزم آن است که بین پژوهشگر و افراد شاغل در سازمان دیدگاه مشترکی ایجاد شود. روند فرآیند تغییر اینگونه است که پس از آنکه پژوهشگر به‌عنوان یک عضو تیم باشد، محقق می‌شود. نتیجه این مرحله اغلب یک تصور کلی از راه‌حل است که می‌تواند در سازمان استفاده شود؛ درنهایت، آخرین مرحله فرآیند پژوهش مداخله‌گر که در نگاره ۲ نشان داده شده است، پژوهشگر را با استفاده از مهندسی معکوس به‌منظور بررسی نتایج یافته‌های پروژه تحقیقاتی با توجه به پژوهش‌های قبلی و تدوین نظری پروژه از طریق انتشار یک نشر مناسب درگیر می‌کند (لوکا و همکاران، ۲۰۱۷: ۷۲۳).

نگاره (۱): یک مثال از یک فرآیند پژوهش مداخله‌ای



منبع: (لوکا و همکاران، ۲۰۱۷: ۷۲۳)

پژوهش‌های انجام‌شده

پژوهش‌های داخلی

با جستجو در منابع داخلی مشخص شد که پژوهشگران حسابداری کشور از روش پژوهش کیفی مداخله‌ای در مطالعات خود استفاده نمی‌کنند و تنها در تعداد اندکی از مطالعات داخلی از متغیر مداخله‌گر طبق مطالعات تجربی استفاده شده است.

حساس‌یگانه و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای به بررسی ارزش‌های اخلاقی در قضاوت حرفه‌ای حسابرس پرداخته‌اند. در این تحقیق روش پیمایشی با طرح تجربی مستقل شامل چهار موقعیت آزمایشی به کار رفته است. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه و در قالب طرح پس‌آزمون با گروه نظارت به روش میدانی جمع‌آوری شده است. نتایج این بررسی تأثیر مثبت آیین رفتار حرفه‌ای بر قضاوت حسابرسی را تأیید نمود و پیشنهاد می‌کند تا یک واحد درسی با عنوان آیین رفتار حرفه‌ای در دوره کارشناسی مورد توجه قرار گیرد. به عبارتی، دانشجویان می‌بایست با موضوعات حرفه آشنا شده و از انتظارات جامعه از اخلاق حرفه‌ای آگاه گردند.

بنی‌طالبی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان تأثیر به کارگیری الگوی تفکر خلاق رانکو و چاد بر پرورش مهارت‌های حسابداری مدیریت دانشجویان رشته حسابداری، پرداخته است. پژوهش حاضر یک مطالعه نیمه تجربی با طراحی دو گروه قبل و بعد از گذراندن دوره کارآموزی رشته حسابداری است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ۷۲ درصد دانشجویان در گروه شاهد بعد از مداخله تفکر خلاق، دارای سطح مهارت‌های مدیریتی در حد متوسط بوده‌اند. همچنین، سطح مهارت‌های مدیریتی ۸۶ درصد دانشجویان در گروه آزمون، در سطح مهارتی خوب قرار داشت. بعد از به کارگیری الگوی تفکر خلاق رانکو و چاد در کارآموزی، میانگین نمرات مهارت‌های مدیریتی هم در گروه آزمون و هم در گروه شاهد افزایش معنی‌داری یافت. البته در گروه آزمون به کارگیری الگوی تفکر خلاق در کارآموزی موجب افزایش بیشتر مهارت‌های مدیریتی در ابعاد مهارت‌های ویژه و عمومی مدیریت نسبت به گروه شاهد گردیده بود.

ناصری و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی دلایل تغییر شغل زنان حسابداری در زاهدان پرداخت و نتیجه پژوهش این بود که دلیل اصلی زنان برای تغییر شغل، دستیابی به محیط کاری بهتر، آرامش

و انعطاف‌پذیری بیشتر در کار است و حقوق و مزایا کمترین اهمیت را برای آنان دارد. احساسات دخترانه، یکی از مداخله‌ها بود که تحت کنترل پژوهشگر قرار داشت.

پژوهش‌های خارجی

واستین و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی پژوهشی با عنوان تحقیقات مداخله‌گر - سال‌های بلوغ: مقدمه‌ای بر موضوع خاص، پرداخته‌اند. این مسئله نمونه‌هایی از مجموعه‌های متنوعی از شرایط تحقیق مداخله‌گر را همچون انتخاب روش‌های مداخله‌ای معمول و نحوه استخراج مشارکت دانش، ارائه می‌دهد.

باراد (۲۰۱۰) به بررسی انتقادی از تحقیقات مداخله‌گر پرداخته است. هدف این پژوهش حاضر توسعه بیشتر مبنای معرفت‌شناسی تحقیقات مداخله‌گرایانه به عنوان یک روش‌شناسی تحقیقاتی حسابداری و مدیریت معتبر به واسطه شناسایی و تعیین تئوری مداخله‌گر و یک چارچوب تحقیقاتی مداخله‌ای ممتد شده از علوم انسانی می‌پردازد. یافته‌های کلیدی پژوهش شامل یک سری شواهد تجربی نادر و کمیاب به شرح ذیل می‌باشد: (۱) کمبودهای نظری و همچنین کمبودهای کاربردی تئوری مداخله‌گرایانه را بررسی می‌کند، (۲) یک چارچوب تحقیقاتی مداخله‌ای مشتق شده از علوم اجتماعی با کاربردی محدود در زمینه تحقیقاتی مدیریت و حسابداری، (۳) کمبودها در چارچوب تحقیقاتی اقدام پژوهی که به عنوان نسخه‌های جایگزین تحقیقات مداخله‌ای یاد می‌شود، (۴) یک چشم‌انداز و دیدگاه جایگزین برای مباحث اعتبار و روایی اثبات‌گرایانه و سایر ملاحظات کاربردی در رابطه با تسهیل اجرای تحقیقات مداخله‌ای است. دامی و همکاران (۲۰۱۰) به یک گفتمان بازتابنده انتقادی از یک پروژه پژوهشی مداخله‌گر پرداخته است. این مقاله بحثی را در مورد یک نمونه کار از یک پروژه تحقیق مداخله‌ای ارائه می‌دهد و توجه محققان و متخصصان را نسبت به برخی از مزایا و معایب انجام چنین رویکردی برای حل مشکلات سازمانی جلب می‌کند.

سومالا و همکاران (۲۰۱۴) به مقاله‌ای تحت عنوان آوردگاه مداخلات: تحلیل انعکاسی اجرای پژوهش مداخله‌ای در حسابداری مدیریت پرداخته است. این مقاله، به این پرسش کاوش نشده می‌پردازد که پژوهش مداخله‌ای در حسابداری مدیریت واقعاً چگونه انجام می‌شود و چه تنش‌هایی را دربردارد. باین حال، اگرچه آوردگاه مداخلات، برای همه‌ی طرفین چالش‌برانگیز

است، صحنه‌ای غنی و الهام‌بخش از فرصت‌های تبادل دانش بین پژوهشگران و شاغلین نیز هست. بنابراین، پروژه‌های پژوهش مداخله‌ای روشی بالقوه برای تولید دانش جدید، با همکاری دو طرف و برای دستیابی به دانش کاربردی هستند.

لوکا و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی ترکیب تئوری بازیگر با پژوهش مداخله‌ای: وضعیت کنونی و پتانسیل آتی پرداخته است. این مقاله به بحث در مورد سازگاری رویه‌های تحقیقاتی مختلف پرداخته است.

آینده پژوهش‌های مداخله‌ای در حسابداری

در جمع‌بندی این پژوهش، آینده پژوهش‌های مداخله‌ای در حسابداری مطرح می‌شود. برای این کار ابتدا باید در نظر داشت که انجام پژوهش‌های مداخله‌ای ممکن است سخت و نامطمئن باشد. سخت به خاطر اینکه برخلاف بیشتر پژوهش‌های حسابداری، در پژوهش‌های مداخله‌ای محققان صرفاً داده‌ها را مشاهده و جمع‌آوری نمی‌کنند تا یافته‌های خود را پشتیبانی کنند، بلکه قصد دارند آنها را در زندگی واقعی مورد استفاده قرار دهند. این بدین معناست که آنها برای انجام پژوهش‌های مداخله‌ای نیاز به طیف پیچیده‌ای از مهارت‌های پژوهشی و مدیریتی و تجربه‌دارند؛ و نامطمئن به خاطر اینکه ممکن است نتایج در زندگی کاربردی نداشته باشد و یا سازمان‌های حمایت‌کننده قبل از تکمیل شدن پروژه، از پژوهش کنار بکشند.

یکی از دلایلی که پژوهش‌های مداخله‌ای ممکن است شکست بخورد این است که بیشتر افراد دانشگاهی آموزش می‌بینند که پژوهش علمی بسیار دقیقی انجام دهند که نهایتاً به دانش غیر کاربردی در گوشه‌ای از کتابخانه‌ی دانشگاه منجر می‌شود. بسیاری از افراد دانشگاهی تجربه‌ی کاری زیادی در سازمان‌ها و در دنیای واقعی و رای دانشگاه خود ندارند و ممکن است مهارت‌های انجام پژوهش‌های کاربردی و مدیریتی را نداشته باشند. برای پیشبرد پژوهش‌های مداخله‌ای چهار پیشنهاد ارائه می‌شود:

اولاً، زمان آن فرارسیده است که نسل جدیدی از افراد دانشگاهی دارای مجموعه مهارت‌های لازم برای انجام پژوهش‌های مداخله‌ای به وجود آید. با این وجود، دانشجویان شرکت‌کننده در طرح‌های دکتری، نسل دانشگاهی جدیدی را تشکیل می‌دهند و این فرصتی است تا پژوهش‌های مداخله‌ای را در پژوهش‌های مقطع دکترا گنجانند و فرصت یادگیری دربارهِ پژوهش‌های

مداخله‌ای و تجربه کردن آن به دانشجویان داده شود. انجام پژوهش‌های مداخله‌ای به این صورت، دانشجویان را قادر می‌سازد تا تجربه‌ی پژوهشی عمیق، معتبر و هیجان‌انگیزی در یک سازمان واقعی داشته باشند. با این کار، دانشجویان این فرصت را دارند که مهارت‌ها، تجربه و دیدگاه مناسب مورد نیاز برای انجام این نوع پژوهش را کسب کنند.

دوماً، یکی از راه‌های پیش‌رفتن در مسئله‌ی مشاوره و پژوهش‌های مداخله‌ای تأکید بر تمرکز بر کاربرد امیک و اتیک نظریه است، زیرا نظریه، نقطه‌ی تمایز بین یک مشاور و یک پژوهشگر را تشکیل می‌دهد. بسیاری از پژوهشگران سنتی حسابداری، پژوهش‌های مداخله‌ای را مشاوره‌ای دانسته و کنار گذاشته‌اند، اما از نظر ما این یک سوء تفاهم درباره‌ی کار مشاور و فرد دانشگاهی در پروژه‌ی پژوهش‌های مداخله‌ای است. در واقع همه‌ی پژوهش‌های مداخله‌ای صرف‌نظر از میزان پرداخت پول، نوعی مشاوره‌اند، زیرا افراد دانشگاهی در موقعیتی هستند که از تخصص خود برای کمک به حل یک مسئله استفاده می‌کنند. علاوه بر این، زمانی که حوزه‌های دیگری مثل دارو و یا مهندسی را در نظر می‌گیریم که در آنها محققان دائماً در حال کار با شاغلین و شرکت‌ها هستند، به این نتیجه می‌رسیم که پژوهش‌های مداخله‌ای تقریباً در همه‌جا وجود دارد و استثناء محسوب نمی‌شود. از آن مهم‌تر، این ممکن است بتواند محققان حسابداری مجرب و نسل دانشگاهی جدید را متقاعد کند تا در پژوهش‌های مداخله‌ای مشارکت کنند.

سوماً، منتشر کردن مطالعات بیشتری از پژوهش‌های مداخله‌ای برای کسانی که به انجام پژوهش‌های مداخله‌ای توجه دارند سودمند است. این کار راهی فراهم می‌کند تا تجربه سایر افراد دانشگاهی در مورد چگونگی انجام پژوهش‌های مداخله‌ای و چگونگی نوشتن نتایج را یاد بگیریم. محققان باید تجربه‌های خود و رویکرد خود به پژوهش‌های مداخله‌ای را با دقت مستندسازی کنند؛ به‌طور مثال از رویکرد خود قوم‌نگاری استفاده کنند. انتشار این مطالعات همچنین نوعی پایگاه دانش ایجاد می‌کند که مستقیماً برای محققان و سازمان‌های مشارکت‌کننده در پژوهش‌های مداخله‌ای مفید است.

چهارماً، دانشگاهیان حسابداری و مؤسسات آموزش عالی مسئولیت دارند تا اطمینان حاصل کنند که پژوهش آنها بر جوامعی که آن پژوهش در آنجا انجام می‌شود تأثیرگذار بوده و برای آنها مفید است (ایوانز و دیگران، ۲۰۱۱). استفاده از پژوهش‌های مداخله‌ای راه‌حل‌های فعالی برای تأثیرگذاری بر تغییر ایجاد می‌کند و عملکرد سازمانی را ارتقاء می‌بخشد. بنابراین، دانش

افراد دانشگاهی در عمل برای ارتقاء سازمان‌ها و شیوه‌های آنها سودمند است و نباید غیرقابل دسترس باقی بماند. محققان حسابداری که پژوهش‌های مداخله‌ای انجام می‌دهند حتماً باید بدانند که یکی از نقش‌هایی که باید ایفا کنند تأثیرگذاری بر سیستم‌های دانشگاهی برای استفاده از پژوهش‌های مداخله‌ای به‌عنوان راهی برای دستیابی به پژوهش تأثیرگذار، سودمند و مرتبط است (هوگو و همکاران، ۲۰۱۷: ۲۷۹-۲۸۱).

نتیجه‌گیری

طی دو دهه گذشته، پژوهشگران بسیاری خواستار ورود حسابداری به حوزه وسیع پژوهش‌های علوم اجتماعی شده‌اند. آنها اذعان دارند که حسابداری یک فعالیت انسانی است که باید همه رویکردهای تحقیقاتی موجود در علوم اجتماعی مانند رویکردهای تفسیری، انتقادی و رفتاری را شامل شود (لاریمی، ۱۳۹۲). از سوی دیگر، امروزه فشارها از طرف بازارهای سرمایه، رقابت بین‌المللی و تغییرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در کنار ملاحظات پولی و اقتصادی، سبب شده است که بنیان‌های دانش بسیار وسیع‌تری در سازمان‌ها ضرورت یابد (ثقفی، ۱۳۹۱). در سال‌های اخیر، پژوهش‌های مداخله‌ای انجام شده در حسابداری، حسابداری مدیریت، حسابداری در خارج از کشور رو به افزایش بوده است. با این حال، این روش در بین پژوهشگران حسابداری کمتر شناخته شده است. به همین منظور در این پژوهش به بررسی ابعاد مختلف به‌کارگیری پژوهش مداخله‌ای در حسابداری پرداخته شده است.

در واقع، بحث علمی بر روی شکاف بین پژوهش و عمل در حسابداری و نامرتب بودن پژوهش‌های حسابداری از جمله مباحث مهم نزد پژوهشگران حسابداری است (ایوانز و دیگران، ۲۰۱۱). بسیاری معتقدند که پژوهش‌های حسابداری که پژوهش کاربردی محسوب می‌شود، باید مفاهیم مفیدی برای شاغلین، مدیران و سایر فعالان در سازمان‌ها ارائه کند. رویکردهای سنتی نسبت به پژوهش، مثل مقالات مروری و مطالعات موردی، حل مشکلات دنیای واقعی را بر نمی‌انگیزند، بلکه بر الگوسازی و مشاهده مشکلاتی که مدیران دارند و حل می‌کنند، تمرکز دارند. با توجه به این موارد، پژوهش‌های مداخله‌ای روشی مشروع برای پر کردن شکاف بین پژوهش و عمل است که از طریق ایجاد نتایج پژوهشی نظری و عملی صورت می‌گیرد. همچنین، پژوهش‌های مداخله‌ای راهی برای ارتقاء تناسب و مرتبط بودن پژوهش حسابداری، از طریق پژوهشگران است که خود را در سازمان غرق می‌کنند تا با مدیران و حسابداران برای حل

مشکلات کار کنند. هرچه که پژوهشی مرتبط‌تر باشد، احتمال اینکه خلأ بین پژوهش و عمل را کاهش دهد و احتمال اینکه دانشگاهیان را از دنیای نظری و غیرکاربردی بیرون آورده و وارد دنیای واقعی کند، بیشتر است (هوگو و همکاران، ۲۰۱۷: ۲۱۸).

پژوهشگران مداخله‌ای باید بدانند که یک پژوهش مداخله‌ای نه تنها یک تمرین فنی است، بلکه تا حد قابل توجهی به جنبه‌ی انسانی نیز مربوط است. از آنجاکه پژوهشگران معمولاً نیاز دارند که بی‌طرفانه هر دو جنبه‌ی خارجی (اتیک) و داخلی (امیک) را در نظر بگیرند، پژوهش‌های مداخله‌ای این امکان را به پژوهشگران می‌دهند تا تجربه‌های عینی داشته باشند (امیک)، زمان داشته باشند تا درباره آنچه تجربه کرده‌اند فکر کنند (اتیک)، نظریه‌های جدیدی بر مبنای تفکراتشان ایجاد کنند (اتیک) و سپس نتایج کاربردی جدیدی ایجاد کنند (امیک). انجام این کار به پژوهشگران به‌خصوص پژوهشگران حسابداری این امکان را می‌دهد تا مهارت‌های پژوهشی و تجربه‌های خود را تقویت کنند و نتایج نظری و مدیریتی به دست آورند (سومالا و همکاران، ۲۰۱۴: ۳۱۳).

پی‌نوشت

- | | |
|----------------------------|--------------------------|
| ۱ Interventionist research | ۲ Engineering management |
| ۳ Quality management | ۴ etic |
| ۵ Emic | ۶ umbrella concept |
| ۷ action science | ۸ design science |
| ۹ Clinical research | ۱۰ Constructive research |
| ۱۱ action research | ۱۲ fragmented notion |

منابع

- Banitalebi, D, B. (2017). The effect of using creative thinking pattern "El Rancho Province and Chad," the skills of management accounting accounting students. *Management Accounting*, 10 (33) , 33-52. (In Persian)
- Campanale, C. , Cinquini, L. , & Tenucci, A. (2014). Time-driven activity-based costing to improve transparency and decision making in healthcare: a case study. *Qualitative Research in Accounting & Management*, 11 (2) , 165-186.
- Cullen, J. , Tsamenyi, M. , Bernon, M. , & Gorst, J. (2013). Reverse logistics in the UK retail sector: A case study of the role of management accounting in driving organisational change. *Management Accounting Research*, 24 (3) , 212-227.

- Evans, E. , Burritt, R. , & Guthrie, J. (2011). Bridging the gap between academic accounting research and professional practice. Institute of Chartered Accountants in Australia.
- Hassas yeganeh, Y. , Maghsudi, O. (2011). Ethics in professional auditor judgment. *Ethics in science and Technology*. 6 (1) , 63-74. (In Persian)
- Hoque, Z. , Parker, L. D. , Covaleski, M. A. , & Haynes, K. (Eds.). (2017). *The Routledge companion to qualitative accounting research methods*. Taylor & Francis.
- Jönsson, S. , & Lukka, K. (2006). There and back again: doing interventionist research in management accounting. *Handbooks of management accounting research*, 1, 373-397.
- Larimi, J. ; Mohseni, E. , ; Imani khoshkho, O. (2013). New approach of accounting research and development of accounting theory. *Auditing and Accounting Studies*, 7, 92-111 (In Persian).
- Lukka, K. , & Jönsson, S. (2006). Doing interventionist research in management accounting. rapport nr.: GRI reports, (2005).
- Lukka, K. , & Suomala, P. (2014). Relevant interventionist research: balancing three intellectual virtues. *Accounting and Business Research*, 44 (2) , 204-220.
- Lukka, K. , & Vinnari, E. (2017). Combining actor-network theory with interventionist research: present state and future potential. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*.
- Namzi, M. , ; Moosavi Nezhad, S. R. (2016). The Investigation of the Action Research Applications in Accounting. *Auditing and Accounting Studies*, 19, 4-31. (In Persian)
- Nasseri, A. , Zarei, H. (2016). Why female Accountants Prefer to Change their Job in Zahedan. *Journal of Financial Accounting Research*, 4 (3) , 77-92. (In Persian)
- Roberts, H. , Westin, O. , & Baard, V. (2010). A critical review of interventionist research. *Qualitative Research in Accounting & Management*.
- Roberts, H. , Westin, O. , & Dumay, J. C. (2010). A critical reflective discourse of an interventionist research project. *Qualitative Research in Accounting & Management*.
- Saghafi, A. ; Barzegar, Gh. (2013). Management Accounting Research; By emphasizing the method of qualitative research. *Auditing and Accounting Studies*, 1, 4-24.. (In Persian)
- Suomala, P. , Lyly-Yrjänäinen, J. , & Lukka, K. (2014). Battlefield around interventions: A reflective analysis of conducting interventionist research in management accounting. *Management Accounting Research*, 25 (4) , 304-314.
- Thomas, E. J. , & Rothman, J. (1994). An integrative perspective on intervention research. *Intervention research: Design and development for human service*, 3-23.
- Westin, O. , & Roberts, H. (2010). Interventionist research—the puberty years: an introduction to the special issue. *Qualitative Research in Accounting & Management*.
- Yin, R. K. *Case study research—Design and Methods*, 2014, 5. Utgave—SAGE Publications.



تأثیر خانوادگی بودن شرکت‌ها بر رابطه بین مسئولیت

اجتماعی و مدیریت سود

جاوید یار احمدی^۱، عبدالله محمدی^۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۳۱

مقاله پژوهشی

چکیده

ارتباط بین مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود از جمله موضوع‌های بحث‌انگیز در پژوهش‌های مالی و حسابداری است. با توجه به افزایش قابل توجه تعداد شرکت‌های خانوادگی در اقتصادهای نوظهور، پژوهش‌های زیادی در این زمینه انجام شده است. در ساختار مالکیتی شرکت‌های خانوادگی ویژگی‌های منحصر به فردی از قبیل شهرت، اعتبار خانوادگی، ثروت اجتماعی و احساسی، تمرکز مالکیت و افق سرمایه‌گذاری بلندمدت وجود دارد که رفتار و عملکرد این شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر خانوادگی بودن شرکت‌ها بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود می‌باشد. برای این منظور، داده‌ها و اطلاعات ۱۱۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ جمع‌آوری شد و فرضیه‌های پژوهش بر مبنای رگرسیون داده‌های ترکیبی آزمون شدند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بین مالکیت خانوادگی با مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود به ترتیب رابطه مثبت و منفی معنی‌داری وجود دارد. همچنین، یافته اصلی پژوهش حاکی از آن است که در شرکت‌های خانوادگی، رابطه بین مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود تضعیف می‌شود. در شرکت‌های خانوادگی عامل اصلی سرمایه‌گذاری در مسئولیت اجتماعی و اجتناب از مدیریت سود، توجه مالکان خانوادگی به شهرت، اعتبار و حفظ ثروت اجتماعی و احساسی خانواده می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: شرکت‌های خانوادگی، مسئولیت اجتماعی، مدیریت سود.

طبقه‌بندی موضوعی: M14, M41

10.22051/ijar.2020.26497.1517:DOI

^۱ کارشناس ارشد حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. (نویسنده مسئول)
(javidyarahmadi@gmail.com)

^۲ کارشناس ارشد حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران
(mohammadi.abed72@yahoo.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

مقدمه

کسب و کارهای خانوادگی قدیمی‌ترین نوع سازمان‌های تجاری هستند. در بیشتر کشورها کسب و کارهای خانوادگی بیش از ۷۰ درصد کل تجارت را به خود اختصاص می‌دهند و نقش پررنگی در رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی ایفا می‌کنند (مشایخی و آژنگ، ۱۳۹۶؛ ۱۳۰). پایه و اساس بیشتر پژوهش‌های انجام شده پیرامون شرکت‌های خانوادگی چارچوب تضاد منافع ناشی از مسئله نمایندگی می‌باشد. مسئله نمایندگی منجر به ایجاد تضاد منافع میان مدیران و سهامداران و تضاد منافع میان سهامداران اکثریت و اقلیت می‌شود. یکی از سازوکارهای نظارتی به منظور کاهش این تضادها ساختار مالکیتی است. در ساختار مالکیتی شرکت‌های خانوادگی ویژگی‌های منحصر به فردی وجود دارد که این شرکت‌ها را با سایر شرکت‌ها متمایز ساخته است. یکی از مهمترین این ویژگی‌ها پارادایم ثروت اجتماعی و احساسی می‌باشد. پارادایم ثروت اجتماعی و احساسی به برخی از ویژگی‌ها و خصیصه‌های غیر مالی در ساختار مالکیتی شرکت‌های خانوادگی از قبیل هویت خانواده، تداوم ارزش‌ها و سلسله در خانواده و همچنین حفظ و ارتقای جایگاه و سرمایه اجتماعی خانواده اشاره دارد. این پارادایم دلیل اصلی پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون شرکت‌های خانوادگی در دهه گذشته می‌باشد (لیو و همکاران، ۲۰۱۷؛ ۹، چنگ، ۲۰۱۴؛ ۱۵۱ و ولی‌پور و همکاران، ۱۳۹۲؛ ۶۳). در ایران نیز وجود تعداد قابل توجه شرکت‌های خانوادگی، انجام پژوهش در این زمینه را ضروری ساخته است.

توجه مالکان خانوادگی به ثروت اجتماعی و احساسی رفتار و عملکرد شرکت‌های خانوادگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل، چگونگی تأثیری که مالکیت خانوادگی بر تصمیمات تجاری و نتایج حاصل از فعالیت‌های اقتصادی شرکت‌ها می‌گذارد، توجه عده زیادی از پژوهش‌ها را به خود جلب کرده است (دایر و واتن، ۲۰۰۶؛ کیم و همکاران، ۲۰۱۲؛ لین و شین، ۲۰۱۵ و لیو و همکاران، ۲۰۱۷). استدلال می‌شود که مالکان خانوادگی از انگیزه بالایی برای حفظ ثروت اجتماعی و احساسی برخوردارند و این امر آنها را به سمت رفتار اخلاقی سوق می‌دهد. رفتار اخلاقی در شرکت‌های خانوادگی به دلیل توجه به شهرت، اعتبار و حفظ ثروت اجتماعی و احساسی خانواده، محرک اصلی سرمایه‌گذاری در مسئولیت اجتماعی و اجتناب از مدیریت سود می‌باشد (گومزماجیا و همکاران، ۲۰۱۱؛ ۶۸۳). نتایج پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد مالکیت خانوادگی، فعالیت‌های مدیریت سود را محدود می‌سازد (وانگ، ۲۰۰۶؛ ۶۱۹،

آدیگوزل، ۲۰۱۳، مهرآدین و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین، نتایج برخی دیگر از پژوهش‌ها حاکی از آن است که شرکت‌های خانوادگی بیش از سایر شرکت‌ها به مسئولیت اجتماعی شرکت توجه می‌نمایند (دایر و واتن، ۲۰۰۶؛ ۷۸۵، تورس و همکاران، ۲۰۱۴؛ ۲۴۰ و لام و همکاران، ۲۰۱۷؛ ۱). بنابراین، مالکیت خانوادگی به دلیل رفتار اخلاقی ناشی از حفظ ثروت اجتماعی و احساسی می‌تواند محرک اصلی ارتباط بین مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود باشد.

کیم و همکاران (۲۰۱۲؛ ۷۹۰) نشان دادند مشارکت در مسئولیت اجتماعی منجر به کاهش فعالیت‌های مدیریت سود می‌شود. آنها این ارتباط را به رفتار اخلاقی شرکت‌ها نسبت دادند؛ به این صورت که مدیران شرکت‌های با مسئولیت اجتماعی بالا، انگیزه زیادی برای ارائه اطلاعات شفاف‌تر، قابل اعتمادتر و نیز رعایت اخلاق حرفه‌ای و استانداردهای رفتاری در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های اقتصادی دارند. در مقابل، پریور (۲۰۰۸؛ ۱۷۲) و مارتینز فررو (۲۰۱۶؛ ۳۰۵) نشان دادند که شرکت‌ها به‌طور راهبردی از مسئولیت اجتماعی برای پوشش اطلاعات منفی و گمراه کردن ذینفعان شرکت استفاده می‌کنند. مجموعه این پژوهش‌ها بیان‌گر آن است که ارتباط بین مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود، همچنان به‌عنوان پرسشی تجربی باقی مانده است. در بازار سرمایه ایران نیز در ارتباط با شرکت‌های خانوادگی، مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود پژوهش‌های جداگانه‌ای انجام شده است، اما تاکنون به رابطه بین مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود با توجه به خانوادگی بودن شرکت‌ها پرداخته نشده است. بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که آیا مالکیت خانوادگی می‌تواند رابطه بین مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود را توضیح دهد؟

در بخش‌های بعدی پژوهش، مبانی نظری، پیشینه و فرضیه‌ها ارائه شده است. در ادامه، پژوهش با بیان یافته‌ها و نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی به پایان می‌رسد.

مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشگران زیادی تلاش کرده‌اند تا تعریف فراگیری از شرکت‌های خانوادگی را توسعه دهند، اما هنوز در این باره به اجماع نظر نرسیده‌اند و تعریف واحدی از این شرکت‌ها در دسترس نیست. با این حال، شرکت‌های خانوادگی را می‌توان از جنبه‌های گوناگون تعریف کرد. برای مثال، اندرسون و همکاران (۲۰۰۳؛ ۲۶۹) از دو معیار برای تعیین شرکت‌های

خانوادگی استفاده کردند. اول اینکه حداقل ۱۸ درصد سهام دارای حق رأی شرکت در تملک اعضای خانواده باشد. دوم، اعضای خانواده در مدیریت شرکت مشارکت فعال داشته باشند. وانگ (۲۰۰۵؛ ۶۲۸) نیز برای تعریف شرکت‌های خانوادگی از دو روش استفاده کرد. او در تحلیل اولیه بیان کرد که اگر حداقل دو نفر از اعضای خانواده در هیئت مدیره یا پست ارشد مدیریتی شرکت فعالیت کنند، صرف نظر از سطح مالکیت خانوادگی، شرکت خانوادگی محسوب می‌شود. میزان تأثیرگذاری مالکان خانوادگی بر تصمیمات و سیاست‌های راهبردی شرکت توسط حق رأی نمایان می‌شود و با افزایش درصد سهام مالکان خانوادگی افزایش می‌یابد. بنابراین، او برای تکمیل روش اول از سهام متعلق به اعضای خانواده که نشان‌دهنده میزان منافع خانوادگی در شرکت است، به عنوان متغیر ثانویه برای اندازه‌گیری مالکیت خانوادگی استفاده نمود. به نظر چاکرابتی (۲۰۰۹؛ ۳۲) شرکتی دارای مالکیت خانوادگی است که یک شخص حقیقی به عنوان سهام‌دار قدرت اعمال کنترل بر شرکت را داشته باشد. به عبارتی، یک شخص حقیقی باید به اندازه کافی سهام شرکت را جمع‌آوری کرده باشد تا حداقل ۲۰ درصد از سهام دارای حق رأی شرکت را در اختیار خود داشته باشد. بر اساس تعریف چنگ (۲۰۱۴؛ ۱۵۰)، شرکت‌هایی خانوادگی هستند که بنیان‌گذاران و یا نسل‌های بعدی آنها تداوم مشارکت در مدیریت شرکت را داشته باشند و یا دارای بلوک‌هایی از سهام هستند. مجموعه این تعاریف بیانگر آن است که مالکیت خانوادگی نقش مهمی در هدایت و اجرای سیاست‌های کلی و راهبردی شرکت دارد. به عبارت دیگر، توانایی و تمایلات مشارکت خانواده‌ها در مالکیت، مدیریت و راهبری شرکت باعث بروز رفتار خاص شرکت‌های خانوادگی در مقایسه با شرکت‌های غیرخانوادگی می‌شود و این رفتار را پژوهشگران تحت عنوان رفتار خانواده محور تعریف کرده‌اند (لیو و همکاران، ۲۰۱۷؛ ۹). بنابراین، شرکت‌های خانوادگی و شرکت‌های غیرخانوادگی دو نوع سازمان متفاوت هستند. مواردی را که می‌توان از دلایل رفتار خانواده محور در شرکت‌های خانوادگی نام برد، عبارتند از: ۱) مالکان خانوادگی به دلیل مالکیت متمرکز در شرکت‌های خانوادگی پرتفوی سرمایه‌گذاری متنوعی ندارند. تمرکز مالکیت و تنوع در پرتفوی سرمایه‌گذاری منجر به این می‌شود که مالکان خانوادگی از تصمیمات صحیح شرکت منافع زیادی کسب نموده و در عین حال از تصمیمات نادرست شرکت متضرر شوند. بنابراین، آنها از انگیزه بالایی برای افزایش ارزش شرکت برخوردار هستند؛ ۲) افق

سرمایه گذاری مالکان خانوادگی به دلیل حفظ و انتقال میراث خانوادگی به نسل‌های بعد، بیش از سایر سهامداران است. بنابراین، آنها افزایش ارزش شرکت در بلندمدت را به افزایش کوتاه‌مدت در ارزش شرکت ترجیح می‌دهند؛ (۳) مالکان خانوادگی به‌طور مداوم در مدیریت شرکت دخالت می‌کنند و این امر به انعکاس ترجیح‌ها و اولویت‌های آنها در تصمیم‌های شرکت منجر می‌شود (چنگ، ۲۰۱۴؛ ۱۵۰).

نمازی و محمدی (۱۳۸۹؛ ۱۷۲) معتقدند در محیط اقتصادی ایران، شرکت‌هایی خانوادگی تلقی می‌شوند که یا حداقل بیست درصد از سهام آنان به‌صورت فردی یا گروهی در دست اعضای خانواده باشد و یا حداقل یکی از اعضای نسبی یا سببی خانواده، عضو هیئت مدیره و یا مدیر اجرایی بوده و به‌طور فعال در هیئت مدیره شرکت مشارکت داشته باشد و حداقل دو نسل از خانواده در کنترل شرکت نقش داشته باشد. در بسیاری از پژوهش‌های داخلی از جمله مشایخی و آژنگ (۱۳۹۶؛ ۱۳۷)، فخاری و فصیح (۱۳۹۵؛ ۱۵۲)، نمازی و محمدی (۱۳۸۹؛ ۱۷۲) و خواجه‌وی و اسحاقی (۱۳۹۳؛ ۷۰) از این روش برای تعیین شرکت‌های خانوادگی استفاده شده است.

منظور از مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، پیوستگی و اتحاد میان فعالیت‌ها و ارزش‌های سازمان به‌گونه‌ای است که منافع تمامی ذینفعان شامل سهام‌داران، مشتریان، کارکنان، سرمایه‌گذاران و عموم جامعه در سیاست‌ها و عملکرد سازمان منعکس گردد. به‌عبارتی، سازمان باید همواره خود را جزئی از اجتماع بداند و نسبت به جامعه احساس مسئولیت داشته باشد و در جهت بهبود رفاه عمومی به‌گونه‌ای مستقل از منافع مستقیم شرکت تلاش کند (دارابی و همکاران، ۱۳۹۴؛ ۱۹۵). به‌طور خلاصه، مسئولیت اجتماعی بر مسئولیت شرکت‌ها در قبال ذینفعان متنوع متمرکز است و به دو مقوله مسئولیت برای ایجاد ارزش در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، محیطی و پاسخگویی شفاف به تقاضای ذینفعان اشاره دارد.

تئوری‌های مطرح در مورد مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها عبارتند از: (۱) تئوری مشروعیت، (۲) تئوری ذینفعان و (۳) تئوری اقتصاد سیاسی که همگی بیان‌گر این مطلب هستند که مدیران شرکت‌ها به دلایل مختلفی همچون کسب مشروعیت سازمانی یا فشار گروه‌های ذینفع، مایل به افشای اطلاعات اجتماعی سازمان هستند، اما در تئوری اقتصاد سیاسی اعتقاد بر لزوم تدوین

قوانین و استانداردهایی در این زمینه است. تئوری ذینفعان در مسئولیت اجتماعی در ادبیات تجاری و اجتماعی، در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه بوده و نگرش ذینفعان به مسئولیت اجتماعی را از بُعد این تئوری مورد تأکید قرار داده است. این تئوری بیان‌گر این واقعیت است که اکثر شرکت‌ها دارای یک مجموعه یکپارچه و بزرگ از ذینفعان هستند، بنابراین شرکت‌ها نسبت به آنها تعهد و مسئولیت دارند. دیدگاه اخلاقی این تئوری بیان می‌دارد که حداکثرسازی سود تنها یکی از اهداف چندگانه شرکت‌ها می‌باشد و به مسئولیت اجتماعی از نگرش اخلاقی می‌نگرد و آن را به‌عنوان یک تعهد اخلاقی می‌داند (حساس یگانه و برزگر، ۱۳۹۳؛ ۱۱۳ و خواجوی و همکاران، ۱۳۹۰؛ ۳۳). تئوری ذینفعان چارچوب مناسبی برای مطالعه رفتار شرکت‌های خانوادگی در ارتباط با مسئولیت اجتماعی است. مطابق با این تئوری، مالکیت خانوادگی، یکی از گروه‌های مهم ذینفعان است که توانایی تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و راهبردهای شرکت یا ایجاد محدودیت‌های داخلی و خارجی در رفتار شرکت را دارا می‌باشد. در این راستا، پژوهش‌های زیادی به مطالعه ویژگی‌های شرکت‌های خانوادگی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد این شرکت‌ها در مقایسه با سایر شرکت‌ها از عملکرد بهتر، کارایی بالاتر، ریسک کمتر و ارزش بالاتری برخوردار هستند (مک‌کونگی، ۲۰۰۱؛ ۳۱، وادک و گریوز، ۱۹۹۷؛ ۳۰۳، اورلیتزکیو همکاران، ۲۰۰۳؛ ۴۰۳، تی سوتسورا، ۲۰۰۴ و وانگ و همکاران، ۲۰۱۵؛ ۲۲۳۲). همچنین، اندرسون و همکاران (۲۰۰۳؛ ۲۶۲) بیان می‌کنند که مالکیت خانوادگی منجر به کاهش هزینه تامین مالی بدهی می‌شود. در محیط اقتصادی ایران نیز فخاری و فصیح (۱۳۹۵؛ ۱۴۵) به نتیجه مشابهی دست یافتند. آنها دریافتند که در ساختار سرمایه شرکت‌های خانوادگی، از بدهی بیشتر استفاده می‌شود و معتقدند این شرکت‌ها فرصت‌های تأمین مالی بیشتری نسبت به شرکت‌های غیرخانوادگی دارند.

با این حال، توسعه یک تئوری جداگانه برای پیش‌بینی رفتار شرکت‌های خانوادگی مستلزم آن است که ویژگی‌های خانوادگی به تغییر رفتار شرکت‌های خانوادگی نسبت به سایر شرکت‌ها منجر شود. همانطور که اشاره شد، اگرچه تعریف فراگیری از شرکت‌های خانوادگی در دسترس نیست، اما چوا و همکاران (۱۹۹۹) کسب و کارهای خانوادگی را با استفاده از رویکردی رفتاری تعریف کردند که مالکیت خانوادگی، مشارکت اعضای خانواده در مدیریت و راهبری شرکت و نیز حفظ کنترل خانواده بر شرکت با هدف انتقال آن به نسل‌های بعدی را شامل می‌شود.

به عبارت دیگر، انتظار می‌رود شرکت‌های خانوادگی به منظور انتقال شرکت به نسل‌های بعدی سعی در حفظ مشارکت خانواده در مالکیت شرکت داشته باشند. لیو و همکاران (۲۰۱۷) معتقدند شرکت‌های خانوادگی هنگام اتخاذ تصمیمات تجاری علاوه بر منافع مالی، منافع غیر مالی نظیر ثروت اجتماعی و احساسی را نیز مد نظر قرار می‌دهند (لیو و همکاران، ۲۰۱۷؛ ۹). به نظر لن (۲۰۱۵) ثروت اجتماعی و احساسی عامل کلیدی برای تمایز رفتار شرکت‌های خانوادگی از سایر شرکت‌ها می‌باشد و اشاره به جنبه‌های اخلاقی و غیرمالی مؤثر بر رفتار و عملکرد شرکت دارد که نیازهای عاطفی از قبیل هویت خانواده، تداوم ارزش‌ها و سلسله در خانواده و همچنین حفظ و ارتقای جایگاه و سرمایه اجتماعی خانواده را برآورده می‌سازد (لن، ۲۰۱۵؛ ۸-۹).

دیدگاه‌ها و رویکردهای شرکت‌ها می‌تواند تفاوت سرمایه‌گذاری در مسئولیت اجتماعی را توضیح دهد. رویکرد کوتاه‌مدت شرکت‌ها در قبال مسئولیت اجتماعی به دنبال حداکثرسازی سود و منافع اقتصادی در کوتاه‌مدت می‌باشد. این رویکرد مطابق با تفکرات فریمن است که ریشه در نظریه‌های کلاسیک اقتصادی دارد. فریمن ضمن التزام شرکت‌ها به مسئولیت‌های قانونی و اجتماعی، معتقد است مسئولیت اجتماعی در کسب و کار، افزایش مداوم در سود است و تا زمانی که مسئولیت‌های اجتماعی محدودیتی برای سهامداران به شکل قانونی ایجاد کند، شرکت‌ها هیچ‌گاه به‌طور کامل مسئولیت اجتماعی خود را نخواهند پذیرفت. در مقابل، رویکرد بلندمدت شرکت‌ها در قبال مسئولیت اجتماعی به دنبال کسب منافع بلندمدت و ایجاد ارزش پایدار هستند. در این رویکرد، سرمایه‌گذاری در مسئولیت اجتماعی باعث افزایش هزینه‌ها و کاهش بازده حسابداری شرکت در کوتاه‌مدت می‌شود، اما می‌تواند در بلندمدت ارزش بازار شرکت را افزایش دهد (دنیز و سوارز، ۲۰۰۵؛ ۲۸-۲۹ و حساس یگانه و برزگر، ۱۳۹۳؛ ۱۱۶). در سال ۲۰۱۱ شرکت KPMG یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات مالی در گزارش خود بیان کرد که ارزش مالی برای شرکت‌ها از طریق دو منبع کاهش هزینه‌های مستقیم و افزایش شهرت و اعتبار در بازار از طریق گزارشگری فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی، حاصل می‌شود. شرکت‌ها نیز نشان می‌دهند که گزارشگری فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی دارای ارزش مالی بوده و منجر به ایجاد نوآوری می‌شود. ساختار مالکیتی شرکت‌ها تأثیر مستقیم بر گزارشگری فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی دارد (داگیلینه، ۲۰۱۳؛ ۲۱۳). همانطور که اشاره شد، در ساختار مالکیتی شرکت‌های خانوادگی به دلیل تمرکز مالکیتی و افق سرمایه‌گذاری بلندمدت

در جهت حفظ ثروت اجتماعی و احساسی و انتقال میراث خانوادگی به نسل‌های بعد، انگیزه زیادی برای ارزش‌افزایی شرکت در بلندمدت وجود دارد و به دلیل اهمیت زیاد شهرت و اعتبار خانواده و همچنین تمایل زیاد به حفظ دارایی‌های خانواده، مدیران برای مشارکت بیشتر در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی تشویق می‌شوند (دایر و وتن، ۲۰۰۶؛ ۷۵۸).

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی مسئله نمایندگی بین سهامداران و مدیران و همچنین سهامداران اکثریت و اقلیت را مورد بررسی قرار داده‌اند. طبق اظهارات جنسن و مک‌لینگ (۱۹۷۶)، به دلیل تضاد منافع بین مالکان و مدیران ناشی از جدایی مالکیت از مدیریت، ممکن است مدیران به‌طور کامل در راستای تأمین منافع سهامداران عمل نکنند. با این وجود، در شرکت‌های خانوادگی این نوع تضاد منافع ممکن است به چند دلیل کاهش یابد؛ اول اینکه مالکان خانوادگی تمایل زیادی به متنوع نبودن پرتفوی سرمایه‌گذاری و متمرکز بودن مالکیت خود دارند. این امر باعث می‌شود که بر فعالیت‌های شرکت متمرکز بوده و انگیزه قوی برای نظارت بر فعالیت مدیران داشته باشند. دوم، تدام فعالیت شرکت در بلندمدت برای مالکان خانوادگی از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا دیدگاه آنها به شرکت به‌عنوان یک دارایی خانوادگی است که باید به نسل‌های بعدی منتقل شود (جیمز، ۱۹۹۹). افق سرمایه‌گذاری بلندمدت مالکان خانوادگی دلالت بر سرمایه‌گذاری آنها در طرح‌ها و پروژه‌های بلندمدت دارد؛ به طوری که این امر می‌تواند مشکلات ناشی از دید کوتاه‌مدت مدیریتی را کاهش دهد (استین، ۱۹۸۹). سوم، مالکان خانوادگی اهمیت زیادی برای حفظ و افزایش شهرت و اعتبار خانواده قائل هستند. از آنجا که شهرت و اعتبار خانواده تحت تأثیر مبادلات این شرکت‌ها با سایر ذینفعان از قبیل بانک‌ها، عرضه‌کنندگان و مشتریان قرار می‌گیرد، مالکان خانوادگی انگیزه بالایی برای نظارت بر فعالیت مدیران به منظور حفظ شهرت و اعتبار خانواده دارند (چنگ، ۲۰۱۴؛ ۱۵۱).

افزایش در مالکیت سهام به نوبه خود نوع دیگری از مشکلات نمایندگی را منجر می‌شود. تمرکز مالکیت ممکن است منجر به ایجاد تضاد منافع بین سهامداران اکثریت و اقلیت شود. سهامداران اکثریت توانایی استفاده از حق کنترلی خود به‌منظور پیگیری منافع شخصی را دارند. به‌عبارتی، سهامداران عمده از طریق کنترل شرکت ممکن است با تحمیل ترجیح‌ها و اولویت‌های شخصی خود بر خلاف منافع سهامداران اقلیت عمل کرده و حتی منجر به سلب مالکیت از آنها شوند. بنابراین، سهامداران بزرگ ممکن است با مداخله در مدیریت شرکت و

تشویق مدیران به مدیریت سود، در راستای حداکثرسازی منافع شخصی خود عمل نمایند (آلوز، ۲۰۱۲؛ ۶۰). مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی با استفاده از تغییر روش‌های حسابداری و برآوردهای انجام شده صورت می‌پذیرد و تنها بر زمان‌بندی شناسایی سود تأثیرگذار است. ارائه بیشتر یا کمتر از واقع اقلام تعهدی در سال جاری از طریق تعدیل اقلام تعهدی سال‌های آتی اصلاح می‌شود. به عبارتی، تغییرات و نوسانات اقلام تعهدی تأثیری بر مقدار سود گزارش شده در بلندمدت ندارد. مدیریت و دستکاری اقلام تعهدی، ثبت و برگشت متعاقب آنچه که به درستی ارائه نشده است باعث بی‌ثباتی و ناپایداری بیشتر اقلام تعهدی نسبت به جریان‌های نقدی شده و پایداری سود را کاهش می‌دهد. ناپایداری و بی‌قاعدگی ایجاد شده در اقلام تعهدی در مقایسه با جریان‌های نقدی از طریق افزایش ریسک شرکت، منجر به کاهش ارزش شرکت می‌شود. در شرکت‌های خانوادگی تضاد منافع میان مالکان خانوادگی و سهامداران اقلیت همانند تضاد منافع میان سهامداران اکثریت و اقلیت می‌باشد، با این تفاوت که در این شرکت‌ها مدیران اجرایی اغلب از اعضای خانواده می‌باشند. مشارکت خانواده در مالکیت و مدیریت شرکت منجر به همسوسازی منافع خانواده با منافع سهامداران می‌شود. در این شرایط به دلیل جدا نبودن مالکیت از مدیریت، هزینه‌های نمایندگی کاهش پیدا می‌کند. در شرکت‌های خانوادگی به دلیل ثروت اجتماعی و احساسی و ملاحظیات شهرت و اعتبار خانواده، مالکیت خانوادگی انگیزه زیادی برای تشویق مدیریت به ارتقای سطح کیفیت و شفافیت اطلاعات حسابداری دارند. به این صورت که مالکان خانوادگی با مدیریت سود فرصت‌طلبانه‌ای که با کاهش ارزش شرکت، ثروت اجتماعی و احساسی، شهرت و اعتبار خانوادگی همراه است، مقابله می‌کنند (لیو و همکاران، ۲۰۱۷؛ ۱۰). بنابراین، وجود مالکان خانوادگی در شرکت سبب جلوگیری از فعالیت‌های مدیریت سود می‌شود.

تئوری‌های مطرح شده در مورد مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بیان‌گر این مطلب هستند که مدیران به دلایل مختلفی از قبیل کسب مشروعیت سازمانی یا فشار گروه‌های ذینفع، مایل به افشای اطلاعات اجتماعی سازمان هستند. در تئوری ذینفعان هم شاخه مدیریتی و هم شاخه اخلاقی وجود دارد. شاخه اخلاقی این تئوری یک رویکرد هنجاری بر مبنای نگرش اخلاقی است و بر این مفهوم تأکید دارد که شرکت‌ها در جامعه به گروه‌هایی غیر از سهامداران و فراتر از آنچه که توسط قوانین و قراردادها است، تعهد دارند. به عبارت دیگر، این شاخه به

مسئولیت‌های مدیران تأکید داشته و به این موضوع می‌پردازد که مدیران چگونه باید با تمام گروه‌های ذینفع خود رفتار کنند. شاخه اخلاقی تئوری ذینفعان نشان می‌دهد که مدیران شرکت‌ها با مسئولیت اجتماعی بالا، انگیزه زیادی برای ارائه اطلاعات شفاف‌تر، قابل اعتمادتر و نیز رعایت اخلاق حرفه‌ای در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های اقتصادی دارند (خواجوی و همکاران، ۱۳۹۰؛ ۳۳). بنابراین، انتظار می‌رود مدیران شرکت‌هایی که در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی مشارکت می‌کنند، کمتر به مدیریت سود بپردازند. پریور و همکاران (۲۰۰۸؛ ۱۶۰) دریافتند علاوه بر وجود رابطه مثبت بین مدیریت سود و مسئولیت اجتماعی، این رابطه بر عملکرد شرکت تأثیر منفی داشته و منجر به تضعیف آن می‌شود. کیم و همکاران (۲۰۱۲؛ ۷۶۱) دریافتند که شرکت‌ها با مسئولیت اجتماعی بالا به دلیل تمایل زیاد برای بکارگیری رویه‌های حسابداری و تصمیمات تجاری محافظه‌کارانه، ارائه اطلاعات مالی شفاف‌تر و گزارشگری مالی با کیفیت‌تری دارند. در محیط اقتصادی ایران نیز در پژوهش‌هایی مشابه به ترتیب نتایج تحقیقات خواجوی و اسحاقی (۱۳۹۳) و نمازی و محمدی (۱۳۸۹) مطابق با پژوهش‌های مشابه خارجی است. این نتایج به‌طور کلی بیان‌کننده این واقعیت است که شرکت‌هایی که به مسئولیت اجتماعی توجه می‌کنند، سود را واقعی‌تر از سایر شرکت‌ها گزارش می‌کنند.

در مقابل، شاخه مدیریتی این تئوری بر نیاز به مدیریت گروه‌های ذینفع تأکید دارد. بر اساس این شاخه، فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی نه تنها رضایت سهام‌داران را بهبود می‌بخشد، بلکه بر شهرت شرکت نیز تأثیر مثبتی دارد (خواجوی و همکاران، ۱۳۹۰؛ ۳۴). با وجود این که تعهدات اخلاقی، شهرت و بهبود عملکرد شرکت می‌تواند عامل انگیزشی در مدیران برای مشارکت در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی باشد، اما نتایج برخی از پژوهش‌ها حاکی از وجود ارتباط مثبت بین مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود است. مک‌ویلیامز و همکاران (۲۰۰۶؛ ۳) معتقدند مسئولیت اجتماعی یک ابزار مدیریتی می‌باشد؛ به این معنی که مدیران فرصت طلب می‌توانند مسئولیت اجتماعی را به‌منظور پیشبرد برنامه‌ها و منافع شخصی خود بکار گیرند. مدیران فرصت‌طلب با مشارکت بیشتر در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی ممکن است در اذهان ذینفعان این تصور را ایجاد کنند که شرکت در بالاترین شفافیت اطلاعاتی و عملکرد اقتصادی قرار دارد، در صورتی که مشارکت در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی ابزاری برای پوشش اطلاعات منفی و گمراه کردن ذینفعان شرکت می‌باشد. مارتینز فررو و همکاران (۲۰۱۶؛ ۳۰۵) نشان دادند

که مسئولیت اجتماعی می‌تواند تأثیر منفی اقلام تعهدی بر هزینه سرمایه و ارزش شرکت را پوشش دهد. به عبارت دیگر، شرکت‌ها نه تنها از طریق مشارکت در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی از منافع مالی و اقتصادی منتفع می‌شوند، بلکه می‌توانند از آن به منظور پوشش مدیریت سود استفاده کنند. در این شرایط، تأثیر مسئولیت اجتماعی بر هزینه سرمایه و ارزش شرکت تشدید می‌شود.

مجموعه این شواهد نشان می‌دهد رابطه بین مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود همچنان به عنوان پرسشی تجربی باقی مانده است. نتایج برخی از پژوهش‌ها حاکی از وجود رابطه مثبت بین مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود است و برخی دیگر ارتباط بین این دو مفهوم را منفی گزارش کردند. از آنجا که ممکن است مدیران فرصت طلب از مسئولیت اجتماعی برای پوشش اطلاعات منفی و مدیریت سود استفاده کنند، در شرکت‌های خانوادگی مشارکت در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی در راستای اهداف، اولویت‌ها و حفظ شهرت، اعتبار و ثروت اجتماعی و احساسی خانواده می‌باشد. در عین حال، همین امر منجر به کاهش مدیریت سود می‌شود.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری ارائه شده، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شود:

فرضیه اول: مالکیت خانوادگی بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها تأثیر مثبت دارد.

فرضیه دوم: مالکیت خانوادگی بر مدیریت سود شرکت‌ها تأثیر منفی دارد.

فرضیه سوم: مالکیت خانوادگی منجر به تضعیف رابطه بین مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، همبستگی و بر اساس نتایج، کاربردی است. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز با مراجعه به صورت‌های مالی، یادداشت‌های توضیحی و سایر سایت‌های رسمی بورس اوراق بهادار از قبیل سامانه اطلاع رسانی کدال گردآوری شده است. بنابراین، روش پژوهش نیز آرشویی ۲ می‌باشد. جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار

تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ می‌باشد. نمونه پژوهش از میان جامعه آماری به روش حذفی انتخاب شده است. در این انتخاب شرایطی از قبیل دوره مالی منتهی به پایان اسفند ماه با هدف افزایش قابلیت مقایسه، ورشکسته نبودن شرکت‌ها، تغییر ندادن دوره مالی در بازه زمانی پژوهش، نداشتن وقفه معاملاتی بیش از سه ماه، در دسترس بودن داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز و کنار گذاشتن بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و موسسه‌های بیمه به دلیل بالا بودن نسبت‌های مالی و تفاوت در روش حسابداری آنها، اعمال شده است. پس از اعمال شرایط یاد شده، تعداد ۱۱۹ شرکت به‌عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شدند. بر اساس تعریف ارائه شده برای شرکت‌های خانوادگی، تعداد ۲۲ شرکت، خانوادگی و مابقی شرکت‌ها غیرخانوادگی هستند. مدل رگرسیونی مورد استفاده برای آزمون فرضیه‌های پژوهش چند متغیره و برگرفته از پژوهش لیو و همکاران (۲۰۱۷) می‌باشد. جمع‌آوری و پردازش داده‌ها در صفحه گسترده Excel و تجزیه و تحلیل نهایی به کمک نرم افزار Eviews نسخه ۹ انجام شده است.

مدل‌های پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های اول، دوم و سوم پژوهش به ترتیب از مدل‌های (۱)، (۲) و (۳) به شرح زیر استفاده شده است.

$$CSR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 FamFirm_{i,t} + \beta_2 CV_{i,t} + \epsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۱)}$$

$$EM_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 FamFirm_{i,t} + \beta_2 CV_{i,t} + \beta_3 CSR_{i,t} + \epsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۲)}$$

$$EM_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 FamFirm_{i,t} + \beta_2 CV_{i,t} + \beta_3 FamFirm_{i,t} * CSR_{i,t} + \beta_4 CV_{i,t} + \epsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۳)}$$

در مدل‌های فوق، CSR شاخص مسئولیت اجتماعی، FamFirm مالکیت خانوادگی، EM مدیریت سود، FamFirm*CSR متغیر تعاملی «مالکیت خانوادگی و مسئولیت اجتماعی» و CV مجموعه متغیرهای کنترلی پژوهش می‌باشد که در ادامه به معرفی آنها پرداخته می‌شود. با توجه به مبانی نظری هر یک از فرضیه‌های پژوهش، انتظار می‌رود ضریب β_1 در هر یک از مدل‌های (۱) و (۲) به ترتیب مثبت و منفی بوده و ضریب β_3 در مدل (۳) از لحاظ آماری معنی‌دار نباشد.

تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

در این پژوهش به پیروی از پژوهش نمازی و محمدی (۱۳۸۹؛ ۱۷۲)، شرکت‌هایی خانوادگی تلقی می‌شوند که یا حداقل بیست درصد از سهام آنها به صورت فردی یا گروهی، در دست اعضای خانواده باشد و یا حداقل یکی از اعضای نسبی یا سببی خانواده، عضو هیأت مدیره و یا مدیر اجرایی بوده و به طور فعال در هیأت مدیره شرکت مشارکت داشته باشد و حداقل دو نسل از خانواده در کنترل شرکت نقش داشته باشد. شرکت‌های خانوادگی در مدل‌های (۱) و (۲) به عنوان متغیر مستقل و در مدل (۳) متغیر تعدیل گر، مدل رگرسیونی می‌باشد.

در پژوهش‌های داخلی اخیر به منظور اندازه‌گیری مسئولیت اجتماعی از پرسشنامه و چک‌لیست افشا استفاده شده است. اندازه‌گیری بر اساس چک‌لیست افشا، به دلیل افزایش قابلیت اتکا و دسترسی بهتر، معمول‌تر است. این چک‌لیست، نماینده فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی است و مشارکت در این فعالیت‌ها، توجه شرکت به مسئولیت اجتماعی را آشکار می‌سازد. روش پژوهشی که به طور رایج برای ارزیابی و اندازه‌گیری افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، تحلیل محتوا است. در این روش پژوهشگر باید از ابزار چک‌لیست کدگذاری شده برای ارزیابی سطح افشای اطلاعات مسئولیت اجتماعی استفاده نماید. ابزار چک‌لیست به منظور کمی‌سازی اطلاعات کیفی موجود در گزارش‌های سالانه طراحی می‌شود. در پژوهش حاضر نیز به منظور اندازه‌گیری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از چک‌لیستی متشکل از پنج بُعد شامل مسائل زیست‌محیطی، کیفیت محصولات، منابع انسانی، مسئولیت‌های جامعه و حقوق مشتریان، در ۳۰ مؤلفه قابل استخراج از گزارش فعالیت هیئت مدیره، استفاده شد. برای سال/شرکت‌هایی که هر یک از مؤلفه‌های یاد شده را افشا کرده باشند عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر تخصیص داده شد. سپس مجموع این اعداد بر ۳۰ تقسیم می‌شود تا مسئولیت اجتماعی هر سال/شرکت محاسبه شود (رضازاده و یاراحمدی، ۱۳۹۸؛ ۷۷). این متغیر در مدل‌های (۱) و (۳) به ترتیب متغیر وابسته و مستقل است.

در این پژوهش ارقام تعهدی اختیاری به عنوان شاخص مدیریت سود در نظر گرفته شده است. به منظور اندازه‌گیری ارقام تعهدی اختیاری از مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵؛ ۱۷۴) به شرح زیر استفاده شد.

$$\text{TA}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 (1/\text{Ai}_{i,t-1}) + \beta_2 \Delta \text{REVI}_{i,t} + \beta_3 \text{PPE}_{i,t} + \beta_4 \text{ROAI}_{i,t} \quad (۴)$$

$$+ \varepsilon_{i,t}$$

در مدل (۴)، $\text{TA}_{i,t}$ اقلام تعهدی شرکت i در دوره t (تفاوت سود عملیاتی و جریانهای نقد عملیاتی)، $1/\text{Ai}_{i,t-1}$ معکوس مجموع دارایی‌های اول دوره شرکت i ، $\Delta \text{REVI}_{i,t}$ تغییر در درآمد فروش سالانه شرکت i در دوره t (تفاوت درآمد پایان و ابتدای سال)، $\text{PPE}_{i,t}$ ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات شرکت i در دوره t و $\text{ROAI}_{i,t}$ بازده دارایی‌های شرکت i در دوره t (نسبت سود عملیاتی به مجموع دارایی‌ها) می‌باشد. $\varepsilon_{i,t}$ قدر مطلق باقیمانده‌های مدل، اقلام تعهدی اختیاری و نشان‌دهنده مدیریت سود می‌باشد. متغیر مدیریت سود در مدل‌های (۲) و (۳) متغیر وابسته مدل رگرسیونی می‌باشد. متغیرهای اقلام تعهدی (TA)، تغییرات فروش (ΔSales) و اموال، ماشین آلات و تجهیزات (PPE) بر مجموع دارایی‌های اول دوره تعدیل شده‌اند.

متغیرهای کنترلی پژوهش، شامل موارد زیر می‌باشد.

اندازه شرکت (Size) که برابر با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها است.

اهرم مالی (LEV) که برابر با مجموع بدهی‌ها تقسیم بر مجموع دارایی‌ها است. نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام (MB).

بازده دارایی‌ها (ROA) که برابر با نسبت سود عملیاتی به مجموع ارزش دفتری دارایی‌های اول دوره است.

نرخ رشد فروش (Growth) که برابر با درصد تغییر درآمد فروش سال جاری در مقایسه با درآمد فروش سال قبل است.

متغیر مجازی زیان (Loss) که اگر شرکت زیان داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر می‌گیرد.

کیفیت حسابرسی (AQ) که اگر حسابرسی شرکت توسط سازمان حسابرسی انجام شده باشد، برابر با یک و در غیر این صورت صفر است.

یافته‌های پژوهش آمار توصیفی متغیرها

نگاره (۱) شاخص‌های مرکزی و پراکندگی شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، چولگی، کشیدگی، حداقل و حداکثر را برای متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد. میانگین متغیر شرکت‌های خانوادگی نشان می‌دهد به‌طور متوسط ۱۷/۶ درصد از شرکت‌های نمونه پژوهش از نوع خانوادگی هستند. مقدار بدست آمده از میانگین متغیر مدیریت سود نشان می‌دهد ارقام تعهدی اختیاری شرکت‌های نمونه ۱۱/۳ درصد دارایی‌های اول دوره می‌باشد. همچنین، میانگین متغیر مسئولیت اجتماعی حاکی از آن است که بیش از نیمی از شرکت‌های نمونه پژوهش مؤلفه‌های مسئولیت اجتماعی را در گزارش فعالیت هیئت مدیره خود افشا کردند. متغیر اهرم مالی نشان‌دهنده آن است که بیش از نیمی از دارایی‌های شرکت‌های نمونه از محل بدهی تأمین مالی شده است. میانگین متغیر بازده دارایی‌ها بیان‌گر آن است که سودآوری متوسط شرکت‌های نمونه به میزان ۱۵ درصد منابع در اختیارشان است. متغیر کیفیت حسابرسی نشان می‌دهد که حسابرسی ۲۲/۷ درصد از شرکت‌های نمونه توسط سازمان حسابرسی انجام شده است.

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
FamFirm	۰/۱۷۶	۰/۰۰۰	۰/۳۸۱	۱/۶۹۲	۳/۸۶۵	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
EM	۰/۱۱۱	۰/۰۷۸	۰/۱۱۳	۱/۶۹۲	۳/۲۵۰	۰/۰۰۰	۰/۶۴۱
CSR	۰/۵۷۰	۰/۵۳۳	۰/۱۸۶	۰/۱۷۴	۲/۱۳۹	۰/۰۳۳	۰/۹۳۳
Size	۱۴/۲۹۷	۱۴/۰۲۱	۱/۵۱۵	۰/۸۶۴	۳/۹۶۳	۱۰/۳۵۲	۱۹/۱۳۳
Lev	۰/۵۷۲	۰/۵۸۶	۰/۱۷۳	-۰/۳۹۱	۲/۶۳۹	۰/۰۹۰	۰/۹۳۷
MTB	۲/۳۲۵	۲/۰۵۵	۱/۱۸۵	۰/۹۶۰	۳/۷۶۳	۰/۵۹۸	۶/۷۱۷
ROA	۰/۱۵۴	۰/۱۳۲	۰/۱۲۳	۰/۸۵۰	۳/۹۶۲	-۰/۲۰۰	۰/۶۳۹
Growth	۰/۲۰۳	۰/۱۷۰	۰/۳۷۸	۳/۴۱۹	۳۴/۹۳۶	-۰/۵۴۹	۴/۶۵۱
Loss	۰/۰۶۳	۰/۰۰۰	۰/۲۴۳	۳/۵۸۶	۱۳/۸۶۳	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
AQ	۰/۲۲۷	۰/۰۰۰	۰/۴۱۹	۱/۳۰۱	۲/۶۹۲	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰

آزمون فرضیه‌های پژوهش

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، ابتدا مدل مناسب از میان مدل‌های تابلویی و تلفیقی با استفاده از آزمون F لیمر تعیین می‌شود. در مدل‌های تابلویی، مدل اثرات ثابت و تصادفی باید از طریق آزمون هاسمن انجام شود، اما اگر مدل تلفیقی باشد، نیازی به انجام این آزمون نخواهد بود. پس از انجام آزمون F لیمر، مشخص شد که برای هر سه مدل پژوهش استفاده از مدل تابلویی مناسب‌تر است. نتایج حاصل از آزمون هاسمن به منظور تعیین اثرات ثابت یا تصادفی هر یک از مدل‌های پژوهش در نگاره (۲) ارائه شده است.

نگاره (۲): نتایج آزمون F لیمر و هاسمن

مدل‌های پژوهش	نام آزمون	آماره	درجه آزادی	سطح معنی داری	مدل انتخابی
مدل ۱	F لیمر	۱/۱۲۰۰	(۱۱۷ و ۵۶۸)	۰/۰۰۰۰	تابلویی
	هاسمن	۵۲/۹۶۲۸	۹	۰/۰۰۰۰	اثرات ثابت
مدل ۲	F لیمر	۱/۸۶۱۶	(۱۱۷ و ۵۸۶)	۰/۰۰۰۰	تابلویی
	هاسمن	۱۷/۲۱۴۴	۹	۰/۰۴۵۵	اثرات ثابت
مدل ۳	F لیمر	۱/۸۱۴۶	(۱۱۷ و ۵۶۶)	۰/۰۰۰۰	تابلویی
	هاسمن	۱۶/۲۰۷۷	۱۱	۰/۱۳۳۶	اثرات تصادفی

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش مبنی بر وجود رابطه مثبت بین مالکیت خانوادگی و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در نگاره (۳) نشان داده شده است. به منظور بررسی معنی داری کلی مدل رگرسیونی از آماره F فیشر استفاده می‌شود. مقدار احتمال مربوط به این آماره ۰/۰۰۰ می‌باشد که بیانگر معنی داری کلی مدل رگرسیونی است. همانطور که ملاحظه می‌شود، ضریب تعیین مدل رگرسیونی نشان می‌دهد که حدود ۲۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده شده است. مقدار آماره مربوط به دوربین واتسون ۲/۲۸۹ می‌باشد و در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، در نتیجه مدل فاقد مشکل خودهمبستگی است. ضریب مربوط به متغیر مالکیت خانوادگی ۰/۲۸۵۵ و مقدار احتمال مربوط به آن ۰/۰۰۰۰ است. بنابراین، رابطه بین مالکیت خانوادگی و مسئولیت اجتماعی در سطح خطای کم‌تر از ۱ درصد مثبت و معنی دار است. یعنی در سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌توان ادعا کرد که خانوادگی بودن شرکت‌ها منجر

به مشارکت بیشتر آنها در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی می‌شود. این امر مبنی تأیید فرضیه اول پژوهش می‌باشد.

نگاره (۳): نتیجه آزمون فرضیه اول پژوهش

$CSR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 FamFirm_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 Lev_{i,t} + \beta_4 MB_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 Growth_{i,t} + \beta_7 Loss_{i,t} + \beta_8 AQ_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$				
متغیرها	ضریب	خطای استاندارد	آماره Z	سطح معنی داری
C	-۰/۶۹۰۲	۰/۱۲۶۵	-۵/۴۵۴۹	۰/۰۰۰۰
FamFirm	۰/۲۸۵۵	۰/۰۳۰۱	۹/۴۷۲۱	۰/۰۰۰۰
Size	۰/۰۵۶۷	۰/۰۱۰۹	۵/۲۰۰۳	۰/۰۰۰۰
Lev	-۰/۰۵۰۴	۰/۰۳۸۳	-۱/۳۱۵۸	۰/۱۸۸۸
MTB	۰/۰۰۵۴	۰/۰۰۳۲	۱/۷۰۲۲	۰/۰۸۹۳
ROA	-۰/۰۸۷۸	۰/۰۵۲۲	-۱/۶۸۳۶	۰/۰۹۲۸
Growth	-۰/۰۰۹۳	۰/۰۰۸۲	-۱/۱۳۱۸	۰/۲۵۸۲
Loss	۰/۰۰۷۵	۰/۰۱۳۸	۰/۵۴۷۲	۰/۵۸۴۴
Big	-۰/۰۳۲۳	۰/۰۱۷۱	-۱/۸۸۴۳	۰/۰۶۰۰
آماره F	۳۸/۲۵۲۲		احتمال آماره F	۰/۰۰۰۰
آماره دوربین واتسون	۲/۲۸۹۰		ضریب تعیین	۰/۲۹۴۵

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش مبنی بر وجود رابطه منفی بین مالکیت خانوادگی و مدیریت سود شرکت‌ها در نگاره (۴) نشان داده شده است. همانطور که اشاره شد، به منظور بررسی معنی داری کلی مدل رگرسیونی از آماره F فیشر استفاده می‌شود. مقدار احتمال مربوط به این آماره ۰/۰۰۰ می‌باشد که بیانگر معنی داری کلی مدل رگرسیونی است. ضریب تعیین مدل رگرسیونی نشان می‌دهد که حدود ۲۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده شده است. مقدار آماره مربوط به دوربین واتسون ۱/۷۹۵۵ می‌باشد و در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، در نتیجه مدل فاقد مشکل خودهمبستگی است. همچنین، ضریب مربوط به متغیر مالکیت خانوادگی ۰/۰۶۸۷- و مقدار احتمال مربوط به آن ۰/۰۰۰ است. بنابراین، رابطه بین مالکیت خانوادگی و مدیریت سود در سطح خطای کم‌تر از ۱ درصد منفی و معنی دار است. یعنی خانوادگی

بودن شرکت‌ها منجر به مشارکت کمتر در فعالیت‌های مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی می‌شود. این امر مبین تأیید فرضیه دوم پژوهش می‌باشد.

نگاره (۴): نتیجه آزمون فرضیه دوم پژوهش

$EM_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 FamFirm_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 Lev_{i,t} + \beta_4 MB_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 Growth_{i,t} + \beta_7 Loss_{i,t} + \beta_8 AQ_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$				
متغیرها	ضریب	خطای استاندارد	آماره Z	سطح معنی داری
C	۰/۰۸۰۷	۰/۰۴۸۵	۱/۶۶۵۷	۰/۰۹۶۲
FamFirm	-۰/۰۶۸۷	۰/۰۰۸۷	-۷/۸۶۱۷	۰/۰۰۰۰
Size	-۰/۰۰۴۶	۰/۰۰۲۶	-۱/۷۳۷۲	۰/۰۸۲۸
Lev	۰/۰۴۳۳	۰/۰۲۵۲	۱/۷۱۵۳	۰/۰۸۶۷
MTB	۰/۰۰۵۹	۰/۰۰۳۴	۱/۷۱۸۲	۰/۰۸۶۲
ROA	۰/۲۱۳۷	۰/۰۴۰۴	۵/۲۸۵۰	۰/۰۰۰۰
Growth	۰/۰۸۷۶	۰/۰۱۰۳	۸/۴۴۵۰	۰/۰۰۰۰
Loss	۰/۰۵۱۹	۰/۰۱۶۱	۳/۲۰۸۲	۰/۰۰۱۴
AQ	-۰/۰۱۴۸	۰/۰۰۹۷	-۱/۵۲۴۲	۰/۱۲۷۹
آماره F	۳۰/۶۰۸۷		احتمال آماره F	۰/۰۰۰۰
آماره دورین واتسون	۱/۷۹۵۵		ضریب تعیین	۰/۲۸۶۸

نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم پژوهش مبنی بر تأثیر منفی مالکیت خانوادگی بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود در نگاره (۵) نشان داده شده است. همانطور که اشاره شد، به منظور بررسی معنی داری کلی مدل رگرسیونی از آماره F فیشر استفاده می‌شود. مقدار احتمال مربوط به این آماره ۰/۰۰۰ می‌باشد و بیان‌گر معنی داری کلی مدل رگرسیونی است. ضریب تعیین مدل رگرسیونی نشان می‌دهد که حدود ۲۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده شده است. مقدار آماره مربوط به دورین واتسون ۱/۸۰۴۵ می‌باشد و در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، در نتیجه مدل فاقد مشکل خودهمبستگی است. همچنین ضریب مربوط به متغیر تعاملی «مالکیت خانوادگی و مسئولیت اجتماعی» ۰/۰۳۵۹- و مقدار احتمال مربوط به آن ۰/۰۰۰ است. بنابراین، تأثیر خانوادگی بودن شرکت‌ها بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود در سطح خطای کم‌تر از ۱ درصد منفی و معنی دار است. یعنی

خانوادگی بودن شرکت‌ها توضیح‌دهنده رابطه بین مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود می‌باشد، به طوری که در این شرکت‌ها رابطه بین مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود تضعیف می‌شود. این امر مبین تأیید فرضیه سوم پژوهش می‌باشد.

نگاره (۵): نتیجه آزمون فرضیه سوم پژوهش

$EM_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CSR_{i,t} + \beta_2 FamFirm_{i,t} + \beta_3 FamFirm * CSR_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 Lev_{i,t} + \beta_6 MB_{i,t} + \beta_7 ROA_{i,t} + \beta_8 Growth_{i,t} + \beta_9 Loss_{i,t} + \beta_{10} AQ_{i,t} + \epsilon_{i,t}$				
متغیرها	ضریب	خطای استاندارد	آماره Z	سطح معنی داری
C	۰/۰۷۰۰	۰/۰۴۸۶	۱/۴۳۸۲	۰/۱۵۰۸
FamFirm	-۰/۰۷۳۴	۰/۰۰۹۳	-۷/۸۶۳۹	۰/۰۰۰۰
CSR	۰/۰۳۴۹	۰/۰۲۱۵	۱/۶۲۳۷	۰/۱۰۴۹
FamFirm*CSR	-۰/۰۳۵۹	۰/۰۱۸۹	-۱/۸۹۴۱	۰/۰۵۸۶
Size	-۰/۰۰۲۴	۰/۰۰۲۹	-۰/۸۴۵۷	۰/۳۹۸۰
Lev	۰/۰۴۸۸	۰/۰۲۵۵	۱/۹۱۲۷	۰/۰۵۶۲
MTB	۰/۰۰۶۴	۰/۰۰۳۴	۱/۸۷۰۵	۰/۰۶۱۸
ROA	۰/۲۱۲۱	۰/۰۴۰۴	۵/۲۵۰۰	۰/۰۰۰۰
Growth	۰/۰۸۶۰	۰/۰۱۰۳	۸/۲۸۶۲	۰/۰۰۰۰
Loss	۰/۰۵۱۱	۰/۰۱۶۱	۳/۱۶۳۵	۰/۰۰۱۶
AQ	-۰/۰۱۳۷	۰/۰۰۹۷	-۱/۴۰۸۹	۰/۱۵۹۳
آماره F	۲۵/۵۹۸۳		احتمال آماره F	۰/۰۰۰۰
آماره دوربین واتسون	۱/۸۰۴۵		ضریب تعیین	۰/۲۹۱۹

نتیجه‌گیری

در این پژوهش ابتدا فرضیه اول یعنی رابطه مالکیت خانوادگی با مسئولیت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش نشان می‌دهد بین مالکیت خانوادگی و مسئولیت اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. این نتیجه بیانگر آن است که خانوادگی بودن شرکت‌ها مشارکت در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی را افزایش می‌دهد. این یافته با نتیجه تی سوتسورا (۲۰۰۴)، دایر و وتن (۲۰۰۶)، سراس و تامایو (۲۰۱۳) و لیو و همکاران (۲۰۱۷) مطابقت دارد. همچنین، در فرضیه دوم پژوهش به بررسی رابطه بین مالکیت

خانوادگی و مدیریت سود پرداخته شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش حاکی از آن است که بین مالکیت خانوادگی و مدیریت سود رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. این یافته نیز با نتیجه وانگ (۲۰۰۶) و لیو (۲۰۱۷) مطابقت دارد. نتایج برخی از پژوهش‌ها حاکی از وجود رابطه مثبت بین مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود است و برخی دیگر ارتباط بین این دو مفهوم را منفی گزارش کردند. مجموعه این پژوهش‌ها بیان‌گر آن است که ارتباط بین مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود همچنان به‌عنوان پرسشی تجربی باقی مانده است. بنابراین، در ادامه رابطه بین مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود با توجه به خانوادگی بودن شرکت‌ها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از آن است که در شرکت‌های خانوادگی، رابطه بین مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود تضعیف می‌شود.

به‌طور کلی نتایج پژوهش نشان می‌دهد مالکیت خانوادگی مسئولیت اجتماعی را افزایش و مدیریت سود را کاهش می‌دهد. همچنین خانوادگی بودن شرکت‌ها شدت ارتباط بین مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود را تضعیف می‌کند، زیرا همانطور که اشاره شد، وجود مالکان خانوادگی در شرکت به تغییر رفتار شرکت‌های خانوادگی در مقایسه با سایر شرکت‌ها منجر می‌شود. عامل اصلی این تغییر رفتار ثروت اجتماعی و احساسی می‌باشد و اشاره به جنبه‌های اخلاقی و غیرمالی مؤثر بر رفتار و عملکرد شرکت دارد که نیازهای عاطفی از قبیل هویت خانواده، تداوم ارزش‌ها و سلسله در خانواده و همچنین حفظ و ارتقای جایگاه و سرمایه اجتماعی خانواده را برآورده می‌سازد. شرکت‌های خانوادگی به‌منظور کسب شهرت، حفظ ثروت اجتماعی و احساسی، میراث خانوادگی و بهبود وضع اجتماعی خانواده به فعالیت‌های مرتبط با مسئولیت اجتماعی توجه بیشتری می‌نمایند. همچنین، مالکان خانوادگی در پیشگیری از مدیریت سود فرصت طلبانه‌ای که با کاهش ارزش شرکت، ثروت اجتماعی و احساسی، شهرت و اعتبار خانوادگی آنها همراه است، موثر واقع می‌شوند. در نتیجه حضور خانواده‌ها در ساختار مالکیتی شرکت منجر به مشارکت بیشتر در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی و کاهش مدیریت سود می‌شود. همان‌طور که در مبانی نظری استدلال شد، در شرکت‌های خانوادگی مشارکت در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی در راستای اهداف و اولویت‌های خانواده‌ها یعنی حفظ شهرت، اعتبار و ثروت اجتماعی و احساسی می‌باشد. این امر منجر می‌شود که مالکان خانوادگی با مدیریت سود فرصت طلبانه‌ای که با کاهش ارزش شرکت، ثروت اجتماعی و احساسی، شهرت

و اعتبار خانوادگی آنها را به خطر بیندازد، مقابله کنند. در نتیجه عامل اصلی سرمایه‌گذاری شرکت‌های خانوادگی در مسئولیت اجتماعی و اجتناب از مدیریت سود، توجه مالکان خانوادگی به ثروت اجتماعی و احساسی می‌باشد و با کنترل عامل مالکیت خانوادگی ارتباط بین این دو متغیر تضعیف می‌شود.

شواهد تجربی اخیر نشان می‌دهد که مسئولیت اجتماعی منجر به بهبود عملکرد شرکت می‌شود. با توجه به این که خانوادگی بودن شرکت‌ها با مسئولیت اجتماعی رابطه مثبت و با مدیریت سود تعهدی رابطه منفی دارد، به متولیان بازار سرمایه پیشنهاد می‌شود تا سیاست‌هایی در راستای استقبال از مشارکت خانواده‌ها در مالکیت، مدیریت و راهبری شرکت‌ها اتخاذ کنند تا از این طریق با افزایش فعالیت‌های مرتبط با مسئولیت اجتماعی، عملکرد شرکت‌ها بهبود یابد. همچنین، به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود تا به بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی بر سایر موضوعات حسابداری از قبیل مدیریت سود واقعی، کیفیت افشا و... در شرکت‌های خانوادگی پرداخته شود تا معلوم شود که خانوادگی بودن شرکت‌ها می‌تواند عامل ارتباط بین مسئولیت اجتماعی و موضوعات یاد شده باشد.

در بکارگیری یافته‌های پژوهش باید محدودیت‌هایی را نیز در نظر گرفت. شرکت‌های خانوادگی بر اساس دیدگاه‌ها و جنبه‌های مختلفی تعریف و اندازه‌گیری می‌شوند و در این باره اجماع نظری وجود ندارد. به همین دلیل روش‌های مختلف اندازه‌گیری این شرکت‌ها ممکن است بر نتایج پژوهش اثرگذار باشد.

پی‌نوشت

۱ Social-emotional wealth ۲ Archival

منابع

- Adiguzel, H. (2013). Corporate Governance, Family Ownership and Earnings Management: Emerging Market Evidence. *Accounting and Finance Research*, 2 (4), 17-33.
- Alves, S. (2012). Ownership Structure and Earnings Management: Evidence from Portugal. *Australasian Accounting, Business and Finance Journal*, 6 (1): 57-74.
- Anderson, R. C. , Mansi, S. A. , & Reeb, D. (2003). Founding family ownership and the agency cost of debt. *Journal of Financial Economics*, 68 (2): 263-285.

- Chakrabarty, S. (2009). The influence of national culture and institutional voids on family ownership of large firms: A country level empirical study. *Journal of International Management*, 15: 32–45.
- Cheng, Q. (2014). Family firm research – A review. *China Journal of Accounting Research*, 7: 149-163.
- Dagilienne, L. (2013). The influence of corporate social reporting to company's value in a developing economy. *Procedia Economics and Finance*, 5: 212–221.
- Darabi, R. , Vaghfi, S. H. , & Soltanian, M. (2016). Investigating the Relationship between Corporate Responsibility Reporting with Value and Risk of Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Value & Behavioral Accounting*, 1 (2): 193-213. (in Persian)
- Déniz, M. , & Suárez, M. (2005). Corporate social responsibility and family business in Spain. *Journal of Business Ethics*, 56 (1): 27–41.
- Dyer, G. , & Whetten, D. (2006). Family firms and social responsibility: Preliminary evidence from the S&P 500. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 30 (6): 785–802.
- Fakhari, H. , & Fasih, E. (2016). The impact of family ownership on capital structure on accepted company in TSE (based on agency theory). *Journal of Investment knowledge*, 5 (20): 145-164. (in Persian)
- Gómez-Mejia, L. R. , Curz, C. , Berrone, P. , & De Castro, J. (2011). The bind that ties: Socioemotional wealth preservation in family firms. *Academy of Management Annals*, 5 (1): 653–707.
- Hassasyeganeh, Y. , & Barzegar, Gh. (2014). Theoretical Foundations of Corporate Social Responsibility and Research Paradigms in Professional Accounting. *Journal Of Management Accounting*, 7 (22): 109-133.
- Khajavi, Sh. , Bayazidi, A. , & Jabbarzadeh, S. (2011). Investigating the Relationship between Earnings Management and Corporate Responsibility of Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Advances*, 3 (3): 29-54. (in Persian)
- Kim, Y. , Park, M. S. , & Wier, B. (2012). Is earnings quality associated with corporate social responsibility? *The Accounting Review*, 87 (3): 761–796.
- Kothari, S. , Leone, A. , & Wasley, C. (2005). Performance matched discretionary accrual measures. *Journal of Accounting and Economics*, 39 (1): 163–197.
- Lamb, H. N. (2017). Family firms and corporate social responsibility: exploring “concerns”. *Journal of strategy and management*, 10 (4) , 469-487.
- Lan, Q. (2015). Understanding Socioemotional Wealth – Examining SEW and Its Effect on Internationalization. Master's thesis within Business.
- Lin, Y. M. , & Shen, C. A. (2015). Family firms' credit rating, idiosyncratic risk, and earnings management. *Journal of Business Research*, 68:872–877.
- Liu, M. , Shi, Y. , Wilson. C. , & Wu, Z. (2017). Does family involvement explain why corporate social responsibility affects earnings management? *Journal of Business Research*, 75:8–16.
- Martinex-Ferrero, J. , Banerjee, S. , & Garcia-Sanchez, I. M. (2016). Corporate social responsibility as a strategic shield against costs of earnings management practices. *Journal of Business Ethics*, 133 (2) , 305–324.

- Mashayekhi, B. , & Azhang, A. (2017). Effect of family firms on information asymmetry and cost of capital. *Journal of Investment knowledge*, 6 (21): 129-144. (in Persian)
- McConaughy, D. L. , Matthews, C. H. , & Fialko, A. S. (2001). Founding Family Controlled Firms: Performance, Risk, and Value. *Journal of Small Business Management*, 39 (1) , 31-49.
- Mehrazin, A. , Ghobadian, B. , Forootan, O. , & Taghipoor, M. (2013). Effect of family firms on information asymmetry and cost of capital. *Journal of Investment Knowledge*, 13 (52): 153-171. (in Persian)
- Namazi, M. , & Mohammadi, M. (2010). An Investigation of the Earning Quality of Family Firms and Non-family in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Advances*, 2 (2): 159-194. (in Persian)
- Orlitzky, M. , Schmidt, F. L. , & Rynes, S. (2003). Corporate social and financial performance: A meta-analysis. *Organization Studies*, 24 (3) , 403-411.
- Prior, D. , Surroca, J. , & Tribo, J. (2008). Are socially responsible managers really ethical? Exploring the relationship between earnings management and corporate social responsibility. *Corporate Governance: An International Review*, 16 (3) , 160-177.
- Rezazadeh, J. , Yarahmadi, J. (2019). The relationship between corporate life cycle and corporate social responsibility with moderating role of financial resources. *Journal of Accounting Knowledge*, 10 (3) , 69-87. (in Persian)
- Servaes, H. & Tamayo, A. (2013). The Impact of Corporate Social Responsibility on Firm Value: The Role of Customer Awareness. *Management Science*, 59 (5):1045-1061.
- Tsoutsoura, M. (2004). Corporate social responsibility and financial performance. University of California at Berkeley, financial project.
- Valipour, H. , Zarea, L. , & Khorram, E. (2013). Investigates the effects of corporate governance mechanisms of benefit sharing. *Journal of Management Accounting*, 6 (16): 61-74. (in Persian)
- Waddock, S. A. , & Graves, S. B. (1997). The corporate social performance financial performance link. *Strategic Management Journal*, 18 (4) , 303-339.
- Wang, D. (2006). Founding family ownership and earnings quality. *Journal of Accounting Research*, 44 (3) , 619-656.
- Wang, D. H. M. , Chen, P. H. , Yu, T. H. K. , & Hsiao, C. Y. (2015). The effects of corporate social responsibility on brand equity and firm performance. *Journal of Business Research*, Vol 68, 2232-2236.



کاربرد تئوری استنباط متناظر (تئوری اسنادی) در رفتار سرمایه گذاران با رویکرد شبه تجربی

فرزانه نصیرزاده^۱، مصطفی زنگی آبادی^۲، وحید ملاایمنی^۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۰۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۷/۱۵

مقاله پژوهشی

چکیده

در این پژوهش عکس‌العمل فرد در مقابل نتیجه رفتارش یعنی سرمایه‌گذاری در بورس، در قالب تئوری استنباط متناظر (تئوری اسنادی) سنجیده شده است. به عبارت دیگر، افراد نتیجه عملکرد خود یعنی سرمایه‌گذاری در بورس را به چه عواملی نسبت می‌دهند. این ارزیابی در قالب پژوهش شبه تجربی بر روی افرادی که از نظر آگاهی نسبت به سرمایه‌گذاری در بورس در یک سطح بودند (دانشجویان رشته مدیریت صنعتی و حسابداری)، صورت گرفته است و نتایج نشان می‌دهد هنگامی که افراد از سرمایه‌گذاری خود بازده منفی کسب می‌کنند آن را به عوامل بیرونی نسبت می‌دهند؛ و در مقابل، زمانی که بازده مثبت بدست می‌آورند، آن را ناشی از ویژگی‌های درونی خود می‌دانند. این دو نتیجه با مفهوم تئوری استنباط متناظر (تئوری اسنادی) مطابقت دارد و آن را در عمل تأیید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: سرمایه‌گذاری، تئوری اسنادی، بورس مجازی، بازده، استنباط متناظر

طبقه‌بندی موضوعی: G41

DOI: 10.22051/ijar.2020.26858. 521

^۱ دانشیار گروه حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسئول، (nasirzadeh@um.ac.ir)

^۲ دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد، (m.zangiabadi229@gmail.com)

^۳ دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد، (v_cool67@yahoo.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

مقدمه

اغلب تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاران حاصل یک فرآیند پیچیده است که معمولاً دربرگیرنده دو نوع استدلال متفاوت است: نگاه به عقب جهت درک گذشته و نگاه به جلو برای پیش‌بینی آینده. گذشته‌نگری دارای ماهیت تشخیصی است که شامل جستجوی الگوها، برقراری ارتباط بین رویدادهایی که ممکن است غیرمرتبط به نظر برسند و آزمون زنجیره‌های موجود برای توضیح یک رویداد می‌باشد. فرآیند تشخیص دربرگیرنده شناسایی علت یک رویداد مشاهده شده با پرسش این سؤال است: چرا این رویداد اتفاق افتاد؟ یکی از نظریه‌هایی که به بررسی و شناسایی علت‌ها می‌پردازد تئوری استنباط متناظر یا تئوری اسنادی است. این نظریه به دنبال علیت افراد از نتایج پیامدهایشان است و استنباط این است که موقعیت خاص شخص موجب رفتار او است.

در طول زمان مشخص شده است که افراد موفقیت‌ها و شکست‌های خود را به عوامل مختلفی اسناد می‌کنند. به این مفهوم که موفقیت‌های خود را به تلاش‌های شخصی، برنامه‌ریزی و پشتکار خود ارتباط می‌دهند، در حالی که شکست‌های خود را به عوامل بیرونی ربط می‌دهند که به آن تئوری استنباط متناظر^۱ گویند. این تئوری روان‌شناسی به صورت سیستماتیک به دنبال نحوه استنباط افراد به هنگام رویارویی با موقعیت‌های مختلف می‌باشد. به عبارت دیگر، هدف این تئوری تشریح اسنادهای داخلی و خارجی است (برکوئیتز، ۱۹۶۵).

به این ترتیب افراد عامل پیروزی را به خود نسبت داده و عامل شکست را به محیط و عوامل بیرونی نسبت می‌دهند. در بازار سرمایه و تصمیمات سرمایه‌گذاری که افزایش قیمت سهام نمادی از موفقیت و کاهش آن نمادی از شکست است، انتظار می‌رود که تئوری استنباط متناظر نیز برقرار باشد. به عبارت دیگر، انتظار بر آن است که افراد پس از کسب سود در بازار سرمایه، موفقیت را به خود و عوامل درونی نسبت داده و در صورت تحمل زیان، شکست خود را به محیط و عوامل بیرونی نسبت دهند. هدف از انجام این پژوهش نیز بررسی این انتظار از طریق آزمون‌های آماری است. از آنجایی که نتایج این پژوهش می‌تواند پرده از حقیقتی در بازار سرمایه بردارد و در زمره پژوهشات توصیفی قرار دارد، ضرورت انجام آن هویدا می‌گردد.

پیشینه و ادبیات نظری

تئوری استنباط متناظر به چگونگی تفسیر ما از رفتار خود و یا دیگران بر می‌گردد (مک لیود، ۲۰۱۰). به عبارت دیگر، به چگونگی استفاده از اطلاعات به منظور ارائه یک توصیف علی برای پدیده‌ها می‌پردازد. این تئوری بررسی می‌کند که چگونه اطلاعات جمع‌آوری شده، با هم ترکیب شده و در نهایت به یک قضاوت علی منتج می‌گردد. به بیان دیگر اینکه افراد معمولاً چگونه عملکرد خود را توجیه می‌نمایند (فیسک و تیلور، ۱۹۹۱).

حیدر (۱۹۵۸) معتقد است که افراد روانشناس‌های ساده‌ای هستند که سعی دارند از جامعه خود برداشت‌هایی داشته باشند. آنها همواره در تلاشند که روابط علت و معلولی را کشف کنند؛ حتی در جایی که چنین روابطی وجود نداشته باشد. در این راستا او دو ایده اصلی را بیان می‌کند که بسیار قابل توجه است:

۱) استنباط درونی: فرآیندی است که علت رفتار فرد را به جای نسبت دادن به نیروهای بیرونی به ویژگی‌های درونی فرد نسبت می‌دهد.

۲) استنباط بیرونی: فرآیندی است که در آن علت رفتار فرد به ویژگی‌های درونی او نسبت داده نمی‌شود، بلکه این رفتار نشأت گرفته از رویدادهای بیرونی بوده که خارج از کنترل فرد می‌باشند.

شناخت اینکه افراد چگونه رفتار خود را اسناد می‌کنند، می‌تواند در پیش‌بینی رفتارهای آتی، تعامل آنها با دیگران و انتخاب رفتار مناسب با آنها مفید باشد (موسکوویتز و اولکاسوی اکتن، ۲۰۱۶). جونز و دیویس (۱۹۶۵) معتقدند افراد توجه ویژه‌ای به رفتارهای ارادی دارند. آنها بین انگیزه و رفتار تفاوت قائل می‌شوند. به این مفهوم که یک فرد ممکن است در شرایط خاصی دوستانه رفتار کند، اما فرد دیگری ممکن است شخصیت دوستانه و صمیمی داشته باشد. جونز و دیویس برای درک این دو حالت پنج منبع اطلاعاتی را بیان می‌کنند.

۱) انتخاب^۲: اگر رفتار آزادانه انتخاب شده باشد به عوامل درونی فرد نسبت داده می‌شود.

۲) رفتار تصادفی یا عمدی^۳: رفتار تصادفی معمولاً به عوامل بیرونی نسبت داده شده و رفتار عمدی به شخصیت افراد نسبت داده می‌شود.

۳) مطلوبیت اجتماعی^۴: رفتاری که از نظر جامعه مطلوب نباشد، بیش از رفتارهای مطلوب به عوامل درونی نسبت داده می‌شوند.

۴) ارتباط با لذت^۵: اگر رفتار افراد مستقیماً با منفعت یا زیان ما در ارتباط باشد، در استنباط ما از آن رفتار تأثیر می‌گذارد.

۵) شخصی‌گرایی^۶: اگر رفتار فردی که در موقعیتی مشابه با ما قرار دارد بر روی ما اثر بگذارد، معمولاً آن را برخاسته از شخصیت او در نظر می‌گیریم و به مسائل محیطی تأکید نمی‌کنیم.

کریمی (۱۳۸۴) یکی از نمودهای استنباط متناظر را سوگیری خدمت به خود^۷ معرفی می‌کند. او گرایش به استنباط نتایج مثبت و موفقیت‌ها به علل درونی مانند استعداد زیاد و تلاش فراوان و استنباط نتایج منفی و شکست‌ها به علل بیرونی را "سوگیری خدمت به خود" می‌نامد. دانایی (۱۳۹۳) بیان می‌دارد، افراد موفق تمایل دارند تا به کار سخت و پیشرفت خود بها دهند، در حالی که افراد ناموفق همواره بر شرایط بیرونی مانند رقبا، محیط و... تأکید می‌کنند. البته در اینگونه استنباط‌ها تفاوت‌های فرهنگی نیز دخیل هستند.

دلایماتر و مایرز (۲۰۱۱)، مک فارلند و رُز (۱۹۸۲) و ویل و فریز (۱۹۷۶) دریافته‌اند که افراد معمولاً نتایج کارهای خود را به چهار عامل توانایی، تلاش، میزان دشواری کار و شانس اسناد می‌کنند. نحوه اسناد افراد به هر یک از این عوامل در بروز شکست‌ها و موفقیت‌های آتی آنها مؤثر می‌باشد. برای مثال، اگر نتیجه بد را به عدم توانایی خود اسناد کند، ممکن است ناامید شده و نسبت به آن بی‌رغبت گردد، اما اگر نتیجه بد را به عدم تلاش خود اسناد کند ممکن است برای کسب موفقیت در آینده بیشتر تلاش کند. همچنین، اگر نتیجه بد را به بدشانسی نسبت دهد ممکن است از نتیجه شگفت‌زده شود، اما در عملکرد خود هیچ‌گونه تغییری ایجاد نکند و در نهایت اگر نتیجه را به دشوار بودن کار اسناد کند، ممکن است عصبانی شده و باز هم تغییری در نحوه عملکرد خود ایجاد نکند. بر این اساس، نحوه اسناد افراد به شکست‌ها و موفقیت‌ها می‌تواند بر رفتار آتی آنها و همچنین ارزیابی رفتارهای آنها تأثیر بگذارد (کوان و همکاران، ۲۰۱۸).

در طول زمان تجربه نشان داده است که افراد از موفقیت‌های خود اعتبار کسب می‌کنند. به همین دلیل است که موفقیت‌های خود را به توانایی‌ها و تلاش‌های خود نسبت می‌دهند، اما شکست‌ها را به عوامل خارجی نظیر بدشانسی و یا دشوار و غیر ممکن بودن کار اسناد می‌کنند

(میر، ۲۰۱۱). از سوی دیگر، تئوری چشم‌انداز ۸ نیز بیان می‌کند که ناراحتی ناشی از یک ریال ضرر از لذت حاصل از یک ریال سود بیشتر است (اسکات، ۲۰۱۲). بنابراین، می‌توان انتظار داشت افرادی که در بازار سرمایه متضرر می‌گردند، نتایج ضعیف سرمایه‌گذاری خود را به عوامل بیرونی نظیر شرایط بد اقتصادی، رکود و یا حتی شرایط سیاسی نسبت دهند.

بانک ملی در سال ۱۳۸۹ در ماهنامه آموزشی - خبری خود، عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار تهران را در دو گروه طبقه‌بندی نمود؛ گروه اول، عوامل مرتبط با فرد سرمایه‌گذار (عوامل درونی) نظیر قدرت تحلیل ذاتی، انطباق تصویر ذهنی خریدار با تصویر واقعی شرکت، درجه ریسک‌پذیری و میزان اعتماد به نفس بوده و گروه دوم، عوامل غیرمرتبط با سرمایه‌گذار نظیر وضعیت خاص صنعت، سیاست‌های پولی و مالی کشور، عرضه و تقاضای سهام، مدیریت شرکت و اطلاعات درونی شرکت و شایعات می‌باشند. بر اساس تئوری استنباط متناظر، انتظار می‌رود سرمایه‌گذاری که عملکرد مناسبی در بورس ندارد، عوامل غیرمرتبط با خود را به‌عنوان عوامل مؤثر بر عملکرد سرمایه‌گذاری خود معرفی کند. این در حالی است که چراغی و همکاران (۱۳۹۲) دریافته‌اند که در بورس اوراق بهادار تهران فرایند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران بیشتر تحت تأثیر عوامل روانشناختی به ترتیب قدرت تحلیل ذاتی، شایعات و اخبار تأیید نشده و درجه ریسک‌گریزی افراد قرار دارد.

یونینگسی و همکاران (۲۰۱۷)، جاگونگو و ماتزونج (۲۰۱۴)، مریکاس و همکاران (۲۰۰۴) و نگگی و اوبن برگر (۱۹۹۴) دریافته‌اند که در انتخاب پرتفوی یا همان سبد سرمایه‌گذاری علاوه بر تئوری استنباط متناظر، عوامل مختلفی در تصمیم‌گیری افراد دخیل می‌باشند. به این عوامل تحت عنوان سودآوری مورد انتظار، صورت‌های مالی، جایگاه شرکت در صنعت، اعتبار و شهرت شرکت، احساس تعلق نسبت به محصولات و خدمات شرکت، عملکرد گذشته، وضعیت مالیاتی، پرداخت سود نقدی، توصیه‌های دوستان و همکاران، ریسک‌گریزی سرمایه‌گذار و... اشاره نمود.

خادمی گراشی و قاضی زاده (۱۳۸۶) طی پژوهشی این عوامل را در چهار گروه عوامل سیاسی، اقتصادی، روانی بازار و متغیرهای مالی در سطح شرکت طبقه‌بندی نمودند. این در حالی است که اسلام‌اوغلو و همکاران (۲۰۱۵) دو عامل رفتار آگاهانه سرمایه‌گذار و پرداخت به‌موقع سود را به‌عنوان عوامل اثرگذار در تصمیمات سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران معرفی کرده‌اند. در

رفتار آگاهانه بیان می‌شود که سرمایه‌گذاران سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت را به کوتاه‌مدت ترجیح می‌دهند، آنها با اطلاعات کافی اقدام به سرمایه‌گذاری می‌نمایند، آنها در تصمیم‌گیری‌های خود از اعتماد به نفس کافی برخوردارند و در نهایت به دنبال کاهش ریسک در سبد سرمایه‌گذاری خود هستند.

کلارک مورفی و سوتار (۲۰۰۳) دیدگاه سرمایه‌گذاران را در خصوص موارد با ارزش بررسی کردند و دریافتند که عمده سرمایه‌گذاران به دنبال سفته‌بازی نبوده و تمایل زیادی به سرمایه‌گذاری بلندمدت دارند. آنها بیان می‌کنند که اگر چه مواردی مانند معیارهای مالی، پرداخت سود نقدی و نسبت قیمت به سود (P/E) در تصمیمات سرمایه‌گذاری، اطلاعاتی مربوط می‌باشند، اما اثر آنها به میزان اثر مدیریت شرکت و نوسانات اخیر قیمت سهام، نخواهد بود. ساعدی و مختاریان (۱۳۸۸) بر نتیجه مذکور در ایران صحه گذاشته و تنها نوسانات قیمت و روند قیمت در بورس را اصلی‌ترین عامل اثرگذار بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران معرفی نمودند.

لودی (۲۰۱۴) عوامل درونی اثرگذار بر روی تصمیمات سرمایه‌گذاران و ریسک‌پذیری آنها را مورد بررسی قرار داد. او دریافت که سواد مالی سرمایه‌گذار و دسترسی او به اطلاعات مالی می‌تواند سرمایه‌گذار را در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و سرمایه‌گذاری در ابزار مالی ریسکی یاری نماید، اما با افزایش میزان سن و تجربه، سرمایه‌گذار ترجیح می‌دهد که در سرمایه‌گذاری‌های کم ریسک سرمایه‌گذاری نماید.

دالکوئیست و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی فعالیت سرمایه‌گذاران و عملکرد آنها در بازار سرمایه پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که سرمایه‌گذاران فعال بیشتر از سرمایه‌گذاران غیرفعال، بازدهی کسب می‌نمایند. بنابراین، نوع سیاست اتخاذ شده از سوی سرمایه‌گذاران بر عملکرد آنها تأثیر می‌گذارد.

آگراوال و همکاران (۲۰۱۶) بیان می‌کنند که ساختار اطلاعاتی بازار سرمایه و ویژگی‌های افراد شرکت‌کننده در بازار سرمایه بر روی تصمیمات سرمایه‌گذاری و به تبع آن بر بازده سرمایه‌گذاری، اثرگذار می‌باشند. بر این اساس، می‌توان انتظار داشت که ویژگی‌های درونی و بیرونی سرمایه‌گذاران و خصایص رفتاری آنها بر روی عملکرد سرمایه‌گذاریشان تأثیر بگذارند.

بلو و همکاران (۲۰۱۷) معتقدند که احساسات غیرمنطقی سرمایه‌گذاران نقش مهمی بر بازده و نوع استراتژی سرمایه‌گذاری دارد. این در حالی است که شاه و دالوادی (۲۰۱۶) بیان می‌کنند که ویژگی‌های جمعیت‌شناسی نظیر جنسیت، اشتغال و تحصیلات با سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌ها در ارتباط نیست.

نیاموت و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی اثر رفتار سرمایه‌گذاران بر روی عملکرد پرتفوی سرمایه‌گذاری پرداختند. آنها مشاهده کردند که رفتار توده‌ای اثر مثبتی بر عملکرد پرتفوی سرمایه‌گذاری داشته و بیش‌اطمینانی اثری منفی بر عملکرد پرتفوی دارد.

مارزوک (۲۰۱۷) رابطه بین رفتار سرمایه‌گذاران را با ادراک آنها از اعتبار شرکت، اعتماد به شرکت و تعهد به شرکت را مورد بررسی قرار داد. او به این نتیجه دست یافت که درک سرمایه‌گذاران از اعتبار شرکت بر روی رفتار آنها اثرگذار است. همچنین، بین اعتماد سرمایه‌گذاران به شرکت و رفتارهای سرمایه‌گذاری آنها رابطه مثبت برقرار است. پارمیتاساری و همکاران (۲۰۱۸) نیز بیان می‌کنند که اخلاق سرمایه‌گذاران و رعایت اخلاق در سرمایه‌گذاری بر رضایت مالی آنها و به تبع بر رفتار سرمایه‌گذاریشان تأثیر می‌گذارد.

امیرشاهی و همکاران (۱۳۸۶) نیز از بعد اطلاع‌رسانی، عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران را بررسی کردند. آنها سه عامل کانال‌های ارتباطات بازاریابی شرکت‌ها، شرکت‌های کارگزاری بورس و ارتباط کلامی را به‌عنوان عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران معرفی نمودند.

با توجه به ادبیات نظری و مطالعات فوق‌الذکر، این پژوهش در صدد بررسی تئوری استنباط متناظر در رفتار سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه می‌باشد. به‌عبارت دیگر، در این پژوهش سعی شده است به این پرسش پاسخ داده شود که آیا سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار سود حاصل از سرمایه‌گذاری را به خود نسبت داده و زیان حاصل از آن را به بازار و دیگر عوامل بیرونی نسبت می‌دهند یا خیر؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع هدف‌کاربردی و از نوع روش نیمه‌تجربی می‌باشد. بیشتر پژوهش‌هایی که هدف آنها یافتن عوامل علی در زندگی واقعی است و در حین اجرا کنترل تعدادی کمی از

متغیرها مقدور است، در زمره پژوهشات نیمه تجربی قرار می گیرند. بیشتر مطالعات و بررسی هایی که در زمینه مشکلات و مسائل اجتماعی صورت می پذیرند نیز در این گروه قرار دارند.

این پژوهش، به دنبال بررسی تئوری استنباط متناظر (تئوری اسنادی) در دنیای واقعی در میان رفتار سرمایه گذارانی که از نظر آگاهی نسبت به سرمایه گذاری در حد مشابهی بودند (دانشجویان رشته مدیریت صنعتی و حسابداری)، می باشد. برای سنجش رفتار سرمایه گذاری افراد که در بورس مجازی اقدام به سرمایه گذاری کرده بودند، از ابزار پرسشنامه استفاده شد و هدف این است که آیا افراد نتیجه مطلوب تصمیمات خود را به ویژگی های شخصی و نتیجه نامطلوب تصمیمات خود را به عوامل بیرونی نسبت می دهند یا خیر (مفهوم تئوری استنباط متناظر).

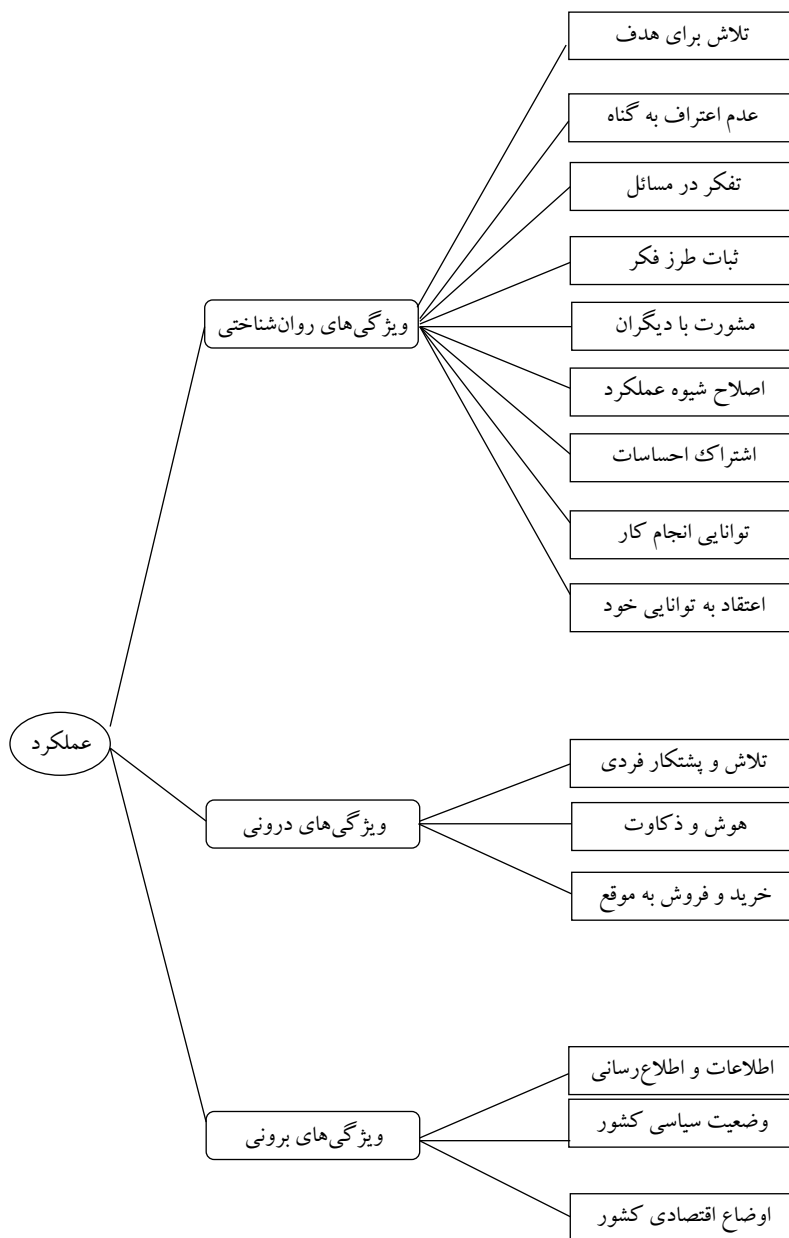
در این پژوهش، ویژگی های روان شناختی افراد کنترل شده تا تأثیر آنها بر نتایج خنثی شود. به منظور افزایش روایی پرسشنامه، از نظرات افراد خبره و اساتید دانشگاه، بهره گرفته شد و برای افزایش پایایی پژوهش، گردآوری اطلاعات در ۳ مرحله و در بین دانشجویان کارشناسی رشته حسابداری و مدیریت صنعتی، صورت پذیرفت. تعداد کل دانشجویان در دسترس برای آزمون ۶۰ نفر بودند که از این بین تعداد ۴۰ نفر علاقه مند به آزمایش، به طور تصادفی برای انجام این پژوهش انتخاب شده اند. به دلیل انتخاب نمونه ای همگون و از بین بردن اثرات ناهمگونی بین افراد جامعه و با توجه به ماهیت پژوهش که به صورت شبه تجربی و آزمایشگاهی است، تعداد در دسترس و قابل کنترلی به عنوان جامعه و نمونه پژوهش در نظر گرفته شد. به منظور جمع آوری اطلاعات در هر مرحله از دانشجویان نامبرده خواسته شد، از طریق سایت بورس مجازی طی مدت یک هفته اقدام به سرمایه گذاری نمایند سپس نتیجه سرمایه گذاری خود را که به صورت بازده مثبت یا منفی بوده است، علت یابی نموده و پرسشنامه را با توجه به نتیجه سرمایه گذاری خود تکمیل نمایند.

به منظور انجام تجزیه و تحلیل داده ها از رویکرد معادلات ساختاری و نرم افزار لیزرل استفاده شده است. در نگاره زیر، گویه ها و متغیرهای مربوط به هر یک از این گویه ها ارائه شده است. متغیر عملکرد به صورت عدد ۱ برای بازده مثبت و عدد ۲ برای بازده منفی و متغیرهای دیگر به صورت عدد ۱ برای کاملاً موافق، ۲ برای موافق، ۳ برای نظری ندارم، ۴ برای مخالف و ۵ برای کاملاً مخالف، عدد گذاری شده اند.

نگاره (۱): گویه‌ها و متغیرهای پژوهش

متغیر	گویه
کسب بازده مثبت در سرمایه‌گذاری	عملکرد
کسب بازده منفی در سرمایه‌گذاری	
تلاش تا رسیدن به هدف	ویژگی‌های روان‌شناختی
عدم اعتراف به ناآگاهی خودم نزد دیگران	
تفکر و بررسی زوایای مختلف امور	
عدم انعطاف‌پذیری در مورد طرز تفکر	
مشورت کردن با دیگران	
اصلاح شیوه عملکرد خود برای بهبود انجام کارها	
در میان گذاشتن هیجانات و احساسات خود با دیگران	
توانایی انجام وظایف محوله	
داشتن اعتماد به نفس در خصوص توانایی‌های ذهنی	
تلاش و پشتکار فردی	
هوش و ذکاوت	
تصمیم‌گیری به موقع در مورد خرید و فروش سهام	
اطلاعات شرکت‌ها و اطلاع‌رسانی بورس اوراق بهادار	ویژگی‌های بیرونی
وضعیت سیاسی کشور و شرایط بورس اوراق بهادار	
اوضاع اقتصادی کشور و نوسانات قیمت در بازار	

شمایی از متغیرهای پژوهش در نمودار ۱ آورده شده است:



نمودار (۱): مدل مفهومی پژوهش

نتایج پژوهش

در نگاره شماره ۲، نتایج آمار توصیفی ارائه شده است.

نگاره (۲): آمار توصیفی پژوهش

جنسیت	تعداد	درصد	عملکرد	تعداد	درصد
زن	۹	۲۲/۵	سود	۱۵	۳۷/۵
مرد	۳۱	۷۷/۵	زیان	۲۵	۶۲/۵
جمع	۴۰	۱۰۰	جمع	۴۰	۱۰۰

همان‌طور که از نگاره برمی‌آید، حدود ۲۳ درصد و ۷۸ درصد از اعضای نمونه پژوهش به ترتیب زن و مرد هستند؛ و به ترتیب حدود ۳۸ درصد دارای عملکرد مثبت و حدود ۶۲ درصد دارای عملکرد منفی بوده‌اند. منظور از عملکرد (بازده)، نتیجه سرمایه‌گذاران از خرید و فروش اوراق بهادار می‌باشد که در قالب سود یا زیان نمایان شده است.

آمار استنباطی

نتایج معادلات ساختاری

به منظور تحلیل داده‌ها و مدل، ابتدا نیکویی برازش مدل به‌طور کلی ارزیابی شده است. نگاره ۳ این نتایج را نشان می‌دهد.

نتایج برازش کلی مدل مطابق با نگاره ۳ شامل معیارهای برازش مطلق، برازش تطبیقی و برازش مقتصد است که میزان ارزش هر یک از آنها در مدل و میزان بهینه آنها نشان داده شده است. با توجه به مقادیر داده شده و مقادیر بهینه مندرج در نگاره ۳، از مدل معادلات ساختاری برای آزمون مدل پژوهش، می‌توان استفاده کرد.

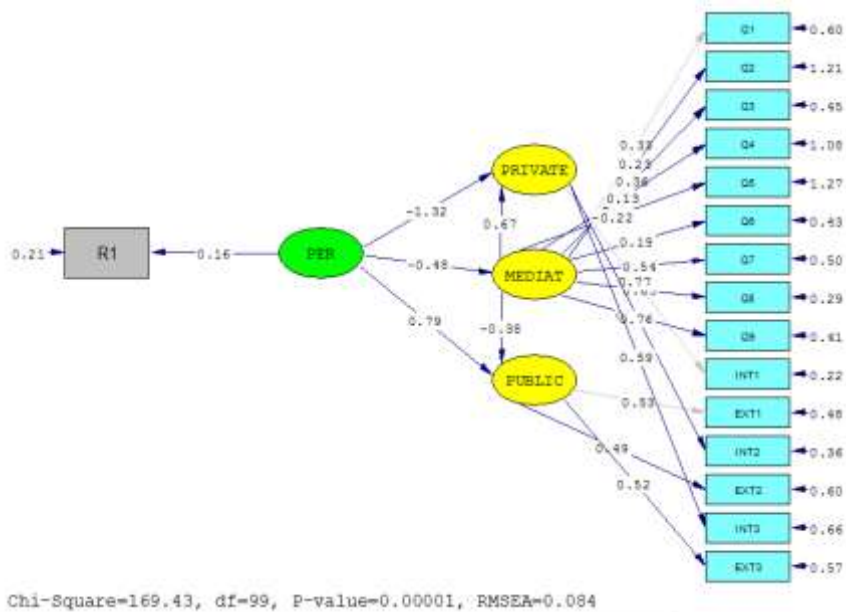
نگاره (۳): معیارهای اندازه‌گیری نیکویی برازش الگوی اصلاح‌شده پژوهش

معیارهای نیکویی برازش	نام شاخص	علائم اختصاری	میزان در مدل	مقدار قابل قبول
شاخص‌های برازش مطلق	کای اسکوئر	Chi-square	۱۶۹/۴۳	هر چقدر کمتر باشد بهتر است
	شاخص نیکویی برازش تعدیل‌شده	AGFI	۰/۷۶	بزرگ‌تر از ۵۰ درصد
شاخص‌های برازش تطبیقی ^۹	شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰/۸۴	بزرگ‌تر از ۸۰ درصد
	شاخص برازش افزایشی	IFI	۰/۸۵	بزرگ‌تر از ۸۰ درصد
شاخص‌های برازش مقتصد ^{۱۰}	شاخص برازش مقتصد هنجار شده	PNFI	۰/۶۰	بزرگ‌تر از ۵۰ درصد
	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	۰/۰۸۴	کمتر از ۸ درصد
	کای اسکوئر به درجه آزادی	CMIN/df	۱/۷۱۱۴	کمتر از ۴

با توجه به نتایج نگاره ۳، مدل برازش داده شده برای آزمون فرضیات پژوهش دارای برازشی بهینه است. در نگاره ۴ و نمودار مقدار ضرایب هریک از مسیرها و میزان معنی‌داری آنها در مدل کلی پژوهش، ارائه شده است.

نگاره (۴): نتایج الگوی اصلاح‌شده پژوهش

نتیجه	آماره تی	ضرایب	مسیرها
معنی‌دار	-۳/۷۵	-۱/۳۲	ویژگی‌های درونی <---
-	-۰/۵۸	-۰/۴۸	ویژگی‌های روان‌شناختی <---
معنی‌دار	۲/۳۲	۰/۷۹	ویژگی‌های بیرونی <---
-	۱/۰۵	۰/۶۷	ویژگی‌های درونی <---
-	-۰/۹۶	-۰/۳۸	ویژگی‌های بیرونی <---



نمودار (۲): نتایج برازش روابط بین متغیرهای پژوهش

همان‌طور که از نگاره ۴ مشخص است، رابطه بین متغیر عملکرد به‌عنوان یک پدیده انتزاعی و ویژگی‌های درونی، منفی ($-1/32$) و معنی‌دار است که این رابطه بعد از وارد کردن متغیر تعدیل‌کننده (ویژگی‌های روان‌شناختی) همچنان منفی (از ضرب مقدار $-0/48$ در $0/67$) است؛ یعنی اینکه افراد نتایج عملکرد مثبت خود را به ویژگی‌های درونی خود نسبت می‌دهند (چون که متغیر عملکرد به‌صورت عدد ۱ برای بازده مثبت و عدد ۲ برای بازده منفی و متغیرهای دیگر به‌صورت عدد ۱ برای کاملاً موافق، ۲ برای موافق، ۳ برای نظری ندارم، ۴ برای مخالف و ۵ برای کاملاً مخالف، عدد گذاری شده‌اند). از سوی دیگر، رابطه بین متغیر عملکرد به‌عنوان یک پدیده انتزاعی و ویژگی‌های بیرونی، مثبت ($0/79$) و معنی‌دار است که این رابطه بعد از وارد کردن متغیر تعدیل‌کننده، همچنان مثبت (از ضرب $-0/48$ در $-0/38$) است. این امر نشان می‌دهد، زمانی که افراد عملکرد منفی دارند، این عملکرد را به عوامل بیرونی نسبت می‌دهند؛ چنین نتیجه‌ای هم با توجه به مبانی نظری پژوهش و تئوری زیر بنایی آن یعنی تئوری استنباط متناظر انتظار می‌رفت. این نتایج در قالب نمودار ۲ هم ارائه شده است. این نمودار که نتایج بارهای عاملی هر یک از روابط را نشان می‌دهد، شامل متغیر عملکرد^{۱۱}، ویژگی‌های درونی^{۱۲}،

ویژگی‌های روان‌شناختی^{۱۳} و ویژگی‌های بیرونی^{۱۴} است. اعداد موجود روی هر یک از خطوط بیانگر ضرایب استاندارد هر یک از روابط است که تشریح شد.

نتیجه‌گیری

افراد حرفه‌ای در زمینه مالی به‌طور معمول با عملیات گوناگونی از قبیل استدلال علی در ارتباط هستند. این عملیات شامل درک علت رویدادهایی است که در گذشته اتفاق افتاده و همچنین پیش‌بینی رویدادهایی است که در آینده اتفاق خواهد افتاد. نظریه‌های مربوط به تشخیص و پیش‌بینی، از لحاظ مسیر استنتاج، از یکدیگر متمایز می‌شوند. تشخیص اغلب به استنتاج معکوس معروف است، زیرا هر فرد باید از معلول شروع به استنباط کرده تا علت را مشخص سازد. در مقابل، پیش‌بینی به استنتاج روبه‌جلو معروف است، زیرا هر فرد باید از علت شروع کرده تا معلول را پیش‌بینی نماید.

تصمیمات سرمایه‌گذاران دربرگیرنده دو نوع استدلال متفاوت است: نگاه به عقب جهت درک گذشته و نگاه به جلو برای پیش‌بینی آینده. گذشته‌نگری شامل جستجوی الگوها، برقراری ارتباط بین رویدادهایی که ممکن است غیرمرتبط به نظر برسند و آزمون زنجیره‌های موجود برای توضیح یک رویداد است. فرآیند تشخیص دربرگیرنده شناسایی علت یک رویداد مشاهده‌شده، است. یکی از نظریه‌هایی که به بررسی و شناسایی علت رویدادها می‌پردازد تئوری استنباط متناظر یا تئوری اسنادی است. این نظریه به دنبال علیت افراد از نتایج پیامدهایشان است و استنباط این است که موقعیت خاص شخص موجب رفتار اوست. با بررسی پژوهش‌های موجود در حوزه مالی و حتی حوزه روانشناسی به بررسی این تئوری به‌صورت تجربی، پرداخته نشده است. با توجه به این خلأ پژوهشی، در این پژوهش سعی شده است با رویکرد شبه‌تجربی و به‌صورت آزمایشگاهی، این تئوری در واقعیت آزمون شود و نتایج آن با مبنای نظری آن مقایسه شود.

در این پژوهش، عوامل مؤثر بر نتیجه سرمایه‌گذاران، در قالب تئوری استنباط متناظر سنجیده شده است. درواقع، این موضوع بررسی شده است که افراد نتیجه عملکرد رفتار خود (سرمایه‌گذاری در بورس مجازی) را به چه عواملی نسبت می‌دهند. این ارزیابی در قالب پژوهش شبه‌تجربی بروی تعدادی از افرادی که نسبت به سرمایه‌گذاری در بورس آگاهی مشابهی

داشتند، در طی سه مرحله، صورت گرفت و نتایج نشان می‌دهد زمانی که افراد نتیجه نامطلوبی به دست می‌آورند (بازده منفی کسب می‌کنند)، آن را به عوامل بیرونی (اسناد موقعیتی یا بیرونی) و شرایط بازار و سیاسی و اقتصادی و... نسبت می‌دهند؛ و در مقابل، زمانی که عملکرد مطلوب (بازده مثبت کسب می‌کنند) به دست می‌آورند، آن را نتیجه تلاش، مشورت، هوش و ذکاوت خود و به عبارت دیگر آن را به ویژگی‌های درونی (اسناد گرایشی) خود نسبت می‌دهند. این دو نتیجه در واقع مطابق با مفهوم تئوری استنباط متناظر (تئوری اسنادی) و به نوعی تأییدی بر این تئوری در عمل می‌باشد. به عبارت دیگر، مطابق با مبانی نظری تئوری اسنادی که عنوان می‌نماید افراد در صورت کسب عملکرد مطلوب آن را به موقعیت شخصی نسبت خواهند داد، افراد نمونه پژوهش حاضر هم به همین صورت عمل کرده و نتیجه بازده مثبت خود را ناشی از ویژگی‌های شخصی دانسته و در مقابل افرادی که بازده منفی را تجربه کرده‌اند، این نتیجه منفی را به موقعیت و عامل بیرونی نسبت داده‌اند. این موضوع دقیقاً منطبق بر مفاهیم زیر بینایی تئوری اسنادی است. بنابراین، پژوهش حاضر انتظارات قبلی و اولیه در مورد این تئوری را تأیید نمود. نتایج پژوهش حاضر در زمینه تأیید مبانی نظری تئوری استنباط متناظر با نتایج محققانی همچون کریمی (۱۳۸۴)، دلامتر و مایرز (۲۰۱۱)، مک فارلند و رز (۱۹۸۲)، ویل و فریز (۱۹۷۶) و میر (۲۰۱۱) همراستا می‌باشد.

با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌گردد که در توجیه و علت‌یابی تصمیمات خود همواره سه عامل انتخاب، انتظار و هدف را مدنظر قرار دهند؛ و در عامل انتخاب، اسناد رفتارهای اختیاری را در مقابل اسناد رفتارهای اجباری، در عامل انتظار، اسناد رفتارهای قابل پیش‌بینی را در مقابل اسناد رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی و در عامل هدف نیز اسناد رفتارهای موردنظر را در کنار هم مدنظر قرار دهند. همچنین، به محققان در پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌گردد که کاربرد این تئوری را در زمینه‌هایی همچون مدیریت سود، انتخاب رویه‌های حسابداری، انتخاب پرتفوی سرمایه‌گذاری، انتخاب موقعیت خرید یا فروش در قراردادهای آتی و مواردی نظیر آن بررسی نمایند.

بی‌نوشت

۱ Correspondent Inference Theory	۲ Choice
۳ Accidental or Intentional Behavior	۴ Social Desirability
۵ Hedonic Relevance	۶ Personalism
۷ Self-serving Bias	۸ Prospect Theory
۹ Comparisons fitting index	۱۰ Parsimony fitting index
۱۱ PER	۱۲ PRIVATE
۱۳ MEDIANE	۱۴ PUBLIC

منابع

- Agrawal, D. , Singhal, T. , & Swarup, K. S. (2016). Role of Herding Behavior in Influencing Investor Decision Making in India. *Indian Journal of Research in Capital Markets*, 3 (4) , 43-48.
- Amirshahi, M. , Shirazi, M. , & Seeyahteri, V. (2007) Identifying and Prioritizing Factors Affecting the Investors' Decision in Tehran Stock Exchange, *Iranian Journal of Management Sciences*, 2 (8) , 159-179. (in Persian)
- Bello, A. , Smolarski, J. , Soydemir, G. , & Acevedo, L. (2017). Investor behavior: hedge fund returns and strategies. *Review of Behavioral Finance*, 9 (1) , 14-42.
- Berkowitz, L. (1965). The concept of aggressive drive: Some additional considerations. In *Advances in experimental social psychology* (Vol. 2, pp. 301-329). Academic Press.
- Chadee, D. (2011). *Theories in Social Psychology*, Wiley-Blackwell.
- Cheraghi, G. , Omidi, G. , & Moradian, C. (2013). Behavioral factors affecting on investors' decision-making process in Tehran stock exchange. 2nd. International Conference on Management, Entrepreneurship, and Economic Development, Iran, Qom, Payam Noor University. (in Persian)
- Clark-Murphy, M. , & Soutar, G. N. (2004). What individual investors value: Some Australian evidence. *Journal of Economic Psychology*, 25 (4) , 539-555.
- Dahlquist, M. , Martinez, J. V. , & Söderlind, P. (2016). Individual investor activity and performance. *The Review of Financial Studies*, 30 (3) , 866-899.
- Danayee, M. (2014). Resource of fundamental error in attribution. www.pajoohi.ir (in Persian)
- DeLamater, J. D. , & Myers, D. J. (2011). *Social Psychology* (7th ed.). Wadsworth Publishing, Cengage Learning.

- Fiske, S. T. , & Taylor, S. E. (1991). *Social cognition* (2nd ed.). New York: McGraw-Hill
- Heider, F. (1958). *The Psychology of Interpersonal Relations*. New York: Wiley.
- Islamoğlu, M. , Apan, M. , & Ayvali, A. (2015). Determination of factors affecting individual investor behaviours: A study on bankers. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 5 (2) , 531-543.
- Jagongo, A. O. , & Mutswenje, V. S. (2014). A survey of the factors influencing investment decisions: the case of individual investors at the NSE.
- Jones, E. E. , & Davis, K. E. (1965) From acts to dispositions: the attribution process in social psychology, *Advances in experimental social psychology*, 2, 219-266.
- Karimi, Y. (2005). *Social Psychology*. Arasbaran Publications. (in Persian)
- Khademi Gerashi, M. , & Ghazizadeh, M. (2007). Investigation of factors affecting on stock holders' decision making in Tehran stock exchange based on structural equation model. *Daneshvar Raftar*, 14 (23) , 1-12. (in Persian)
- Kwan, B. M. , Bryan, A. D. , & Sheeran, P. (2018). The dynamics of success and failure: How post-behaviour evaluations relate to subsequent exercise intentions and behaviour. *Psychology & health*, 33 (7) , 888-905.
- Lodhi, S. (2014). Factors influencing individual investor behaviour: An empirical study of city Karachi. *Journal of Business and Management*, 16 (2) , 68-76.
- Marzouk, W. G. (2017). The Role of Cognitive and Affective Corporate Reputation in Investor Behavior: An Empirical Investigation in Egyptian Stock Exchange Market. *Journal of Research in Marketing*, 6 (3) , 485-509.
- McFarland, C. , & Ross, M. (1982). Impact of causal attributions on affective reactions to success and failure. *Journal of Personality and Social Psychology*, 43 (5) , 937.
- McLeod, S. A. (2010). *Attribution theory*. Simply Psychology.
- Melli Bank (2010). Factors affecting on investment in Tehran stock exchange. *News and educational magazine of Melli bank*, 164, 21-26. (in Persian)
- Merikas, A. A. , Merikas, A. G. , Vozikis, G. S. , & Prasad, D. (2004). Economic factors and individual investor behavior: The case of the Greek stock exchange. *Journal of Applied Business Research (JABR)* , 20 (4) , 93-98.

- Moskowitz, G. B. , & Olcaysoy Okten, I. (2016). Spontaneous goal inference (SGI). *Social and Personality Psychology Compass*, 10 (1) , 64-80.
- Myers, D. G. (2011). *Exploring Social Psychology*. (6th ed.). McGraw-Hill.
- Nagy, R. A. , & Obenberger, R. W. (1994). Factors influencing individual investor behavior. *Financial Analysts Journal*, 50 (4) , 63-68.
- Nyamute, W. , Oloko, M. , & Lishenga, J. (2017). The Relationship between Investor Behavior and Portfolio Performance at the Nairobi Securities Exchange.
- Parmitasari, R. D. A. , Hamzah, D. , Alam, S. , & Laba, A. R. (2018). Analysis of Ethics and Investor Behavior and Its Impact on Financial Satisfaction of Capital Market Investors. *Scientific Research Journal (SCIRJ)* , 6 (1) , 51-69.
- Saedi, R. , & Mokhtarian, O. (2009) , An investigation on effective factors on investment decision-making in Tehran exchange market. *Quarterly Financial Accounting*, 1 (3) , 147-168. (in Persian)
- Scott, William R. (2012). *Accounting Theory* (6th rd.). Pearson Canada Inc.
- Shah, M. S. , & Dalvadi, Y. (2016). An Empirical Study on Factors Governing Investment of Individual Investor in Equity. *We'Ken-International Journal of Basic and Applied Sciences*, 1 (3) , 94-101.
- Valle, V. A. , & Frieze, I. H. (1976). Stability of causal attributions as a mediator in changing expectations for success. *Journal of Personality and Social Psychology*, 33 (5) , 579.
- Yuniningsih, Y. , Widodo, S. , & Wajdi, M. B. N. (2017). An analysis of Decision Making in the Stock Investment. *Economic. Journal of Economic and Islamic Law*, 8 (2) , 122-128.



بررسی مقایسه‌ای بهای تمام شده فرآیند درمان بیماران گوارش اطفال با استفاده از مدل‌های بهایابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا و سنتی (مورد مطالعه: بیمارستان شهید صدوقی یزد)

محمد رضا حاجی قاسمی^۱، مهدیه اژدری^۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۷/۱۵

مقاله پژوهشی

چکیده

الزامات قانونی و کمک به تصمیم‌گیری مدیریت درمانی، اهمیت استفاده از روش مناسب بهایابی در بیمارستانهای دولتی را بیش از پیش نمایان ساخته است. پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کاربردی توسعه‌ای است که به محاسبه بهای تمام شده خدمات ارائه شده به بیماران گوارش اطفال بیمارستان شهید صدوقی یزد در سال ۱۳۹۶ پرداخته است. نتایج پژوهش نشان داد که هزینه‌های سربار و هزینه ظرفیت بلااستفاده سربار به ترتیب ۴۴/۶۸٪ و ۱۰/۲۲٪ از کل هزینه‌های فرآیند درمان را به خود اختصاص داده است. ظرفیت عملی بلااستفاده رسته‌های شغلی درگیر در فرآیند درمان شامل پزشک، دستیار، کارورز، پرستار، منشی، تکنسین تصویربرداری و آزمایشگاه به ترتیب معادل، ۴۲۸۳، ۵۱۳۴، ۷۲۳۹، ۵۹۰۴، ۲۸۲، ۵۸۰ و ۴۴۰ دقیقه بود. یافته‌های پژوهش ضمن تأیید معنی‌داری بهای تمام شده خدمات ارائه شده به هر دو روش بهایابی نشان داد، سیستم سنتی با نادرست نشان دادن برخی از خدمات ارائه شده به بیماران منجر به تصمیم‌گیری اشتباه مدیریت خواهد شد. همچنین، مدل زمان‌گرا، با استفاده از معادلات زمانی می‌تواند بهای تمام شده خدمات را به‌طور صحیح‌تری، گزارش نماید.

واژه‌های کلیدی: بهایابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا، خدمات درمانی، ظرفیت بلااستفاده، گوارش اطفال

طبقه‌بندی موضوعی: M41

10.22051/ijar.2020.27016.1523:DOI

^۱ دانشجوی دکتری گروه حسابداری، دانشگاه ملی تاجیکستان، دوشنبه، تاجیکستان (hajighasemi.m.r@gmail.com)

^۲ کارشناسی ارشد گروه حسابداری، دانشگاه علم و هنر، یزد، ایران (نویسنده مسئول)، (ajdariiii1371@gmail.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

مقدمه

در سال‌های اخیر، اهمیت پیاده‌سازی سیستم بهای تمام شده در بخش عمومی، با وضع قوانین گوناگون توسط دولت وارد مراحل جدیدی شده است. قوانین بودجه سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ کل کشور (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳)، مواد ۱۳۸ و ۱۴۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۳)، ماده ۲۱۹ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، ۱۳۸۹)، ماده ۱۶ قانون مدیریت خدمات کشوری (رونق، ۱۳۹۵) و بند (پ) ماده ۷ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۹۵)، الزام بخش عمومی را در پیاده‌سازی و استقرار سیستم بهای تمام شده نشان می‌دهد. این موضوع در قوانین بودجه سال‌های جاری جدید بیشتری پیدا کرده است. بدین گونه که در ماده واحده قانون بودجه کل کشور سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ در بند (الف) تبصره ۲۰، در متنی مشابه بیان شده است: «در اجرای بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد، تمامی دستگاه‌های اجرائی موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری از جمله بانک‌ها و شرکت‌های دولتی، مکلفند در سال ۱۳۹۷ (۱۳۹۸) نسبت به استقرار یا تکمیل سامانه حسابداری قیمت (بهای) تمام شده اقدام نمایند» (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸). از سوی دیگر وزارت اقتصاد و امور دارایی از سال ۱۳۹۴ و با اجرایی نمودن نظام حسابداری بخش عمومی با رویکرد تعهدی، یکی از اهداف اصلی آن را ایجاد بستر لازم جهت استخراج و محاسبه دقیق بهای تمام شده برنامه‌ها، فعالیت‌ها، خدمات و محصولات در راستای بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد می‌داند (معاونت نظارت مالی و خزانه داری کل کشور، ۱۳۹۵). تأکید قوانین متعدد کشور بر استقرار سیستم بهای تمام شده و اجرای حسابداری تعهدی در بخش عمومی، برای کنترل موثرتر هزینه‌ها، ارزیابی عملکرد بهتر و برنامه‌ریزی دقیق‌تر در دستگاه‌های اجرایی است. در این راستا، مراکز درمانی و بیمارستان‌ها-که عمدتاً دولتی هستند- به‌عنوان یکی از سازمان‌های اصلی ارائه‌دهنده خدمات سلامت، حساسیت و اهمیت ویژه‌ای در اقتصاد سلامت دارند. بنابراین، شناخت و تجزیه و تحلیل منابع مالی و مراکز بهای بیمارستان‌ها در تصمیم‌گیری‌های دقیق مدیریتی بسیار مهم است (افشاری و همکاران، ۱۳۹۵). طراحی و اجرای یک سیستم بهایابی نوین خواهد توانست علاوه بر شناسایی هزینه‌های

واقعی ارائه خدمت، اطلاعات مناسبی در اختیار مدیران سطوح مختلف دولتی، خصوصاً وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دانشگاه‌های علوم پزشکی و بیمارستانهای دولتی قرار دهد. نتایج یک چنین سیستم اطلاعاتی، می‌تواند به‌عنوان مبنای مناسبی در پرداخت‌های مبتنی بر عملکرد، تعرفه‌گذاری خدمات بیمارستانی، کنترل هزینه، بودجه‌ریزی عملیاتی و نهایتاً خصوصی‌سازی و واگذاری خدمات، مورد استفاده واقع شود. بدون وجود یک چنین سیستمی هرگونه تلاش در راستای اهداف ذکر شده بی‌نتیجه خواهد ماند (نوری و همکاران، ۱۳۹۵). مدل بهایابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا ۱۱ که مدل ساده شده بهایابی بر مبنای فعالیت سنتی است، با استفاده از معادلات و محرک‌های زمانی ۲، تخصیص‌های سربار را اصلاح و بهای تمام شده محصولات و خدمات را به طور صحیح‌تری گزارش می‌نماید. همچنین، این مدل با اندازه‌گیری ظرفیت بلااستفاده و هزینه آن، مدیران را در امر ارزیابی عملکرد بخش‌های سازمان یاری می‌کند (اسماعیل زاده و همکاران، ۱۳۹۴). مدیران بیمارستانها و مراکز درمانی با استفاده از روش بهایابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا قادر خواهند بود به آسانی بهای دقیق‌تر فعالیت‌های درمانی را محاسبه و بر اساس آن برنامه‌ریزی مناسبی داشته باشند (دمیر و همکاران، ۲۰۰۹).

از آنجایی که پیشگیری و درمان کودکان برای جامعه از اهمیت فراوانی برخوردار است و گستره خدمات درمانی آنها در بزرگترین بیمارستان دولتی استان یزد، در بخش اطفال بیمارستان شهید صدوقی یزد صورت می‌گیرد، ضرورت تفکیک بهای تمام شده خدمات درمانی به این قشر، مدنظر این پژوهش قرار گرفته است. بنابراین، هدف از این پژوهش، به کارگیری مدل بهایابی بر مبنای فعالیت زمان-گرا به منظور محاسبه بهای تمام شده خدمات ارائه شده به بیماران گوارش اطفال بیمارستان شهید صدوقی یزد و مقایسه آن با مدل بهایابی به روش سنتی است تا علاوه بر توسعه دانش در خصوص بهایابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا، اطلاعات دقیق‌تری نسبت به مدل بهایابی سنتی ارائه دهد. افزون بر آن به کارگیری این مدل، می‌تواند به بهبود برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مدیران و حتی تغییر در تعرفه‌های درمان منجر شود.

بهایابی بر مبنای فعالیت زمان گرا

مدل بهایابی بر مبنای فعالیت زمان گرا، رویکردی ساده و جذاب، اما قوی در بهایابی فرآیندهای یک واحد تجاری است که گزارشگری جامعی از سود و زیان را برای پیچیده‌ترین سازمان‌ها فراهم می‌کند. این روش، مرحله اول روش بهایابی بر مبنای فعالیت (تخصیص هزینه‌های منابع به فعالیت‌ها) را ساده کرده و به منظور اجتناب از معادلات پیچیده و متنوع، معادلات زمانی را معرفی می‌کند. این معادلات، مدت زمان انجام یک فعالیت در یک فرآیند را خلاصه می‌کند. به همین دلیل، تمرکز روش بهایابی بر مبنای فعالیت زمان گرا به جای فعالیت‌ها بر فرآیندها است و نتیجه این موضوع کنترل بیشتر است (کپلن و اندرسون، ۲۰۰۷). سادگی این روش نیز به دلیل آن است که تنها دو عامل شامل هزینه هر واحد ظرفیت تأمین شده ۳ و مقدار ظرفیتی که هر معامله، محصول یا مشتری مصرف می‌کند (زمان انجام فعالیت‌ها)، باید برآورد شود (کپلن و اندرسون، ۲۰۰۷).

هر واحد ظرفیت تأمین شده، زمان مورد نیاز کارکنان جهت انجام فرآیند یا فعالیت را به‌ازای هر دقیقه کار نشان می‌دهد (اندرسون و همکاران، ۲۰۱۷). این پارامتر در واحد زمان بواسطه تقسیم هزینه کل (تمام منابع مورد نیاز) بر ظرفیت عملی ۴ تعیین شده، محاسبه می‌شود. هزینه هر واحد ظرفیت تأمین شده با استفاده از مدل شماره (۱)، محاسبه می‌شود (کپلن و اندرسون، ۲۰۰۷).

$$\text{مدل (۱)} = \frac{\text{هزینه ظرفیت عرضه شده}}{\text{ظرفیت عملی منابع تأمین شده}} = \text{هزینه هر واحد ظرفیت تأمین شده}$$

با استفاده از معادلات زمانی (مانند مدل ۲) می‌توان زمان صرف شده به وسیله هر رویداد و مربوط به هر فعالیت را در تابعی با ویژگی‌های متفاوت نمایش داد. این مدل، زمان مورد نیاز برای رویداد k مربوط به فعالیت j را با تعداد p محرک زمانی مفروض x نشان می‌دهد. در این مدل t_{jk} زمان مصرف شده به وسیله رویداد k مربوط به فعالیت j ، B_{0j} ضریب ثابت زمانی برای فعالیت j و مستقل از ویژگی‌های رویداد k ، B_{1k} زمان صرف شده به وسیله یک واحد از محرک زمانی شماره ۱، x_1 محرک زمانی شماره ۱، x_2 محرک زمانی شماره ۱ و x_p محرک

زمانی شماره p و p تعداد محرک‌های زمانی تعیین‌کننده زمان مورد نیاز برای انجام فعالیت j است (براکمن و همکاران، ۲۰۰۸).

$$t_{j,k} = \beta_0 + \beta_1 \cdot X_1 + \beta_2 \cdot X_2 + \dots + \beta_p \cdot X_p \quad \text{مدل (۲)}$$

پس از محاسبه زمان صرف شده به وسیله هر رویداد مربوط به هر فعالیت، می‌توان بهای تمام شده کل رویدادهای مربوط به همه فعالیت‌ها را از جمع بهای تمام شده فعالیت‌ها و بهای تمام شده کل موضوع بها و با استفاده از مدل شماره (۳) محاسبه کرد. که در این مدل C_{min} بهای تمام شده هر واحد زمان، n تعداد مخازن منابع، m تعداد فعالیت‌ها و i تعداد زمان‌هایی که فعالیت j انجام شده است، می‌باشد (براکمن و همکاران، ۲۰۰۸).

$$Total\ costs = \sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^m \sum_{k=1}^i t_{j,k} * C_{min} \quad \text{مدل (۳)}$$

پیشینه پژوهش

نیلسی و پلوف (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان بهبود مسیر درمان سرطان پستان با استفاده از مدل بهایابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا، نشان دادند اجرای مدل بهایابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا، به استفاده‌کنندگان اطلاعات واضح‌تری در مورد هزینه‌ها ارائه می‌دهد. پس از درک این هزینه‌ها، می‌توان تصمیماتی راجع به تخصیص بهتر منابع اتخاذ نمود و این امکان را فراهم آورد که روش‌های ناب را به مرحله اجرا درآورد. نتیجه این سازماندهی، بهینه‌سازی مسیر درمان و کاهش هزینه‌های آن است.

نیلسون و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی به ارزیابی هزینه‌های تحویل برای پرتو درمانی خارجی و پرتو درمانی داخلی سرطان پیشرفته دهانه رحم با استفاده از بهایابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا، پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد هزینه کل پرتو درمانی برای سرطان دهانه رحم، ۱۲۸۶۱/۶۸ دلار و هزینه‌های پرسنل ۴۹/۸٪ است. هزینه پرتو درمانی داخلی معادل ۸۶۱۰/۶۸ دلار (۶۶/۹ درصد از بهای تمام شده کل) و هزینه پرتو درمانی خارجی معادل ۵۵۰۴/۱۰ دلار (۳۱/۵ درصد از بهای تمام شده کل) بود. به‌طور کلی اجرای مدل بهایابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا برای سرطان دهانه رحم نشان‌دهنده این است که توزیع چشمه‌های پرتو درمانی داخلی و منابع پرسنلی اکثریت هزینه‌ها را تشکیل می‌دهد.

یو و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان بهایابی بر مبنای فعالیت زمان گرا مدل پویای ارزیابی ارزش درآپاندیس کودکان به این نتایج دست یافتند که بیش از ۶۲٪ بهای تمام شده هر عمل جراحی آپاندیس کودکان با استفاده از روش بهایابی بر مبنای فعالیت زمان گرا را هزینه‌های مربوط به کارکنان و مابقی را هزینه‌های مصرفی تشکیل می‌دهد. آنها در پژوهش خود نشان دادند بهایابی بر مبنای فعالیت زمان گرا می‌تواند تغییرات حاصل از ارائه مراقبت‌های بهداشتی در نتیجه‌ی بهبود و توسعه مداخلات را به شیوه‌ای پویا مدل سازی کند.

یان و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی به ارزیابی مدل بهایابی بر مبنای فعالیت زمان گرا در بخش مراقبت‌های اورژانسی پرداختند. نتایج پژوهش مفید و دقیق بودن بهایابی بر مبنای فعالیت زمان گرا در بخش مراقبت‌های اورژانسی را تأیید کرد. همچنین، اجرای این مدل می‌تواند برای بهبود فرآیند در بخش‌های اورژانس نیز پیاده‌سازی شود.

ظاهری و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود به مقایسه بهای تمام شده خدمات ارائه شده به بیماران در بخش آنکولوژی به روش‌های هزینه‌یابی سنتی و هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت در بیمارستان توحید کردستان پرداختند. نتایج آنها نشان داد بهای تمام شده خدمات ارائه شده بر اساس روش هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت حدود ۶ میلیارد ریال از روش هزینه‌یابی سنتی بیشتر است. این موضوع نشان می‌دهد استفاده از روش هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت، اطلاعات واقعی‌تری را در مورد هزینه‌ها ارائه می‌کند.

عالمشاه (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان محاسبه بهای تمام شده خدمات بخش آزمایشگاه درمانگاه اعلی‌هیرندی تأمین اجتماعی اصفهان بر اساس روش بهایابی بر مبنای فعالیت زمان گرا و مقایسه آن با تعرفه‌های مصوب در سال ۱۳۹۴ به این نتایج دست یافت که بین بهای تمام شده واقعی خدمات و تعرفه‌های مصوب، تفاوت وجود دارد. در نتیجه بهتر است برای قیمت‌گذاری درست‌تر خدمات، از روش‌های دقیق محاسبه هزینه‌ها مانند روش بهایابی بر مبنای فعالیت زمان گرا استفاده شود. همچنین، نتایج حاکی از آن بود که بهای تمام شده برخی از خدمات ارائه شده در این بخش کمتر از تعرفه‌های مصوب و برخی بیشتر است.

محسنی و کوشکچی (۱۳۹۶) به بررسی مقایسه بهایابی بر مبنای فعالیت زمان گرا و بهایابی سنتی در شرکت‌های داروسازی پرداختند. براساس نتایج حاصل، به کارگیری بهایابی بر مبنای فعالیت زمان گرا نسبت به بهایابی بر مبنای فعالیت سنتی نتایج بهتری را نشان می‌دهد. بنابراین،

شرکت‌های داروسازی سراسر کشور می‌توانند از روش بهایابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا استفاده کنند. استفاده از این روش موجب دستیابی به بهای تمام شده واقعی و صحیح می‌شود، از زیان‌های حاصل از بهایابی اشتباه جلوگیری می‌کند و باعث کاهش هزینه‌ها و کارایی بیشتر می‌شود.

محبی و طالب‌نیا (۱۳۹۵) در پژوهشی به مقایسه بهای تمام شده خدمات ارائه شده به بیماران مبتلا به دیابت با استفاده از روش‌های بهایابی سنتی و بهایابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا در مجتمع بهداشتی درمانی نادر کاظمی شیراز پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که بهای تمام شده خدمات ارائه شده به بیماران دیابتی به روش بهایابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا، بیشتر از روش سنتی است. این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار بود. در بخش هزینه‌های مستقیم، حقوق پزشکان متخصص و در بخش هزینه‌های غیرمستقیم، استهلاك بخش‌های اداری و پشتیبانی، بیشترین سهم و استهلاك تجهیزات پزشکی کمترین سهم را در محاسبه بهای تمام شده به روش بهایابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا داشت.

پاکدل (۱۳۹۳) به بررسی محاسبه بهای تمام شده آزمایش‌های تشخیص طبی بالینی به روش بهایابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا و مقایسه آن با تعرفه‌های دولتی در آزمایشگاه مجتمع درمانی شهید آیت‌الله مطهری شیراز پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد که بین بهای تمام شده آزمایش‌های تشخیص طبی بالینی به روش بهایابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا و تعرفه ثابت اعلام شده در بخش دولتی تفاوت معناداری وجود دارد. به‌طوریکه بهای تمام شده آزمایش‌ها به روش بهایابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا از تعرفه دولتی مربوط کمتر می‌باشد. همچنین، یافته‌ها حاکی از آن است که سیستم بهایابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا می‌تواند به‌عنوان سیستمی کارا جهت محاسبه بهای تمام شده واقعی خدمات در آزمایشگاه‌ها بکار گرفته شود.

نمازی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود به بررسی تطبیقی مدل بهایابی بر مبنای فعالیت فازی ۵ و مدل بهایابی بر مبنای فعالیت سنتی در خدمات بیمارستانی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان داد اختلاف معنی‌داری بین بهای تمام شده خدمات محاسبه شده بر اساس مدل بهایابی بر مبنای فعالیت سنتی و مدل بهایابی بر مبنای فعالیت فازی در بخش‌های تشخیصی بیمارستان وجود دارد. افزون بر این، اختلاف معنی‌داری بین بهای تمام شده محاسبه شده بر اساس هر یک از دو مدل با تعرفه‌های وضع شده وجود دارد.

فرضیه پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه پژوهش به شرح زیر است:

بین اطلاعات بهای تمام شده خدمات ارائه شده به بیماران گوارش بخش اطفال بیمارستان شهید صدوقی یزد بر اساس سیستم بهایابی سنتی و سیستم بهایابی بر مبنای فعالیت زمان گرا، تفاوت معنی داری وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، در زمره تحقیقات کاربردی توسعه‌ای و از نظر گردآوری داده‌ها، چون پژوهش بهای تمام شده خدمات بیماران گوارش اطفال در سال ۱۳۹۶ را محاسبه می‌نماید، از نوع پژوهش‌های توصیفی و گذشته‌نگر و از نوع بررسی موردی است. به منظور گردآوری داده‌های مالی به بررسی اسناد و مدارک حسابداری پرداخته شده و به منظور تعیین مبنای منطقی تسهیم هزینه‌ها و شناسایی فعالیت‌ها و فرآیندهای درمانی از مصاحبه و مشاهده مستقیم استفاده شده است. برای آزمون فرضیه پژوهش، ابتدا با استفاده از آزمون "کولموگوروف - اسمیرنوف" ۶ نرمال بودن داده‌ها در هر یک از روش‌ها بررسی شد. سپس، بر اساس نرمال بودن یا نبودن داده‌ها در هر یک از روش‌ها از آزمون پارامتریک تی وابسته (تی زوجی ۷) یا آزمون ناپارامتریک ویلکاکسون ۸ استفاده شد. داده‌های فرضیه توسط نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

فرآیند اجرای پژوهش

بهایابی بر مبنای فعالیت زمان گرا

به منظور محاسبه بهای تمام شده خدمات ارائه شده به بیماران گوارش اطفال بیمارستان شهید صدوقی یزد با استفاده از مدل بهایابی بر مبنای فعالیت زمان گرا، ابتدا تمامی خدمات ارائه شده به این گروه از بیماران از سیستم اطلاعات بیمارستان دریافت شد، سپس با در نظر داشتن شرایط عادی بیماران گوارش اطفال، توسط سرپرستار بخش اطفال اعتبارسنجی شد. خدمات ارائه شده به بیماران گوارش اطفال شامل دو گروه به شرح زیر است:

- خدمات ارائه شده در بخش اطفال؛
 - خدمات ارائه شده در مراکز تشخیصی شامل، مرکز فعالیت رادیولوژی، مرکز فعالیت سونوگرافی، مرکز فعالیت سی تی اسکن و مرکز فعالیت آزمایشگاه.
- گام‌های زیر به ترتیب طبق مراحل بیان شده توسط براگمن (۲۰۰۵) دنبال شد:
- مرحله اول: شناسایی گروه‌های مختلف منابع و برآورد هزینه هر گروه
- هزینه‌های پرسنلی: این هزینه‌ها شامل هزینه‌های پرسنلی مستقیم و غیرمستقیم درگیر در فرآیند درمان و مراکز پشتیبانی از درمان شامل دستیاران مدیریتی، متخصصین، سرپرستار، پرستاران، منشی، بیهوشی، خدمات، انتظامات، تکنسین آزمایشگاه، تکنسین تصویربرداری، حسابداری، فناوری اطلاعات، آمار، درآمد و بیمه‌گری، آشپزخانه است. داده‌های هزینه‌ای از خروجی سیستم مالی بیمارستان شامل حقوق، بیمه، بازنشستگی، پاداش، عیدی، هزینه مزایای پایان خدمت، هزینه مرخصی استفاده نشده، حق مدیریت، حق محرومیت از مطب، کارانه و بن‌های سالیانه دریافت شده است. لازم به ذکر است برای پزشکان، دستیاران و پرسنل بیمارستان شهید صدوقی که در سایر مراکز درمانی و بیمارستانی فعالیت داشتند و یا پزشکان، دستیاران و پرسنلی که نیروی اصلی بیمارستان شهید صدوقی نبودند، اما بخشی از حقوق و دستمزد آنها به واسطه خدمت در بیمارستان شهید صدوقی محاسبه می‌شود، به نسبت کارانه دریافتی از بیمارستان شهید صدوقی، سهم حقوق و دستمزد آنها در بهای تمام شده پرسنلی بیمارستان شهید صدوقی یزد محاسبه شد.
 - هزینه مواد: مواد مورد استفاده در فرآیند درمان شامل دو گروه هستند؛ مواد عمومی (هتلینگ) که باید سهم آنها در فرآیند درمان محاسبه شود. گروه دوم، هزینه موادی هستند که مستقیماً به منظور درمان بیمار مصرف شده و جزء هزینه‌های درمان محاسبه شده است.
 - هزینه‌های استهلاک: هزینه‌های استهلاک شامل استهلاک ساختمان، تأسیسات، اثاثه‌اداری و تجهیزات پزشکی از خروجی سیستم مالی بیمارستان دریافت شد. هزینه استهلاک ساختمان و تأسیسات بر مبنای مساحت بین مراکز فعالیت تسهیم شد. هزینه استهلاک اثاثه اداری و تجهیزات پزشکی، با استفاده از اطلاعات موجود در مرکز اموال بیمارستان و تعیین محل دقیق استقرار آنها، ردیابی شد.

- سایر هزینه‌های سربار: تمامی هزینه‌هایی که در موارد بالا ذکر نشد شامل آب، برق، گاز، تلفن، تعمیرات، پوشاک و لباس پرسنل، چاپ آگهی‌های اداری، اینترنت، ابزار و یراق، لوازم و تجهیزات رایانه و... به نسبت سهم استفاده شده در درمان بیماران گوارش اطفال و با استفاده از محرک‌های مناسب که از مصاحبه‌ها استخراج شدند نظیر مساحت، تعداد پرسنل کل، تعداد رایانه، تعداد پرسنل اداری، تعداد دستگاه و تجهیزات و... مورد محاسبه قرار گرفت.

- در مجموع ترکیب هزینه‌ها به شرح زیر محاسبه شده است:

مواد مستقیم، ۱۳/۰۸٪، دستمزد مستقیم، ۳۵/۹۱٪ و سربار، ۵۱/۰۱٪

مرحله دوم: تخمین ظرفیت هر گروه از منابع

در این پژوهش به منظور محاسبه هر چه دقیق‌تر ظرفیت عملی، از قوانین و آیین‌نامه‌های وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی استفاده شده است (امین لو و فرزاد، ۱۳۹۴؛ کشاورزی و همکاران، ۱۳۹۱؛ قانون نحوه نظارت بر عملکرد دانشجویان پزشکی، محدوده فعالیت، شرح وظایف کلی و نحوه نظارت بر عملکرد کارورزان پزشکی در بیمارستان به منظور اطمینان از رعایت ایمنی بیمار و آموزش، ۱۳۹۴؛ قانون ارتقای بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت، ۱۳۹۰؛ قانون حفاظت در برابر اشعه، ۱۳۶۲). در این راستا، در جهت تخمین ظرفیت عملی هر یک از رسته‌های شغلی فرآیند درمان بیماران گوارش اطفال، ساعت کاری کارکنان طبق قوانین و مقررات کارکنان رسته‌های شغلی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی که شامل گروه‌های متنوعی از نظر قوانین بودند و روزهای کاری خدمات‌رسانی در بیمارستان شهید صدوقی، در نظر گرفته شد. همچنین، با بررسی‌های گسترده و مصاحبه با کارگزینی و بررسی پرونده پزشکان و بعضاً کارمندان، فقط روزهایی که پرسنل در بیمارستان خدمات‌رسانی داشته‌اند مورد محاسبه قرار گرفت. برای هر گروه از کارکنان درگیر در فرآیند درمان، تمام روزهای سال به جز تعطیلات پایان هفته، تعطیلات ملی و مذهبی، مرخصی استحقاقی و استعلاجی، آموزش، کسر ساعت کار بابت قانون بهره‌وری و حق اشعه و سایر زمان‌های عادی غیرفعال روزانه مانند ساعت نماز محاسبه شد. لازم به ذکر است رسته‌های شغلی موجود شامل رسته خدمات پزشکی، رسته خدمات دستیاری، رسته خدمات کارورزی، رسته خدمات کارشناسی (پرستار، منشی، تکنسین تصویربرداری، تکنسین آزمایشگاه) می‌باشد.

مرحله سوم: محاسبه نرخ بهای ظرفیت

برای محاسبه نرخ بهای ظرفیت گروه‌های مختلف منابع در فرآیند درمان بیماران گوارش اطفال بیمارستان شهید صدوقی یزد، هزینه منابع تامین شده که در مرحله اول محاسبه شده است بر ظرفیت عملی کارکنان تقسیم شد. حاصل این تقسیم، نشان‌دهنده نرخ بهای ظرفیت است. مرحله چهارم: تعیین زمان مورد نیاز هر رویداد مربوط به یک فعالیت، براساس محرک‌های زمانی مختلف

به منظور پیاده‌سازی این مرحله از اجرای پژوهش، بعد از مصاحبه با سرپرستار بخش، تمامی فعالیت‌های انجام شده برای ۳۱۴ بیمار دارای مشکلات گوارشی از قبیل (رفلاکس معده به مری، درد در ناحیه شکم، کولیک، یبوست، اسهال حاد و عدم تحمل پروتئین شیر گاو) طبق نمودار (۱) شناسایی شد. سپس محرک‌های زمانی مناسب نظیر (تعداد بیمار، تعداد خدمت، تعداد بیمار ترخیص شده، تعداد ویزیت، تعداد مشاوره) برای هر کدام از فعالیت‌های ذکر شده انتخاب شد. در مرحله آخر فعالیت‌های شناسایی شده، بر اساس زمان‌سنجی کار، استاندارد شد. شناسایی محرک‌های زمانی و زمان‌سنجی فعالیت‌ها، به تأیید سرپرستار بخش اطفال رسید.

مرحله پنجم: ضرب هزینه واحد هر گروه از منابع در زمان مورد نیاز هر رویداد

حاصل ضرب زمان استاندارد فعالیت‌های شناسایی شده پیرامون درمان بیماران گوارش اطفال (نمودار ۱) در نرخ بهای ظرفیت، نشان‌دهنده هزینه تخصیص یافته (سربار بهایی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا) است. تفاوت ایجاد شده از هزینه تخصیص یافته و تسهیم ثانویه هزینه‌های سربار، نشان‌دهنده هزینه ظرفیت بلااستفاده هزینه‌های عمومی (سربار) است. لازم به ذکر است در این پژوهش برای تسهیم ثانویه هزینه‌های سربار از روش معادلات همزمان (روش دوطرفه) استفاده شده است.

در پایان، به‌منظور محاسبه بهای تمام شده هر یک از خدمات برای بیماران گوارش اطفال، مواد مستقیم، دستمزد مستقیم و سربار تجمیع شد.



نمودار (۱): فرآیند خدمات رسانی به بیماران گوارش اطفال

بهایابی به روش سنتی

در روش بهایابی سنتی فقط از یک مبنا برای جذب هزینه‌های غیرمستقیم استفاده می‌شود. از آنجا که هدف پژوهش حاضر محاسبه بهای تمام شده خدمات ارائه شده به بیمار است، مبنای جذب سربار تعداد بیماران مراکز فعالیت ارائه دهنده خدمت به بیماران گوارش اطفال در نظر گرفته شد. بنابراین، برای محاسبه نرخ جذب سربار از مدل شماره (۴) استفاده شد (مجیبی و طالب‌نیا، ۱۳۹۵).

$$\text{مدل} = \frac{\text{تسهیم ثانویه مرکز فعالیت}}{\text{تعداد بیماران هر مرکز فعالیت}} = \text{نرخ جذب سربار به روش سنتی}$$

(۴)

نرخ جذب سربار در تعداد بیماران هر مرکز فعالیت ارائه‌دهنده خدمت به بیماران گوارش اطفال ضرب شده و سربار سنتی هر مرکز فعالیت به دست آمد. سپس، با جمع مواد مستقیم و دستمزد مستقیم، بهای تمام شده خدمات هر مرکز فعالیت ارائه‌دهنده خدمت به بیماران گوارش اطفال، به روش سنتی محاسبه شد.

یافته‌های پژوهش

به‌منظور محاسبه بهای تمام شده خدمات ارائه شده به بیماران گوارش اطفال، بهایابی سنتی و بر مبنای فعالیت زمان‌گرا در تمامی مراکز ارائه‌دهنده خدمت، پیاده‌سازی شده است. نگاره (۱) بهای تمام شده خدمات ارائه شده به بیماران گوارش اطفال بر اساس روش بهایابی سنتی و روش بهایابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا در تمامی مراکز ارائه‌دهنده خدمت را به تفکیک نشان می‌دهد. با توجه به نگاره (۱)، نتایج زیر حاصل شد:

ترکیب عوامل بها طبق هر دو روش بهایابی در مرکز فعالیت اصلی تصویربرداری نشان می‌دهد که در مراکز فعالیت فرعی رادیولوژی و سونوگرافی بیش از نیمی از ترکیب هزینه‌ها را حقوق و دستمزد تشکیل می‌دهد، اما عمده هزینه‌های مرکز سی‌تی اسکن مربوط به هزینه‌های عمومی (سربار) است. بر اساس روش بهایابی سنتی، در گروه آزمایشات، اطلاعات نشان‌دهنده این موضوع است که تأثیرگذارترین عامل در بهای تمام شده گروه آزمایشات سرولوژی و

بر اساس روش بهایابی بر مبنای فعالیت زمان گرا، در گروه آزمایشات، تأثیرگذارترین عامل در بهای تمام شده گروه آزمایشات سرولوژی و بیوشیمی خون، حقوق و دستمزد پرسنل و در گروه آزمایشات هورمون و ایمونولوژی، هزینه‌های عمومی (سربار) است.

به طور کلی، ترکیب عوامل بهای تمام شده خدمات درمانی ارائه شده به بیماران گوارش اطفال، ۱۲/۰۴٪ مواد مستقیم، ۳۳/۰۶٪ دستمزد مستقیم و ۴۴/۶۸٪ سربار با استفاده از مدل بهایابی بر مبنای فعالیت زمان گرا و هزینه ظرفیت بلااستفاده سربار ۱۰/۲۲٪ از کل هزینه‌های فرآیند درمان و ۱۸/۶۱٪ از هزینه‌های سربار را نشان می‌دهد. در مجموع هزینه‌های سربار و هزینه‌های بلااستفاده سربار ۵۴/۹۰٪ از کل هزینه‌ها را به خود اختصاص داده و به‌عنوان بیشترین عوامل تأثیرگذار در بهای تمام شده خدمات درمانی ارائه شده به بیماران گوارش اطفال شناخته می‌شوند که مستلزم برنامه‌ریزی منطقی قبل از اجرا، نظارت و دقت کافی بر روی این بخش از هزینه‌های درمان می‌باشد. شایان ذکر است از آنجایی که مبنای محاسبه ظرفیت بلااستفاده سربار، ظرفیت عملی کار پرسنل بوده است، در این راستا ظرفیت بلااستفاده کار پرسنل نیز محاسبه شده که برای رسته‌های شغلی پزشکی، دستیاری، کارورزی، پرستاری، منشی‌گری، تکنسین تصویربرداری و آزمایشگاه به ترتیب معادل، ۴۲۸۳، ۵۱۳۴، ۷۲۳۹، ۵۹۰۴، ۲۸۲، ۵۸۰ و ۴۴۰ دقیقه و معادل، ۹/۶۴٪، ۲۴/۱۶٪، ۳۴/۹۱٪، ۳/۰۴٪، ۱/۶۸٪، ۴/۰۵٪ و ۳/۵۷٪ بوده است. مدیران می‌توانند با بازنگری هزینه ظرفیت بلااستفاده و با استفاده از فن مهندسی ارزش، تعیین کنند چگونه می‌توان هزینه‌های بلااستفاده در دوره‌های بعد را کاهش داد تا از هزینه‌های بلااستفاده در جای دیگر و برای ارائه خدمات دیگری استفاده شود و به این ترتیب منجر به افزایش کارایی و اثربخشی هزینه‌ها شوند.

آزمون فرضیه پژوهش

به‌منظور آزمون فرضیه پژوهش، داده‌های مربوط به مدل بهایابی به روش سنتی و بهایابی بر مبنای فعالیت زمان گرا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نگاره (۲) آمار توصیفی فرضیه پژوهش را نشان می‌دهد.

نگاره (۲): آمار توصیفی مربوط به فرضیه پژوهش

نوع بهایابی	تعداد خدمت	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
بهایابی سنتی	۵۴	۳۲۱۵۱	۱۸۹۷۹۱۹۹	۲۴۳۶۳۳۸/۵۰	۴۲۸۶۶۸۵/۶۷۷
بهایابی بر مبنای فعالیت زمان گرا	۵۴	۲۰۶۵۶	۲۲۴۶۹۲۵	۲۴۸۹۶۹۲/۰۲	۴۴۶۳۳۲۰/۵۱۵

به منظور آزمون نرمال بودن داده‌ها، فرض صفر: توزیع داده نرمال است و فرض مقابل: توزیع داده‌ها نرمال نیست در نظر گرفته شد. نگاره (۳) آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف را نشان می‌دهد.

نگاره (۳): نتایج حاصل از آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف

بهایابی سنتی		بهایابی بر مبنای فعالیت زمان گرا	
تعداد جامعه		۵۴	
میانگین	۲۴۳۶۳۳۸/۵۰	۲۴۸۹۶۹۲/۰۲	پارامترهای نرمال ^{ab}
انحراف معیار	۴۲۸۶۶۸۵/۶۷۷	۴۴۶۳۳۲۰/۵۱۵	
بیشترین اختلاف	مطلق	۰/۳۰۹	۰/۳۰۴
	مثبت	۰/۳۰۹	۰/۳۰۴
	منفی	-۰/۲۸۷	-۰/۲۹۰
مقدار Z مربوط به معنی‌داری آزمون کولموگوروف-		۰/۳۰۹	۰/۳۰۴
اسمیرنوف		۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
سطح معنی‌داری (دو طرفه)		۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
a توزیع داده‌ها نرمال است			
b به دست آمده از داده‌ها			

نگاره (۳) نشان می‌دهد مقدار سطح معنی‌داری کمتر از ۵ درصد است. در نتیجه ادعای نرمال بودن برای هر دو سیستم بهایابی پذیرفته نمی‌شود و برای آزمون فرضیه پژوهش از روش ناپارامتریک استفاده شد. برای آزمون ناپارامتریک فرض صفر: میانگین جامعه اول = میانگین جامعه دوم و فرض مقابل: میانگین جامعه اول \neq میانگین جامعه دوم است، بیان شد.

نگاره (۴): نتایج حاصل از آزمون ناپارامتریک ویلکاکسون

مجموع رتبه‌ها	میانگین رتبه	تعداد		
۴۸۸/۰۰	۲۵/۶۸	۱۹	رتبه‌های منفی	بهایابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا- سنتی
۹۹۷/۰۰	۲۸/۴۹	۳۵	رتبه‌های مثبت	
۰			هم‌رتبه‌ها	
۵۴			تعداد کل	

بهایابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا- سنتی	
-۲/۱۹۳	مقدار Z مربوط به آزمون ویلکاکسون
۰/۰۲۸	سطح معنی‌داری (دو طرفه)

نتایج حاصل از آزمون ناپارامتریک ویلکاکسون نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری کمتر از ۵ درصد است. بنابراین، فرض صفر رد می‌شود و با اطمینان ۹۵٪ تفاوت معنی‌داری بین اطلاعات بهای تمام شده خدمات گوارش اطفال به روش بهایابی سنتی و بهایابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا، وجود دارد. بدین ترتیب، تفاوت دو روش بهایابی سنتی و بر مبنای فعالیت زمان‌گرا، معنی‌دار و واقعی است و تصادفی یا شانسی نیست. بنابراین، می‌توان در مورد انتخاب از بین دو روش اقدام نمود.

نتیجه‌گیری

مدیران برای انجام هر یک از وظایف خود همواره با مواردی مواجه می‌شوند که نیاز به اخذ تصمیم دارد و برای تصمیم‌گیری در ارتباط با هدف‌های برنامه‌ریزی، کنترل، هدایت و رهبری، هماهنگی نیرو و امکانات نیازمند اطلاعات هستند. یکی از مهمترین اطلاعات مورد نیاز آنها، اطلاعات مالی در سازمان است. نظام‌های حسابداری همواره یکی از مهمترین منابع اطلاعاتی مالی در سازمان است و نظام بهایابی می‌تواند بخش مهمی از نیازهای اطلاعاتی مدیران در زمینه مالی را فراهم کند. اهمیت شناخت و کنترل هزینه چه در مؤسسات دولتی و چه در سازمان‌های خصوصی بر کسی پوشیده نیست، اما دستیابی به این مهم نیازمند طراحی نظامی مناسب و کارا است که قادر به شناخت تنوع و پیچیدگی فعالیت‌ها و سنجش تأثیر آن بر هزینه ارائه خدمات باشد (محسنی و رحمانیان کوشککی، ۱۳۹۷). مدل بهایابی سنتی، به دلیل عدم توانایی در

شبهه‌سازی و اندازه‌گیری شرایط و تصمیم‌گیری‌های مختلف، قادر به پاسخ‌گویی نیازهای مدیریتی نمی‌باشد. این عدم توانمندی ناشی از این حقیقت است که در این مدل محرک‌های هزینه به درستی شناسایی نمی‌شوند و هزینه‌های غیرمستقیم با استفاده از نرخ‌های سربار ناصحیح به موضوع بهایابی تخصیص داده می‌شوند (خلیفه سلطانی و میرزایی کلانی، ۱۳۹۱). بهایابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا به‌عنوان مدلی که علاوه بر شناسایی هزینه فعالیت‌ها، امکان برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری منطقی را برای مدیران فراهم می‌نماید، می‌تواند مبنای مناسبی برای بهایابی در مراکز بهداشتی درمانی باشد، زیرا ماهیت کار این مراکز با سایر بنگاه‌های اقتصادی متفاوت است. در این پژوهش، بهای تمام شده خدمات ارائه شده به بیماران گوارش اطفال به دو روش بهایابی سنتی و بر مبنای فعالیت زمان‌گرا محاسبه شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش نشان داد که بین بهای تمام شده خدمات درمانی ارائه شده به بیماران گوارش اطفال به روش بهایابی سنتی و بر مبنای فعالیت زمان‌گرا، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین، با بررسی یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت در سیستم بهایابی سنتی، خدمات ارائه شده به بیماران گوارش در مرکز فعالیت آزمایشگاه (گروه آزمایشات سرولوژی و بیوشیمی خون) و خدمات مستقیم به بیماران گوارش اطفال، با بیشتر نشان دادن بهای تمام شده خدمات منجر به تصمیم‌گیری نادرست مدیریت خواهد شد. نتایج پژوهش‌های همکاران (۱۳۹۱) با عنوان بررسی تطبیقی مدل بهایابی بر مبنای فعالیت فازی و مدل بهایابی بر مبنای فعالیت سنتی در خدمات بیمارستانی بیمارستان رضوی مشهد نشان داد که بین متوسط بهای تمام شده خدمات ارائه شده در مراکز تشخیصی با استفاده از مدل بهایابی بر مبنای فعالیت سنتی و مدل بهایابی بر مبنای فعالیت با رویکرد فازی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین، با توجه به اینکه ۷۱٪ از خدمات ارائه شده به بیماران در روش هزینه-یابی بر مبنای فعالیت سنتی نسبت به روش هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت فازی بیشتر است، بنابراین استفاده از روش هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت سنتی منجر به بیش از واقع نشان دادن بهای تمام شده و انحراف تصمیم‌گیری‌ها در مورد تخصیص منابع در بخش‌های تشخیصی می‌گردد. نتایج پژوهش محبی و طالب‌نیا (۱۳۹۵) در مجتمع بهداشتی درمانی کاظمی شیراز نشان داد بین بهای تمام شده محاسبه شده برای خدمات ارائه شده به بیماران مبتلا به دیابت در هر سه گروه با استفاده از روش‌های بهایابی سنتی و بر مبنای فعالیت زمان‌گرا تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به‌طور کلی، نتایج پژوهش با نتایج به‌دست آمده در پژوهش نیلسون و همکاران (۲۰۱۸)، یو و همکاران (۲۰۱۷) و یان و همکاران (۲۰۱۷) همخوانی

دارد. علاوه بر آن، این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های داخلی انجام شده توسط عالمشاه (۱۳۹۶) محسنی و کوشککی (۱۳۹۶) و پاکدل (۱۳۹۳) نیز منطبق است. به کارگیری روش بهایابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا در فرآیند محاسبه خدمات درمانی ارائه شده به بیماران گوارش اطفال، موجب شناسایی هزینه ظرفیت بلااستفاده شد. این هزینه ناشی از عدم به کارگیری کامل ظرفیت عملی نیروی انسانی است. دلایل عدم به کارگیری کامل ظرفیت عملی نیروی انسانی را می‌توان وجود نیروی انسانی مازاد و انجام فعالیت‌های فاقد ارزش افزوده دانست. مدیریت بیمارستان با استفاده از هزینه ظرفیت بلااستفاده به دست آمده از پژوهش حاضر، می‌تواند با برنامه‌ریزی صحیح‌تر و تصمیمات منطقی‌تر نظیر تعدیل نیروی انسانی بر اساس اصلاح یا حذف فعالیت‌های فاقد ارزش افزوده موجب کاهش هزینه‌ها در دوره‌های آتی شود. بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود تا در پژوهش‌های آتی، جهت تخمین دقیق‌تر داده‌ها و وجود عدم اطمینان معادلات زمانی، از رویکرد فازی به منظور زمان‌سنجی فعالیت‌ها و محاسبه بهای تمام شده خدمات ارائه شده به بیماران استفاده شود و نتایج آن با روش‌های بهایابی سنتی و بهایابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا مقایسه شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود مدل بهایابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا که در این پژوهش استفاده شده است، در سایر مراکز درمانی مورد اجرا قرار گیرد و نتایج آن با نتایج پژوهش حاضر مقایسه شود. محدودیت‌های پژوهش شامل موارد زیر بوده است:

از آنجایی که عمده‌ترین قسمت کار پژوهش، مسأله بهایابی است، بنابراین نیاز به اطلاعات و مدارک لازم، امری ضروری و غیرقابل اجتناب بوده، اما به جهت حساسیتی که در مورد مسائل مالی و اقتصادی در بیمارستان‌ها وجود دارد، طبیعی است که دسترسی به بسیاری از مدارک برای پژوهشگر به آسانی میسر نبوده و وقت بسیار زیادی در این زمینه صرف شده است.

در بخش درمان به دلیل تنوع بسیار بالای خدمات و شرایط خاص بیماران تنها شرایط عمومی در نظر گرفته شده و از شرایط خاص چشم‌پوشی شد.

پی‌نوشت

۱	Time Driven Activity Based Costing	۲	Time Drivens
۳	Capacity Cost Rate	۴	Practical capacity
۵	Fuzzy Activity Based Costing	۶	Kolmogorov-Smirnov
۷	Paired t-test	۸	Wilcoxon

منابع

- Afshari, M. , Rostampour, S. , Pur-Rostam, A. , & Karanibahador, R. (2017). Evaluating the Cost and Income of Hospitals Under Department of Medical Sciences and Healthcare Services of Maragheh. The First National Conference of Organizational Change and Innovation with Resistance Economy Approach. Iran, Mashhad University of Medical Sciences. (In Persian)
- Alamshah, A. (2017). Calculating the Cost of Services of Laboratory in Alami Herandi Clinic of Isfahan Social Security Organization Using Time-Driven Activity-Based Costing and Comparing it with the Approved Tariffs in 2015. *Journal of Health Accounting*, 6 (1) , 88-110. (In Persian)
- Aminlu, H. , & Farzan, H. (2015). Rules and regulation requirement related to board of trustees of medical sciences and health services of the country and affiliated institutions. Tehran: published in ministry of health and health education. (In Persian)
- Andreasen, S. E. , Holm, H. B. , Jørgensen, M. , Gromov, K. , Kjærsgaard-Andersen, P. , & Husted, H. (2017). Time-driven activity-based cost of fast-track total hip and knee arthroplasty. *The Journal of arthroplasty*, 32 (6) , 1747-1755.
- Bauer-Nilsen, K. , Hill, C. , Trifiletti, D. M. , Libby, B. , Lash, D. H. , Lain, M. , ... & Showalter, T. N. (2018). Evaluation of delivery costs for external beam radiation therapy and brachytherapy for locally advanced cervical cancer using time-driven activity-based costing. *International Journal of Radiation Oncology* Biology* Physics*, 100 (1) , 88-94.
- Bruggeman, W. , Everaert, P. , Anderson, S. R. , & Levant, Y. (2005). Modeling logistics costs using Time-Driven ABC: a case in a distribution company. *Conceptual Paper and Case Study*.
- Demeere, N. , Stouthuysen, K. , & Roodhooft, F. (2009). Time-driven activity-based costing in an outpatient clinic environment: development, relevance and managerial impact. *Health policy*, 92 (2-3) , 296-304.
- Ebadi Fard Azar, F. , A Gorji, H. , & Esmaili, R. (2006). Calculation and unit cost analysis of health care services delivered in shahriar SA bakhshi health center by Activity Based Costing 2006. *Journal of Health Administration*, 9 (23) , 31-40. (In Persian)
- Esmailzadeh Muqerri, A. , Kurdlu'i, H. R. , Nuri, M. (2015). Examination the Application of Time-Driven Activity-Based Costing (TDABC) System in Sina Bank. *Journal Mudiriyyat Kasb-o Kar*, 7 (27) , 81-99. (In Persian)
- Everaert, P. , Bruggeman, W. , Sarens, G. , Anderson, S. R. , & Levant, Y. (2008). Cost modeling in logistics using time-driven ABC. *International Journal of Physical Distribution & Logistics Management*.
- Islamic Parliament Research Center of the Islamic Republic of Iran. (1983). *The Law Against Radiation Protection*. Tehran: The Publication Islamic Parliament Research Center of the Islamic Republic of Iran. (In Persian)
- Islamic Parliament Research Center of the Islamic Republic of Iran. (2018). *The Law of 2018 National Budget*. Tehran: The Publication Islamic Parliament Research Center of the Islamic Republic of Iran. (In Persian)

- Islamic Parliament Research Center of the Islamic Republic of Iran. (2019). The Law of 2019 National Budget. Tehran: The Publication Islamic Parliament Research Center of the Islamic Republic of Iran. (In Persian)
- Kaplan, R. S. , & Anderson, S. R. (2007). The speed-reading organization.
- Kaplan, R. S. , & Anderson, S. R. (2007). Time-driven activity-based costing: a simpler and more powerful path to higher profits. Harvard business press.
- Keshavarzi, A. , Foroughi, M. , & Mokhtarzadegan, R. (2012). Regulation on the professional training in cilinical medical courses. Collected from existing law and regulations of medical science. Shiraz: university and health services in Fars province. (In Persian)
- Khalifeh soltani, A. , & Mirzaei kalani, M. (2013). The Implementation of the Time-Driven Activity Based Costing Model In the Manufacturing Companies. *Management Accounting*, 5 (15) , 83-102. (In Persian)
- Mohebbi, M. , & Talebnia, Gh. (2016). The Comparison of the Cost Price of Services Provided to Diabetic Patients Using Time-Driven Activity-Based Costing and Traditional Methods in Nader Kazemi Shiraz Health Center. *Journal of Health Accounting*, 5 (1) , 43-59. (In Persian)
- Mohseni, A. , & Rahmanian Koushkaki, A. (2017). Examination of Time-Driven Activity-Based Costing and Traditional Costing in Pharmaceutical Companies. The Second International Accounting and Management Conference. Iran, Tehran. (In Persian)
- Mohseni, A. , & Rahmanian Koushkaki, A. (2018). Taking Time-Driven Activity-Based Costing to Identify Better Actions in Academic Libraries (Case Study: Kashan University Library). *Research in Accounting and Auditing*, 8 (3) , 1-20. (In Persian)
- Nabelsi, V. , & Plouffe, V. (2019). Breast cancer treatment pathway improvement using time-driven activity-based costing. *The International Journal of Health Planning and Management*, 34 (4) , e1736-e1746.
- Namazi, M. , Ghaffari, M. J. , & Ebrahimzade Karizaki, M. (2013). A Comparative Review of the Fuzzy Activity Based Costing and Traditional Activity Based Costing Model in Hospital Services. *Journal of Management and Accounting Association*, 1 (4) , 1-14. (In Persian)
- Noori, M. , Markazi Moqhaddam, N. , Goudarzi, R. , & Meshkani, Z. (2016). Surveying Activity Based Costing of Final Units (A Case Study in one of the Armed Forces Hospitals). *Journal of Hospital*, 15 (1) , 41-50. (In Persian)
- Pakdel, L. (2014). Calculating the Cost of Clinical Diagnosis Using Time-Driven Activity-Based Costing Method and Its Comparison with Government-set Fees (Case Study: Laboratory of Shahid Ayatollah Beheshti Clinical Complex) , BSc Thesis, Accounting Department, Faculty of Education and Psychology, Marvdasht Branch. (In Persian)
- Ronagh, M. (2016). Country Service Management Law. Tehran: Farmanesh. (In Persian)
- Tehran university of medical sciences & health services. (2011). Instructions of implmting the law , increase the effeciency of clinical staff of health system and hospitals covered by unversity of medical sciences. Tehran: university of medical sciences & health services. (In Persian)

- The Deputy Director of the National Financial Supervision and Treasury. (2016). The Public Sector Accounting System with Accrual Approach. 3rd ed, Tehran: Rah-e Thuraya. (In Persian)
- The Management and Planning Organization of Iran. (2004). The Law of the Fourth Economic, Social and Cultural Development Plan of the Islamic Republic of Iran. Tehran: The Publication of the Management and Planning Organization of Iran. (In Persian)
- The Management and Planning Organization of Iran. (2016). The Law of the Sixth Economic, Social and Cultural Development Plan of the Islamic Republic of Iran. Tehran: The Publication of the Management and Planning Organization of Iran. (In Persian)
- The Presidential Deputy of Strategic Planning and Supervision. (2010). The Law of the Fifth Economic, Social and Cultural Development Plan of the Islamic Republic of Iran. Tehran: The Publication of the Presidential Deputy of Strategic Planning and Supervision. (In Persian)
- Yangyang, R. Y. , Abbas, P. I. , Smith, C. M. , Carberry, K. E. , Ren, H. , Patel, B. ,... & Lopez, M. E. (2017). Time-driven activity-based costing: A dynamic value assessment model in pediatric appendicitis. *Journal of pediatric surgery*, 52 (6) , 1045-1049.
- Yazd university of medical sciences and health services. (2015). Monitoring the performance of medical students activity range general job description, monitoring the performance of interns in the hospital in order to ensure patient safety and training. Yazd: university of medical sciences and health services. (In Persian)
- Yun, B. J. , Prabhakar, A. M. , Warsh, J. , Kaplan, R. , Brennan, J. , Dempsey, K. E. , & Raja, A. S. (2016). Time-driven activity-based costing in emergency medicine. *Annals of emergency medicine*, 67 (6) , 765-772.
- Zaheri, M. A. , Amini, P. , Meshkani, Z. (2019). Comparing the Cost of Services Provided by Oncology Ward Using Traditional Costing and Activity-Based Costing (A Case Study: Tohid Hospital of Kurdistan). *Journal of Health Accounting*, 7 (2) ,67-81. (In Persian)



کیفیت گزارش مالی، مالکیت خانوادگی و کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق

بهادر تهران

محمد محمدی^۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۰۶

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۲۶

مقاله پژوهشی

چکیده

نظریه نمایندگی، کیفیت گزارشگری مالی را به‌عنوان راه‌حلی برای کاهش چالش سرمایه‌گذاری کم و افزایش سرمایه‌گذاری با کاهش اطلاعات نامتقارن در نظر می‌گیرد. در سرمایه‌گذاری‌های کارا، پیامدهای اقتصادی کیفیت گزارشگری مالی در مالکیت خانوادگی و غیرخانوادگی متفاوت هستند. این پژوهش، ارتباط مالکیت خانوادگی و کیفیت گزارش مالی بر کارایی سرمایه‌گذاری را در طول دوره ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ برای شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی نموده است. همچنین، این پژوهش بر دو نظریه نمایندگی و رفتاری تأکید دارد. براین اساس، مدل‌های پژوهش تحت مدل‌های روش حداقل مربعات معمولی و رگرسیون چندمتغیره برآورد شد و نتایج برای هر یک از مدل‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که شرکت‌ها با کیفیت گزارشگری مالی و مالکیت خانوادگی بالاتر، از کارایی سرمایه‌گذاری بالاتری نیز برخوردار هستند. علاوه بر این، کیفیت گزارشگری مالی و مالکیت خانوادگی بالاتر، میزان سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهند. در کسب و کارهایی که مالکیت خانوادگی دارند، تأثیر کیفیت گزارشگری مالی بر کارایی سرمایه‌گذاری بیشتر است.

واژه‌های کلیدی: کیفیت گزارش مالی، مالکیت خانوادگی، کارایی سرمایه‌گذاری

طبقه‌بندی موضوعی: M41

DOI: 10.2051/ijar.2020.27947.1539

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد واحد مبارکه، اصفهان، ایران، (mkz.mohamadi@gmail.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

مقدمه

نوع سرمایه‌گذاری مدیران با استفاده از وجوه نقد شرکت، حاوی اطلاعاتی در مورد وضعیت فعلی و آتی شرکت می‌باشد و این اطلاعات و ارزش کیفی آن برای تصمیم‌گیری سهامداران جهت سرمایه‌گذاری در سهام بسیار مهم است. هر سرمایه‌گذار با توجه به نوع سلیقه و اطلاعاتی که کسب می‌کند، سهام شرکتی را خریداری می‌کند که سیاست‌های سرمایه‌گذاری آن را مطلوب می‌داند. در صورتی که این اطلاعات به صورت نامتقارن و نامساوی بین سهامداران و ذینفعان توزیع شود، می‌تواند بر نوع انتخاب آنها اثر نادرستی بگذارد (جهان آباد، ۱۳۹۲). کسب و کار کنترل شده خانوادگی بر چشم‌انداز شرکت نظارت دارد. بحث در مورد تصمیمات استراتژیک مربوط به امور مالی شرکت و حسابداری در کسب و کارهای کنترل شده خانوادگی و کسب و کارهای کنترل شده غیرخانوادگی اخیراً از اهمیت زیادی برخوردار شده است. در میان این تصمیمات استراتژیک، بحث در مورد تصمیمات سرمایه‌گذاری که توسط شرکت‌ها با سهامداران متنوع انجام می‌شود، توجه زیادی را به خود جلب کرده است. بر اساس نظریه نمایندگی کلاسیک، پژوهش‌های قبلی تصمیمات سرمایه‌گذاری خانوادگی و غیرخانوادگی را بررسی کرده‌اند (برای مثال، آسابا، ۲۰۱۳؛ چارنیتسکی و کرافت، ۲۰۰۹؛ لی و اونیل، ۲۰۰۳). با این حال، فرضیه محکمی در مساله نمایندگی استدلال می‌کند که مالکیت خانوادگی، تعارض بین سهامداران اقلیت و اکثریت را تشدید می‌کند (ویلانوگا و آمیت، ۲۰۰۶). در نتیجه، مساله نمایندگی در شرکت‌های کنترل شده خانوادگی وجود دارد (برای مثال، کووان و همکاران، ۲۰۱۱؛ سالواتو و مورس، ۲۰۱۰؛ علی و همکاران، ۲۰۰۷). مساله نمایندگی در این شرکت‌ها به این صورت است که خانواده‌های مالک مایل به انتقال اطلاعات به سهامداران اقلیت و غیرخانوادگی نیستند و با پنهان کردن و دستکاری اطلاعات، باعث ایجاد مساله نمایندگی می‌شوند؛ انتخاب معکوس و مشکل خطر اخلاقی را افزایش می‌دهد؛ ناکارآمدی سرمایه‌گذاری به شکل سرمایه‌گذاری کم و افزایش تمایل به بالاتر بودن مالکیت خانوادگی در مقایسه با مالکیت غیرخانوادگی، را منجر می‌شود.

اخیراً، چندین کار پژوهشی در ارتباط با کیفیت گزارشگری مالی و تصمیمات سرمایه‌گذاری انجام شده است (برای مثال، لین و همکاران، ۲۰۱۶؛ بیدل و همکاران، ۲۰۰۹). این مطالعات استدلال می‌کنند که کیفیت گزارشگری مالی، پیامدهای اقتصادی قابل توجهی را برای

تصمیمات سرمایه‌گذاری در یک شرکت دارد (گومز و سانچز بالستا، ۲۰۱۳؛ چونگ و همکاران، ۲۰۱۳؛ بیدل و همکاران، ۲۰۰۹). این سازوکار، بخش‌هایی را با هدف اینکه عدم تفارن اطلاعاتی بین مدیران و تامین‌کنندگان نقدینگی را کاهش می‌دهد، باعث کارایی سرمایه‌گذاری می‌شوند. با این حال، پژوهش‌های قبلی، پیامدهای اقتصادی کیفیت گزارش مالی را در شرایط سرمایه‌گذاری به‌عنوان سازوکار نظارت در مالکیت خانوادگی و غیرخانوادگی در نظر نگرفته‌اند.

افشای کامل همراه با گزارشگری مالی شفاف می‌تواند شرایط مطمئنی را ایجاد نموده و اعتماد سرمایه‌گذاران را ارتقا بخشد. شفافیت تأثیر مثبتی بر عملکرد شرکت‌ها دارد و می‌تواند از منافع سهامداران محافظت کند (بادآورنهدی و همکاران، ۱۳۹۲). با توجه به نقش اطلاعات، شفافیت اطلاعات حسابداری می‌تواند از طریق کاهش عدم تفارن اطلاعاتی موجب افزایش کارایی سرمایه‌گذاری شود (تهرانی و نوربخش، ۱۳۸۵). کارایی سرمایه‌گذاری به پدیده‌ای اشاره دارد که در آن فرصت‌های سرمایه‌گذاری نقدینگی مورد نیاز خود را در یک بازار کارا که تمام پروژه‌های با خالص ارزش فعلی مثبت در آن وجود دارد، تامین می‌نمایند (بیدل و همکاران، ۲۰۰۹). در یک مطالعه مرتبط، لین و همکاران (۲۰۱۶) به تازگی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و تصمیمات سرمایه‌گذاری مالکیت خانوادگی و غیرخانوادگی را مورد بررسی قرار دادند. آنها تفاوت‌های اساسی را در روند سرمایه‌گذاری کم در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی گزارش کردند. به‌طور خاص، آنها اشاره کردند که چشم‌انداز سرمایه‌گذاری در شرکت‌های غیرخانوادگی در مقایسه با شرکت‌های خانوادگی، بیشتر است.

این پژوهش به نظریه‌های نمایندگی و رفتاری تأکید دارد. در این پژوهش در وهله اول رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری بررسی شده است. سپس، تأثیر مالکیت خانوادگی بر کارایی سرمایه‌گذاری و در نهایت، اثر تعدیل مالکیت خانوادگی بر رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری از مالکیت خانوادگی و غیرخانوادگی در بازار سرمایه ایران، بررسی شده است. به‌طور ویژه در این پژوهش، ساختار مالکیت خانوادگی در ارتباط با مساله کیفیت گزارشگری مالی و سطح کارایی سرمایه‌گذاری‌های شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده عضو بورس اوراق بهادار تهران، بررسی شده است. با توجه به نقش حیاتی که موقعیت‌های سازمانی در تأثیرگذاری بر عملکرد و گزینه‌های حسابداری انجام شده

توسط شرکت‌ها ایفا میکند، درک اینکه چگونه مالکیت خانوادگی می‌تواند رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و سطح شرکت را تغییر دهد، قابل توجه است. اهمیت این مساله از آن جهت است که تمرکز مالکیت باعث کاهش احتمال حل مشکلات نمایندگی، اما با هزینه افزایش احتمال مشکلات نمایندگی می‌شود. علاوه بر این، در این پژوهش شدت مشکلات نمایندگی در شرکت‌های کنترل شده خانودگی تحت شرایط نهادی منحصر به فرد، بررسی شده است و به این سوال پاسخ می‌دهیم که آیا یک ساز و کار نظارتی در شکل مالکیت خانوادگی می‌تواند کیفیت گزارشگری را بهبود بخشد یا خیر؟

مبانی نظری پیشینه پژوهش

مبانی نظری

کیفیت گزارش مالی و کارایی سرمایه‌گذاری

انتخاب نادرست و خطر اخلاقی، فرصت‌ها و انگیزه‌هایی را برای مدیران خود محور برای پیروی از دستورات فردی فراهم می‌کنند (میرز و مجلوف، ۱۹۸۴) و به‌طور بالقوه منجر به سرمایه‌گذاری کم و یا زیاد در یک شرکت می‌شوند و در نهایت سهامداران هزینه چنین حرکت‌هایی را متحمل می‌شوند (وردی، ۲۰۰۶؛ بیدل و همکاران، ۲۰۰۹). نظریه نمایندگی شرکت، کیفیت گزارشگری مالی بالاتر را به‌عنوان راه‌حلی برای کاهش چالش سرمایه‌گذاری کم و یا زیاد با هدف کاهش اطلاعات نامتقارن در نظر می‌گیرد. کیفیت گزارشگری مالی برتر، دو روش را برای این منظور ارائه می‌دهد (دی مئو، ۲۰۱۴؛ گومریز و سانچس بالستا، ۲۰۱۳؛ چنگ و همکاران، ۲۰۱۳؛ بیدل و همکاران، ۲۰۱۳؛ بیدل و همکاران، ۲۰۰۸؛ مک نیکولز و همکاران، ۲۰۰۸)؛ اول، کیفیت گزارشگری مالی بالاتر باعث می‌شود که سرمایه‌گذاران بالقوه، سهام درست را انتخاب کنند، زیرا مقایسه اطلاعات مالی شرکت در صورت عدم دستکاری، آسان‌تر است. بنابراین، شرکت‌هایی با چشم‌اندازهای خوب مالی این پول را به دست می‌آورند و در نهایت چالش‌های سرمایه‌گذاری را از بین می‌برند. برای مثال، مدیر شرکت، سود هر سهم شرکت را دستکاری می‌کند، و آن را برای سهامداران جذاب‌تر می‌سازد تا در سهام شرکت سرمایه‌گذاری کنند. زمانی که سهامداران بازار آگاه نیستند که سود حسابداری دستکاری شده است، آنها به نفع شرکت تصمیم می‌گیرند و سعی می‌کنند سهام را حتی با قیمت‌های بالاتر

خریداری کنند. این باعث می‌شود که پول بیشتری برای مدیریت تولید شود، که از آن برای سرمایه‌گذاری‌های دیگر استفاده نمایند (هواکیمیان، ۲۰۰۹). در اینجا، انتخاب نادرست سهام توسط تامین سویی می‌تواند مدیر را قادر به تامین مالی پروژه‌هایی با خالص ارزش فعلی منفی نماید. این انتخاب نادرست به خاطر نقص اطلاعات بین سرمایه‌گذار و مدیر توسط سرمایه‌گذار انجام می‌شود. با این حال، اگر ارائه‌دهنده سرمایه درک کند که سهام شرکت ضعیف است، شرکت‌هایی با طرح‌های خالص ارزش فعلی مثبت را انتخاب می‌کنند، زیرا سهامداران، حاضر به پرداخت پول اضافه نیستند و سهام را با قیمت‌های کمتر بدست می‌آورند.

مالکیت خانوادگی و کارایی سرمایه‌گذاری

دو دیدگاه نظریه نمایندگی که به‌عنوان اثر متقابل و مستحکم هم شناخته می‌شوند، دیدگاه‌های متفاوتی در رابطه با رفتار تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی با مالکیت خانوادگی و غیرخانوادگی دارند. به ویژه، دیدگاه همترازسازی نشان می‌دهد که در یک شرکت غیرخانوادگی، منافع مالک و مدیر با هم، تراز است (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶؛ سالواتو و موریس، ۲۰۱۰). چنین همترازسازی منافع در شرکت‌های کنترل شده خانوادگی، به دلیل افق‌های بلندمدت، اعتبار و نظارت موثر اعضای خانواده است (فاما، ۱۹۸۰، استین، ۱۹۸۹، چن و همکاران، ۲۰۰۸؛ تانگ، ۲۰۰۷؛ شهزاد و همکاران، ۲۰۱۷). معمولاً در شرکت‌های خانوادگی "تعهد" با شدت زیادی دیده می‌شود. اغلب مالکیت یک شرکت خانوادگی به‌عنوان هدیه‌ای از نسل قبل و یا تعهدی به نسل بعدی در نظر گرفته می‌شود. هدف شرکت خانوادگی انتقال شرکت به نسل بعدی با وضعیتی بهتر از زمان دریافت آن از نسل قبلی است. در شرکت‌های خانوادگی استراتژی‌های بلندمدت، نسبت به موفقیت‌های موقتی مطلوبیت بیشتری دارد. این تفکر، عملکرد را به شدت متأثر می‌سازد. تعهد بلندمدت و فعال شرکت خانوادگی به کسب و کار، عملکرد شرکت را بهبود خواهد بخشید.

نظارت موثر در شرکت‌های خانوادگی به دلایل زیر نسبت داده می‌شود. از آنجا که اعضای خانواده، جریان نقدی بالاتری دارند (اشمید و همکاران، ۲۰۱۴)، آنها نگرانی بیشتری برای عملکرد شرکت دارند. همچنین، دانش بیشتری از طریق مشارکت در فعالیت‌های شرکت از زمان شروع به فعالیت وجود دارد (چن و همکاران، ۲۰۰۸؛ اندرسون و ریب، ۲۰۰۳). علاوه بر

این، اغلب مدیران اجرایی از اعضای خانواده منصوب می‌شوند (دینگ و همکاران، ۲۰۱۱). تمام این ویژگی‌های منحصر به فرد، به شرکت‌های تحت کنترل خانواده اجازه می‌دهد تا رفتار فرصت‌طلبانه را کنترل کنند و مساله نمایندگی نوع اول را کاهش دهند. بنابراین، مطابق با دیدگاه همترازسازی، شدت مساله نمایندگی در نیروهای مرزی در مقایسه با مالکیت غیرخانوادگی کمتر است (علی و همکاران، ۲۰۰۷). این دیدگاه استدلال می‌کند که در مقایسه با مالکیت شرکت‌های غیرخانوادگی، کیفیت گزارشگری مالی بالاتری وجود دارد.

خطر اخلاقی می‌تواند زمانی افزایش یابد که یک سهامدار یک انتخاب خوب داشته باشد و در شرکت با قیمت عادلانه سرمایه‌گذاری کند. با این حال، اگر سهامداران دانش کامل را نداشته باشند و توان تحلیل اینکه مدیر پول را کجا سرمایه‌گذاری کرده است، را نداشته باشند، آنگاه یک نقص اطلاعات بین مدیر و سهامداران ایجاد خواهد شد. در اینجا، نقص اطلاعات برای سهامداران برای نظارت بر عامل دشوار است (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶). بنابراین، مدیر ممکن است از این مزیت اطلاعاتی برای سرمایه‌گذاری زیاد به شکل ساختن امپراطوری با هزینه سهامداران سرمایه‌گذاری کم به منظور داشتن زندگی آرام ناشی از رویکرد نادرست ریسک استفاده نماید.

اثر تعدیل‌کنندگی بر روابط بین مالکیت خانوادگی و کارایی سرمایه‌گذاری

پژوهش‌های پیشین نشان دادند که کیفیت گزارش مالی ارتباط مثبتی با کارایی سرمایه‌گذاری دارد و این امر باعث حذف موضوعات سرمایه‌گذاری کم و زیاد می‌گردد (برای مثال چنگ و همکاران، ۲۰۱۳؛ بیدل و همکاران، ۲۰۰۹؛ مک‌نیکولز و همکاران، ۲۰۰۸)؛ با این حال، این مساله که آیا کیفیت گزارش مالی بالاتر در شرکت‌هایی با مالکیت خانوادگی و غیرخانوادگی به یک اندازه در ارتقا کارایی سرمایه‌گذاری موثر است یا خیر، پاسخ داده نشده است. تأثیر کیفیت گزارش مالی در افزایش کارایی سرمایه‌گذاری در مالکیت شرکت‌های غیرخانوادگی بررسی شده است. در شرکت‌های با مالکیت غیرخانوادگی، منافع سهامداران و مدیر تنظیم نشده است. بنابراین، به مدیران اجازه می‌دهد تا دستور کار شخصی خود را اجرا کنند. به علاوه، شرکت‌های غیرخانوادگی بر اهداف کوتاه مدت توجه دارند در حالی که بیشتر مدیران اهداف

بلند مدت را ترجیح می‌دهند، زیرا که با فشار بازار مواجه می‌شوند و انگیزه‌های آنها به عملکرد کوتاه مدت وابسته است (اندرسون و همکاران، ۲۰۱۲؛ کریگ و دیبرل، ۲۰۰۶).

پیشینه پژوهش

مدیر ممکن است از مزیت اطلاعاتی خود برای سرمایه‌گذاری زیاد به شکل ساختن امپراطوری یا سرمایه‌گذاری کم به منظور داشتن زندگی آرام ناشی از پدیده خطر اخلاقی استفاده کند (جنسن و مک لینگ، ۱۹۷۶؛ جنسن، ۱۹۸۶، برتراند و مولایناتان، ۲۰۰۳؛ ریچاردسون، ۲۰۰۶). کیفیت گزارشگری مالی بالاتر هزینه نمایندگی را کاهش می‌دهد و رفتار فرصت طلبانه را محدود می‌کند، زیرا اهداف شخصی مدیر، منجر به سرمایه‌گذاری کم و یا زیاد و با هزینه سهامداران می‌شود. در نهایت، کیفیت گزارشگری مالی بالاتر، خطر اخلاقی و انتخاب نادرست را کاهش می‌دهد.

چکیپ کلسی و حسینل (۲۰۱۷)، در پژوهشی با عنوان "اثر کیفیت گزارشگری مالی بر کارایی سرمایه‌گذاری"، با استفاده از داده‌های ۲۵ شرکت تونسی طی سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۳ مورد بررسی قرار دادند آنها نشان دادند ویژگی‌های اطلاعات مالی، یعنی قابلیت اطمینان، ناکارآمدی سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد، در حالی که محافظه‌کاری ارتباط و تاثیر قابل توجهی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری ندارند.

گاریسالا و همکاران (۲۰۱۶)، در پژوهشی به بررسی تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر کارایی سرمایه‌گذاری پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که محافظه‌کاری حسابداری تأثیر مثبت و معناداری بر کارایی سرمایه‌گذاری دارد و این اثر مثبت در شرکت‌هایی که با عدم تقارن اطلاعاتی بیشتری مواجه هستند، برجسته‌تر است.

روکا و همکاران (۲۰۰۴)، به بررسی مشکلات مربوط به ناکارایی سرمایه‌گذاری (سرمایه‌گذاری بیشتر و کمتر از حد) پرداخته‌اند و نشان دادند که تضاد نمایندگی بین مدیر، مالک و اعتباردهنده بر حاکمیت شرکتی اثر گذاشته و با تحت تأثیر قرار دادن سیاست‌های سرمایه‌گذاری مدیر، باعث اتخاذ تصمیمات نامناسب و در نهایت باعث ایجاد ناکارایی سرمایه‌گذاری خواهد شد.

بوشمن، اسمیث، مک نیکولاس و استابن (۲۰۰۱)، بیان می‌کنند که کیفیت گزارشگری مالی به دلیل این که به مدیران اجازه می‌دهد تصمیم‌های سرمایه‌گذاری کاراتری را با شناسایی پروژه‌های بهتر انجام دهند، کارایی سرمایه‌گذاری را بهبود می‌بخشد. در پژوهش‌های قبلی نقش بدهی‌ها در کاهش قضاوت مدیران و نظم و ترتیب بخشیدن به تصمیمات سرمایه‌گذاری بحث شده و شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد بدهی‌های کوتاه مدت، سرمایه‌گذاری را بیش از حد کاهش می‌دهند.

آقایی و حسن زاده (۱۳۹۷)، پژوهشی با عنوان مقایسه‌پذیری حسابداری و تأثیر آن بر کارایی سرمایه‌گذاری انجام دادند. آنها برای این منظور با استفاده از تحلیل رگرسیونی، داده‌های ۱۶۶ شرکت پذیرفته‌شده در بورس تهران برای دوره ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۴، مقایسه‌پذیری اطلاعات حسابداری و اثرات آن بر کارا بودن سرمایه‌گذاری‌های انجام شده را مورد بررسی قرار دادند. آنها بیان نمودند که با افزایش سطح مقایسه‌پذیری حسابداری، کارایی سرمایه‌گذاری بهبود می‌یابد. نتایج حاکی از رابطه مثبت و معنی‌داری بین مقایسه‌پذیری حسابداری و کارایی سرمایه‌گذاری بود. به عبارتی، مقایسه‌پذیری حسابداری، میزان دسترسی به اطلاعات باکیفیت حسابداری در مورد پروژه‌های سرمایه‌گذاری را افزایش داده و منجر به بهبود تصمیمات سرمایه‌گذاری می‌شود.

محمدی و کرم صالحی (۱۳۹۶)، پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین توانایی مدیریت با کارایی سرمایه‌گذاری و ریسک کاهش قیمت سهام انجام دادند. در این مطالعه، با استفاده از داده‌های ۱۵۲ شرکت موجود در بورس اوراق بهادار تهران و طی دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴، به بررسی این موضوع پرداخته شد. برای اندازه‌گیری توانایی مدیریت از مدل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) که مبتنی بر متغیرهای حسابداری است، استفاده شد. داده‌ها به روش داده‌های تابلویی و رگرسیون چندمتغیره تجزیه و تحلیل شد. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که بین توانایی مدیریت و کارایی سرمایه‌گذاری رابطه معنی‌داری وجود ندارد، در حالی که بین توانایی مدیریت و ریسک سقوط قیمت سهام رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

صفری گرابلی و رعنائی (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان "بررسی ارتباط بین کیفیت گزارشگری مالی با کارایی سرمایه‌گذاری و تأثیر ساختار سررسید بدهی‌ها بر این رابطه"، با استفاده از داده‌های ۹۲ شرکت از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی

سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲، به بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی با کارایی سرمایه‌گذاری و تأثیر ساختار سررسید بدهی‌ها بر این رابطه پرداختند. نتایج پژوهش آنها بیانگر آن بود که بین کیفیت گزارشگری مالی و تأثیر ساختار سررسید بدهی‌ها با کارایی سرمایه‌گذاری شرکت رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری تحت تأثیر ساختار سررسید بدهی‌ها قرار دارد و با افزایش بدهی‌ها با سررسید کوتاه مدت، این رابطه تضعیف می‌شود.

واعظ و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان "تأثیر ساختار مالکیت بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و کارایی سرمایه‌گذاری"، با استفاده از داده‌های ۶۵ شرکت از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ به بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و کارایی سرمایه‌گذاری پرداختند. در این پژوهش اشکال مختلف ساختار مالکیتی شامل مالکیت مدیریتی و مالکیت نهادی و چگونگی تأثیر آنها بر ارتباط بین معاملات با اشخاص وابسته و کارایی سرمایه‌گذاری بررسی شد. نتایج پژوهش آنها بیانگر این نکته بود که ساختار مالکیت مدیریتی و مالکیت نهادی، بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

کشانپور و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان "تأثیر توانایی مدیران بر رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دارویی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، با استفاده از داده‌های ۲۴ شرکت فعال در صنعت دارویی از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳، به بررسی تأثیر توانایی مدیران بر رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دارویی پرداختند. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه پژوهش نشان داد که توانایی مدیران بر رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری، اثرگذار نیست.

ثقفی و معتمدی (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان رابطه میان کیفیت حسابرسی و کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی با امکانات سرمایه‌گذاری بالا نشان دادند چنانچه این شرکت‌ها، از حسابرسان با کیفیت بالاتر استفاده کنند، سطح بالاتری از کارایی سرمایه‌گذاری را تجربه خواهند کرد.

خدایی و یحیایی (۱۳۸۹)، دریافتند که یک رابطه منفی بین کیفیت گزارشگری مالی و عدم کارایی سرمایه‌گذاری وجود دارد. نتایج آنها نشان داد بین کیفیت گزارشگری مالی و سرمایه‌گذاری کمتر از حد، رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد، در حالی که بین کیفیت گزارشگری مالی و سرمایه‌گذاری بیش از حد، رابطه منفی غیرمعنی‌دار، مشاهده گردید.

مدرس و حصارزاده (۱۳۸۷)، در پژوهشی با استفاده از اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵، رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری را بررسی نمودند. آنها بیان نمودند بر اساس پژوهش‌های قبلی گزارشگری مالی با کیفیت، می‌تواند پیامدهای اقتصادی مهمی از جمله افزایش کارایی سرمایه‌گذاری را داشته باشد. نتایج این پژوهش نشان داد که علاوه بر اینکه سطح کیفیت گزارشگری مالی با سطح کارایی سرمایه‌گذاری رابطه معنی‌دار و مثبتی دارد، کیفیت بالاتر گزارشگری مالی موجب بهبود کارایی سرمایه‌گذاری می‌گردد. همچنین، این پژوهش نشان داد که بین کم یا بیش سرمایه‌گذاری و کیفیت گزارشگری مالی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. بنابراین، نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که کیفیت گزارشگری مالی از طریق کاهش کم یا بیش سرمایه‌گذاری، می‌تواند موجب ارتقای کارایی سرمایه‌گذاری گردد.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول پژوهش: هر چقدر کیفیت گزارشگری مالی بالاتر باشد، کارایی سرمایه‌گذاری بیشتر است.

مدیر نمی‌خواهد سهام را با قیمت کمتر بفروشد و قادر به تامین مالی پروژه‌ها نخواهد بود. بنابراین، عدم تقارن اطلاعاتی منجر به سرمایه‌گذاری کم نیز می‌شود (چن و همکاران، ۲۰۱۶). علاوه بر این، کارایی سرمایه‌گذاری و یا سرمایه‌گذاری در حد بهینه، مستلزم آن است که از یک سو، از مصرف منابع در فعالیت‌هایی که سرمایه‌گذاری در آن بیشتر از حد مطلوب انجام شده است، ممانعت شود و از سوی دیگر منابع به سمت فعالیت‌هایی که نیاز بیشتری به سرمایه‌گذاری دارد، هدایت شود.

فرضیه فرعی اول: بین کیفیت گزارشگری مالی با سرمایه‌گذاری کم (زیاد) رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه همترازسازی استدلال می‌کند که همسویی منافع میان سهامداران و مدیران، نقص اطلاعات را کاهش می‌دهد. بنابراین، سطح اطلاعات نامتقارن در مالکیت شرکت‌های خانوادگی در مقایسه با غیرخانوادگی کمتر خواهد بود (سائو و همکاران، ۲۰۱۵). فرهنگ شرکت خانوادگی معمولاً به شدت مبتنی بر "حمایت از تمامی سهامداران و اعضای خانواده جامعه است". شرکت‌های، مسئولیت کارکنان، مشتریان و پیمانکاران خود را به عهده می‌گیرد. در بسیاری از شرکت‌های خانوادگی جابجایی پرسنل اندک بوده و ممکن است از یک نسل تا نسل بعد با کارکنان قرارداد بسته شود. معمولاً سهام شرکت‌های خانوادگی غیرنقدی است و در قالب ارث، کمک بلاعوض و یا داد و ستد از یک نسل به نسل بعدی منتقل می‌شود. برخی از شرکت‌های خانوادگی در بازار سرمایه پذیرفته شده‌اند که این امر قابلیت نقدشوندگی سهام را افزایش داده و سرمایه جدیدی را فراهم می‌آورد. سپس، مسائلی همچون انتخاب نادرست و خطر اخلاقی به دلیل سطوح پایین‌تر اطلاعات نامتقارن در شرکت‌های خانوادگی کاهش می‌یابد. در نتیجه، اطلاعات نامتقارن کمتر، ناشی از کیفیت گزارشگری مالی بالاتر و افق‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت، منجر به مشکلات سرمایه‌گذاری کم و زیاد در شرکت‌های خانوادگی نسبت به غیرخانوادگی می‌شود (مونز و بولون و بالستا بوئو، ۲۰۱۱)؛ به این دلیل که رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت محدود می‌شود و تصمیمات نزدیک بین سرمایه‌گذاری مدیریتی کاهش می‌یابد (استین، ۱۹۸۹).

فرضیه دوم پژوهش: شرکت‌های کنترل شده خانوادگی، در مقایسه با شرکت‌های غیر وابسته به خانواده، سرمایه‌گذاری کارآمدتری دارند.

فرضیه فرعی دوم: بین شرکت‌های کنترل شده خانوادگی، گرایش کمتری به سرمایه‌گذاری کم (زیاد) در مقایسه با شرکت‌های غیرکنترل شده خانوادگی، وجود دارد.

سائو و همکاران (۲۰۱۵) اثر کیفیت گزارش مالی بر کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های غیرخانوادگی را توصیف نموده‌اند. علاوه بر این، شرکت‌های خانوادگی، سرمایه‌گذاری‌های خود را با افق بلندمدت اجرا می‌کنند، با فشار کمتری از طرف بازار مواجه هستند و بیشتر نگران دستیابی به اهداف اعضای خانواده هستند. بنابراین، این شرکت‌ها، سیاست‌های بلندمدت را دنبال می‌کنند که با دیدگاه بلندمدت اعضای خانواده در ارتباط است.

فرضیه سوم پژوهش: بین کیفیت گزارش مالی بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های کنترل شده و غیرکنترل شده خانوادگی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه فرعی سوم: بین کیفیت گزارش مالی بر سرمایه‌گذاری کم (زیاد) مشابه سرمایه‌گذاری شرکت‌های کنترل شده و غیرکنترل شده خانوادگی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر بر حسب هدف از نوع پژوهشی‌های کاربردی است. این پژوهش از نوع توصیفی و همبستگی است و روش‌شناسی پژوهش از نوع پس‌رویدادی است. برای آزمون فرضیه‌ها، از مدل رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. برای گردآوری اطلاعات در مورد ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش و مدل‌های استخراج متغیرهای پژوهش از روش کتابخانه‌ای استفاده شد. اطلاعات مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از منابع مختلفی همچون نرم‌افزار ره‌آوردنویس، امیدنامه و صورت‌های مالی شرکت‌های نمونه استخراج شد. اطلاعات اخذ شده در رابطه با متغیرهای پژوهش وارد صفحه گسترده اکسل شده و سپس آزمون‌های چاو، هاسمن، ناهمسانی واریانس، خودهمبستگی و آزمون رگرسیون با استفاده از نرم‌افزارهای Eviews برای بررسی فرضیه‌های پژوهش، اجرا شدند. جامعه آماری این پژوهش به روش حذف سیستماتیک از تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ (دوره شش ساله) انتخاب شده است. البته، برای برآورد برخی از متغیرها از اطلاعات سال ۱۳۹۰ نیز استفاده شده است.

از آنجا که قلمرو زمانی این پژوهش از ابتدای سال ۱۳۹۱ تا پایان سال ۱۳۹۶ است، بنابراین جامعه آماری شامل تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. روش نمونه‌گیری حذفی سیستماتیک با اعمال شرایط زیر است:

تعداد	شرایط
۶۰	اطلاعات مورد نیاز جهت محاسبه متغیرهای عملیاتی پژوهش برای آنها در دسترس باشند.
۶۵	دست کم از سال ۱۳۹۱ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده و تا پایان دوره پژوهش فعال باشند.
۱۵۶	پایان سال مالی آنها ۲۹ اسفند ماه باشد و طی دوره تحقیق تغییر سال مالی نداده باشند.
۹۳	جزو موسسه‌های مالی و اعتباری، سرمایه‌گذاری و بانک‌ها نباشند.
۷۵	طی دوره پژوهش بیش از سه ماه وقفه معاملاتی نداشته باشند.

در این پژوهش، با رعایت محدودیت‌های فوق جمعا ۱۴۹ شرکت به‌عنوان شرکت‌های عضو نمونه آماری انتخاب شد.

مدل پژوهش و تعریف عملیاتی متغیرها متغیر وابسته

انحراف از سطح سرمایه‌گذاری بهینه با کاهش نرخ رشد فروش سال قبل (SG) طی کل سرمایه‌گذاری متقابل برای هر شرکت محاسبه شد. عبارت خطا، انحراف را از سطح سرمایه‌گذاری مورد انتظار نشان می‌دهد. یک باقیمانده مثبت نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری در پروژه‌های با خالص ارزش فعلی منفی (سرمایه‌گذاری زیاد) است، در حالی که باقیمانده منفی نشان‌دهنده شرکت‌هایی است که در طرح‌هایی با خالص ارزش فعلی مثبت سرمایه‌گذاری نموده‌اند (سرمایه‌گذاری کم). علاوه بر این، مطلق باقی مانده‌ها در منفی یک ضرب می‌شود. مقادیر بالاتر، کارایی سرمایه‌گذاری بیشتر را نشان می‌دهند و برعکس. وقتی باقیمانده‌های مثبت در منفی یک ضرب می‌شوند، مقادیر حاصل که نزدیک به صفر هستند، نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری نسبتا زیاد هستند. علاوه بر این، سرمایه‌گذاری کم، باقیمانده‌های منفی مدل‌های سرمایه‌گذاری کم را نشان می‌دهد. وقتی باقیمانده‌های منفی با منفی یک ضرب می‌شوند، مقادیر حاصل که به صفر نزدیک‌تر هستند، سرمایه‌گذاری کم را نشان می‌دهند. در این پژوهش، شرکت‌ها با سطح سرمایه‌گذاری کم و زیاد براساس اندازه باقیمانده‌های به دست آمده و با استفاده از مدل ۱، طبقه‌بندی شده‌اند.

$$V_{i,t} = a_{i,t} + \beta_1 SG_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

کل سرمایه‌گذاری (Iit) مجموع هزینه‌های سرمایه‌ای و غیرسرمایه‌ای است، در حالی که فروش سال قبل تفاوت بین هزینه‌های سرمایه و فروش دارایی‌های شرکت i در سال $t+1$ است. در پژوهش‌های پیشین از کیوتوبین به‌عنوان معیاری برای سرمایه‌گذاری استفاده شده است. در این پژوهش، ما از فروش سال قبل به‌عنوان تابعی از سرمایه‌گذاری استفاده نموده‌ایم، زیرا فروش سال قبل نتایج مشابهی را به‌عنوان کیوتوبین ارائه می‌دهد. همچنین، کیوتوبین می‌تواند به‌طور بالقوه توسط کیفیت گزارش مالی تحت تأثیر قرار گیرد (بیدل و همکاران، ۲۰۰۹). شرکتی که در چارک پایین دارای بیشترین مقدار باقیمانده منفی است، به‌عنوان یک شرکت با سطح سرمایه‌گذاری کم در مقایسه با یک شرکت در چارک بالا با حداکثر باقیمانده مثبت و با سرمایه‌گذاری بالا، در نظر گرفته می‌شود. شرکت‌هایی که در این دو شرکت میانی قرار دارند، شرکت‌های موثر در سرمایه‌گذاری در نظر گرفته می‌شوند.

متغیر مستقل

در این پژوهش از دو معیار برای اندازه‌گیری شرکت‌های کنترل شده خانوادگی استفاده شده است؛ معیار اول: الف) درصد مالکیت توسط اعضای خانواده، ب) یک متغیر دومی که در صورتی که شرکت خانوادگی، صاحب ۵۰ درصد سهام باشد، یک و در غیر این صورت صفر است. معیار دوم: براساس قانون حاکمیت شرکتی که بیان می‌کند ۵۰ درصد سهامداران قادر هستند تا تصمیمات استراتژیک مهمی بگیرند و بیش از ۵۰ درصد از سهام را تامین مالی کنند و با توجه به آنکه در پژوهش‌های قبلی از این معیار کلیدی برای ارزیابی کنترل کسب و کار خانوادگی استفاده شده است، تعیین می‌شود. از "رهبری خانوادگی" به‌عنوان معیاری برای متغیرهای مربوط به خانواده از طریق در نظر گرفتن "متغیر دومی برابر با یک" (درصد اعضای خانواده در هیات مدیره) استفاده می‌شود.

معیار کیفیت گزارش مالی: در این روش از مدیریت سود برای اندازه‌گیری کیفیت گزارش مالی استفاده شده است. برای اندازه‌گیری مدیریت سود از مدل کاسنیک (۱۹۹۹) که در مدل (۲) خلاصه شده است، استفاده شده است. این مدل به‌طور گسترده در پژوهش‌های حسابداری برای اندازه‌گیری کیفیت گزارش مالی استفاده شده است.

$$TA_{i,t} = a_{i,t} + \beta_1 \Delta sales_{i,t} + \beta_2 PPE_{i,t} + \beta_3 \Delta CFO_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (2)$$

که در آن TA_{it} کل اقلام تعهدی است که تغییر در دارایی‌های جاری غیرنقد منهای تغییر در بدهی‌های جاری به اضافه تغییر در بدهی‌های بانکی کوتاه‌مدت منهای هزینه استهلاک شرکت i در سال t را نشان می‌دهد؛ $sales$ برابر با تغییرات فروش شرکت i از سال $t-1$ تا سال t است؛ PPE_{it} برابر با دارایی ثابت مشهود است؛ CFO_{it} تغییر در جریان‌های نقدی عملیاتی شرکت i در سال t با یک سال قبل و $\hat{\epsilon}$ عبارت خطا است. سپس، مقادیر مطلق باقیمانده‌ها در منفی یک ضرب شده و بر این اساس، کیفیت گزارشگری مالی اندازه‌گیری شد.

$$\Delta AR_{i,t} = a_{i,t} + \beta_1 \Delta SR_{i,t} + \epsilon_{i,t} \quad (3)$$

AR_{it} برابر با تغییر سالانه در حساب‌های دریافتی شرکت i در سال t است؛ SR_{it} برابر با تغییر سالانه فروش شرکت i در سال t و $\hat{\epsilon}$ نشان‌دهنده مقادیر باقیمانده مدل است.

متغیرهای کنترلی

متغیرهای کنترلی شامل انحراف جریان نقدینگی عملیاتی به فروش، میزان پرداخت بدهی که با استفاده از مدل Z آلمن اندازه‌گیری می‌شود و نسبت جریان نقدینگی ناشی از عملیات به میانگین کل دارایی‌ها است.

معرفی مدل‌های پژوهش

(۱) بررسی رابطه بین کیفیت گزارش مالی، مالکیت خانوادگی و کارایی سرمایه‌گذاری برای بررسی اثر کیفیت گزارش مالی بر کارایی سرمایه‌گذاری و مالکیت شرکت‌های خانوادگی، مدل ۴ برآورده شده است. از انحراف معیار برای تنظیم همگنی، همبستگی سریالی و همبستگی مقطعی در سطح شرکت و سال استفاده شده است (پترسن، ۲۰۰۹).

$$IE_{i,t} = \beta_{1,t} + \beta_2 FCC_{i,t} + \beta_3 FRQKA_{i,t} + \beta_4 FA_{i,t} + \beta_5 SCS_{i,t} + \beta_6 CS_{i,t} + \beta_7 POL_{i,t} + \beta_8 ZSCR_{i,t} + \beta_9 CA_{i,t} + \beta_{10} TANG_{i,t} + \beta_{11} LEV_{i,t} + \beta_{12} \sum INDUDUMS_{i,t} + \beta_{13} \sum YEARDUM_{i,t} + \epsilon_{i,t} \quad (4)$$

در معادله (۴)، FCC عامل جایگزینی برای دو معیار از شرکت‌های کنترل شده خانوادگی، یعنی کنترل شده خانوادگی و غیرخانوادگی است و کارایی شرکت را نشان می‌دهد. RQ_KA مقدار مطلق باقیمانده‌های بدست آمده از مدل کاسنیک (۱۹۹۹) است. اندازه شرکت (CS) برابر

با لگاریتم طبیعی فروش است؛ LEV از طریق نسبت بدهی اندازه گیری شده است. FA لگاریتم طبیعی سالی است که شرکت عملیات خود را آغاز نموده است. SCS انحراف معیار جریان نقدینگی و فروش است؛ ZSCR درجه توانایی پرداخت بدهی است که بر اساس نمره Z آلتمن اندازه گیری شده است؛ CA تقسیم سودآوری بر میانگین دارایی‌های کل است؛ TANG نسبت دارایی ثابت مشهود به کل دارایی‌ها است و در نهایت ϵ عبارت خطا است.

(۲) رابطه کیفیت گزارش مالی و مالکیت شرکت‌های خانوادگی با سرمایه‌گذاری کم و زیاد رابطه بین کیفیت گزارش مالی و مالکیت شرکت‌های خانوادگی در زمینه سرمایه‌گذاری کم و زیاد و با استفاده از معادله ۵ بررسی شده است. با توجه به اینکه متغیر وابسته در معادله قطعی در نظر گرفته شده، از رگرسیون چند جمله‌ای برای بررسی رابطه استفاده شده است.

$$Y_{i,t} = a_{i,t} + \beta_1 FCC_{i,t} + \beta_2 FRQ - KA_{i,t} + \beta_3 FA_{i,t} + \beta_4 SCS_{i,t} + \beta_5 CS_{i,t} + \beta_6 POL_{i,t} + \beta_7 ZSCR_{i,t} + \beta_8 CA_{i,t} + \beta_9 TANG_{i,t} + \beta_{10} LEV_{i,t} + \beta_{11} \sum INDUSTRYDUM_{i,t} + \beta_{12} \sum YEARDUM_{i,t} + \epsilon_{i,t} \quad (\text{مدل ۵})$$

(۳) رابطه بین کیفیت گزارش مالی و کارایی سرمایه‌گذاری با ساختار مالکیت شرکت‌های خانوادگی در مقابل شرکت‌های غیرخانوادگی

برای بررسی اثر تعدیل‌کننده کیفیت گزارش مالی بر کارایی سرمایه‌گذاری و مالکیت خانوادگی، مدل حداقل مربعات معمولی را به کار می‌گیریم تا مدل ۶ را برآورد نمائیم.

$$6) IE_{i,t} = \beta_{1i,t} + \beta_2 FRQ_{i,t} + \beta_3 FC_{i,t} + \beta_4 FRQ_{i,t} \times \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 ZSCR_{i,t} + \beta_7 TANG_{i,t} + \beta_8 TOBINQ_{i,t} + \beta_9 FA_{i,t} + \beta_{10} SCS_{i,t} + FC_{i,t} + \beta_{11} AUDQUAL_{i,t} + \beta_{12} \sum INDUSTRYDUM_{i,t} + \beta_{i,t13} \sum YEARDUM_{i,t} + \epsilon_{i,t} \quad (\text{مدل ۶})$$

علامت پیش‌بینی شده برآوردهای ضریب همبستگی ((β_4) مثبت است. اگر β_4 منفی باشد، آنگاه تأثیر کیفیت گزارش مالی بر کارایی سرمایه‌گذاری برای شرکت‌های خانوادگی و غیر خانوادگی متفاوت است. β_2 اثر کیفیت گزارش مالی را بر کارایی سرمایه‌گذاری از شرکت‌های غیرخانوادگی نشان می‌دهد، در حالی که $\beta_2 + \beta_4$ ، کیفیت گزارش مالی را بر کارایی سرمایه‌گذاری از شرکت‌های خانوادگی نشان می‌دهد (بیدل و همکاران، ۲۰۰۹؛ گومریز و

سانچس بالستا، ۲۰۱۳). آنها استدلال می کنند که کیفیت گزارش مالی بالاتر نقص اطلاعات را کاهش داده و مساله سرمایه گذاری را کاهش می دهد. از سوی دیگر، همترازسازی و استحکام دو دیدگاه متناقض در مورد کیفیت گزارش مالی در مالکیت شرکت های خانوادگی را نشان می دهد. بنابراین، برای بررسی تأثیر کیفیت گزارشگری مالی در شرکت های خانوادگی در سرمایه گذاری کم و زیاد، از مدل (۷) برای برآورد رابطه استفاده شد.

$$Y_{i,t} = \beta_{1i,t} + \beta_2 FRQ - KA_{i,t} + \beta_3 FC_{i,t} + \beta_4 FC_{i,t} \times FRQ - KA_{i,t} + \beta_5 FA_{i,t} + \beta_6 SCS_{i,t} + \beta_7 CS_{i,t} + \beta_8 POL_{i,t} + \beta_9 ZSCR_{i,t} + \beta_{10} CA_{i,t} + \beta_{11} TANG_{i,t} + \beta_{12} LEV_{i,t} + \beta_{13} \sum INDUSTRYDUM_{i,t} + \beta_{14} \sum YEARDUM_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (7)$$

گام بعدی بر پایه رگرسیون دو مرحله ای است. در مرحله اول، تأثیر این دو متغیر ابزار بر روی متغیر کیفیت گزارشگری مالی بررسی می شود. این رگرسیون در پیدا کردن مقدار پیش بینی شده کیفیت گزارشگری مالی کمک می کند که به صورت ((P_FRQ)) نشان داده شده است.

$$FRQ_{i,t} = \beta_{1i,t} + \beta_2 ROA_{i,t} + \beta_3 POL_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (مدل ۸)$$

در معادله (۸)، بازده دارایی ها (ROA) نسبت سود خالص بعد از مالیات به کل دارایی ها است، در حالی که POL زیان است اگر شرکت زیان ده باشد برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر خواهد بود. پس از آن مقدار پیش بینی شده کیفیت گزارشگری مالی (P_FRQit) با معادله (۲) جایگزین می شود. در نهایت، در مرحله دوم، این مقدار پیش بینی شده برای کیفیت گزارشگری مالی همراه با متغیرهای کنترلی دوباره رگرسیون می شود. P_FRQit نشان دهنده مقدار پیش بینی شده کیفیت گزارشگری مالی است.

$$9) IE_{i,t} = \beta_{1i,t} + \beta_2 P - FRQ_{i,t} + \beta_3 FC_{i,t} + \beta_4 FRQ_{i,t} \times FC_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 ZSCR_{i,t} + \beta_7 TANG_{i,t} + \beta_8 TOBINQ_{i,t} + \beta_9 FA_{i,t} + \beta_{10} SCS_{i,t} + \beta_{11} AQ_{i,t} + \beta_{12} \sum INDUSTRYDUM_{i,t} + \beta_{13} \sum YEARDUM_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (مدل ۹)$$

یافته‌های آماری پژوهش

آمار توصیفی داده‌ها

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش که با استفاده از داده‌های ۱۴۹ شرکت مورد بررسی طی دوره آزمون (سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۱) اندازه‌گیری شده‌اند، شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، کمینه و بیشینه، در نگاره ۱ ارائه شده است.

نگاره (۱): نتایج آمار توصیفی پژوهش

بدیهی نسبت	نسبت دارایی	ثابت ملموس	میانگین	دارایی‌های	توزیعی	پرواخت	ضرر	کدگذاری	اندازه شرکت	مالکیت	خانوادگی	کیفیت	گزارش مالی	مالکیت غیر	خانوادگی	
۸۶/۳	۲۵/۵۰	۰/۴۲۲	۲/۰۸۷	۱۸/۴۷	۱۱/۹۳	۰/۴۳۰	۰/۸۶	۲/۲۰۶	میانگین							
۳۰/۵۲	۲۱/۸۰	۰/۴۲۶	۱/۹۹	۰/۷۴	۶۵/۷۲	۰/۴۰۴	۰/۵۹	۲/۰۰	میانه							
۹۴/۱۴	۸۸/۰۷	۰/۶۲۷	۹/۹۲	۱۱۹۴/۷۲	۷۰/۳۱	۱	۴/۷۷	۴/۰۰۰	بیشینه							
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۶۰	-۰/۲۶	۲۰۹	-۷۸/۵۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴۹	۰/۰۰۰	کمینه							
۵۷/۹۱	۱۸/۵۶	۰/۰۵۹	۱/۰۹۴	۱۶/۸۳	۵۲/۶۲	۰/۴۹۹	۰/۲۰۱۱	۰/۷۹۵	انحراف معیار							

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر کیفیت گزارش مالی برابر با ۸۶٪ است. همچنین همانطور که نگاره ۱ نشان می‌دهد، میانگین درصد مالکیت خانوادگی در شرکت‌های بررسی شده برابر ۰/۴۳۰ است که نشان‌دهنده مالکیت حدود ۴۳ درصدی خانوادگی در شرکت‌های بررسی شده است. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی است که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، میانه متغیر کیفیت گزارش مالی برابر با ۵۹٪ می‌باشد که نشان می‌دهد حدوداً ۶۰ درصد داده‌ها کمتر از این مقدار و ۴۰ دیگر بیشتر از این مقدار هستند.

تعیین مدل مناسب برای تخمین مدل رگرسیون

در تعیین ارتباط بین متغیرها به ازای هر یک از روابط برآوردی به روش رگرسیون خطی مرکب مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی، اولین گام در تعیین نوع الگوی تحلیل داده‌ها، تصمیم‌گیری نسبت به استفاده از الگوی تحلیل داده‌ها به روش ترکیبی یا تلفیقی است. بنابراین، در این پژوهش از آزمون چاو استفاده شده است. نتایج این آزمون در نگاره ۲ ارائه شده است.

نگاره (۲): آزمون تشخیص مدل (آزمون اف-لیمر)

نتیجه آزمون	احتمال	ضریب آماره F	آزمون اف-لیمر
H_0 رد می‌شود	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰۱	مدل فرضیه اول و دوم
H_0 رد می‌شود	۰/۰۰۹	۱/۲۱	مدل فرضیه فرعی اول و فرعی دوم
H_0 رد می‌شود	۰/۰۰۰	۵.۵	مدل فرضیه سوم
H_0 رد می‌شود	۰/۰۰۲	۱/۵۱	مدل فرضیه فرعی سوم

همانگونه که در نگاره شماره ۲ دیده می‌شود در سطح اطمینان ۹۵ درصد، فرض صفر آزمون رد شده است. بنابراین، باید از روش داده‌های ترکیبی استفاده نمود. در نتیجه بحث انتخاب از بین مدل اثرات ثابت و تصادفی پیش می‌آید که برای این منظور از آزمون هاسمن استفاده می‌شود.

نگاره (۳): نتایج آزمون هاسمن

احتمال	آماره خی دو	آزمون هاسمن
۰/۱۵۱	۱۰/۶۶	مدل فرضیه اول و دوم
۰/۰۶	۱۹/۶۹	مدل فرضیه فرعی اول و فرعی دوم
۰/۸۷	۳/۱۴	مدل فرضیه سوم
۰/۱۲۱	۱۱/۴۲	مدل فرضیه فرعی سوم

همانطور که از نگاره ۳ مشخص است فرض صفر آزمون هاسمن مبنی بر وجود اثرات تصادفی در مدل رد نشده و مدل دارای اثرات تصادفی است.

از آنجایی که مقدار عامل تورم واریانس برای تمامی متغیرهای مستقل پژوهش کوچکتر از ۵ است، بنابراین می‌توان مدعی شد که بین متغیرهای پژوهش همخطی وجود ندارد. پس از انجام پیش‌آزمون‌های پژوهش و حصول اطمینان نسبت به عدم وجود همخطی و نیز مانا بودن متغیرهای پژوهش، آزمون فرضیه‌های پژوهش بررسی شد.

آزمون فرضیات پژوهش

آزمون فرضیه اول و دوم

فرضیه اول: هر چقدر کیفیت گزارشگری مالی بالاتر باشد، کارایی سرمایه‌گذاری بیشتر است. فرضیه دوم: شرکت‌های کنترل شده خانوادگی، در مقایسه با شرکت‌های غیر وابسته به خانواده، سرمایه‌گذاری کارآمدتر دارند.

نتایج نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در شرکت‌های کنترل شده خانوادگی در مقایسه با شرکت‌های غیروابسته به خانواده بیشتر است، زیرا ضرایب بنگاه خانوادگی مثبت هستند و در سطح ۱ درصد و ۵ درصد معنی‌دار هستند. نتایج همچنین، نشان می‌دهد که کیفیت گزارشگری مالی بالاتر با کارایی سرمایه‌گذاری بالاتر همراه است و رابطه مثبت و معنادار بین مالکیت شرکت‌های خانوادگی و کیفیت گزارش مالی با کارایی سرمایه‌گذار تأیید شد. این نتایج فرضیه اول و دوم را مورد تأیید قرار می‌دهند. به عبارتی، کیفیت گزارشگری مالی و مالکیت شرکت‌های خانوادگی بالاتر به عنوان سازوکار نظارتی عمل می‌کنند و کارایی سرمایه‌گذاری شرکت را تقویت می‌کنند. این نتیجه با استدلال اصلی مطالعه همسو است که در شرکت‌های خانوادگی، بیشتر مدیر عاملان متعلق به یک خانواده هستند.

نگاره (۴): نتایج تخمین فرضیه اول و دوم

تأیید یا رد فرضیه	آماره تی	انحراف معیار	ضریب	
تأیید	۱۱/۵۴	۰/۰۰۵	۰/۰۶۱	$FRQ_{i,t}$
تأیید	۷/۶۹	۰/۰۶۱	۰/۱۲۴	$FC_{i,t}$
تأیید	۱۴/۰۳	۰/۰۴	۰/۳۶۱	$\times FC_{i,t}FRQ_{i,t}$
رد	۱/۷۱	۰/۰۰۵	۰/۰۳	$LEV_{i,t}$
تأیید	۴/۵۹	۰/۰۰۴	۰/۰۱	$ZSCR_{i,t}$
تأیید	۴/۱۷	۰/۵۱	۰/۲۴۳	$TANG_{i,t}$
رد	-۲/۷۹	۴/۸۱	-۰/۰۰۳	$TOBINQ_{i,t}$
تأیید	۵/۴۱	۰/۰۰۵۲	۰/۰۳۲	$FA_{i,t}$
تأیید	-۵/۳۱	۳/۲۷	-۰/۰۰۲	$SCS_{i,t}$
رد	۲/۴۷	۰/۰۲۵	۰/۰۴۳	$AUDQUAL_{i,t}$
۵۶۴	۵۶۴	۵۶۴	۵۶۴	تعداد مشاهدات
	۰/۶۲			R^2
	۱۱/۲۸			F-stat
	۳/۸۱			Wald Test

آزمون فرضیه سوم

فرضیه سوم: بین کیفیت گزارشگری مالی بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های کنترل شده و غیر کنترل شده خانوادگی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

نتایج نشان داده شده در نگاره ۸ که بر آورد ضریب مالکیت شرکت‌های خانوادگی (FC) و کیفیت گزارش مالی (FRQ) را نشان می‌دهد، مثبت و معنی‌دار است. این بدان معنی است که کیفیت گزارشگری مالی بالاتر کارایی سرمایه‌گذاری تقویت می‌کند. علاوه بر این، ما یادآور شدیم که بر آورد ضریب مدت تعامل (FRQ \times FC) مثبت و معنی‌دار است. این یافته‌ها مطابق با مفهوم اصلی نظریه نمایندگی است. به ویژه، منافع سهامدار و مدیر در تجارت غیرخانوادگی هماهنگ نیست که به مدیران اجازه می‌دهد دستور کار شخصی خود را اجرا کنند. علاوه بر این، مشاغل غیرخانوادگی با گرایش کوتاه مدت فعالیت می‌کنند و بنابراین، مدیران اهداف کوتاه مدت‌تر را ترجیح می‌دهند، زیرا با فشار بیشتر در بازار روبرو هستند و مشوق‌های آنها به عملکرد کوتاه‌مدت متصل است. بنابراین، تأثیر کیفیت

گزارشگری مالی بر کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های غیرخانوادگی کنترل شده ضعیف‌تر است. از سوی دیگر، شدت مشکلات نمایندگی احتمالاً در مشاغل خانوادگی کمتر از مشاغل غیرخانوادگی است، زیرا مشاغل متعلق به خانواده نسبت به مشاغل غیرخانوادگی در نظارت بر مدیریت کارآمدتر است.

نگاره (۵): نتایج تخمین فرضیه سوم

تأیید یا رد فرضیه	آماره تی	انحراف معیار	ضریب	
تأیید	۱۸/۷۰	۰/۰۰۳	۰/۰۷۰	$FRQ_{i,t}$
تأیید	۹/۵۹	۰/۰۲۱	۰/۲۰۴	$FC_{i,t}$
تأیید	۱۰/۱۳	۰/۰۲	۰/۲۷۱	$\times FC_{i,t}FRQ_{i,t}$
رد	۱/۹۱	۰/۰۰۵	۰/۰۱	$LEV_{i,t}$
تأیید	۲/۶۹	۰/۰۰۳	۰/۰۱	$ZSCR_{i,t}$
تأیید	۶/۵۷	۰/۲۱	۰/۱۴۳	$TANG_{i,t}$
رد	-۱/۶۹	۵/۹۱	-۰/۰۰۱	$TOBINQ_{i,t}$
تأیید	۹/۶۱	۰/۰۰۲۲	۰/۰۲۲	$FA_{i,t}$
تأیید	-۸/۵۱	۱/۱۷	-۰/۰۰۱	$SCS_{i,t}$
رد	۱/۷۷	۰/۰۱۵	۰/۰۲۸	$AUDQUAL_{i,t}$
۵۶۴	۵۶۴	۵۶۴	۵۶۴	تعداد مشاهدات
	۰/۴۹			R^2
	۸/۷۸			F-stat
	۳/۳۴			Wald Test

نتایج نشان داده شده در نگاره ۸ که برآورد ضریب مالکیت شرکت‌های خانوادگی (FC) و کیفیت گزارش مالی (FRQ) را نشان می‌دهد، مثبت و معنی‌دار است. این بدان معنی است که کیفیت گزارشگری مالی بالاتر کارایی سرمایه‌گذاری تقویت می‌کند. علاوه بر این، ما یادآور شدیم که برآورد ضریب مدت تعامل (FRQ \times FC) مثبت و معنی‌دار است. این یافته‌ها مطابق با مفهوم اصلی نظریه نمایندگی است. به ویژه، منافع سهامدار و مدیر در تجارت غیرخانوادگی هماهنگ نیست که به مدیران اجازه می‌دهد دستور کار شخصی خود را اجرا کنند. علاوه بر این، مشاغل غیرخانوادگی با گرایش کوتاه مدت فعالیت می‌کنند و بنابراین، مدیران اهداف کوتاه مدت‌تر را ترجیح می‌دهند، زیرا با فشار بیشتر در بازار روبرو هستند و مشوق‌های آنها به

عملکرد کوتاه مدت متصل است. بنابراین، تأثیر کیفیت گزارشگری مالی بر کارایی سرمایه گذاری در شرکت های غیرخانوادگی کنترل شده ضعیف تر است. از سوی دیگر، شدت مشکلات نمایندگی احتمالاً در مشاغل خانوادگی کمتر از مشاغل غیرخانوادگی است، زیرا مشاغل متعلق به خانواده نسبت به مشاغل غیرخانوادگی در نظارت بر مدیریت کارآمدتر است.

آزمون فرضیه فرعی سوم

فرضیه فرعی سوم: بین کیفیت گزارش مالی بر سرمایه گذاری کم (زیاد) مشابه سرمایه گذاری شرکت های کنترل شده و غیر کنترل شده خانوادگی رابطه معنی داری وجود دارد.

نگاره (۶): نتایج تخمین فرضیه فرعی سوم

ضریب	انحراف معیار	آماره تی	تأیید یا رد فرضیه	
$FRQ - KA_{i,t}$	-۰/۷۳۹	۰/۰۷	-۹/۴۷	تأیید
$FC_{i,t}$	۰/۲۰۴	۰/۰۲۱	۹/۵۹	تأیید
$\times FRQ - KA_{i,t}FC_{i,t}$	-۱/۰۶۷	۰/۱۵۶	-۶/۸۲	تأیید
$FA_{i,t}$	-۰/۰۳۱	۰/۰۱۷	-۱/۷۴	رد
$SCS_{i,t}$	-۰/۰۰۱	۹/۳۸	-۱۰/۶۵	تأیید
$CS_{i,t}$	۰/۰۲۴	۰/۰۰۵۳	۴/۵۱	تأیید
$POL_{i,t}$	۰/۲۳	۰/۰۸۸	۲/۷۲	تأیید
$ZSCR_{i,t}$	۰/۰۱	۰/۰۰۳	۲/۶۹	تأیید
$CA_{i,t}$	-۰/۲۳۶	۰/۰۴۶	-۵/۱۰	تأیید
$TANG_{i,t}$	۰/۱۴۳	۰/۲۱	۶/۵۷	تأیید
$LEV_{i,t}$	۰/۰۱	۰/۰۰۵	۱/۹۱	رد
تعداد مشاهدات	۵۶۴	۵۶۴	۵۶۴	۵۶۴
R^2	۰/۵۹			
F-stat	۱۰/۷۸			
Wald Test	۳/۲۴			

با توجه به نتایج درج شده در نگاره ۶ در شرکت های غیرخانوادگی، منافع سهامدار و سرمایه گذار هم تراز نیست. بنابراین به مدیران اجازه می دهد دستور کار شخصی خود را عملی

کنند. بعلاوه، شرکت های غیرخانوادگی به صورت به کوتاه مدت در خصوص ارائه گزارشات مالی عمل می کنند.

نتیجه گیری

انتخاب نادرست و خطر اخلاقی ممکن است فرصت ها و انگیزه هایی را برای مدیران خودمحمور برای پیروی از دستورات فردی فراهم کنند، بنابراین به طور بالقوه منجر به سرمایه گذاری کم و زیاد یک شرکت می شود. در نهایت سهامداران باید هزینه چنین حرکت هایی را متحمل شوند. دو دیدگاه نظری نمایندگی که به عنوان اثر متقابل و مستحکم هم شناخته می شوند، دیدگاه های متفاوتی درباره رفتار تصمیم گیری سرمایه گذاری در شرکت هایی با مالکیت خانوادگی و در مقایسه با مالکیت غیرخانوادگی دارند. به طور خاص، دیدگاه همترازسازی نشان می دهد که در یک مالکیت غیرخانوادگی، منافع مالک و مدیر با هم تراز هستند. در مالکیت شرکت های غیرخانوادگی، منافع سهامداران و مدیر تنظیم نشده است. بنابراین، به مدیران اجازه می دهد تا دستور کار شخصی خود را اجرا کنند. به علاوه، مالکیت شرکت های غیرخانوادگی به صورت به کوتاه مدت در خصوص ارائه گزارشات مالی عمل می کنند. در نتیجه مدیران اهداف بلندمدت را ترجیح می دهند، زیرا آنها با فشار بازار بیشتر مواجه می شوند و انگیزه های آنها به عملکرد کوتاه مدت آنها وابسته است. در این پژوهش اثرات کیفیت گزارشگری مالی و مالکیت شرکت های خانوادگی را برای کارایی سرمایه گذاری برای شرکت های فهرست شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی کردیم. علاوه بر این، پیامدهای اقتصادی کیفیت گزارشگری مالی در شرکت های خانوادگی و غیرخانوادگی را بررسی کردیم. نتایج نشان می دهد که کیفیت گزارشگری مالی و مالکیت شرکت های خانوادگی بالاتر با کارایی سرمایه گذاری بالاتر همراه است، و کیفیت گزارشگری مالی بالاتر با کاهش شکاف اطلاعات، مشکل سرمایه گذاری بیش از حد و کم سرمایه را کاهش می دهد. در صورت سرمایه گذاری مالکیت شرکت های غیر خانوادگی در پروژه های کارآمد، تمایل به تغییر مشاغل به نسل بعدی آنها امکان پذیر است. بنابراین، مالکیت شرکت های غیر خانوادگی در مقایسه با شرکت های غیر خانوادگی سرمایه گذاری کارآمدتری دارند. اثر تعدیل مالکیت شرکت های خانوادگی بر رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه گذاری نشان می دهد که تأثیر

کیفیت گزارشگری مالی بر کارایی سرمایه‌گذاری در مورد شرکت‌های خانوادگی قوی و در شرکت‌های غیرخانوادگی ضعیف است. در این راستا پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

- به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود با ارائه شاخص‌های مرتبط با مالکیت خانوادگی و رتبه بندی شرکت‌های پذیرفته شده از نظر ساختار سرمایه در تخصیص بهینه سرمایه در بازار کمک نموده تا از این طریق موجب افزایش شفافیت محیط تصمیم‌گیری شود و به افراد برای تصمیم‌گیری درست‌تر کمک بنماید.
- با توجه به یافته‌های این تحقیق به فعالان بازار سرمایه، تصمیم‌گیرندگان، تحلیل‌گران مالی و سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود تا در تحلیل طرح‌های سرمایه‌گذاری در دارایی‌های مالی و اوراق بهادار به تأثیر ساختار مالکیت خانوادگی بر ساختار سرمایه شرکت که در این تحقیق بدان اشاره شد، توجه ویژه داشته باشند، چرا که لحاظ کردن این عوامل مهم منجر به انتخاب سبد سرمایه‌گذاری بهینه با کمترین مخاطره و بیشترین بازدهی می‌گردد، ضمن آنکه شفافیت محیط تصمیم‌گیری و نتایج حاصله را نیز دوچندان می‌نماید.
- به نهادهای قانون‌گذار از جمله سازمان حسابرسی و سازمان بورس پیشنهاد می‌گردد تا با الزام شرکت‌ها به افشاء بیشتر مالکیت خانوادگی و میزان آن موجب افزایش شفافیت گزارشگری و اتخاذ تصمیمات بهینه توسط سرمایه‌گذاران گردد.
- به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود تا به بررسی مقایسه‌ای موضوع تحقیق حاضر، در نمونه‌های تفکیک شده بر اساس مراحل چرخه عمر (رشد، بلوغ و افول) شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بپردازند
- انجام این پژوهش تأثیر انواع مالکیت‌ها مانند تمرکز مالکیت، مالکیت دولتی، مالکیت

منابع

- Achleitner, A. K. , Günther, N. , Kaserer, C. , & Siciliano, G. (2014). Real Earnings Management and Accrual-Based Earnings Management in Family Firms. *European Accounting Review*, 23 (3) , 431-461.
- Ali, A. , Chen, T. Y. , & Radhakrishnan, S. (2007). Corporate Disclosures by Family Firms. *Journal of Accounting and Economics*, 44 (1-2) , 238-286.
- Ali. Mohammad Ali, Hasan Zadeh, Bozrou, (2019) , Accounting for Sustainability and Its Effects on Investment Performance, *Journal of Accounting*, 33 (4). 34-7
- Anderson, R. C. , & Reeb, D. M. (2003). Founding- Family Ownership and Firm Performance: Evidence from the S&P 500. *The Journal of Finance*, 58 (3) , 1301-1328.
- Anderson, R. C. , Duru, A. And Reeb, D. M. ((2012) , “Investment Policy in Family Owned Firms *Journal of André*, 4 (9). 34-56.
- André, P. , Filip, A. , & Marmousez, S. (2014). The Impact of IFRS on the Relationship between Conservatism and Investment Efficiency. *Comptabilité-Contrôle-Audit*, 20 (3) , 101-124.
- Asaba, S. (2013). Patient investment of family firms in the Japanese electric machinery industry. *Asia Pacific Journal of Management*, 30 (3) , 697-715.
- Attig, N. , Boubakri, N. , El Ghoul, S. , & Guedhami, O. (2016). The global financial crisis, family control, and dividend policy. *Financial Management*, 45 (2) , 291-313.
- Audretsch, D. B. , Hülsbeck, M. , & Lehmann, E. E. (2013). Families as Active Monitors of Firm Performance. *Journal of Family Business Strategy*, 4 (2) , 118-130.
- Badawar, Yunisia, Nahandi, Reza (2014). Any Effects of Brokerage on Unprofitable Investment in Debt Securities. *Dynamic Communities and Formal Spaces*. 21 (34). 56-78.
- Beatty, A. , Liao, S. , & Weber, J. (2009). The Effect of Private Information and Monitoring On the Role of Accounting Quality in Investment Decisions. Joseph Peter, *The Effect Of Private Information And Monitoring On The Role Of Accounting Quality In Investment Decisions*. 4 (1). 45-67.
- Bertrand, M. , & Mullainathan, S. (2003). Enjoying the Quiet Life? Corporate Governance and Managerial Preferences. *Journal of Political Economy*, 111 (5) , 1043-1075.
- Biddle, G. C. , & Hilary, G. (2006). Accounting Quality and Firm- Level Capital Investment. *The Accounting Review*, 81 (5) , 963-982.
- Biddle, G. C. , Hilary, G. , & Verdi, R. S. (2009). How Does Financial Reporting Quality Relate to Investment Efficiency? *Journal of Accounting and Economics*, 48 (2-3) , 112-131.
- Chen, S. , Chen, X. I. A. , & Cheng, Q. (2008). Do Family Firms Provide More or Less Voluntary Disclosure? *Journal of Accounting Research*, 46 (3) , 499-536.
- Chen, X. , Sun, Y. , & Xu, X. (2016). Free Cash Flow, Over-Investment and Corporate Governance in China. *Pacific-Basin Finance Journal*, 37, 81-103.

- Chung, H. H. , Wynn, J. P. , & Yi, H. (2013). Litigation Risk, Accounting Quality, and Investment Efficiency. *Advances in Accounting*, 29 (2) , 180-185.
- Claessens, S. , Djankov, S. , & Lang, L. H. (2000). The Separation of Ownership and Control in East Asian Corporations. *Journal of Financial Economics*, 58 (1-2) , 81-112.
- Craig, J. , & Dibrell, C. (2006). The Natural Environment, Innovation, and Firm Performance: A Comparative Study. *Family Business Review*, 19 (4) , 275-288.
- Czarnitzki, D. , & Kraft, K. (2009). Capital Control, Debt Financing and Innovative Activity. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 71 (2) , 372-383.
- De Massis, A. , Frattini, F. , Pizzurno, E. , & Cassia, L. (2015). Product Innovation in Family versus Nonfamily Firms: An Exploratory Analysis. *Journal of Small Business Management*, 53 (1) , 1-36.
- Deangelo, L. E. (1981). Auditor Size and Audit Quality. *Journal of Accounting and Economics*, 3 (3) , 183-199.
- Dechow, P. M. , & Dichev, I. D. (2002). The Quality of Accruals and Earnings: The Role of Accrual Estimation Errors. *The Accounting Review*, 77 (1) , 35-59.
- Dhaliwal, D. , & Zhang, Y. (2013). Does Investment Efficiency Improve After the Disclosure of Material Weaknesses in Internal Control Over Financial Reporting? *Journal of Accounting and Economics*, 56 (1) , 1-18.
- Faccio, M. , & Lang, L. H. (2002). The Ultimate Ownership of Western European Corporations. *Journal of Financial Economics*, 65 (3) , 365-395.
- Fama, E. F. (1980). Agency Problems and the Theory of the Firm. *Journal of Political Economy*, 88 (2) , 288-307.
- Fama, E. F. , & Jensen, M. C. (1983). Separation of Ownership and Control. *The Journal of Law and Economics*, 26 (2) , 301-325.
- Fernando, G. D. , Schneible Jr, R. A. , & Suh, S. (2014). Family Firms and Institutional Investors. *Family Business Review*, 27 (4) , 328-345.
- Gomez-Mejia, L. , Cruz, C. , & Imperatore, C. (2014). Financial Reporting and the Protection of Socioemotional Wealth in Family-Controlled Firms. *European Accounting Review*, 23 (3) , 387-402.
- Jensen, M. C. (1986). Agency Costs of Free Cash Flow, Corporate Finance, and Takeovers. *The American Economic Review*, 76 (2) , 323-329.
- Jensen, M. C. , & Meckling, W. H. (1976). Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure. *Journal of Financial Economics*, 3 (4) , 305-360.
- Jones, J. J. (1991). Earnings Management during Import Relief Investigations. *Journal of Accounting Research*, 29 (2) , 193-228.
- Kashani, Mohammad, Rahmani, Mohammad, (2016). The Ability of Managers to Address the Financial Crisis of Investing in Drug Companies. " 4 (13). 85-66.
- Kasznik, R. (1999). On the association between voluntary disclosure and earnings management. *Journal of accounting research*, 37 (1) , 57-81.
- Khodai, Valizade, Yahia, Matira. Investigating the Relationship between Capital Markets and Investment Performance in the Tehran Stock Exchange. *Journal of Management Accounting*, 3 (5) , 1-15.

- Kuan, T. H. , Li, C. S. , & Chu, S. H. (2011). Cash Holdings and Corporate Governance in Family-Controlled Firms. *Journal of Business Research*, 64 (7) , 757-764.
- Lee, P. M. , & O'neill, H. M. (2003). Ownership Structures and R&D Investments of US and Japanese Firms: Agency and Stewardship Perspectives. *Academy Of Management Journal*, 46 (2) , 212-225.
- Modares, Ahmad and Raza Karzadeh. 87 Monthly Survey of Investment and Investment Performance. *Stock Exchange and Securities Society*, First Year, 2 (8) -11-185.
- Mohammadi, Sajad, Salehi, Alakeram, (2018) , Investigating the Powerless Management Relationship with Capital Efficiency and Raw Materials, 9 (6). 45-67.
- Safari Gerae, Mehdi, Rahnai. 1396, "Investigating the Relationship between Our Investment and Investment Performance and the Impact of the Purchasing Structure on the Relationship". *Community 1 - We Have A Wealth Of Management And Support*. 5 (1). 98-83.
- Saghafi, Ali, And Majidw, Mohtamed Fazel. (2011). the Relationship between Satellite and Investment Performance in High-Capacity Firms. *Financial Stability Tasks*, 3 (14). 56-78.
- Shleifer, A. , & Vishny, R. W. (1997). A Survey of Corporate Governance. *The Journal of Finance*, 52 (2) , 737-783.
- Stein, J. C. (1989). Efficient Capital Markets, Inefficient Firms: A Model of Myopic Corporate Behavior. *The Quarterly Journal of Economics*, 104 (4) , 655-669.
- Stock, J. H. , & Yogo, M. (2002). Testing for Weak Instruments in Linear IV Regression (No. T0284). National Bureau of Economic Research.
- Wazi, Ali, Ebrahim Bnafi, Mohammad (2017). *Financial Accounting Company 8* (1). 101-13. Achleitner, A. K. , Günther, N. , Kaserer, C. , & Siciliano, G. (2014). Real Earnings Management and Accrual-Based Earnings Management in Family Firms. *European Accounting Review*, 23 (3) , 431-461 .

Quality of Financial Reporting, Family Ownership, and Investment Performance in Companies Listed in Tehran Stock Exchange

Mohamad Mohamadi¹

Received: 2019/09/28

Accepted: 2019/12/17

Research Paper

Abstract

The agency theory considers higher financial reporting quality as a solution to reduce the challenge of low and high investment by reducing asymmetric information. In the case of investment efficiency, the economic implications of financial reporting quality in family and non-family ownership differ. This study examines the relationship between family ownership and the quality of financial reporting on investment performance during the period of 1396-1392 for listed companies in Tehran Stock Exchange. Research models were assessed based on ordinary least squares method and multiple regression. The study emphasizes both agency and behavioral theories. The results show that firms with higher financial reporting quality and family ownership, have higher investment efficiency. In addition, the quality of financial reporting and higher family ownership reduce investment. The impact of the quality of financial reporting on investment efficiency is stronger for family-owned businesses.

Keywords: Family ownership, Financial reporting quality, Investment efficiency.

JEL classification: M41.

DOI: 10.22051/ijar.2020.27947.1539

¹ PhD Student of Accounting, Islamic Azad University, Mobarakeh Branch, Isfahan, Iran.
(mkz.mohamadi@gmail.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

Comparative Examination of the Treatment Costs of Pediatric Digestion Patients Using Time-Driven Activity-Based Costing and Traditional Models (Case Study: Shahid Sadoughi Hospital, Yazd)

Mohamad Reza Haji Ghasemi¹, Mahdiye Ajdari²

Received: 2019/07/01

Accepted: 2019/10/07

Research Paper

Abstract

Legislative requirements and helping to make decision in health management, the importance of using the proper costing method in public hospitals has become increasingly evident. The present study is a kind of developmental applied research that has calculated the cost of services in pediatric gastrointestinal ward patients in Shahid Sadoughi Hospital of Yazd in 2017. The results showed that the overhead costs are 44.68% and the overhead idle capacity costs are 10.22% allocated total costs of the treatment process. The practical unused capacity of the relevant career involved in the treatment process are indicated respectively 4283, 5134, 7239, 5904, 282, 580 and 440 minutes, physician, assistant, intern, nurse, secretary, vector illustration technician and laboratory. The findings research by confirming the significant cost of services in these two costing methods, showed that the traditional system would lead to mistakes of management decisions as result of wrong cost indication. Therefore, the time driven model is more accurately reported the cost of services by using time equations.

Keyword: Idle capacity, Healthcare, Pediatric Gastroenterologist, Time-driven activity-based costing.

JEL Classification: M41.

DOI: 10.22051/ijar.2020.27016.1523

¹ PhD Student in Accounting, Tajikistan University, Dushanbe, Tajikistan.
(hajighasemi.m.r@gmail.com)

² MSc of Accounting, University of Science and Arts of Yazd, Yazd, Iran. Corresponding Author
(ajdariiii1371@gmail.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

The Application of the Correspondent Inference Theory (Attribution theory) in the Behavior of Investors with a Quasi-Empirical Approach

Farzaneh Nasir Zade¹, Mostafa Zangi Abadi², Vahid Molla Imani³

Received: 2019/06/23

Accepted: 2019/10/07

Research Paper

Abstract

In this research, the individual's response to the outcome of his behavior (investment in the stock market) is measured in the form of the corresponding inference theory (Attribution theory). In fact, this theory considers that what factors do people attribute to the outcome of their behavior (investment in the virtual stock market). This assessment was carried out in a quasi-experimental way on a number of people who were alike in terms of knowledge of investing in the exchange, in three steps. The results indicate that when people get negative returns, they attribute it to external factors; and, conversely, when they achieve positive returns, they attribute the result to their intrinsic qualities. These two results are in fact consistent with the concept of the theory of the corresponding inference (Attribution theory), and in some way, confirm this theory in practice.

Keywords: Attribution theory, Corresponding inference theory, Investment, Return, Virtual exchange

JEL classification: G41

DOI: 10.22051/ijar.2020.26858.1521

¹ Associate Professor of Accounting, Ferdowsi University Mashhad, Mashhad, Iran. Corresponding Author (nasirzadeh@um.ac.ir)

² PhD Student in Accounting, Ferdowsi University Mashhad, Mashhad, Iran. (m.zangiabadi229@gmail.com)

³ PhD Student in Accounting, Ferdowsi University Mashhad, Mashhad, Iran. (v_cool67@yahoo.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

The Impact of Family Involvement on the Relationship between Corporate Social Responsibility and Earnings Management

Javid Yar Ahmadi¹, Abdullah Mohamadi²

Received: 2019/06/01

Accepted: 2019/09/22

Research Paper

Abstract

The relationship between corporate social responsibility and earnings management is one of the controversial issues in financial and accounting research. Due to significant increase in the number of family firms in emerging economies, many research has been done in this field. The unique characteristics of family firms' ownership structure such as reputation, family credit, social-emotional wealth, ownership concentration and long-term investment horizon affect the behavior and performance of these companies. Thus, the main purpose of this study is to investigate the impact of family firms on the relationship between corporate social responsibility and earnings management. To achieve this purpose, it was collected data and information from a sample of 119 listed firms in Tehran Stock Exchange for the period of 2011-2017. A panel data approach was used to test the hypotheses of research. The results of the research indicate that family ownership has significant positive and negative relationship with corporate social responsibility and earnings management respectively. The main findings of the research also indicate that family firms weaken and limit the relationship between corporate social responsibility and earnings management. In family firms, the main factor of investing in social responsibility and avoiding earnings management is the attention of family owners to the family reputation, credit and preservation of family social-emotional wealth.

Keywords: Corporate social responsibility, Earnings management, Family firms.

JEL classification: M14, M41.

DOI: 10.22051/ijar.2020.26497.1517

¹ MSc of Accounting, Imam Khomeini International University, Ghazvin, Iran. Corresponding Author (javidyarahmadi@gmail.com)

² MSc of Accounting, Imam Khomeini International University, Ghazvin, Iran. (mohammadi.abed72@yahoo.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

Explaining and Describing the Interventionist Approach in Accounting and Auditing Research

Abdoreza Mohseni¹, Lida Sayadi²

Received: 2019/05/21

Accepted: 2019/09/02

Review Paper

Abstract

Various approaches are used in performing a scientific research. Interventionist approach is one of the most innovative and popular research methods that has recently been considered by accounting researchers. However, accounting researchers do not have enough knowledge and perception about this kind of research approach. Accordingly, in the present research as by conceptualizing " Interventionist research, we tried to answer the following questions ": 1) what does the Interventionist researcher do exactly in this field? What is the role of the Interventionist approach in accounting research? 3) What is the purpose of the Emic & Etic in this approach? And at the end, what is the future of Interventionist approach in accounting research? The results showed that the research has created a new application knowledge and its purpose is to generate new knowledge through communication and collaboration between accounting researchers and accountants (profession members); in other words, in an Interventionist research, the researcher needs to break the boundary between external and internal perspectives and move between the of emic and etic domains. It is therefore expected that accounting researchers will have professional skills to apply an intervention approach to their research.

Keywords: Applied knowledge, Emic & etic approach, Interventionist research, Non-intervention research.

JEL classification: M41, M42.

DOI: 10.22051/ijar.2020.26250.150

¹ Assistant Professor of Accounting, Islamic Azad University, Bushehr Branch, Bushehr, Iran.
(mohseni.abdoreza@yahoo.com)

² PhD Student in Accounting, Islamic Azad University Bushehr Branch, Bushehr, Iran.
Corresponding Author (lsayadi67@gmail.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

The Effect of Firm Size on Relationship between Intangible Resources and Performance in Companies listed in Tehran stock exchange

Zohre Arefmanesh¹, Tayebe Zare Zardini²

Received: 2019/05/28

Accepted: 2019/09/18

Research Paper

Abstract

The purpose of this research is to investigate the effect of firm size on relationship between intangible resources and performance of firms listed in the Tehran stock exchange. The 5 types of intangibles are used in this research included human resources, management resources, innovation and intangible based on market. The performance was measured based on return on assets, return on sales and Q-Tobin ratio. In this study, the ordinary least squares regression on panel data and comparison between two communities was used to test the hypotheses. The results showed that there is a significant difference between human and management resources in SMEs and large enterprises. Also, results showed that human resources have a significant impact on ROA and ROS. Management resources has a significant impact on ROS. Also, firm size has a significant effect on the relationship between innovation resources and performance based on Q-Tobin.

Keywords: Firm Performance, Firm size, Intangible assets

Jel classification: L11, L25, M40

DOI: 10.22051/ijar.2020.25955.1514

¹ Assistant Professor of Accounting, Yazd University, Yazd, Iran. Corresponding Author
(zohreharefmanesh@gmail.com)

² MSc. Of accounting, Alzahra University, Tehran, Iran. (zare_tayebeh86@yahoo.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

The Relationship between Political Connections and Real and Artificial Earnings Management

Ghader Dadashzadeh¹

Received: 2018/01/27

Accepted: 2018/05/17

Research Paper

Abstract

In addition to accounting standards, financial statements prepared by an entity, are affected by a variety of factors. One of the important and remarkable factors is political influence of managers and owners of enterprise in political circles and their relationships with centers of political power. Political relationships not only affect the financial condition of enterprises, but also affects the motivations of managers about financial reporting and preparation of financial statements. The purpose of this research is to investigate the relationship between political relationships and real and artificial modified earnings management. In order to, this research used five index included: stock market value, book value of assets, number of employees, export sales and insurance payments for measuring political relationships based on Faccio (2006) study. Also, it was used two criteria included discretionary accruals based on Jones modified model by Dechow et al (1995) and current accruals adjusted performance (REDCA) based on Ashbaugh et al (2003) for measuring artificial earning management. In order to achieve goal research, 130 company listed in Tehran Stock Exchange during the 2009 to 2013 years were selected. The results show that there is a negative and significant relationship between number of employees and artificial earnings management and there is a positive and significant relationship between number of employees and real earnings management. also there is not relationship between other political connections measures and real and artificial earnings management. This finding suggest that political connections associated with real and artificial earnings management does not play an important role in Iran Stock Exchange and it is considered as a completely ineffective mechanism.

Keywords: Current adjusted accruals performance, Political connections, Real and artificial earnings management.

JEL classification: M42, G34

DOI: 10.22051/ijar.2020.23279.1457

¹ PhD of Accounting, Young Researchers and Elite Club, Islamic Azad University, Marand Branch, Marand, Iran (Ghaderdadashzadeh@gmail.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

Islamic Ethics: A Framework for the Compilation of Professional Accounting Practices

Shokrollah Khajavi¹, Sara Etemadi Eidgahi², Mohamad Hoseein
Ghadirian Arani³

Received: 2019/05/23

Accepted: 2019/09/16

Review Paper

Abstract

Ethical values provide the basis for a society based on it. Ethics regulates communication behavior on a person, organization, society and global level and neglecting it has much irreparable harm. The behavioral and ethical codes of each profession determine its most important policies. These policies include some of the main features of the profession, the relationship of the members of the profession with the community, the relationships of the members of the profession with each other, and finally the relations of each member with the professional community. As financial scandals increased, it became clear that accountants should be committed to complying with professional ethics in addition to complying with technical standards and principles. Considering the importance of ethical values in the religion of Islam, the purpose of this study is to explain the role of Islam and its ethical principles in solving the problems of accounting profession of the present era and the ethics of professional accounting based on the concept of pure rationalism. In this research, the necessity and need for the Islamic values and ethics of accounting for the protection of public interests is explained and Islamic principles are introduced that can be used as the basis and framework for the formulation of the ethics of professional in accounting. Respect for others, freedom, justice, honesty, responsibility, tolerance and fortitude, criticism, moderation, modesty and kindness, and secrecy are the most important moral principles that can be extracted from Nahj al-Balagha as one of the most important Islamic sources.

Keywords: Code of ethic, Islamic ethics, Nahj al-Balagha, Professional ethics.

JEL classification: M41

DOI: 10.22051/ijar.2020.26313

¹ Professor of Accounting, Shiraz University, Shiraz, Iran. Corresponding Author
(shkhajavi@rose.shirazu.ac.ir)

² PhD of Accounting, University of Tehran, Kish International Campus, Kish, Iran.
(sara.20666@yahoo.com)

³ PhD of Accounting, Shiraz University, Shiraz, Iran. (ghadirian.a.88@gmail.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

Table of content

Islamic Ethics: A Framework for the Compilation of Professional Accounting Practices	1
Shokrollah Khajavi, Sara Etemadi Eidgahi, Mohamad Hoseein Ghadirian Arani	
The Relationship between Political Connections and Real and Artificial Earnings Management.....	31
Ghader Dadashzadeh	
The Effect of Firm Size on Relationship between Intangible Resources and Performance in Companies listed in Tehran stock exchange	57
Zohre Arefmanesh, Tayebe Zare Zardini	
Explaining and Describing the Interventionist Approach in Accounting and Auditing Research.....	75
Abdoreza Mohseni, Lida Sayadi	
The Impact of Family Involvement on the Relationship between Corporate Social Responsibility and Earnings Management.....	93
Javid Yar Ahmadi, Abdullah Mohamadi	
The Application of the Correspondent Inference Theory (Attribution theory) in the Behavior of Investors with a Quasi-Empirical Approach	117
Farzaneh Nasir Zade, Mostafa Zangi Abadi, Vahid Molla Imani	
Comparative Examination of the Treatment Costs of Pediatric Digestion Patients Using Time-Driven Activity-Based Costing and Traditional Models (Case Study: Shahid Sadoughi Hospital, Yazd).....	135
Mohamad Reza Haji Ghasemi , Mahdiye Ajdari	
Quality of Financial Reporting, Family Ownership, and Investment Performance in Companies Listed in Tehran Stock Exchange	157
Mohamad Mohamadi	

IN THE NAME OF GOD

Quarterly Journal of Accounting and Auditing Research
Autumn 2020, Volume 10, Issue number 3
Number 38

<p>Jornal of</p> <p><i>Accounting research</i></p>	<p>Licence Holder: Alzahra University Director: Rahmani. Ali, Prof. Alzahra University Editor in chief: Mashayekh. Shahnaz, Associate Prof. Alzahra University Executive Manager: Behbahaninia. Parisa Saadat, Assistant Prof. Alzahra University Editorial Board: Pourjalali Hamid, Professor of Hawaii University Hejazi, Rezvan, Professor of Alzahra University Rahmani Ali, Professor of Alzahra University Rezaee Zabihollah, Proffessor of Memphis University Mashayekh, Shahnaz, Associate Prof. of Alzahra University Mollanazari, Mahnaz, Associate Prof. of Alzahra University Homayoun Saeid, Professor of Gavle University Yazdifar Hassan, Associate Professor of Salford University Business School Scientific Editor: Behbahaninia, Parisa Saadat Literally editor: Taheri, Mandana English Editor: Mostafaie, Parasto Cover Designer: Samadian, Maryam Lay out editor: Esfandi, Khadijeh Coordinator: Pakkhesal Azam, Esfandi Khadijeh Address: Alzahra University, Vanak ,Tehran - Iran. P. O Box 1993893973 Tel: (+9821) 85692421- 85692745 Fax: 88252178 Website: http://ijar.alzahra.ac.ir/ Email: jar@alzahra.ac.ir</p>